

کیمهان ۵۷۹

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده

جمعه ۲۰ اردیبهشتیه ۲۶ شهریور ۱۴۰۵ خورشیدی

شماره چهل و سوم - شماره ۲۰۴۵

«خفگی اقتصادی»

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند

تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند

تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

https://kayhanlife.com/
newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG

Tel: 0044 (0)20 3633 3684

e-mail:

info@kayhan.london

ads@kayhan.london

editorial@kayhan.london

www.kayhan.london

www.kayhanlife.com

سال چهل و سوم

کیهان شماره ۲۰۴۵ (۵۷۹)

۲۰ تا ۲۶ شهریور ۱۴۰۵

۱۱ تا ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۶



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»
برای نخستین بار ایده‌آه گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
عالمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق ایمیل یا کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی

نوشته: داریوش پیرنیا

به کوشش منصوره پیرنیا

لطفاً جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهر ایران

شماره تلفن: ۳۰۱۲۷۹۶۷۷۸ و ۲۴۰۶۰۲۷۲۳ در شرق آمریکا تماس حاصل نایید.

Web: www.pirnia.com



Email: pirnia@pirnia.com

کیمسان

فهرست مطالب**

۴	سرمقاله- بهره‌برداری هدفمند جمهوری اسلامی از آسیب‌های اجتماعی / روشنک آسترکی
۴-۵	تیر هفته - «حقیقی اقتصادی» ... /
۶	هشدار شاهزاده رضا پهلوی به رژیم ضحاکي و رهبر مفقودش: «گمان نکنید با کشتار ده‌ها هزار ... /
۶	پیام شاهزاده رضا پهلوی به خانواده‌های جاویدنامان: شما تنها نیستید! ... /
۷	شورای حکام پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی را به شورای امنیت ارجاع داد ... /
۷	وزیر خزانهداری آمریکایک: اتحاد به اروپا و بار سماء به «عملیات طرد اقتصادی» علیه جمهوری اسلامی پیوست ... /
۸	تبغ عملیات «طرد اقتصادی» بر شرابان تأمین ارز جمهوری اسلامی ... /
۹	ساتنویف‌های IR-6: آتش زیر خاکستر بر نامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ... /
۱۰-۱۱	پس از بیست سال، آمریکایکواروپا به دنبال ارجاع پرونده اتمی جمهوری اسلامی به شورای امنیت ... /
۱۱	زدی ضربتی، ضربتی نوش کن! ... / اخیر اندیش (احمد احرار)
۱۲-۱۳	گذار از طوفان - خاطرات مرتضی زربخت در گفتگو با حمید احمدی / بخش (۱۰) ... /
۱۴	از رویارویی نظامی تا فرسایش و فروپاشی اقتصادی ... / دانه العزی (روزنامه‌الرای)
۱۵	آیا جنگ آمریکایک و جمهوری اسلامی به جنگ منطقه‌ای تبدیل شده است؟ ... / عبداللطیف المناوی
۱۶-۱۷	دبلی‌میل: میلیون‌ها دلار پول مالیات دهندگان کانادا به فردمربط با برنامه موشکی ایران ... /
۱۷	سرنخ ردیابی کشتی‌های خلیج فارس در پرونده غفوری فرد و کانادا؟! ... / افرید خلیفی
۱۸-۱۹	اکونومیست: پس از سه سال جنگ، «محور مقاومت» دیگر یک محور نیست ... /
۱۹	«علی‌الظاهر»: سقوط دژ زیرزمینی جمهوری اسلامی در لبنان ... / افرید خلیفی
۲۰-۲۱	ارزیابی اطلاعاتی اسرائیل: جمهوری اسلامی در حال آماده‌شدن برای حمله به اسرائیل است ... /
۲۱	رافائل گروسی در نشست فصلی آژانس: بیش از یک سال است از برنامه هسته‌ای ایران اطلاعی نداریم ... /
۲۲	افزایش فشارهای بین‌المللی علیه رژیم ایران: هشدار جمهوری اسلامی درباره ارجاع پرونده هسته‌ای ... /
۲۳	تحریم ۳۵ شرکت، ایران، نهاد و فرد در ارتباط با صنعت هوانوردی حکومت ایران ... /
۲۴-۲۵	از تنگه هرمز تا باب‌المندب: کپی برداری حوثی‌ها از راه‌زنی دریایی رژیم ایران ... / اباسمه‌رو (العریبه)
۲۵	دست‌آورد نظام اسلامی: نوشیدن فاضلاب بجای آب! ... / افرید خلیفی
۲۶	درگیری شدید میان حوثی‌ها و نیروهای عربستان: تشدید تنش‌های منطقه‌ای ... /
۲۷	نیویورک پست: عمان پیشنهاد جمهوری اسلامی برای دریافت عوارض از کشتی‌های هادر تنگه هرمز ... /
۲۷	جمهوری اسلامی با هر قتل حکومتی، فقط یک عضو خانواده را نکشت ... / بهنام محمدی
۲۸	هشدار مارکوریو به جمهوری اسلامی: اگر به شناورهای آمریکایی شلیک کنید، نفتکش‌های شما را ... /
۲۸-۲۹	محاکمه شرکت چینی «هواوی» در آمریکایک به اتهام همکاری با جمهوری اسلامی و سرقت اطلاعاتی ... /
۲۹	بریتانیا تحریم‌های سخت‌تری علیه جمهوری اسلامی وضع کرد ... /
۳۰	آخرین وضعیت دادگاه متهم به آتش زدن دیوار جاویدنامان در لندن ... / آدوم صابو نیچان
۳۱	آمریکایک نفتکش جمهوری اسلامی را در حوالی خارک هدف قرار داد ... /
۳۱	تحریم سه نهاد مستقر در ترکیه به اتهام همکاری در تأمین مالی «سپاه قدس» ... /
۳۲	دلار در مرز ۲۳۰ هزار تومان: افراکتی رئیس کل بانک مرکزی درباره سقوط ارزش پول ملی ... /
۳۳	پس از ده‌ها نرخ دلار و بین در بازار اتمیبل: افزایش قیمت ۸۰۰ میلیون تومانی در یک روز! ... /
۳۴	تنگه هرمز: زمان دیگر به سود جمهوری اسلامی نیست ... /
۳۵	افزایش فعالیت‌های ساختمانی در کوه «کلنگ گزلا» و تهدید واشنگتن ... /
۳۶	گزارش نیویورک پست: خواهران دولقوی اصفهانی در زندان مرگ جمهوری اسلامی ... /
۳۷	ساندی تایمز: دو بنت‌هاوس لوکس مجتبی‌خامنه‌ای در لندن به فروش گذاشته شد ... /
۳۸-۳۹	بازگشت به ارزش‌های تمدنی، کابوس ایدئولوژی‌های شکست خورده ... / افرید صابری
۳۹	منطق ماشه! ... / س. روزبه
۳۹	دشمنان مشترک ایران و اوکراین: گفتگو با آلینا برستنیوا، فعال مدنی اوکراینی ساکن لندن ... /
۴۰	یک جامعه‌شناس ساکن ایران: جامعه به شدت آستان اعتراضات و تکرار دی‌ماه دیگر نیست ... /
۴۱	بحران کمبود گرانی دارو و عمیق ترمی شود: بدهی ۷۷ هزار میلیارد تومانی به داروخانه‌ها ... /
۴۲	تورم ۱۰۰ درصدی در راه است: طرح‌های بی‌خاصیت حمایتی و جامعه‌ای در زیر خط فقر! ... /
۴۳	شیوع گسترده کرونا و انفولانزا در ایران: واکسن نیست و شهروندان به علت هزینه بالا ... /
۴۴-۴۵	افزایش دوباره نرخ سوم‌بزن توسط دولت پزشکیان: موج جدید گرانی کالا و خدمات در راه است! ... /
۴۵-۴۶	آبگرفتگی استان‌های گیلان و مازندران در پی بارش باران ... /
۴۶-۴۷	ماجرای بحران کمبود بین و گازوئیل در ایران ... /
۴۸	تشکیل «قرارگاه جنگ اقتصادی» در وزارت اقتصاد دولت پزشکیان ... /
۴۹	هشدار یک اقتصاددان: احتمال بروز تورم ۶۰۰ درصد در ایران! ... /
۵۰	کمبود گاز در پاییز و زمستان «جدی» است ... /
۵۱	هشدار درباره افزایش ترک تحصیل کودکان در سال تحصیلی جدید ... /
۵۲	حداد عادل: به دلیل شرایط جنگ، فعالان نمی‌توانیم آنطور که باید وارد مسئله حجاب شویم! ... /
۵۳	بازار کساد نوشت افزایش زیر سایه گرانی و سقوط قدرت خرید خانواده‌ها ... /
۵۴-۵۵	خبرهای کوتاه ... /
۵۶	پشت جلد - عکس هفته / تسلیم در برابر اراده مردم ... /



بازنشر
بازنشر

بهره‌برداری هدفمند جمهوری اسلامی از آسیب‌های اجتماعی

آمار انواع آسیب‌های اجتماعی از زورگیری و سرقت تا نزاع خیابانی، خشونت خانگی و خودکشی در ایران در حال افزایش است؛ آسیب‌هایی که نقطه تلاقی‌های عملکرد ناهنجارانه جمهوری اسلامی در نزدیک به چهار دهه گذشته است و البته پیامدهای آن ممکن است تا چند نسل آینده ایران را تحت تأثیرات منفی خود قرار دهد.

مردم ایران چهل و هفت سال است با انواع سرکوب، تحقیر، محدودیت و ناکامی‌هایی دست و پنجه نرم می‌کنند که جمهوری اسلامی بر سر آنها آوار کرده است. از سوی دیگر حکومتی که همواره درگیر تبلیغات برای تحمیل ایدئولوژی خود به یک ملت و صدور انقلاب‌اش به جهان بوده و وظایف مهمی چون آموزش همگانی، توسعه فرهنگی منطقه با روح زمان و گسترش دامنه حمایت از اقشار و گروه‌های آسیب‌پذیر مانند زنان و کودکان و ساکنان مناطق محروم را به فراموشی سپرده، نتوانسته است مهارت‌های فردی و اجتماعی شهروندان را نیز توسعه دهد؛ هر جا هم خواسته است به ناهنجاری‌ها و آسیب‌ها به اصطلاح «ورود» کند، با شدیدترین و غیرانسانی‌ترین برخورد سرکوبگرانه با شهروندانی روبرو شده که خود قربانیان ساختار تباهاکار و آسیب‌پرور آن هستند.

در چنین شرایطی است که با تشدید فشارهای اقتصادی در سال‌های گذشته و در حالی که مردم با تحمیل انواع تحقیرها و سرکوب‌های انباشته‌ی حکومتی روبرو هستند، الگوی چراتم و خشونت‌ها نیز تغییر می‌کند و آسیب‌های اجتماعی با روندی فزاینده بازتولید می‌شوند.

قابل توجه اینکه حتی میزان زن‌کشی و قتل‌های ناموسی که در مقاطعی کم شده بود، دوباره افزایش یافته است. اگرچه قتل‌های ناموسی یک جنبه فرهنگی پدرسالارانه‌ی پررنگ دارد اما دقیقاً یکی از وظایف حکومت‌ها روشنگری و آموزش‌های فرهنگی و حقوقی و همچنین آموزش مهارت‌های فردی چون مدیریت استرس، کنترل خشم، حل مسئله و خودآگاهی با هدف اصلاح فرهنگ‌های زن‌ستیز و ناهنجار و توانمندسازی شهروندان است. صرف نظر از اینکه نظام حقوقی جمهوری اسلامی اساساً ضد شهروندان و برخلاف موازین حقوق بشر است.

به بیان دیگر آدرس تمامی ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی در ایران در نهایت مستقیم و غیرمستقیم به ساختار سیاسی و حقوقی می‌رسد. حکومت ایران زنجیره تباهاکارانه‌ای را ایجاد کرده تا در آن انواع فشارهای ناشی از محدودیت‌ها و ناکامی‌ها از حوزه اجتماعی به حوزه فردی وارد شود و چرخه خشونت را به درون فرد و زیر سقف خانه‌ها بکشد.

روندی که در نظریه‌های جامعه‌شناسی به عنوان انتقال فشار ساختاری به رفتار پرخاطر فردی شناخته می‌شود و نخستین بار توسط رابرت مerton تحت عنوان «نظریه فشار» مطرح شد و سپس توسط دیگر جامعه‌شناسان از جمله رابرت اکینو گسترش یافت. این جامعه‌شناسان توضیح داده‌اند چگونه نابرابری‌های اجتماعی، شکاف‌های اقتصادی، و محرومیت‌ها و فشارهای ساختاری به رفتارهای مخرب و پرخاطر مانند خشونت و بزهکاری ختم می‌شوند. اگرچه فقر، بیکاری و عدم امنیت اقتصادی مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز بروز آسیب‌های اجتماعی هستند اما همچنان به دنبال خود، و در نبود آموزش هدفمند، چرخه‌ای از تجربه زیست آسیب‌زا را ایجاد می‌کنند که همواره الگوهای رفتاری شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و جامعه را به سوی تنش بیشتر در درون خود پیش می‌برد.

به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی حتی اگر عاقلانه و سازمانیافته چنین مدلی را برای انتقال فشار ساختاری به رفتارهای پرخاطر فردی پیاده نکرده باشد اما بر اساس غریزه‌ی ضدبشری خود، درگیری جامعه ایران با آسیب‌های انباشته را نوعی «ضمانت بقا» ارزیابی می‌کند. جامعه پراسیپ، روابط گسسته اجتماعی و خانوادگی، و افراد درگیر با اختلال و ناهنجاری، به دشواری بتوانند در یک جنبش هدفمند و آگاهانه‌ی ضدحکومتی ایفای نقش کنند و حتی در مواردی احتمال کشانده شدن جنبش به افراط‌گری و خشونت را تقویت می‌کنند. در چنین شرایطی جمهوری اسلامی است که از یکسو از کاهش قوای اجتماعی برای همبستگی در مسیر یک مبارزه مؤثر سود می‌برد و از سوی دیگر به بهانه مبارزه با بزهکاری و ناهنجاری، سطح سرکوب شهروندان را افزایش می‌دهد تا تسلط خود بر خیابان را افزایش داده و تثبیت کند!

«خفگی اقتصادی»



● محاصره بنادر ایران، شناسایی و انسداد شبکه‌های مالی رژیم از جمله صرافی‌های رمزارز، تحریم گسترده‌ی خطوط هوایی و شرکت‌های پشتیبان صنعت هوانوردی، هدف گرفتن و غرق کردن نفتکش‌های جمهوری اسلامی و همزمان گزینشی نظامی، مجموعه اقداماتی است که به گفته کریس رایت، وزیر انرژی آمریکا، «در نهایت به فروپاشی این حکومت منجر خواهد شد.»

اولیه نیست و کساد بازار، مردم را عاصی کرده است. در شرایطی که مسئولان امنیتی، انتظامی و قضایی مدام مردم را تهدید به برخورد شدید می‌کنند، در اینستاگرام یک کارزار برای اعتراض مدنی علیه گرانی به راه افتاده است. تعداد زیادی از شهروندان با نشان دادن کالاهای معمولی که با قیمت‌های بسیار گران خریداری کرده‌اند، می‌گویند: «ما خوشحالیم از اینکه قیمت‌ها سرسام‌آور شده، چون اگر ناراحت باشیم و اعتراض کنیم، اعدام می‌شویم.»

برخی تحلیل‌گران می‌گویند با این روند، احتمالاً در پاییز یا زمستان اعتراضات خیابانی شهروندان دوباره از سر گرفته خواهد شد. تمام تلاش حکومت این است که جلوی راه افتادن یک خیزش سراسری را بگیرد. تهدید و ارباب مردم از یکسو و توزیع ارزاق با کالا برگ و پر کردن محدود جیب خودی‌ها برای تداوم حمایت آنها از نظام از سوی دیگر، اقداماتی است که نهادهای امنیتی برای مقابله با اعتراضات در دستور کار خود قرار داده‌اند. چنانکه برای نمونه، هنوز مشخص نیست آیا با وجود نگرانی نظام از اعتراضات دانشجویان، دانشگاه‌ها را همراه باز خواهد شد یا نه.

تلاش حکومت برای ترمیم ساختار سرکوب

ترمیم سازمان سرکوب یکی از برنامه‌های اصلی حکومت است. هم‌اکنون پایگاه‌های نظامی و مقرهای سرکوب در طول دو جنگ، تلفات و ریزش بین نیروهای سرکوب را افزایش داد. اکنون حکومت برای جبران

عملیات «طرد اقتصادی» آمریکا علیه حکومت ایران که با پیگیری‌های دولت دونالد ترامپ، اروپا و بریتانیا نیز به حمایت از آن پرداختند، فشارهای اقتصادی علیه جمهوری اسلامی را چندین برابر کرده است.

محاصره بنادر ایران، شناسایی و انسداد شبکه‌های مالی رژیم از جمله صرافی‌های رمزارز، تحریم گسترده‌ی خطوط هوایی و شرکت‌های پشتیبان صنعت هوانوردی، هدف گرفتن و غرق کردن نفتکش‌های جمهوری اسلامی و همزمان گزینشی نظامی، مجموعه اقداماتی است که به گفته کریس رایت، وزیر انرژی آمریکا، «در نهایت به فروپاشی این حکومت منجر خواهد شد.»

پس از سه دوره جنگ طی یک سال و نیم (جنگ‌های ۱۲ و ۴۰ روزه و همچنین حملات مستقل آمریکا)، با افزایش فشارهای اقتصادی، ارجاع پرونده اقی جمهوری اسلامی به شورای امنیت سازمان ملل، حکومت را در وضعیت بسیار دشواری قرار داده که سابقه نداشته است. مقامات ارشد نظام، فرماندهان، امامان جمعه و رسانه‌های حکومتی مدام می‌گویند: «دشمن فشار اقتصادی را با هدف ایجاد فاصله میان مردم و نظام دنبال می‌کند.» این ادعا در حالیست که سال‌هاست جمهوری اسلامی خودش به این فاصله دامن زده است.

در ایران، افزایش شدید نرخ ارز، گرانی کالاها و افزایش سرسام‌آور مواد غذایی، کمبود بنزین، کمبود دارو، گرانی اجاره خانه، حقوق ماهانه‌ای که جوابگوی هزینه‌های

آنها به صراحت می‌گویند: «وقتی مردم در خیابان مرا با لباس فرم می‌بینند با نفرت نگاه می‌کنند.»

نگرانی زمامداران نظام از شروع مجدد اعتراضات همزمان با تشدید فشارهای خارجی، توان حکومت برای مدیریت بحران‌ها را کاهش داده آنهم در حالی که مردم به نقطه جوش نزدیک می‌شوند. سیاست‌های موسوم به «تاب‌آوری اقتصادی» نیز نه تنها نتوانسته‌اند از شدت بحران بکاهند، بلکه نشانه‌ها حاکی از آن است که کنترل بخش‌هایی از اقتصاد از دست حکومت خارج شده است.

مقامات آمریکایی می‌گویند «خفگی اقتصادی» تا تسلیم یا فروپاشی جمهوری اسلامی ادامه خواهد داشت، هرچند که در تهران مقامات امیدوارند این پیچ سخت را هم از سر بگذارند.

همزمان با ارجاع دوباره پرونده هسته‌ای رژیم به شورای امنیت، بسیاری از شهروندان مخالف حکومت امیدوارند که دولت‌های غربی سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی را در کشورهای خود تعطیل کنند، دیپلمات‌های رژیم را اخراج و علاوه بر ادامه اقدام نظامی، از معترضان در داخل ایران حمایت کنند. همچنین این امیدواری وجود دارد که گروه‌های اجتماعی مانند بازاریان و کامیونداران در صنایع حمل و نقل و... در اعتصابات پیشرو باشند تا مسیر را برای اعتراضات سراسری هموار کنند.

آمریکا از سرکوب مردم ایران توسط رژیم آگاه است
مقامات ارشد آمریکا به خوبی می‌دانند که اگر جمهوری اسلامی در داخل ایران هنوز قدرت دارد، به پشتوانه سرکوب خشن و بی‌رحمانه است. دونالد ترامپ می‌گوید وضعیت مردم ایران را درک می‌کند، زیرا «آنها هدف گلوله قرار می‌گیرند.»

رئیس جمهوری آمریکا گفت بر اساس اطلاعاتی که در اختیار دارد، شمار معترضان کشته‌شده در ایران به حدود ۶۵ هزار نفر رسیده است. او با اشاره به اینکه «نیروهای رژیم از مسلسل و تکتیرانداز علیه اعتراضات در ایران استفاده می‌کنند»، گفت: «این سرکوب مرگبار علت اصلی خودداری مردم از حضور گسترده در خیابان‌ها است.»

ترامپ همچنین گفت با این حال جمهوری اسلامی «روز به روز ضعیف‌تر می‌شود» و افزود ممکن است زمانی فرا برسد که رژیم دیگر نتواند به آسانی مردم را هدف قرار دهد زیرا، به باور او، مردم ایران این وضعیت را تا ابد تحمل نخواهند کرد.

در چنین شرایطی، نارضایتی عمومی به اوج خود رسیده و اعتراضات پراکنده در شهرهای مختلف به صورت روزانه برگزار می‌شود، از کارگران اخراجی تا بازنشسته‌ها. این نارضایتی به نیروهای مسلح نیز سرایت کرده است. چندین ویدیو از کادر و پرسنل نیروی انتظامی منتشر شده که همگی آنها از وضعیت زندگی خود انتقاد می‌کنند. یکی از

این کمبود، به سراغ جذب «داوطلبان» رفته است. بخشی از این نیروها افغانستانی، عرب‌های عراق و لبنان و پاکستانی‌های مقیم ایران هستند. منابع غیررسمی گزارش دادند که بسیج برای جذب نیرو، به سراغ کمپ‌های ترک اعتیاد، زندانیان و خلافکاران سابقه‌دار نیز رفته است. این افراد پس از طی آموزش‌های اولیه و چند دوره کلاس توجیهی، به صورت گشت‌های به اصطلاح «محلّه‌محور» موسوم به «رضویون» فعالیت کرده و یا در ایست‌های بازرسی گمارده می‌شوند. یک منبع میدانی به کیهان لندن می‌گوید: «برای اینکه تجمعات شبانه‌ی مثلا جان‌فدایان را برقرار نگه دارند، به بعضی خانواده‌ها تا ۱۵ میلیون تومان کمک‌هزینه خرید ارزاق یا سفرهای زیارتی پرداخت شده است.»

در این میان، به روشنی پیداست که فعالیت اصلی دولت آمریکا در عملیات «طرد اقتصادی»، بر تأمین مالی و لجستیک نیروهای مسلح و سازمان سرکوب جمهوری اسلامی متمرکز شده است.

اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، سه‌شنبه ۱۰ شهریور، در حاشیه نشست وزیران و مقامات ارشد مالی «گروه ۲۰» گفت: «در حال شناسایی و ردیابی دارایی‌های سپاه هستیم.» تحریم پنج شعبه «بانک مصر» در امارات و چند مؤسسه مالی در ترکیه نیز در همین راستا صورت گرفت.





هشدار شاهزاده رضا پهلوی به «رژیم ضحاکي و رهبر مفقودش»: گمان نکنيد با کشتار ده‌ها هزار ميهن‌پرست توانسته‌ايد اراده ملت را درهم بشکنيد!

«هم‌ميهنان،

مافياها و نه برای تأمین مالی تروریسم و جنگ‌افروزی. اموال غارت‌شده ملت را بازگردانید و حمایت از تروریست‌ها را قطع کنید.

گمان نکنید با کشتار ده‌ها هزار ميهن‌پرست توانسته‌اید اراده ملت را درهم بشکنید. آتش خشم و اعتراض مردم خاموش نشده است. ملتی که برای آزادی، رفاه و آینده‌ای بهتر ایستاده است، در برابر سرکوب، فساد، بی‌کفایتی و تحمیل فقر سکوت نخواهد کرد.

پاینده ایران،
رضا پهلوی»

جمهوری اسلامی بار دیگر با افزایش قیمت بنزین، هزینه بی‌کفایتی، فساد و جنگ‌افروزی خود را بر دوش مردم ایران گذاشت.

همانگونه که در پیام ۳۱ مرداد گفتم، گران کردن سوخت در شرایطی که مردم زیر فشار سنگین اقتصادی قرار دارند، اقدامی ظالمانه و خیانت به ملت ایران است.

به رژیم ضحاکي و رهبر مفقودش می‌گویم: فقر و فشار اقتصادی که بر مردم ایران تحمیل کرده‌اید، نتیجه مستقیم سیاست‌های ویرانگر شماست. منابع کشور متعلق به مردم ایران است؛ نه برای پر کردن جیب

شاهزاده رضا پهلوی رهبر انقلاب ملی شیروخورشید در پیامی که یکشنبه ۱۵ شهریور (۶ سپتامبر) منتشر شد، با اشاره به افزایش قیمت بنزین با خطاب قرار دادن بقایای جمهوری اسلامی بار دیگر تأکید کرد: «به رژیم ضحاکي و رهبر مفقودش می‌گویم: فقر و فشار اقتصادی که بر مردم ایران تحمیل کرده‌اید، نتیجه مستقیم سیاست‌های ویرانگر شماست. منابع کشور متعلق به مردم ایران است، نه برای پر کردن جیب مافیاها و نه برای تأمین مالی تروریسم و جنگ‌افروزی. اموال غارت‌شده ملت را بازگردانید و حمایت از تروریست‌ها را قطع کنید.»
متن کامل این پیام به شرح زیر است:



پیام شاهزاده رضا پهلوی به خانواده‌های جاویدنامان: شما تنها نیستید!

خانواده‌های گرامی جاویدنامان انقلاب شیر و خورشید ایران، از آنچه در ماه‌های گذشته بر شما گذشته است آگاهم و می‌دانم که در کنار داغ عزیزان‌تان، فشارهای امنیتی و سختی‌های زندگی را نیز تحمل کرده‌اید.

می‌خواهم بدانید: شما تنها نیستید. جان و سلامت شما برای ما گرانقدر است.

فرزندان قهرمان شما برای آزادی و آینده آباد ایران برخاستند و نام و فداکاری‌شان در حافظه ملی ما ماندگار خواهد ماند. امروز، وظیفه ماست که مراقب شما باشیم.

از روانشناسان، روانپزشکان و درمانگران ایرانی می‌خواهم برای حمایت فوری، مستمر و محرمانه از خانواده‌های جاویدنامان پیش‌قدم شوند.

از همه هم‌ميهنانم نیز می‌خواهم منتظر درخواست کمک نمانند. اگر خانواده‌ای از جاویدنامان را می‌شناسید، به سراغشان بروید؛ احوالشان را بپرسید، صدایشان را بشنوید و

در کنارشان بمانید.

و به شما می‌گویم: کمک خواستن نشانه ضعف نیست. در این روزهای سخت، اجازه دهید در کنار شما باشیم.

حفاظت از جان و سلامت یکدیگر نیز بخشی از مبارزه ما برای ایران است. نگذاریم هیچ خانواده‌ای در این سوگ و رنج تنها بماند.

دست همدیگر را بگیریم.

یکدیگر را تنها نگذاریم.

و ایران را، با هم، به ساحل نجات و آزادی برسانیم.

پاینده ایران،
رضا پهلوی

اسکات بسنت جمعه ۱۳ شهریور ۱۴۰۵ در «ایکس» نوشت: «ایالات متحده در کنار متحدان خود مصمم است مانع از آن شود که حکومت ایران از نظام مالی جهانی برای تأمین مالی برنامه هسته‌ای، برنامه‌های تسلیحاتی و گروه‌های نیابتی خود استفاده کند.»

وزیر خزانه‌داری آمریکا افزود: «پیام جهان به حکومت ایران روشن است؛ تا زمانی که تمامی مسیرهای باقیمانده‌ی تأمین مالی آن قطع نشود از تلاش خود دست نخواهیم کشید.» اظهارات وزیر خزانه‌داری آمریکا پس از آن مطرح شد که کمیسیون اروپا با انتشار اطلاعیه‌ای آمادگی اتحادیه اروپا را برای افزایش فشارهای اقتصادی بیشتر علیه جمهوری اسلامی اعلام کرد. ر این بیانیه آمده است که اتحادیه اروپا برای توقف «فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده» جمهوری اسلامی و ترغیب آن به ورود به مذاکرات صلح، از افزایش فشار اقتصادی بر حکومت ایران در چارچوب «عملیات طرد اقتصادی» حمایت می‌کند.

اتحادیه اروپا همچنین از جمهوری اسلامی ایران خواست برنامه هسته‌ای و موشکی خود را محدود کند، به خشونت و سرکوب مردم پایان دهد، از اقدامات بی‌ثبات‌کننده در منطقه و اروپا دست بردارد و حمایت نظامی از جنگ روسیه



گفتگوی دونالد ترامپ و اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا / رویترز

علیه اوکراین را متوقف کند. -اتحادیه اروپا تأکید کرد که در صورت لزوم برای حفاظت از امنیت و منافع خود از جمله آزادی کشتیرانی در تنگه هرمز، آماده اتخاذ تدابیر بیشتری است.

دولت ترامپ تلاش می‌کند علاوه بر کشورهای عضو «G20»، شرکای آسیایی آمریکا از جمله کره جنوبی را هم متقاعد کند تا تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی را شدت بخشند. «عملیات طرد اقتصادی» موسوم به «D-Day اقتصادی» با هدف افزایش فشار مالی بر رژیم ایران و محدود کردن دسترسی حکومت به ویژه نیروهای مسلح به منابع و شبکه‌های اقتصادی بین‌المللی به اجرا درآمده است. مسدود کردن دارایی‌های دیجیتال، خرید فناوری‌های پیشرفته، ذخایر طلا، هوانوردی تجاری و کشتیرانی از جمله اهداف آمریکا در این کارزار است.

وزیر خزانه‌داری آمریکا این کارزار را «تهاجم اقتصادی» علیه ارتباطات مالی ایران در سراسر جهان توصیف کرده و هشدار داده است کشورهایی که به تهران کمک کنند، باید انتظار داشته باشند که «در انزوای یک حکومت رو به زوال سهیم شوند.»

وزیر خزانه‌داری آمریکا: اتحادیه اروپا رسماً به «عملیات طرد اقتصادی» علیه جمهوری اسلامی پیوست

● وزیر خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا اعلام کرد، اتحادیه اروپا رسماً به «عملیات طرد اقتصادی» علیه جمهوری اسلامی ایران پیوسته است.

● اسکات بسنت جمعه ۱۳ شهریور ۱۴۰۵ در «ایکس» نوشت: «ایالات متحده در کنار متحدان خود مصمم است مانع از آن شود که حکومت ایران از نظام مالی جهانی برای تأمین مالی برنامه هسته‌ای، برنامه‌های تسلیحاتی و گروه‌های نیابتی خود استفاده کند.»

● وزیر خزانه‌داری آمریکا افزود: «پیام جهان به حکومت ایران روشن است؛ تا زمانی که تمامی مسیرهای باقیمانده‌ی تأمین مالی آن قطع نشود از تلاش خود دست نخواهیم کشید.» ● دولت ترامپ تلاش می‌کند علاوه بر کشورهای عضو «G20»، شرکای آسیایی آمریکا از جمله کره جنوبی را هم متقاعد کند تا تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی را شدت بخشند.

اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا اعلام کرد، اتحادیه اروپا رسماً به «عملیات طرد اقتصادی» علیه جمهوری اسلامی ایران پیوسته است.

شورای حکام پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی را به شورای امنیت ارجاع داد

● شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی چهارشنبه ۹ سپتامبر (۱۸ شهریور ۱۴۰۵) قطعنامه‌ای را تصویب کرد که طی آن پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی به دلیل «نقض تعهدات مربوط به منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای» به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داده می‌شود.

● رویترز به نقل از دیپلمات‌ها خبر داد که این قطعنامه با ۲۳ رای موافق، سه رای مخالف و هشت رای ممتنع تصویب شد.

● نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان‌های بین‌المللی مستقر در وین، تصویب این قطعنامه را «سیاسی» و «مغرضانه» خوانده است.

شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی چهارشنبه ۹ سپتامبر (۱۸ شهریور ۱۴۰۵) قطعنامه‌ای را تصویب کرد که طی آن پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی به دلیل «نقض تعهدات مربوط به منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای» به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داده می‌شود.

بر اساس گزارش‌ها، تصویب این قطعنامه به معنای ارجاع پرونده جمهوری اسلامی به شورای امنیت در پی ارزیابی شورای حکام درباره عدم پایبندی تهران به تعهدات پادمانی است.

رویترز به نقل از دیپلمات‌ها خبر داد که این قطعنامه با ۲۳ رای موافق، سه رای مخالف و هشت رای ممتنع تصویب شد. این نخستین بار در ۲۰ سال گذشته است که پرونده برنامه اتمی جمهوری اسلامی ایران به شورای امنیت می‌رود.

نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان‌های بین‌المللی مستقر در وین، تصویب این قطعنامه را «سیاسی» و «مغرضانه» خوانده است.

محور اصلی قطعنامه شورای حکام که از سوی آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان ارائه شده، «عدم پایبندی حکومت ایران به تعهداتش در زمینه گزارش‌دهی هسته‌ای» و «عدم همکاری با آژانس» است.

این قطعنامه در شرایطی تصویب شده که هنوز سرنوشت چندصد کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی در ایران مشخص نیست.

همزمان سی‌ان‌ان گزارش داد که آمریکا در حال بررسی راه‌های حمله به تأسیسات هسته‌ای زیرزمینی جمهوری اسلامی، از جمله در کوه «کلنگ گزلا» است؛ سایتی که در نزدیکی نطنز و زیر لایه‌های ضخیم گرانیت ساخته شده است.

پیشتر اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی هشدار داده بود که در صورت اتخاذ هرگونه «اقدام نسنجیده» از سوی طرفین غربی، تدابیر متقابل و لازم اتخاذ خواهد شد. حکومت همچنین تهدید کرده که یکی از گزینه‌هایش خروج از پیمان منع گسترش تسلیحات کشتار جمعی (NPT) است.

تیغ عملیات «طرد اقتصادی» بر شریان‌های تأمین ارز جمهوری اسلامی



● خبرگزاری رویترز در گزارشی، کانال‌های باقیمانده‌ی جمهوری اسلامی را برای تأمین ارز خارجی (دلار و یورو) و خرید کالا بسیار محدود ارزیابی کرده و نوشته که به ویژه اقدام آمریکا برای قطع دسترسی رژیم تهران به شبکه‌های مالی بین‌المللی که سال‌ها از آن بهره می‌برد، تهدیدی واقعی و فوری علیه حکومت ایران به شمار می‌رود و این می‌تواند خبر خوشایندی برای برنامه‌ریزان آمریکایی باشد.

● با وجود تلاش‌های مداوم جمهوری اسلامی برای مختل کردن فعالیت‌های تجاری در تنگه هرمز با شلیک مداوم به کشتی‌ها، سوخت بیشتری به سوی بازارهای جهانی جریان یافته و همزمان محاصره دریایی آمریکا صادرات نفت خام جمهوری اسلامی را بطور کامل قطع کرده و منبع اصلی درآمد آن را از بین برده است.

● فشارهای اقتصادی در حالی تشدید شده که درگیری‌های نظامی ادامه دارد و مردم ایران در این میان منتظر محاسبات سیاسی در راستای تضعیف هرچه بیشتر جمهوری اسلامی هستند. آینده‌ی بسیار نزدیک نشان خواهد داد جمهوری اسلامی تن به تسلیم بدون قید و شرط واشنگتن خواهد داد یا با تشدید درگیری‌ها، ملت ایران به عنوان تصمیم‌گیرنده‌ی نهایی دوباره وارد صحنه خواهد شد.

وابستگان جمهوری اسلامی که به «کاسبان تحریم» معروفند، اکنون با اجرای «عملیات طرد اقتصادی» توسط آمریکا که اتحادیه اروپا نیز به آن پیوسته است، در موقعیت بسیار دشواری قرار گرفته‌اند.

کارزار ایالات متحده برای خفه کردن اقتصاد جمهوری اسلامی از طریق محاصره صادرات نفت و جلوگیری از دور زدن تحریم‌ها، به مرحله‌ای رسیده که تحمل آن برای رژیم تهران روز به روز دشوارتر می‌شود. وابستگان جمهوری اسلامی که به «کاسبان تحریم» معروف شده‌اند و دهه‌ها با دور زدن تحریم‌ها مانند قاچاقچیان اقتصادی فعالیت می‌کردند، اکنون در موقعیت بسیار دشواری قرار گرفته‌اند. آن‌هم در حالی که اتحادیه اروپا نیز بطور رسمی به «عملیات طرد اقتصادی» رژیم ایران پیوسته است.

خبرگزاری رویترز در گزارشی، کانال‌های باقیمانده‌ی جمهوری اسلامی را برای تأمین ارز خارجی (دلار و یورو) و خرید کالا بسیار محدود ارزیابی کرده و نوشته که به ویژه اقدام آمریکا برای قطع دسترسی رژیم تهران به شبکه‌های مالی بین‌المللی که سال‌ها از آن بهره می‌برد، تهدیدی واقعی و فوری علیه حکومت ایران به شمار می‌رود. شواهد موجود پس از مدت کوتاهی از اعلام برنامه «روز D اقتصادی» (Economic D-Day) می‌تواند خبر خوشایندی برای برنامه‌ریزان آمریکایی باشد؛ هر چند جمهوری اسلامی تهدید کرده که ممکن است به این فشارها از طریق نظامی پاسخ دهد؛ تهدیدی که می‌تواند در این روزهای حساس، ریسک‌ها را بالا ببرد.

سه مقام نزدیک به جمهوری اسلامی به رویترز گفته‌اند که این فشارها در هفته‌های اخیر افزایش یافته و هدف واشنگتن گرفتن امتیاز در مذاکرات احتمالی آینده است؛ مذاکراتی که شش‌ماه درگیری تا کنون نتوانسته به آن منجر شود و رئیس‌جمهور آمریکا نیز بیان داشته که مذاکره با بقایای جمهوری اسلامی فقط «اتلاف وقت» است. از سر گرفته شدن جنگ در هفته‌ای که گذشت دوباره به بالا گرفتن درگیری‌ها منجر شده است. این در حالیست که

انتخابات میاندوره‌ای نوامبر بازدارد در حالی که واشنگتن می‌خواهد ایرانیان دوباره اعتراضات خیابانی را آغاز کنند. اقدامات جدید ایالات متحده آمریکا، تحریم‌های ثانویه‌ای را گسترش داده که کشورهایی را که معامله می‌کنند هدف قرار می‌دهد تا از انجام تراکنش‌های دلاری برای فروش نفت و تأمین واردات کالا و مواد خام جلوگیری کند. این تلاش باعث شده شبکه‌های دور زدن تحریم جمهوری اسلامی-شرکت‌های پوششی، نفتکش‌های ثبت نشده و قاچاق و غیره- بسیار گران تمام شود.

جمهوری اسلامی ادعا می‌کند ده‌ها میلیون بشکه نفت در نفتکش‌هایی خارج از منطقه‌ی محاصره ذخیره کرده که می‌تواند بفروشد اما تحریم‌های جدید باعث شده واسطه‌ها عقب‌نشینی کنند یا پول بیشتری بخواهند.

فشارهای آمریکا و موشک‌پرانی‌های جمهوری اسلامی یکی از مسیرهای اصلی تجارت خود ایران یعنی امارات متحده عربی را مختل کرده است. امارات ۱۹ اوت اعلام کرد که تمام مبادلات تجاری و مالی با رژیم تهران تا اطلاع ثانوی متوقف شده است. یک تاجر ایرانی در تهران که در واردات کالا فعالیت می‌کند می‌گوید: «اگر این کانال‌ها بسته بماند، تأمین‌کننده‌ی پول نقد می‌خواهد، پس معامله از طریق کشور دیگری انجام می‌شود و محموله دیرتر و گران‌تر وارد می‌شود.»

گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد، حتی کسانی که هنوز شاغل هستند، طبعاً حقوق ماهانه‌ی حدود ۱۲۵ دلار به هیچ وجه پاسخگوی هزینه‌های پایه‌ی یک خانوار که ۴۵۰ دلار در ماه است، نیست. مهناز کارمند ۳۴ ساله‌ی یک شرکت خصوصی می‌گوید: «هر روز فقیرتر می‌شویم.»

فشارهای اقتصادی در حالی تشدید شده که درگیری‌های نظامی ادامه دارد و مردم ایران در این میان منتظر محاسبات سیاسی در راستای تضعیف هرچه بیشتر جمهوری اسلامی هستند. آینده‌ی بسیار نزدیک نشان خواهد داد جمهوری اسلامی تن به تسلیم بدون قید و شرط واشنگتن خواهد داد یا با تشدید درگیری‌ها، ملت ایران به عنوان تصمیم‌گیرنده‌ی نهایی دوباره وارد صحنه خواهد شد.

با وجود تلاش‌های مداوم جمهوری اسلامی برای مختل کردن فعالیت‌های تجاری در تنگه هرمز با شلیک مداوم به کشتی‌ها، سوخت بیشتری به سوی بازارهای جهانی جریان یافته و همزمان محاصره دریایی آمریکا صادرات نفت خام جمهوری اسلامی را بطور کامل قطع کرده و منبع اصلی درآمد آن را از بین برده است.

اقتصاد در ایران زیر حاکمیت جمهوری اسلامی پیش از درگیری‌ها نیز مانند سالیان گذشته در بحران عمیق بسر می‌برد: تورم افسارگسیخته از جمله به دلیل چاپ پول، هزینه‌های سنگین شبه‌نظامیان نیابتی و بازسازی و توسعه‌ی صنایع نظامی نیروهای نظامی به ویژه سپاه پاسداران، بودجه‌های سرکوب و سقوط ارزش پول ملی تنها بخشی از فشارهایی است که تا امروز به مردم ایران تحمیل شده است.

فشارهای اقتصادی کنونی حتی تلاش‌های جمهوری اسلامی برای دورزدن تحریم‌ها را نیز سخت کرده است زیرا پول کمتری برای پرداخت حق‌الزحمه‌ی بالای مسیرهای غیرقانونی باقی مانده است. ریال ایران در روزهای اخیر به پایین‌ترین سطح تاریخی خود رسیده و یکی از مقامات جمهوری اسلامی گفته که تنها برای دو ماه ذخیره‌ی بنزین وجود دارد. سوخت مورد نیاز با وجود تولید نفت داخلی، به دلیل ظرفیت محدود پالایش، باید وارد شود.

بقایای جمهوری اسلامی به خوبی از خطر فروپاشی اقتصادی و احتمال شعله‌ور شدن دوباره‌ی اعتراضات سراسری که در دی‌ماه ۴۰۴ کشته شدن ده‌ها هزار شهروند در خیابان‌های سراسر کشور سرکوب شد، آگاه هستند.

علی انصاری استاد تاریخ معاصر دانشگاه سنت‌اندروز اسکاتلند می‌گوید: «آنها تحت فشار اقتصادی بسیار بسیار شدیدی هستند. کنترل تنگه هرمز را از دست می‌دهند. واقعا این پرسش مطرح است که آیا مذاکره را انتخاب می‌کنند یا نه و فکر می‌کنم مجبور به این کار خواهند شد.» جنگ همچنین وارد مرحله جدیدی شده که هر طرف سعی دارد بر سیاست داخلی طرف مقابل تأثیر بگذارد. جمهوری اسلامی امیدوار است تهدید تورم، دولت آمریکا را پیش از

سانتریفیوژهای IR-6؛ آتش زیر خاکستر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی



ماکتی از یک سانتریفیوژ در خیابان‌های تهران در یک مراسم حکومتی / عکس: اورشلیم پست

البته منابع مرتبط فکر نمی‌کنند که جمهوری اسلامی بتواند سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل و آمریکا را بطور کامل فریب دهد اما نمی‌خواهند یافتن راه حل‌های غیرمنتظره و سازگار شدن با شرایط سخت توسط رژیم ایران را نیز دست‌کم بگیرند. به گفته‌ی آنها، تاکتیک «در جعبه نگه داشتن» برنامه هسته‌ای رژیم تهران ممکن است تا حدی از غنی‌سازی اورانیوم جلوگیری کند اما حالا یکی از مأموریت‌های اصلی فراتر از کنترل غنی‌سازی، جلوگیری از بازسازی گروه «سلاح‌سازی» است.

یکی از اهداف اصلی حملات اسرائیل علاوه بر سایت‌های غنی‌سازی، تأسیسات تبدیل اورانیوم غنی‌شده به فلز اورانیوم و ساخت نیمکره‌هایی بود که روی کلاهک هسته‌ای نصب می‌شوند. بدون این امکانات و لوازم مشابه، حتی حجم فراوان اورانیوم تسلیحاتی برای جمهوری اسلامی فایده‌چندانی ندارد زیرا نمی‌تواند آن را با موشک به فاصله‌ی هزار کیلومتر یا بیشتر به سوی خاک اسرائیل پرتاب کند.

منابع آگاه به اورشلیم پست گفته‌اند که جلوگیری از بازسازی تأسیسات سلاح‌سازی اتمی اکنون یکی از دغدغه‌های اصلی نهادهای اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل است هرچند جمهوری اسلامی تا کنون پیشرفت چشمگیری در این زمینه نداشته است.

در مجموع، برنامه‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی بسیار بیشتر از آنچه برخی منتقدان گفته‌اند، آسیب دیده است. با اینهمه، خطر بالقوه در بخش‌های باقیمانده هنوز وجود دارد که مقامات ارشد دفاعی و سیاسی اسرائیل پس از هر عملیات حاضر به اذعان کامل آن نبوده‌اند و تنها روی موفقیت عملیات تأکید کرده‌اند.

اکنون تعداد زیادی سانتریفیوژهای پیشرفته مانند IR-6 را که در عمق زمین سالم مانده‌اند می‌بایست «آتش زیر خاکستر» دانست. جمهوری اسلامی می‌تواند با حفاری مخفیانه و پوشاندن مناطق از رصد ماهواره‌ای به این مواد بدون کنترل و نظارت مستمر آژانس بین‌المللی دست یابد یا آن را به اهرم تهدید و فشار تبدیل نماید.

نجات داده شده و در میان مدت دوباره به زنجیره‌ی تولید متصل شوند، این تعداد می‌تواند در زمانی نامشخص در آینده برای غنی‌سازی مخفیانه‌ی اورانیوم جهت ساخت سلاح اتمی کافی باشد.

موضوع اورانیوم غنی‌شده نیز همین دواگانگی را نشان می‌دهد. منابع مطلع می‌گویند، تهران ممکن است استراتژی حفاری مخفیانه‌ای برای استخراج اورانیوم ۶۰ و ۲۰ درصدی از زیر آوار و تأسیسات زیرزمینی طراحی کند که نظارت آمریکا و دیگران را دور بزند. گزارش‌های ماهواره‌ای منظم مؤسسه علوم و بین‌الملل و نهادهای دیگر نشان می‌دهد که رژیم تهران بطور مداوم سازه‌هایی اضافه می‌کند تا برخی مناطق را از دیدرس ماهواره‌ها بپوشاند.

طبق این گزارش‌ها، حفاری‌ها در مناطق متعددی انجام می‌شوند که بسیاری از آنها فاصله‌ی نسبتاً زیادی با بخش اصلی تأسیسات مورد حمله دارند. به این ترتیب، اگرچه ممکن است ماه‌ها یا حتی سال‌ها بکشد تا از فاصله‌ی دور به ذخایر مدفون‌شده دست یابند و آنها را بیرون بکشند اما انتقال مخفی حتی یک‌دهم از این مواد می‌تواند پایه‌ی ساخت یک بمب هسته‌ای را فراهم نماید.

اکنون نظارت و دسترسی به فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی سخت‌تر و بطور کلی قطع شده است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از زمان جنگ ۱۲ روزه در ژوئن ۲۰۲۵ کاملاً نسبت به برنامه‌ی هسته‌ای رژیم ایران بی‌اطلاع است.

رافائل گروسی مدیر آژانس بین‌المللی اتمی، روز دوشنبه هفتم سپتامبر در نشست شورای حکام اعلام کرد که آژانس هیچ اطلاعاتی از ایران درباره‌ی وضعیت مواد و تأسیسات اعلام‌شده‌ی هسته‌ای دریافت نکرده و به هیچ‌یک از این تأسیسات برای راست‌آزمایی دسترسی نداشته است. بنابراین آژانس نتوانسته مسئولیت‌های پادمانی خود را با جمهوری اسلامی طبق پیمان منع گسترش تسلیحات کشتار جمعی (ان‌پی‌تی) انجام دهد.

● بر اساس گزارش اورشلیم پست، جمهوری اسلامی در حال حاضر سانتریفیوژهای خود را برای غنی‌سازی اورانیوم به کار نمی‌گیرد. ذخایر اورانیوم غنی‌شده‌ی ۲۰ و ۶۰ درصدی نیز فعلاً به راحتی در دسترس نیستند و بخش عمده‌ی تأسیسات هسته‌ای رژیم ایران از کار افتاده است.

● با اینهمه گزارش‌های ماهواره‌ای منظم مؤسسه علوم و بین‌الملل و نهادهای دیگر نشان می‌دهد که رژیم تهران بطور مداوم سازه‌هایی اضافه می‌کند تا برخی مناطق را از دیدرس ماهواره‌ها بپوشاند.

● یکی از اهداف اصلی حملات اسرائیل علاوه بر سایت‌های غنی‌سازی، تأسیسات تبدیل اورانیوم غنی‌شده به فلز اورانیوم و ساخت نیمکره‌هایی بود که روی کلاهک هسته‌ای نصب می‌شوند. بدون این امکانات و لوازم مشابه، حتی حجم فراوان اورانیوم تسلیحاتی برای جمهوری اسلامی فایده‌چندانی ندارد زیرا نمی‌تواند آن را با موشک به فاصله‌ی هزار کیلومتر یا بیشتر به سوی خاک اسرائیل پرتاب کند.

● اکنون تعداد زیادی سانتریفیوژهای پیشرفته مانند IR-6 را که در عمق زمین سالم مانده‌اند می‌بایست «آتش زیر خاکستر» دانست. جمهوری اسلامی می‌تواند با حفاری مخفیانه و پوشاندن مناطق از رصد ماهواره‌ای به این مواد بدون کنترل و نظارت مستمر آژانس بین‌المللی دست یابد یا آن را به اهرم تهدید و فشار تبدیل نماید.

خطر برنامه هسته‌ای رژیم ایران با وجود دو حمله نظامی اسرائیل و آمریکا همچنان جدی ارزیابی می‌شود اگرچه هیچ نشانه‌ی ظاهری از چنین تهدیدی قابل مشاهده نیست. برنامه‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی اگرچه در حملات اسرائیل و آمریکا طی ژوئن ۲۰۲۵ و اوایل ۲۰۲۶ به شدت آسیب دیده اما خطر بالقوه‌ی آن همچنان جدی ارزیابی می‌شود؛ هرچند در ظاهر نشانه‌ای از یک تهدید فوری دیده نمی‌شود.

بر اساس گزارش اورشلیم پست، جمهوری اسلامی در حال حاضر سانتریفیوژهای خود را برای غنی‌سازی اورانیوم به کار نمی‌گیرد. ذخایر اورانیوم غنی‌شده‌ی ۲۰ و ۶۰ درصدی نیز فعلاً به راحتی در دسترس نیستند و بخش عمده‌ی تأسیسات هسته‌ای رژیم ایران از کار افتاده است.

این موضوع برنامه‌ی هسته‌ای حکومت مذهبی ایران را در بسیاری از جنبه‌ها حتی بیشتر از دوره‌های توقف در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ و ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ عقب انداخته است؛ دوره‌هایی که بخش‌هایی از این برنامه منجمد شده بود ولی بخش‌های دیگری همچنان به صورت مخفیانه گسترش می‌یافت.

با این حال، منابع تأکید کرده‌اند که وضعیت بهتر از آن چیزی نیست که بلافاصله پس از عملیات‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ امید می‌رفت. هر ضربه به برنامه‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی، دستاوردی برای اسرائیل به شمار می‌رود اما همزمان نکات نگران‌کننده‌ای نیز به همراه دارد.

از یکسو، بخش عمده‌ی ناوگان حدود ۲۰ هزار سانتریفیوژ جمهوری اسلامی نابود شده و یا از کار افتاده است. از سوی دیگر، حجم فراوانی از این سانتریفیوژها در اعماق زمین سالم مانده‌اند. منابع متعدد هشدار داده‌اند که حتی اگر تنها چند صد سانتریفیوژ پیشرفته‌ی IR-6

پس از بیست سال، آمریکا و اروپا به دنبال ارجاع پرونده اتمی جمهوری اسلامی به شورای امنیت



صحن شورای امنیت / عکس: رویترز

۲۰۰ کیلوگرم از این مواد در تونل‌های اصفهان و تأسیسات نطنز باقی مانده است.

حالا قطعنامه‌ی پیشنهادی اخیر، نقطه‌ی اوج بن‌بست یکساله بر سر دسترسی بازرسان آژانس به تأسیسات هسته‌ای در ایران ارزیابی می‌شود. شورای حکام آژانس در یک سال گذشته دو قطعنامه تصویب کرده که از جمهوری اسلامی خواسته تا موجودی اورانیوم غنی‌شده‌ی خود را اعلام نماید و امکانات دسترسی کامل را برای راست‌آزمایی آن فراهم آورد. پیش‌نویس جدید از مدیرکل آژانس، رافائل گروسی، می‌خواهد این قطعنامه و قطعنامه‌های پیشین را به همه‌ی اعضای آژانس، شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل ارسال کند و همچنین از رژیم ایران می‌خواهد فوراً موارد عدم پایبندی خود را به موافقت‌نامه‌ی پادمان با اتخاذ تمام گام‌های مورد نظر آژانس و هیئت حاکمه برطرف کند تا مدیرکل بتواند تضمین‌های لازم را درباره‌ی صحت و کامل‌بودن ادعاهای جمهوری اسلامی ارائه دهد.

به گفته‌ی دیپلمات‌ها، این پیش‌نویس هنوز رسماً به هیئت حاکمه‌ی آژانس ارائه نشده و مذاکرات بر سر جزئیات متن ادامه دارد. معمولاً پیش‌نویس‌ها اوایل هفته‌ی برگزاری نشست هیئت حاکمه ارائه می‌شوند. دیپلمات‌ها می‌گویند هربار که این چهار قدرت در سال‌های اخیر پیش‌نویس قطعنامه‌ای را علیه جمهوری اسلامی ارائه کرده‌اند، تصویب شده است. با اینهمه حق وتوی روسیه و چین به عنوان متحدان رژیم تهران می‌تواند کار را دشوار کند.

جمهوری اسلامی بارها در گذشته به قطعنامه‌های شورای حکام آژانس علیه خود، با افزایش فعالیت‌های هسته‌ای یا کاهش همکاری با آژانس واکنش نشان داده است؛ اما در شرایط کنونی گزینه‌های تهران برای انجام هر دو اقدام بسیار محدود است.

که پرونده‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع می‌دهد.

رویترز چهارم سپتامبر (۱۳ شهریور) گزارش داد، آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان در نظر دارند تا شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با صدور یک قطعنامه، پرونده جمهوری اسلامی ایران را برای نخستین بار در ۲۰ سال گذشته به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دهد. رویترز نوشته است که پیش‌نویس متن پیشنهادی را مشاهده کرده و دیپلمات‌ها نیز روز جمعه این موضوع را تأیید کرده‌اند. در صورت تصویب، این قطعنامه ادامه قطعنامه‌ای خواهد بود که ۲۲ خرداد ۱۴۰۴ (۱۲ ژوئن ۲۰۲۵) به تصویب رسید و حکومت ایران را به دلیل عدم همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای تحقیق درباره آثار اورانیوم‌های کشف‌شده در سایت‌های اعلام‌نشده، ناقض تعهدات خود در زمینه منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای اعلام کرد. یک روز پس از آن قطعنامه، اسرائیل هم‌ارزان تأسیسات هسته‌ای را در ایران آغاز نمود و ایالات متحده نیز به آن پیوست. تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم در آن حملات که به جنگ ۱۲ روزه معروف شد، یا ویران شدند و یا به شدت آسیب دیدند.

از آن زمان جمهوری اسلامی اجازه‌ی بازگشت بازرسان آژانس به سایت‌های هم‌ارزان‌شده را نداده و موجودی باقیمانده‌ی اورانیوم غنی‌شده‌ی خود را نیز گزارش نکرده است. بخشی از این اورانیوم تا سطح ۶۰ درصد غنی‌شده که تنها یک گام کوتاه تا سطح تسلیحاتی فاصله دارد.

آژانس انرژی اتمی برآورد کرده که رژیم ایران پیش از حملات خرداد ۴۰۴، حدود ۴۴۰٫۹ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده تا ۶۰ درصد در اختیار داشته که در صورت غنی‌سازی بیشتر برای ساختن حدود ۱۰ کلاهک هسته‌ای کافی است. پس از حملات آمریکا و اسرائیل، آژانس تخمین زده است بیش از

● رویترز چهارم سپتامبر (۱۳ شهریور) گزارش داد، آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان در نظر دارند تا شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با صدور یک قطعنامه، پرونده جمهوری اسلامی ایران را برای نخستین بار در ۲۰ سال گذشته به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دهد. رویترز نوشته است که پیش‌نویس متن پیشنهادی را مشاهده کرده و دیپلمات‌ها نیز روز جمعه این موضوع را تأیید کرده‌اند. این قطعنامه‌ی پیشنهادی، نقطه‌ی اوج بن‌بست یکساله بر سر دسترسی بازرسان آژانس به تأسیسات هسته‌ای در ایران ارزیابی می‌شود. شورای حکام آژانس در یک سال گذشته دو قطعنامه تصویب کرده که از جمهوری اسلامی خواسته تا موجودی اورانیوم غنی‌شده‌ی خود را اعلام نماید و امکانات دسترسی کامل را برای راست‌آزمایی آن فراهم آورد.

● به گفته‌ی دیپلمات‌ها، این پیش‌نویس هنوز رسماً به هیئت حاکمه‌ی آژانس ارائه نشده و مذاکرات بر سر جزئیات متن ادامه دارد. معمولاً پیش‌نویس‌ها اوایل هفته‌ی برگزاری نشست هیئت حاکمه ارائه می‌شوند. دیپلمات‌ها می‌گویند هربار که این چهار قدرت در سال‌های اخیر پیش‌نویس قطعنامه‌ای را علیه جمهوری اسلامی ارائه کرده‌اند، تصویب شده است.

● نشست هفته‌ی آینده‌ی شورای حکام اکنون به کانون توجه دیپلماتیک تبدیل شده و نتیجه‌ی رأی‌گیری می‌تواند مسیر تازه‌ای را در رویارویی هسته‌ای جمهوری اسلامی و غرب حتی در قالب یک ائتلاف نظامی بگشاید.

ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه و آلمان در حال ریزنی با اعضای هیئت حاکمه‌ی ۳۵ کشور در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هستند تا هفته‌ی آینده قطعنامه‌ای را تصویب کنند

درخواست فرانسه برای تهدید ماموریت آژانس

از سوی دیگر ژروم بونافون سفیر فرانسه در سازمان ملل متحد خواستار رأی گیری شورای امنیت برای تهدید ماموریت گروه کارشناسان هسته‌ای مرتبط با ایران شد و تأکید کرد اگر تهران از نظارت بر تأسیسات هسته‌ای خود جلوگیری کند، باید با پیامدهایش روبرو شود.

بونافون که کشورش ریاست دوره‌ای شورای امنیت را بر عهده دارد، گفت شورا باید درباره تهدید ماموریت این گروه رأی گیری کند. به گفته او، این موضوع طی سپتامبر سال گذشته، همزمان با بازگشت تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی و در پی «پایبند نبودن تهران به تعهدات هسته‌ای» دوباره مطرح شد. سفیر فرانسه همچنین گفت شورای امنیت طی ماه جاری موضوع پایبند نبودن جمهوری اسلامی ایران به تعهدات هسته‌ای و پیامدهای آن را بررسی خواهد کرد و پرونده هسته‌ای ایران «محور اصلی» بحث‌های شورا در این زمینه خواهد بود.

بونافون همچنین از تشدید تنش در منطقه توسط رژیم ایران انتقاد کرد و گفت وضعیت کنونی خلیج فارس و به ویژه تنگه هرمز و آزادی روند کشتیرانی، بخشی از موضوعی است که شورای امنیت در بررسی پرونده ایران در نظر خواهد گرفت.

او تأکید کرد، آزادی کامل فعالیت کشتیرانی در تنگه هرمز تا کنون برقرار نشده و این وضعیت پیامدهای منفی جدی برای شرایط بین‌المللی، اقتصاد جهانی و امنیت غذایی در جهان به همراه داشته است.

پیامدهای احتمالی تصویب قطعنامه جدید

هنوز روشن نیست این قطعنامه اگر تصویب شود، چه پیامدهایی می‌تواند برای تهران در مناقشه با آمریکا به همراه داشته باشد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از طرفین معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، حق دارد فناوری هسته‌ای از جمله غنی‌سازی اورانیوم را برای اهداف صلح‌آمیز توسعه دهد. در حالی که طی دو دهه‌ی گذشته، غنی‌سازی اورانیوم را به ۶۰ درصد رسانده که هیچ توجیهی برای مصارف صلح‌آمیز ندارد و همین فعالیت از نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سبب «نگرانی‌های جدی» شده است.

در چنین شرایطی، ارجاع پرونده‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی به شورای امنیت گامی مهم در تشدید فشار دیپلماتیک غرب محسوب می‌گردد. این اقدام بیش از پیش مشروعیت بین‌المللی برنامه‌ی هسته‌ای رژیم ایران را زیر سؤال خواهد برد و زمینه را برای اقدامات بعدی شورای حکام یا بحث‌های مجمع عمومی فراهم می‌نماید. نشست هفته‌ی آینده‌ی شورای حکام اکنون به کانون توجه دیپلماتیک تبدیل شده و نتیجه‌ی رأی‌گیری می‌تواند مسیر تازه‌ای را در رویارویی هسته‌ای جمهوری اسلامی و غرب حتی در قالب یک ائتلاف نظامی بگشاید. آنهم در حالی که اتحادیه اروپا نیز در روزهای اخیر در آستانه‌ی آغاز نشست «گروه ۲۰» طی بیانیه‌ای اعلام کرد: «برای حفظ فشار بر [رژیم] ایران و کمک به کاهش تنش و ثبات منطقه‌ای» از طرح ایالات متحده استقبال می‌کند.

در شرایطی که هرگونه مذاکره میان واشنگتن و بقایای جمهوری اسلامی راه به جایی نبرده و متوقف گردیده، این قطعنامه در صورت تصویب می‌تواند حلقه‌ی محاصره‌ی جمهوری اسلامی را که در تمام عرصه‌ها زمینگیر شده، تنگ‌تر کند. شورای حکام آژانس بار دیگر در موقعیت تصمیم‌گیری حساس در ارتباط با مسئله‌ای قرار گرفته که هیچگاه در وین و چارچوب‌های دیپلماتیک حل نشده است.

زدی ضربتی، ضربتی نوش کن!

خیراندیشی (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۲۴۱ - بهمن ماه ۱۳۸۷)

جمهوری اسلامی نقش بسته در حالی که جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۴۸ هنوز تولد نیافته بود.

دیگر این که تاریخ مهر و امضای دانشنامه، در ذیل مدرک، ۲۹ اسفند سال ۱۳۴۹ را نشان می‌دهد و کیست که نداند چنین روزی، معمولا دوایر اداری و آموزشی به‌مناسبت آغاز سال نو، تعطیل است.

البته، سایت البرز جای «ان قُلت» هم باقی گذاشته و یادآور شده که ممکن است این دانشنامه را جاعلان اینترنتی برای تخریب چهره شخصیتی چون آقای خاخی جعل کرده باشند. یعنی جعل اندر جعل!

مدرک، چه جعل باشد چه اصل، انتشار آن پیامی برای خاخی و هکذا رفسنجانی و دیگران در بر دارد که اگر این گونه مچ‌گیری متداول شود، عوارضش دامن قبابی شما را هم خواهد گرفت.

عذر بدتر از گناه

در پی انتشار مدرک کذایی، در سایت اینترنتی البرز، خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی (ایرنا) چنین گزارش داد: «یک منبع آگاه در دانشگاه اصفهان به خبرنگار ایرنا گفت آقای سید محمد خاخی در سال ۱۳۴۴ در رشته فلسفه

پس از آن که مجلس شورای اسلامی تسلیم استیضاح کنندگان شد و علی‌کردان را با رسوایی از مسند وزارت به زیر کشید، پریزیدنت احمدی‌نژاد که عادت ندارد این گونه ضربه‌ها را بی‌جواب بگذارد، دستور داد به سوابق تحصیلی کرسی‌نشینان سابق و اسبق رسیدگی شود و مچ‌گیری متقابل صورت گیرد.

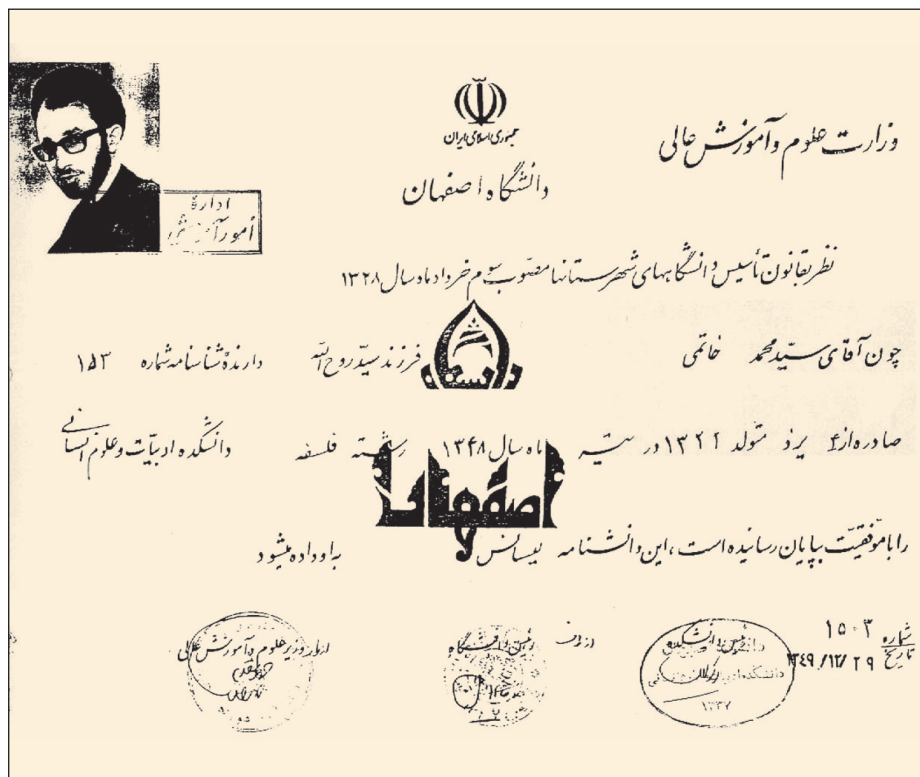
در اجرای امریه، مأموران تحقیق و تفحص دست به کار شدند و پرونده تحصیلی رؤسای جمهور و وزیران دوران حکومت کارگزاران و اصلاح‌طلبان را در معرض عملیات اکتشافی قرار دادند تا به آنها بفهمانند «این گناهی است که در شهر شما نیز کنند» و:

گر حکم شود که مست گیرند

در شهر هر آنچه هست گیرند

فعلا رخت چرک حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید محمد خاخی را روی بالکن آویخته و در معرض مشاهده عموم قرار داده‌اند.

سایت خبررسانی «البرز نیوز» با انتشار تصویری از مدرک لیسانس رئیس جمهوری پیشین، صحت و اصالت آن را زیر علامت سؤال برده است.



دانشگاه اصفهان ثبت‌نام نموده و تحصیلات خود را با موفقیت به پایان برده است. وی در عین حال افزود که: البته دانشنامه لیسانس آقای خاخی ۳۶ سال بعد و همزمان با آغاز دوره دوم ریاست جمهوری وی در تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۸۰ توسط رئیس وقت دانشگاه اصفهان صادر شده است!

به‌موجب این مدرک، سید محمد خاخی فرزند سید روح‌الله دارای شناسنامه شماره ۱۵۳ صادره از یزد، متولد سال ۱۳۲۲ در تیرماه ۱۳۴۸ تحصیل در رشته فلسفه را در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان با موفقیت به‌پایان رسانده و به دریافت دانشنامه لیسانس موفق شده است. اشکال کار این است که در سربرگ مدرک، علامت

يك سال و نیم در زندان ابوقریب بغداد

بارزانی‌ها به رهبری ملا مصطفی، پس از راهپیمایی حیرت‌انگیزی از خاک ترکیه و ایران گذشتند و خود را به روسیه شوروی رساندند

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آبان‌ماه ۱۳۸۲ تا اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ - از شماره‌های ۹۸۰ تا ۱۰۰۲)

گذار از طوفان

خاطرات مرتضی زربخت در گفتگو با
حمید احمدی (۱۰)

انجمن مطالعات و تحقیقات تاریخ شفاهی ایران - برلین

زربخت - مجازاتشان به حبس ابد تقلیل یافت. زربخت در بهمن ماه سال ۱۳۳۷ آزادی خود را باز یافت و اکنون، در هشتاد و سه سالگی از خاطرات خود سخن می‌گوید.

گزیده‌ای از خاطرات مرتضی زربخت را در صفحه خاطرات و تاریخ می‌خوانید....

افسران عراقی که با شیخ احمد تسلیم شده بودند یعنی سرهنگ ستاد عزت عبدالعزیز، سرگرد مصطفی خوشناو، سروان خیرالله بابان و ستوان محمد محمود، پس از محاکمه در محاکم نظامی محکوم به اعدام شدند و حکم اعدام در مورد هر چهار تن اجرا شد. به نظر می‌رسد که ملا مصطفی بنا به مصلحت، به این چهار نفر افسر فراری گرد عراقی هم همان توصیه تسلیم را کرده است.

در رابطه با ملا مصطفی و همراهان که به شوروی مهاجرت کردند، در سالهای بعد، من در این زمینه کار کردم. مدارک و اسنادی به دست آوردم و همه را گردآوری کردم. خیال داشتم این بررسی را در ایران منتشر کنم.

● کار جالبی است. امیدوارم بزودی توضیح مفصل این جریان را در کتاب شما بخوانیم. من اطلاع کلی این موضوع را از غنی بلوریان شنیدم ولی جنبه تحقیقی همه‌جانبه نداشت.

— از چند طریق مطالعات را انجام دادم. جمع‌آوری روزنامه‌ها، از طریق اسناد و روایت برخی دست‌اندرکاران و اسناد دولتی. به‌عنوان مثال، از طریق خانواده سرتیپ وثوق که بعدها سپهبد و وزیر جنگ بود، مدارکی به دست آوردم. او عضو کمیسیونی بود که مسأله فرار بارزانی‌ها را بررسی می‌کرد که چگونه بارزانی‌ها توانستند همه موانع را بشکنند و خود را به رودخانه ارس برسانند. اعضای این کمیسیون عبارت بودند از سپهبد شاه‌بختی، سرلشکر خسروانی، سرتیپ وثوق و سرتیپ گرز. گزارشهای سرلشکر همایونی که فرمانده نیرو در منطقه بود و گزارشات سرهنگ فیوضی رئیس ستاد آن نیرو. پس از این بررسی و گردآوری اسناد، به عظیمیه کرج رفتم که عده‌ای از بارزانی‌ها هنوز در آنجا ساکن هستند. با ۲ نفر از بازماندگان آن گروه پیشمرگه‌ها که همراه با ملا مصطفی در آن راهپیمایی به شوروی مهاجرت کردند، تماس گرفتم و گفتگو کردم.

بازگشت. در سال ۱۳۲۳ به عضویت سازمان نظامی حزب توده درآمد. در سال ۱۳۲۵ به اتفاق ستوان یکم علی جودی، با دو هوپیمای جنگی راهی تیریز شدند و به فرقه دموکرات آذربایجان پیوستند.

پس از سقوط فرقه دموکرات و فرار رهبران فرقه به آن سوی مرز، زربخش و ۹ افسر فراری دیگر رهسپار کردستان عراق شدند و با ملا مصطفی بارزانی پیوند همکاری بستند. در جنگی که بین بارزانیها و ارتش مجهز ایران رخ داد، شرکت کردند و شکست خوردند. پس از آن به خاک عراق پناه بردند و به مدت سه سال در عراق زندانی بودند و در فروردین ۱۳۲۹ به ایران تحویل داده شدند.

در دادگاه بدوی نظامی، هر شش تن به اعدام محکوم شدند. در دادگاه تجدیدنظر حکم اعدام درباره یکی از آنها - ابوالحسین تفرشیان - ابرام شد و چهار نفر - از جمله مرتضی

«گذار از طوفان» تازه‌ترین کار ناخدا دکتر حمید احمدی در ضبط خاطرات چهره‌های سرشناس نظامی و سیاسی جنبش چپ در ایران عصر پهلوی است.

این کتاب، خاطرات مرتضی زربخت سروان خلبان نیروی هوایی را در دهه ۲۰ به شیوه گفت و شنود منعکس می‌کند. مرتضی زربخت از افسرانی است که در جوانی به سازمان نظامی حزب توده پیوست و بدین سان قدم در راه یک زندگی پر تلاطم گذاشت.

متولد سال ۱۳۰۰ در تهران، زربخت در سال ۱۳۱۹ (آخرین سال سلطنت رضاشاه) در رشته هوایی دانشکده افسری ثبت نام کرد. در مهرماه ۱۳۲۱ (زمان اشغال ایران به‌وسیله قوای متفقین) با درجه ستوان دومی به‌عنوان افسر دیده‌بان فارغ‌التحصیل شد و به هنگ هوایی اصفهان انتقال یافت. سال بعد، برای گذراندن دوره خلبانی به تهران

مرتضی زربخت: به‌مجرد روشن شدن هوا، جلسه مشاوره‌ای تشکیل دادیم و با این برخورد سرد ملا مصطفی، صلاح کار را در این دیدیم که خطر تحویل به ایران را به تن بخریم و از دولت عراق درخواست پناهندگی کنیم.

همان روز، پس از تصمیم‌گیری، به سوی دره گادر سرازیر شدیم. تیوای را از جانب گروه به نمایندگی برای تماس با مرزدار عراقی که درجه سرگردی داشت، فرستادیم. سرگرد عراقی درخواست ما را تلگرافی به وزارت کشور اطلاع داد. پس از چند ساعت، پاسخ دریافتی را به این مضمون به ما ابلاغ کرد: «با درخواست پناهندگی افسران ایرانی موافقت می‌شود و طبق قانون با آنان رفتار خواهد شد. امضا: وزیر کشور، صالح جبر.»

عصر روز ۲۶ فروردین ۱۳۲۶ اسلحه‌های خود را تسلیم پاسگاه مرزی عراق کردیم و با تقاضای پناهندگی سیاسی، خود را در مسیر سرنوشت قرار دادیم که چشم انداز آن برایمان امیدبخش نبود. آن موقع، نوری سعید نخست‌وزیر عراق بود و صالح جبر وزیر کشور. بعد، صالح جبر نخست‌وزیر شد و نوری سعید پشت پرده عمل می‌کرد.

پس از تحویل سلاح، ما را با احترام به ژاندارمری محل بردند. شب را در آنجا خوابیدیم. فردای آن روز، به دست هر دو نفر، یک دستبند زدند و ما را آوردند به محلی به‌نام بافستیان که به اصطلاح پادگان نظامی بود. از آنجا ما را سوار ماشین کردند و به کرکوک آوردند. در کرکوک، ما را سوار قطار کردند و دستبند هر یک از ما را به دستگیره صندلیهای قطار بستند. پس از رسیدن به بغداد، به زندان موقت بغداد تحویل‌مان دادند.

راهپیمایی ملا مصطفی و پیشمرگه‌های بارزانی به شوروی احمدی: از روز ۲۶ فروردین ۱۳۲۶، سرنوشت شما ده نفر افسر و سرنوشت شیخ احمد و بخشی از بارزانیها که خود را تسلیم دولت عراق کردند و نیز سرنوشت ملا مصطفی و

گذار از طوفان



دو نسل از افسران سازمان نظامی

همراهان به اشکال متفاوت رقم زده شده است.

قبل از آنکه خاطرات شما را در رابطه با دوره زندان در عراق دنبال کنم، خواستم خواهش کنم بفرمایید، آیا در سالهای بعد، از سرنوشت آنان اطلاع حاصل کردید؟ زربخت: بله، توضیح آن مفصل است. سعی می‌کنم خیلی خلاصه بیان کنم:

شیخ احمد بارزانی پس از تسلیم تا سال ۱۹۵۸ در بغداد و بصره زندانی بود و با کودتای نظامی عبدالکریم قاسم در عراق، از زندان آزاد شد. زندانی که در آن بود، زندان عمومی نبود، خانه‌ای بود که به زندان بدل شده بود. برادرش شیخ محمد صدیق، محمد آقا مرگسوری و همه خانواده‌ها در اردوگاه موصل و کرکوک تحت نظر بودند. چهار تن از

در سال ۱۹۴۷ بین انگلیس و عراق معاهده‌ای منعقد شد به نام «معاهده پرتسموت». در مخالفت با آن، در عراق تظاهراتی صورت گرفت. دولت صالح جبر سقوط کرد و یک دولت نیمبند که چهره ملی به خود گرفته بود، سر کار آمد. به غیر از حزب کمونیست، بقیه احزاب آزاد بودند. البته حزب کمونیست هم روزنامه‌ای علنی داشت. یکی از احزابی که در جریان شورش مردم عراق فعالیت علنی می‌کرد «حزب دموکرات ملی» بود. ما نامه‌ای به ارگان این حزب نوشتیم. رئیس پاسدار این زندان، گروهانی بود به نام عریف حسین و به او پول می‌دادیم و مخفیانه نامه‌هایمان را پست می‌کرد. «حزب مکررات ملی»، نامه‌مان را در نشریه‌اش چاپ کرد. در آن نامه نوشته بودیم: ما عده‌ای افسر ایرانی هستیم و از دولت عراق تقاضای پناهندگی کردیم و اکنون در ابوقریب زندانی هستیم. ما تقاضا داریم که اگر دولت عراق با پناهندگی سیاسی‌مان موافقت ندارد، ما را به کشور سوم



در زندان عراق: ایستاده از راست به چپ: نیکلا مارکاریان، پلیس عراقی، اصغر احسانی، پلیس عراقی، مرتضی زربخت، علینقی رئیس دانا، دو نفر پلیس عراقی، حمید دباغ زاده نشسته: جواد ارتشیر و ابوالحسن تفرشیان

بفرستد تا پناهندگی ما پذیرفته شود. در سال ۱۹۴۸ که در زندان ابوقریب بودیم، دولت اسرائیل رسمیت یافت و جنگ فلسطین شروع شد یعنی جنگ اعراب و اسرائیل. در اغلب کشورهای عربی، حکومت نظامی اعلام شد. کمونیستهای عراقی و عده زیادی را بازداشت کردند و عده‌ای از آنان را آوردند به همان زندانی که ما بودیم. ما را توی دو اتاق کردند و اتاقهای دیگر را به این عده از زندانیان اختصاص دادند.

در آن روزها، در زندان می‌توانستیم به هواخوری برویم و در کردورها رفت و آمد داشته باشیم. ما که روزها می‌توانستیم در کردور قدم بزنیم، با امکاناتی که داشتیم وسیله ارتباط افراد در سلولهای مختلف شده بودیم. مأموران پلیس سیاسی دائماً مراقب بودند زندانیان کمونیست عراقی که در مرحله بازجویی قرار داشتند با هم تماس نگیرند. روزها آنان را به بازجویی می‌بردند و شکنجه می‌کردند و با بدن مجروح باز می‌گرداندند. به آنان نه وسیله خواب می‌دادند نه غذای کافی.

در آن زمان به ماجیره نقدی می‌دادند. روزی ۳۰۰ فلس یعنی حدود شش تومان. آن گروهان زندان برایمان خرید می‌کرد. ما هم از جیره غذایمان ساندویچ درست می‌کردیم و دور از چشم نگهبانان به این زندانیان عراقی می‌دادیم. یک سال و نیم در زندان ابوقریب بودیم. روزی آمدند و به ما خبر دادند که اثاثیه‌تان را جمع کنید. ما را سوار ماشین کردند و به سامره بردند.

مصطفی نفر آخری بود که از آنجا رد می‌شود. علی محمد افغانی از افسران سازمان نظامی حزب توده نقل می‌کرد که رزم آرا دستور داده بود حرکت ملا مصطفی و جریان آن راهپیمایی از نظر نظامی مورد مطالعه و جزو درس نظامی دانشکده نظامی گنجانیده شود.

زندان ابوقریب عراق

● لطفا درباره زندان موقت بغداد توضیح دهید. چه مدت در آنجا زندانی بودید و چه وضعیتی برای شما و دوستانتان در آنجا پیش آمد؟

— اوایل اردیبهشت ۱۳۲۶ ما را به زندان موقت بغداد منتقل کردند. آن روزهایی که در کوه بودیم، وضعیت سرمای هوا طوری بود که به اصطلاح سرما تا مغز استخوانمان رفته بود. هوای بغداد در اوایل اردیبهشت نسبتاً گرم بود. در آن زندان، زندانیان دیگر هم بودند. وقتی آن روز ردیف به

یعنی همین سالهای اخیر آنان را پیدا کردید و گفتگو داشتید؟

— بله. سال ۱۳۷۳ یعنی دو سال پیش که ۴۸ سال از آن زمان می‌گذشت، با دو نفر از آنان گفتگو کردم که روی نوار ضبط و بعداً از زبان کردی به فارسی برگردانده شد. همه آنها را پاکتویس کردم. یکی از آن پیشمرگه‌ها که آن موقع ۱۸ سال سن داشت به نام کاظم شانه‌دري، الان ۶۶ سال سن دارد. نفر بعدی کاکا حسومیرخان که جوان ۲۴ – ۲۳ ساله بود و الان سنش حدود ۷۰ سال می‌شود.

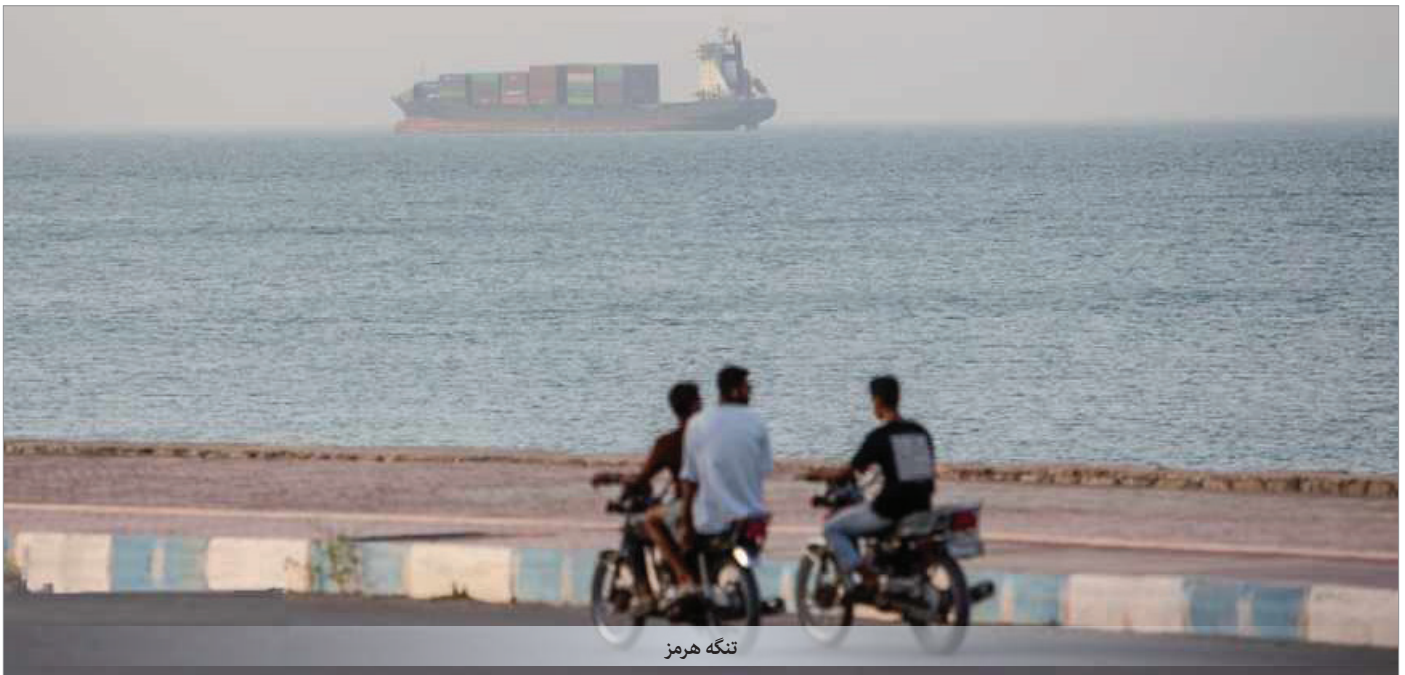
الان، خلاصه‌ای از راهپیمایی آنان را می‌گویم: بارزانی‌ها در آن زمان ۵۰۲ نفر بودند. نخست وارد خاک عراق می‌شوند و به منطقه بارزان می‌آیند و پخش می‌شوند. هیچ‌گونه درگیری با نیروهای مرزی و ارتش عراق پیدا نمی‌کنند. ملا مصطفی متصد بوده تا ببیند عراقی‌ها چه کار می‌کنند. از طرف ارتش عراق می‌آیند و با او تماس می‌گیرند. حتی دو نفر از بارزانیها را که همراه شیخ احمد به دولت عراق تسلیم شده بودند همراه خودشان می‌آورند. آمده بودند تا ببینند نیروی ملامصطفی چقدر است و در واقع، می‌خواستند ارزیابی کنند. بعد از گذشت يك ماه، ملا مصطفی تحت محاصره قرار می‌گیرد و می‌بیند که با کمبود سلاح و مهمات، قادر به مقابله با آنها نیست. و چون شیخ احمد بازداشت بود، او مستقیماً درباره این ۵۰۲ نفر تصمیم می‌گیرد. رؤسایشان را جمع می‌کند و با آنها مشورت می‌کند. بالاخره تصمیم می‌گیرند که بدون درگیری با ارتش عراق، راهپیمایی کنند به طرف شوروی.

اینان از روستای بیداو (در ۲ خرداد ۱۳۲۶) در مرز عراق و ترکیه وارد خاک ترکیه می‌شوند. میان‌بر می‌زنند و می‌آیند داخل خاک ایران و در کردستان ایران، وارد روستای جرمی می‌شوند. در این راهپیمایی از ارتفاعات، باتلاقها، رودخانه‌ها و از قله‌های پر برف و با درست کردن پله‌های برفی در کوهستانهای ترکیه، وارد خاک ایران (۶ خرداد ۱۳۲۶) می‌شوند. ارتش ایران با خبر می‌شود که بارزانی‌های مسلح وارد خاک ایران شده‌اند. ستاد ارتش دستور می‌دهد در سه منطقه جلو اینان خطوط دفاعی تشکیل بدهند. مهمترین منطقه ایجاد خط دفاعی در قطورچای بود. فرماندهان ارتش ایران در منطقه قطورچای تعلل نموده و سعی می‌کردند درگیر نشوند زیرا ضرب شست بارزانیها را قبلاً چشیده بودند. ارتش تا می‌آید مستقر شود، بارزانی‌ها از گذارها رد می‌شوند. روزها زیر سنگها مخفی می‌شوند تا از طریق شناسایی هوایی دیده نشوند و شبها راهپیمایی می‌کردند.

تقریباً ده نفر زخمی داشتند که آنان را روی تخت روان از این ده به آن ده حمل می‌کردند. در محلی به نام شوط (در ۱۹ خرداد ۱۳۲۶) با ارتش ایران درگیر می‌شوند. در آنجا، زد و خورد شروع می‌شود و در این عملیات حدود ۴۰ – ۳۰ نفر از ارتش ایران کشته می‌شوند. بارزانی‌ها آن پل را تصرف می‌کنند و شبانه از آن عبور می‌کنند و می‌رسند به دهکده‌ای به نام هاسون. حدود سه روز بعد، می‌رسند به رودخانه ارس، مرز آبی ایران و شوروی.

سروان میرحاج پیش‌بینی تهیه خیکهایی از پوست بزها را کرده بود. خیکها را باد نموده و سه نفر از جمله میرحاج به وسیله آن از رودخانه عبور می‌کنند و در خاک شوروی با مرزداران شوروی تماس می‌گیرند. پس از دریافت دستور از مسکو، به آنان گفته می‌شود که ما در عبور شما از رودخانه هیچ کمکی نمی‌توانیم بکنیم ولی اگر خودتان آمدید، ممانعتی نخواهیم کرد. برای عبور از رودخانه، توسط خیکها، کلکی درست می‌کنند و عده‌ای از رودخانه عبور می‌کنند و بالاخره گداری پیدا می‌کنند و بقیه افراد که شنا نمی‌دانستند از آن گذار رد می‌شوند و وارد خاک شوروی می‌شوند. ملا

از رویارویی نظامی تا فرسایش و فروپاشی اقتصادی



تنگه هرمز

یک چارچوب جدید مذاکره پیدا کنند؛ از جمله تلاش‌های میانجیگرانه پاکستان، قطر و عمان. مرحله بعدی این مناقشه دیگر صرفاً به موضوع هسته‌ای و تحریم‌ها محدود نخواهد بود، بلکه مسائل گسترده‌تری را نیز در بر خواهد گرفت؛ موضوعاتی مانند امنیت کشتیرانی در خلیج فارس، آینده تنگه هرمز، امنیت انرژی و ایجاد تضمین‌هایی برای جلوگیری از تکرار دوباره رویارویی. از این رو، هرگونه توافق پایدار باید ریشه‌های اصلی مناقشه را مورد توجه قرار دهد و صرفاً به توقف عملیات نظامی اکتفا نکند.

کشورهای عربی خلیج فارس و ضرورت امنیت جمعی
در نهایت، شاید خطرناک‌ترین جنبه این مناقشه آن باشد که به سمت یک درگیری بلندمدت و فرسایشی حرکت کند؛ درگیری‌ای که پیامدهای آن از مرزهای آمریکا و ایران فراتر رفته و کل منطقه خلیج فارس را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ادامه تنش‌ها هزینه‌های امنیتی، اقتصادی و استراتژیک فزاینده‌ای بر منطقه تحمیل می‌کند و کشورهای خلیج فارس را با ضرورت تقویت امنیت جمعی از طریق شورای همکاری کشورهای خلیج فارس، متنوع ساختن اقتصاد خود و ایجاد مسیرهای جایگزین برای انرژی و تجارت مواجه می‌سازد. در کنار این اقدامات، ادامه تلاش‌های دیپلماتیک برای جلوگیری از گسترش دامنه رویارویی نیز اهمیت حیاتی خواهد داشت. از این نگاه، منافع کشورهای خلیج فارس نه در ادامه روند فرسایشی و نه در پیروزی یک طرف بر طرف دیگر، بلکه در دستیابی به یک راه حل سیاسی پایدار نهفته است؛ راه حلی که امنیت کشورهای خلیج فارس، آزادی کشتیرانی، ثبات بازارهای انرژی و در نهایت امنیت و ثبات منطقه را تضمین کند.

همچنین در اختیار داشتن اهرم‌های راهبردی حساب می‌کند؛ اهرم‌هایی که می‌تواند در برابر واشنگتن مورد استفاده قرار گیرد.

از این رو، آرامش نسبی فعلی در جبهه نظامی به معنای پایان مناقشه نیست، بلکه نشان‌دهنده بازآرایی اهرم‌ها و راهبردهای دو طرف است.

تنگه هرمز؛ یکی از مهم‌ترین اهرم‌های قدرت
تنگه هرمز همچنان یکی از مهم‌ترین اهرم‌های قدرت در این مرحله به شمار می‌رود؛ زیرا یکی از جریان‌های اصلی انرژی و تجارت جهانی است. هرگونه اختلال در کشتیرانی از این مسیر می‌تواند مستقیماً بر قیمت نفت و گاز، هزینه‌های حمل و نقل و بیمه و همچنین زنجیره‌های تأمین جهانی تأثیر بگذارد.

در این چارچوب، مسئله کشتیرانی در تنگه هرمز بیش از گذشته به بخشی از معادله سیاسی و مذاکراتی تبدیل شده است. همین مسئله کشورهای عربی خلیج فارس را به سمت تسریع تلاش‌ها برای یافتن مسیرهای جایگزین و تقویت توانمندی‌های خود در زمینه امنیت انرژی سوق داده است. کشورهای خلیج فارس خود را در برابر معادله‌ای بسیار حساس می‌بینند. از یکسو، آنها بر حفظ روابط استراتژیک خود با آمریکا تأکید دارند و از سوی دیگر تلاش می‌کنند از ورود مستقیم به این مناقشه خودداری کنند و اجازه ندهند خاک و منافع اقتصادی‌شان به میدان رویارویی تبدیل شود. طولانی شدن این مناقشه همچنین چالش‌های تازه‌ای برای امنیت انرژی، تجارت و سرمایه‌گذاری ایجاد می‌کند و باعث می‌شود ثبات منطقه‌ای و دیپلماسی پیشگیرانه جایگاه مهم‌تری در سیاست‌های کشورهای خلیج فارس پیدا کند.

فرصت برای دیپلماسی و میانجیگری
از نگاه سیاسی، ادامه مناقشه بدون دستیابی به یک نتیجه روشن و قطعی نظامی، فرصت بیشتری برای میانجیگری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم می‌کند تا راهی برای ایجاد

● آرامش نسبی فعلی در جبهه نظامی به معنای پایان مناقشه نیست، بلکه نشان‌دهنده بازآرایی اهرم‌ها و راهبردهای دو طرف است.

● مسئله کشتیرانی در تنگه هرمز بیش از گذشته به بخشی از معادله سیاسی و مذاکراتی تبدیل شده است. همین مسئله کشورهای عربی خلیج فارس را به سمت تسریع تلاش‌ها برای یافتن مسیرهای جایگزین و تقویت توانمندی‌های خود در زمینه امنیت انرژی سوق داده است. ● مرحله بعدی این مناقشه دیگر صرفاً به موضوع هسته‌ای و تحریم‌ها محدود نخواهد بود، بلکه مسائل گسترده‌تری را نیز در بر خواهد گرفت؛ موضوعاتی مانند امنیت کشتیرانی در خلیج فارس، آینده تنگه هرمز، امنیت انرژی و ایجاد تضمین‌هایی برای جلوگیری از تکرار دوباره رویارویی. از این رو، هرگونه توافق پایدار باید ریشه‌های اصلی مناقشه را مورد توجه قرار دهد و صرفاً به توقف عملیات نظامی اکتفا نکند.

دانه العنزی (روزنامه‌الرای) - مناقشه آمریکا و جمهوری اسلامی ایران پس از ماه‌ها رویارویی نظامی وارد مرحله‌ای جدید شده است؛ مرحله‌ای که در آن معیار قدرت دیگر صرفاً به حملات نظامی محدود نمی‌شود، بلکه بیش از گذشته به حوزه اقتصاد، تحریم‌ها، انرژی و کشتیرانی کشیده شده است.

با فروکش کردن نسبی جبهه نظامی، واشنگتن بیش از پیش به ابزارهای فشار اقتصادی برای تضعیف توان رژیم ایران برای ادامه مقاومت متکی شده است؛ در حالی که تهران تلاش می‌کند اهرم‌های قدرت خود را حفظ کرده و جایگاه خود را برای هرگونه مذاکره احتمالی در آینده بهبود بخشد. این تحول نشان‌دهنده انتقال مناقشه از مرحله رویارویی مستقیم به مرحله فرسایش متقابل است. آمریکا بر این باور است که تداوم تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی در نهایت ایران را به ارائه امتیاز و بازگشت به میز مذاکره وادار خواهد کرد. در مقابل، تهران بر توانایی خود برای تحمل فشارها و

*منبع: روزنامه‌الرای

*نویسنده: دانه العنزی

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

آیا جنگ آمریکا و جمهوری اسلامی به جنگ منطقه‌ای تبدیل شده است؟



اصابت موشک یا پهپاد جمهوری اسلامی به تأسیسات نفتی امارات در طول جنگ ۴۰ روزه

به عنوان اهداف مستقل مورد حمله قرار دهد، دیگر نیازی نخواهد بود بپرسیم آیا جنگ منطقه‌ای شده است یا نه. پاسخ کاملاً روشن خواهد بود.

منطق تشدید درگیری

مشکل اینجاست که منطق تشدید تنش به تدریج بر رفتار هر دو طرف حاکم می‌شود. ترامپ تهدید کرده در صورت ادامه واکنش‌های رژیم ایران، حملات شدیدتری انجام خواهد داد. تهران نیز می‌گوید هر حمله آمریکا با پاسخی گسترده‌تر روبرو خواهد شد. اگر هر دو طرف به این تهدیدات پایبند بمانند، هر دور از درگیری می‌تواند دور بعدی را شدیدتر از مرحله قبل کند. از این رو، دیگر پرسش اصلی این نیست که آیا جنگ از مرزهای ایران خارج خواهد شد یا نه؛ جنگ همین حالا هم از مرزهای ایران خارج شده است!

پرسش واقعی این است که آیا کشورهای منطقه خواهند توانست همچنان صرفاً به عنوان سرزمین‌هایی باقی بمانند که موشک‌ها از فراز آنها عبور می‌کنند، بدون آنکه خودشان به طرفینی تبدیل شوند که موشک شلیک می‌کنند؟ تا این لحظه، این خط قرمز همچنان پابرجاست؛ اما بسیار شکننده‌تر از چند روز پیش شده است.

جنگ از نظر جغرافیا و پیامدها، به یک جنگ منطقه‌ای تبدیل شده؛ اما هنوز به یک جنگ منطقه‌ای تمام‌عیار با مشارکت مستقیم همه طرفین تبدیل نشده است. خطر واقعی این است که دیگر فاصله چندانی با چنین وضعیتی نداریم.

*منبع: روزنامه المصری الیوم

*نویسنده: دکتر عبد اللطیف المنای

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

کرده است هر کشوری که به عملیات آمریکا کمک کند، ممکن است با واکنش‌هایی «سنگین‌تر و گسترده‌تر» روبرو شود. در اینجا، مسئله از هدف قرار دادن پایگاه‌های آمریکا فراتر می‌رود و این احتمال مطرح می‌شود که کشور میزبان نیز خود به بخشی از جنگ تبدیل شود.

تنگه هرمز؛ مرکز اصلی جنگ

از سوی دیگر، تنگه هرمز نیز دیگر صرفاً یک صحنه فرعی در این جنگ نیست و به یکی از کانون‌های اصلی درگیری تبدیل شده است.

آمریکا توانمندی‌های دریایی رژیم ایران و تأسیسات مرتبط با مین‌گذاری را هدف قرار می‌دهد و تهران نیز کشتی‌ها را تهدید کرده و قواعد عبور و مرور مورد نظر خود را تحمیل می‌کند. در همین حال، کاهش شدید تجارت از مسیر تنگه هرمز، عراق را وادار کرده است بخشی از تجارت خود را به مسیر بندر عقبه در اردن منتقل کند.

به این ترتیب، عناصر تشکیل‌دهنده یک جنگ منطقه‌ای یکی پس از دیگری در حال شکل‌گیری هستند: خلیج فارس به میدان حملات موشکی و پهپادی تبدیل شده، تنگه هرمز به یک منطقه نظامی بدل شده، اردن و عراق در محدوده واکنش‌های حکومت ایران قرار گرفته‌اند و بازارهای انرژی و کشتیرانی نیز مستقیماً به بخشی از این مناقشه تبدیل شده‌اند.

اما مهم‌ترین و خطرناک‌ترین عنصر یعنی ورود مستقیم کشورهای منطقه به جنگ تهاجمی علیه جمهوری اسلامی هنوز اتفاق نیفتاده است. اگر امارات، بحرین، اردن و عربستان اهدافی را در داخل ایران هدف قرار دهند، یا اگر تهران تأسیسات نفتی یا شهرهای کشورهای عربی خلیج فارس را نه صرفاً به دلیل حضور نیروهای آمریکایی، بلکه

● رژیم ایران دامنه عملیات خود را گسترش داده است، اما می‌گوید اهداف حملاتش حضور نظامی آمریکا در کشورهای منطقه است، نه خود این کشورها. در مقابل، بحرین، کویت و اردن از حریم هوایی و سرزمین‌های خود دفاع می‌کنند، اما تا کنون وارد مرحله انجام عملیات نظامی مستقیم علیه جمهوری اسلامی نشده‌اند.

● هرچه حملات رژیم ایران به این کشورها تکرار شود، برای دولت‌های منطقه دشوارتر خواهد شد که میان «هدف قرار گرفتن نیروهای آمریکایی مستقر در خاک آنها» و «هدف قرار گرفتن حاکمیت ملی خودشان» تفاوت قائل شوند. اما عناصر تشکیل‌دهنده یک جنگ منطقه‌ای یکی پس از دیگری در حال شکل‌گیری هستند: خلیج فارس به میدان حملات موشکی و پهپادی تبدیل شده، تنگه هرمز به یک منطقه نظامی بدل شده، اردن و عراق در محدوده واکنش‌های حکومت ایران قرار گرفته‌اند و بازارهای انرژی و کشتیرانی نیز مستقیماً به بخشی از این مناقشه تبدیل شده‌اند.

● پرسش واقعی این است که آیا کشورهای منطقه خواهند توانست همچنان صرفاً به عنوان سرزمین‌هایی باقی بمانند که موشک‌ها از فراز آنها عبور می‌کنند، بدون آنکه خودشان به طرفینی تبدیل شوند که موشک شلیک می‌کنند؟

عبد اللطیف المنای (روزنامه مصری الیوم) - شاید دیگر دقیق نباشد آنچه را در حال وقوع است صرفاً «جنگ آمریکا و جمهوری اسلامی ایران» عنوان شود. طی روزهای گذشته، آمریکا اهداف متعددی متعلق به سپاه پاسداران در داخل ایران را هدف قرار داده و تهران نیز در پاسخ، موشک‌ها و پهپادهایی را به سوی آنچه مواضع آمریکا در بحرین، کویت، اردن و عراق می‌نامد، شلیک کرده است. بنابراین، آیا این جنگ به یک جنگ منطقه‌ای تبدیل شده است؟

از نظر جغرافیایی، بله؛ اما از نظر سیاسی و نظامی، هنوز بطور کامل به جنگی فراگیر تبدیل نشده است.

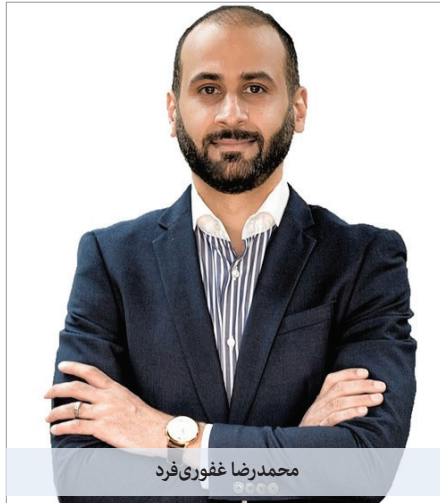
رژیم ایران دامنه عملیات خود را گسترش داده است، اما می‌گوید اهداف حملاتش حضور نظامی آمریکا در کشورهای منطقه است، نه خود این کشورها. در مقابل، بحرین، کویت و اردن از حریم هوایی و سرزمین‌های خود دفاع می‌کنند، اما تا کنون وارد مرحله انجام عملیات نظامی مستقیم علیه جمهوری اسلامی نشده‌اند.

بنابراین در حال حاضر با مرحله‌ای روبرو هستیم که می‌توان آن را منطقه‌ای شدن میدان جنگ نامید؛ اما این وضعیت هنوز به یک جنگ منطقه‌ای چندجانبه تبدیل نشده. با این حال، فاصله میان این دو وضعیت بسیار کوتاه و خطرناک شده است.

هرچه حملات رژیم ایران به این کشورها تکرار شود، برای دولت‌های منطقه دشوارتر خواهد شد که میان «هدف قرار گرفتن نیروهای آمریکایی مستقر در خاک آنها» و «هدف قرار گرفتن حاکمیت ملی خودشان» تفاوت قائل شوند.

خطرناک‌تر آنکه جمهوری اسلامی سطح هشدارهای خود را نیز افزایش داده است. فرماندهی نظامی در ایران اعلام

دیلی میل: میلیون‌ها دلار پول مالیات‌دهندگان کانادا به فرد مرتبط با برنامه موشکی ایران



محمد رضا غفوری فرد

این سامانه از «هاوک» پیشرفته‌تر است و به موشک‌های «شاهین» با بُرد حدود ۹۳ مایل نزدیک به ۱۵۰ کیلومتر، مجهز شده است. همچنین ادعا شده است که غفوری فرد در پروژه‌ای در زمینه جنگ الکترونیک با نام «رعد» نیز فعالیت داشته است. سامانه‌ای که با استفاده از امواج رادیویی، ارتباطات نیروهای دشمن را مختل می‌کند.

نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۲۰۱۲ این سامانه را رونمایی کرد و اعلام نمود که این سامانه برای «مقابله با هواپیماهای آمریکایی در فاصله‌ای تا ۵۰ کیلومتر معادل ۳۱ مایل» با استفاده از موشک‌های مرتبط طراحی شده است. بر اساس این گزارش، آخرین پروژه‌ای که ادعا می‌شود غفوری فرد در شرکت «ربیع کوثر» روی آن کار کرده، سامانه‌ای موسوم به «سینا» بوده است. سامانه‌ای جهت‌یاب که قادر بود موقعیت کشتی‌ها را در خلیج فارس شناسایی و مسیر حرکت آنها را تعیین کند.

بر اساس گزارش سازمان اطلاعات و امنیت کانادا، هنگامی که سالها بعد از غفوری فرد درباره فعالیت‌هایش در این شرکت پرسش شد، وی مدعی شد که بطور مستقیم با نیروهای نظامی جمهوری اسلامی یا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارتباط نداشته و تماس‌های او با «صاایران» بوده است. نهاد اطلاعاتی کانادا این شرکت را «شرکت وابسته به وزارت دفاع جمهوری اسلامی» توصیف کرده است.

در گزارش سازمان اطلاعات و امنیت کانادا آمده است: «وزارت دفاع سپس این محصولات را در اختیار نیروهای نظامی یا سپاه پاسداران قرار می‌داد.»

این گزارش ادامه داده است: «آقای غفوری فرد با یکی از مسئولان خرید «صاایران» در ارتباط بود تا اطمینان حاصل شود که این پروژه‌ها برای کاربردهای نظامی مناسب هستند و تجهیزات خریداری شده نیز استانداردهای نظامی را تأمین می‌کنند.»

غفوری فرد، در سال ۲۰۰۹، شرکت خود را با نام «سیما تکنولوژی» به بهره‌گیری از این سازوکار تدارکاتی، در ایران تأسیس کرد. اما این فعالیت تجاری به موفقیت نرسید.

چند سال بعد، او در سال ۲۰۱۳ در چارچوب برنامه نیروی کار ماهر دولت کانادا و با اقامت دائم به این کشور بازگشت. غفوری فرد پس از آن «گروه ملانیت» را تأسیس کرد. شرکتی که «تدارکات و تأمین کالا» را در «فهرست خدمات خود قرار داده و از دولت فدرال کانادا، دولت‌های استانی بریتیش کلمبیا، ساسکاچوان، منیتوبا و انتاریو و همچنین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌عنوان مشتریان خود نام برده است. در همین حال، بر اساس گزارش سازمان اطلاعات و امنیت کانادا، غفوری فرد در سال ۲۰۱۵ به ایران بازگشته و در جریان این سفر دوبار با مأموران وزارت اطلاعات حکومت اسلامی دیدار کرده است. در این گزارش آمده است: «آقای غفوری فرد در نخستین دیدار خود با وزارت اطلاعات، جزئیاتی درباره فعالیت‌های شغلی‌اش در کانادا ارائه کرده است.» در ادامه این گزارش آمده است: «از او پرسیده شد آیا به ایالات متحده سفر می‌کند و آیا با سازمان‌های اطلاعاتی کانادا یا آمریکا ارتباطی دارد؟»

این گزارش افزوده: «در دومین دیدار، دستورالعمل‌ها و هشدارهای مشروحی در ارتباط با احتمال مراجعه پلیس یا نهادهای اطلاعاتی به او در دوران اقامتش در کانادا»

جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بودند. بر اساس گزارشی از سازمان اطلاعات و امنیت کانادا که به تازگی از طبقه‌بندی محرمانه خارج شده، محمد رضا غفوری فرد، فرزند حسن غفوری فرد، سیاستمدار جمهوری اسلامی و معاون پیشین رئیس جمهوری در تحقیق و توسعه فناوری‌های نظامی ایران نقش داشته است.

در این گزارش آمده است که غفوری فرد در توسعه یک سامانه موشکی هدایت‌شونده ضد هوایی و همچنین تجهیزات ایجاد اختلال الکترونیکی برای «مقابله با هواپیماهای آمریکایی» برای نیروهای نظامی جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مشارکت داشته است. این گزارش همچنین مدعی است که او بخشی از یک «ساختار مخفی تدارکاتی» برای خرید قطعات مورد نیاز پروژه‌های نظامی حکومت اسلامی بوده است. قطعاتی که به دلیل تحریم‌های آمریکا تهیه آنها از مجاری معمول برای حکومت ایران امکان پذیر نبود.

غفوری فرد نخستین‌بار در سال ۲۰۰۵ برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد مهندسی در دانشگاه دالپوزی در هلیفکس به کانادا رفت. اما به گزارش «گلوبال نیوز» تنها پس از یک هفته، تحصیل این دانشگاه را با اعلام بروز یک وضعیت اضطراری خانوادگی رها کرد.

او سپس به ایران بازگشت جایی که پدرش، حسن غفوری فرد، از نمایندگان محافظه‌کار مجلس و معاون پیشین اکبر هاشمی رفسنجانی، یکی از چهره‌های اصلی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ بود. بر اساس اسناد موجود، محمد رضا غفوری فرد پس از بازگشت به ایران، به عنوان مهندس در شرکت «ربیع کوثر» مشغول به کار شد. شرکتی که فعالیت آن منحصر بر پروژه‌های تحقیق و توسعه برای نیروهای نظامی رژیم متمرکز بود.

بر اساس گزارش سازمان اطلاعات و امنیت کانادا، غفوری فرد در آغاز روی سامانه‌ای موسوم به «شاهین» یا «هاوک» کار می‌کرد. سامانه‌ای که در این گزارش از آن به‌عنوان یک سامانه ضد موشکی میان‌برد ساخت ارتش آمریکا یاد شده است.

جمهوری اسلامی در سال ۲۰۱۰ نخستین سامانه پدافند هوایی ساخت داخل خود را رونمایی کرد و مدعی شد

● بر اساس اسناد منتشر شده، دو شرکت متعلق به محمد رضا غفوری فرد طی سال‌های گذشته بیش از دو میلیون دلار کانادا از قراردادهای دولت فدرال این کشور دریافت کرده‌اند؛ قراردادهایی که برخی از آنها با پلیس سواره نظام سلطنتی کانادا و وزارت دفاع ملی این کشور منعقد شده است.

● گزارش از طبقه‌بندی خارج‌شده‌ی سازمان اطلاعات و امنیت کانادا مدعی است غفوری فرد پیش از بازگشت به کانادا در پروژه‌های تحقیق و توسعه‌ی مرتبط با سامانه‌های موشکی، جنگ الکترونیک و تجهیزات مورد استفاده‌ی نیروهای نظامی جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران فعالیت داشته است.

● در گزارش امنیتی کانادا همچنین ادعا شده است که غفوری فرد بخشی از یک «ساختار مخفی تدارکاتی» برای تهیه‌ی قطعات مورد نیاز پروژه‌های نظامی ایران بوده؛ قطعاتی که به دلیل تحریم‌های آمریکا، تهیه‌ی آنها از مجاری معمول برای جمهوری اسلامی امکان‌پذیر نبوده است.

● بر اساس همین گزارش، غفوری فرد در جریان سفری به ایران در سال ۲۰۱۵ دو بار با مأموران وزارت اطلاعات دیدار کرده و در یکی از این دیدارها درباره‌ی فعالیت‌های شغلی خود در کانادا توضیح داده است؛ ادعاهایی که او و وکلایش آنها را رد می‌کنند.

مقامات کانادایی میلیون‌ها دلار از پول مالیات‌دهندگان را در اختیار پسر معاون رئیس جمهوری اسلامی قرار دادند. فردی که به توسعه برنامه موشکی جمهوری اسلامی کمک کرده است؛ این در حالی است که بر اساس یک گزارش از طبقه‌بندی خارج‌شده‌ی سازمان اطلاعات و امنیت کانادا، او پیش از مهاجرت به این کشور در پروژه‌های مرتبط با فناوری‌های نظامی جمهوری اسلامی فعالیت داشته و پرونده‌ی درخواست تابعیت‌اش نیز از سالها پیش با بررسی‌های امنیتی روبرو بوده است.

مقامات کانادایی قراردادهایی به ارزش میلیون‌ها دلار با پسر یکی از معاونان پیشین رئیس جمهوری اسلامی ایران منعقد کردند. آن هم در شرایطی که همزمان ادعاهایی درباره نقش او در کمک به توسعه سامانه‌های موشکی جمهوری اسلامی در دست بررسی بود.

محمد رضا غفوری فرد، ۴۵ ساله با نام «سال غفوری» دو شرکت در ادمونتون استان آلبرتا تأسیس کرده است که بیش از دو میلیون دلار کانادا، معادل حدود یک میلیون و ۴۴۶ هزار دلار آمریکا از قراردادهای دولت فدرال کانادا دریافت کرده‌اند. شماری از این قراردادهای با پلیس سواره نظام سلطنتی کانادا و وزارت دفاع ملی این کشور منعقد شده است.

بر اساس گزارش‌ها، او حتی در یکی از هیئت‌های رسمی تجاری کانادا به آمریکای لاتین حضور داشته و از کمک مالی دولت فدرال برای فعالیت‌های تجاری بهره‌مند شده و از وی دعوت شده است تا پیشنهادهایی برای تدوین قوانین به دولت استانی آلبرتا ارائه دهد.

با این همه، مقامات کانادایی همزمان در حال بررسی ادعاهایی درباره همکاری غفوری فرد با نیروهای نظامی

سرنخ ردیابی کشتی‌های خلیج فارس در پرونده غفوری فرد و کانادا؟!



ویدئو

تحقیقات امنیتی انجام می‌داد. محمدرضا غفوری فرد پسر حسن غفوری فرد عضو حزب مؤتلفه اسلامی و رئیس هیئت بازرسی و نظارت شورای عالی انقلاب فرهنگی است که در چندین دولت جمهوری اسلامی مقامات بالا، از استانداری تا معاونت و مشاور ریاست جمهوری داشت.

فرید خلیفی - گزارش تازه «گلوبال نیوز» آخرین قرارداد شرکتی متعلق به محمدرضا غفوری فرد را مربوط به سال ۲۰۲۴ می‌داند، اما بررسی‌ها نشان می‌دهند فعالیت شرکت او در بخش عمومی کانادا دست کم تا ۲۰۲۵ ادامه داشته؛ آنهم در حالی که دستگاه امنیتی کانادا سال‌ها درباره او

غفوری فرد همچنین در اسناد ارائه شده به دادگاه تأکید کرده است که به پرسش‌های سازمان اطلاعات و امنیت کانادا «صادقانه و صریح» پاسخ داده، خدمات و مشارکت‌های قابل توجهی در کانادا داشته و هیچگونه تهدیدی برای امنیت این کشور به‌شمار نمی‌رود. وکلای غفوری فرد نیز استدلال کرده‌اند که اگر نهادهای دولتی او را تهدیدی امنیتی می‌دانستند، قراردادی با شرکت‌های وی منعقد نمی‌کردند و از وی برای همراهی با هیئت‌های تجاری کانادا در سفرهای خارجی دعوت به عمل نمی‌آوردند.

وکلای او گفته‌اند: «اگر واقعا نگرانی‌های امنیتی جدی درباره او وجود داشت، دشوار است بتوان توضیح داد چگونه به وی اجازه داده شده چنین فعالیت‌های تجاری گسترده‌ای داشته باشد.»

بیورنا شکورتی، وکیل غفوری فرد نیز در بیانیه‌ای به «گلوبال نیوز» گفته است: «غفوری فرد بیش از یک دهه در کانادا زندگی کرده و چه در دوران اقامت موقت و چه پس از دریافت اقامت دائم چندین بار تحت بررسی‌های امنیتی قرار گرفته است.»

وی افزوده است: «او ادعاهای مطرح شده علیه خود را قویا رد می‌کند و قصد دارد تا روشن شدن کامل این پرونده، تمامی راه‌های قانونی موجود را برای پیگیری موضوع دنبال کند.»

روزنامه «دیلی میل» نیز برای دریافت توضیحات و واکنش، با وکیل غفوری فرد، سازمان اطلاعات و امنیت کانادا، آژانس خدمات مرزی کانادا، اداره مهاجرت، پناهندگی و شهروندی کانادا و همچنین نهادهای دولتی کانادایی که با غفوری فرد یا شرکت‌های او قرارداد و همکاری تجاری داشته‌اند، تماس گرفته است.

منبع: دیلی میل
ترجمه و تنظیم: کیهان لندن

احتمالی این پرونده برای امنیت ملی ابراز نگرانی کرده بود. حسن غفوری فرد، پدر او در سال ۲۰۲۳ درگذشت. محمدرضا غفوری فرد در اسناد ارائه شده به دادگاه از این موضوع ابراز تأسف کرده است که به دلیل بلاتکلیف ماندن وضعیت تابعیتش، نتوانسته برای شرکت در مراسم یادبود پدرش به ایران سفر کند.

غفوری فرد از آن زمان برای اعتراض به این تصمیم و تغییر وضعیت پرونده خود تلاش کرده است. او ابتدا از نماینده لیبرال حوزه انتخابیه خود و حتی دفتر رالف گودیل، وزیر پیشین امنیت عمومی کانادا درخواست کمک کرد و پس از آن تصمیم گرفت شخصا موضوع را پیگیری کند.

غفوری فرد در نامه‌ای خطاب به رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کانادا، هرگونه دخالت خود در امور نظامی یا سیاسی در کانادا یا خارج از این کشور را رد کرد و «نارضایتی» خود را از روند بررسی‌های امنیتی پرونده‌اش ابراز داشت. او پس از آن شکایتی نیز به «آژانس بازبینی امنیت ملی و اطلاعات» کانادا ارائه کرده و همزمان پیگیری حقوقی علیه اداره مهاجرت این کشور را در پیش گرفته است. وی مدعی است که نحوه رسیدگی به درخواست تابعیتش، برای او «مشقت و زیان» به‌همراه داشته است.

غفوری فرد گفته است طولانی شدن روند رسیدگی به پرونده تابعیتش سبب شده نتواند در مراسم یادبود پدرش که در سال ۲۰۲۳ درگذشت شرکت کند و همچنین امکان همراهی با هیئت‌های تجاری دولت کانادا را از دست بدهد. او نوشته است: «ما زندگی خانوادگی، فعالیتهای حرفه‌ای و حضور اجتماعی خود را در ادمونتون کانادا بناکرده‌ایم.»

غفوری فرد در ادامه افزوده است: «بلاتکلیفی و تأخیر در رسیدگی به درخواست‌های تابعیت و نگرانی از اینکه آیا قادر خواهیم بود در کانادا بمانیم یا نه، فشار سنگین و مداومی بر خانواده ما وارد کرده است.»

➔ ارائه شد. همچنین به وی توصیه شد هرگز به ایالات متحده سفر نکند، زیرا به دلیل فعالیت‌هایش در شرکت «ربیع کوثر» ممکن است مورد توجه اداره تحقیقات فدرال آمریکا قرار گیرد.

بر اساس این گزارش، غفوری فرد در پاسخ از مأموران به‌خاطر «هشدار و آگاه کردن او از پیش» تشکر کرد.

سه سال بعد، غفوری فرد دومین شرکت خود را در کانادا با نام «رادیان گروپ» تأسیس کرد. شرکتی که آن نیز موفق به دریافت قراردادهایی از دولت کانادا شد.

غفوری فرد هر دو شرکت را با نام کامل «محمدرضا غفوری فرد» به ثبت رسانده است. اما در قراردادهای دولتی از نام «سال غفوری» استفاده می‌کرد. او بعدها مدعی شد که «سلمان» نامی است که به‌طور معمول با آن شناخته می‌شود. اسناد نشان می‌دهد که دو شرکت «ملانیت» و «رادیان» طی سالهای گذشته چندین قرارداد برای تأمین کالا و تجهیزات مورد نیاز نهادهای فدرال کانادا دریافت کرده‌اند. از جمله، پلیس سواره نظام سلطنتی کانادا در سال ۲۰۱۹ قراردادی با غفوری فرد برای خرید یک دستگاه تصویربرداری «بورسکوپ» منعقد کرد.

وزارت دفاع ملی کانادا نیز با شرکت او برای تأمین «قطعات خودروهای برفی» مورد نیاز پایگاه نیروهای مسلح کانادا در شیلو در استان منیوتا قرارداد بست. پایگاهی که نیروهای کانادایی آمریکایی و دیگر کشورهای متحد در آن آموزش می‌بینند. قرارداد نظامی دیگری نیز برای تأمین شش دستگاه بالابر خودرو در هلیکس به شرکت او واگذار شد. ارزش مجموع این دو قرارداد بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار دلار کانادا، معادل حدود یک میلیون و ۸۴ هزار دلار آمریکا بود.

سازمان خدمات اصلاح و تربیت کانادا نیز در سال ۲۰۱۹ قراردادی به ارزش ۱۰۰ هزار دلار کانادا، معادل حدود ۷۲ هزار و ۳۱۸ دلار آمریکا، به شرکت «ملانیت» واگذار کرد. این شرکت در سال ۲۰۲۱ نیز قراردادی به ارزش ۳۸۰ هزار دلار کانادا، معادل حدود ۲۷۴ هزار و ۸۱۰ دلار آمریکا از وزارت نوآوری، علوم و توسعه اقتصادی کانادا دریافت کرد. هر زمان که شرکت غفوری فرد در به دست آوردن قراردادهای دولتی ناکام می‌ماند، او نیز به‌سادگی از کنار آن نمی‌گذشت و برای اعتراض به نتیجه، وارد عمل می‌شد. در سال ۲۰۱۹، این شرکت مدعی شد که به نادرستی از رقابت برای دریافت یک قرارداد نظامی کنار گذاشته شده است و در سال ۲۰۲۱ نیز از وجود «تخلفاتی» در روند مناقصه شکایت کرد.

تازه‌ترین قرارداد «ملانیت» در سال ۲۰۲۴ به این شرکت واگذار شد. زمانی که نیروهای مسلح کانادا قراردادی به ارزش ۵۰ هزار دلار کانادا، معادل حدود ۳۶ هزار و ۱۵۹ دلار آمریکا، برای تأمین «وسایل نقلیه جاده‌ای» در یوردن، در استان انتاریو به این شرکت دادند. بوردن محل استقرار بزرگترین پایگاه آموزشی نیروهای مسلح کانادا است.

این قرارداد پس از آن منعقد شد که سازمان اطلاعات و امنیت کانادا در سال ۲۰۲۳ گزارش امنیتی خود درباره غفوری فرد را تکمیل و آن را در اختیار مقامات مهاجرتی مسئول رسیدگی به پرونده او قرار داده بود.

با این همه، همزمان با گسترش فعالیت‌های تجاری غفوری فرد، مقامات امنیت ملی کانادا نیز سرگرم تحقیق درباره او بودند. فردی که در سال ۲۰۱۷ برای دریافت تابعیت کانادا درخواست داده بود.

تنها چند ماه پس از ارائه درخواست تابعیت، روند رسیدگی به پرونده غفوری فرد به درخواست واحد اطلاعاتی آژانس خدمات مرزی کانادا متوقف شد. نهادهای که درباره پیامدهای

اکنون میست: پس از سه سال جنگ، «محور مقاومت» دیگر یک محور نیست



Photograph: Getty Images

بینجامد. اما تحقق چنین سناریویی بعید به نظر می‌رسد. این گروه‌های شبه‌نظامی، اگرچه زخم‌خورده و تضعیف شده‌اند، همچنان پابرجا هستند و دلایل راهبردی جمهوری اسلامی برای حمایت از آنها بیش از هر زمان دیگری قوت دارد. با این همه، بازسازی این «محور» بعنوان مجموعه‌ای منسجم و هماهنگ نیز آسان نخواهد بود و ممکن است با مشکل مواجه شود. «سازمان مادر» در تهران ورشکسته است و بسیاری از «نهادهای تابعه‌ی» آن نیز به‌درستی اداره نمی‌شوند.

سناریوی محتمل‌تر آن است که اجزای تشکیل‌دهنده‌ی «محور مقاومت» باقی بمانند، اما از هم جدا شوند و هر یک راهی متفاوت در پیش گیرند. برخی بیش از پیش به جمهوری اسلامی وابسته خواهند شد. تهران آنها را زیر نظارت و کنترل شدید خود حفظ خواهد کرد، اما تنها در مواقع ضروری به کار خواهد گرفت. شماری دیگر ممکن است از این محور فاصله گرفته و به بازیگرانی مستقل‌تر تبدیل شوند. گروه‌هایی نیز ممکن است سرگردان بمانند؛ نیروهای نیابتی که شاید بتوانند حامیان دیگری برای خود پیدا کنند.

برخلاف آنچه در نگاه نخست انتظار می‌رود، جمهوری اسلامی احتمالا شدیدترین کنترل را بر گروه‌هایی اعمال خواهد کرد که در جریان جنگ‌ها بیشترین ضربه را به توانایی‌های خود متحمل شده‌اند.

حزب‌الله لبنان را در نظر بگیرید که زمانی هراس‌انگیزترین نیروی نیابتی جمهوری اسلامی به شمار می‌رفت. این گروه تا سال ۲۰۲۳ زرادخانه‌ای با بیش از ۱۰۰ هزار راکت و موشک در اختیار داشت که به سوی اسرائیل نشانه رفته بودند و از نیروی کماندویی ورزیده‌ای برخوردار بود که مهارت‌های رزمی خود را در جنگ برای حفظ رژیم بشار اسد در

سال‌ها مقامات جمهوری اسلامی از «محور مقاومت» سخن می‌گفتند؛ مجموعه‌ای از متحدان، از بیروت تا صنعاء، که قرار بود در برابر دشمنان مشترک در کنار یکدیگر بایستند. اما هنگامی که ایران طی ۱۵ ماه گذشته دو بار هدف حمله قرار گرفت، هر یک از این متحدان درباره‌ی پیوستن یا نپیوستن به نبرد، راهی متفاوت در پیش گرفتند. شاید «محور مقاومت» هنوز به تمامی از میان نرفته باشد، اما عنوانی که روزگاری معرف آن بود، دیگر با واقعیت آنچه از این شبکه باقی مانده، همخوانی ندارد.

راهبرد حمایت از شبه‌نظامیان عرب به دهه‌ی ۱۹۸۰ باز می‌گردد؛ زمانی که جمهوری اسلامی نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را برای آموزش نیروهای حزب‌الله به لبنان اعزام کرد. حکومت ایران این گروه‌ها را جایگزینی برای ارتش متعارف و ضعیف خود می‌دانست؛ نیروهایی که می‌توانستند بعنوان خط مقدم دفاعی جمهوری اسلامی عمل کنند، دامنه‌ی نفوذ و قدرت آن را در منطقه گسترش دهند و در عین حال، درگیری و جنگ را از خاک ایران دور نگه دارند.

این راهبرد دفاعی آشکارا شکست خورد. کشتار هفتم اکتبر ۲۰۲۳ به رهبری حماس، زنجیره‌ای از جنگ‌ها را به راه انداخت که سرانجام دامنه‌ی آن به خود ایران رسید و این کشور نیز هدف حمله قرار گرفت. حزب‌الله و حماس به‌شدت تضعیف شده‌اند، رژیم بشار اسد در سوریه سقوط کرده و دولت عراق نیز به شبه‌نظامیان دستور داده است تا ماه اکتبر سلاح‌های خود را زمین بگذارند.

برخی مخالفان جمهوری اسلامی امیدوارند که حکومت ایران ناچار شود حمایت خود از نیروهای نیابتی را کاهش دهد؛ اقدامی که شاید برای هموار کردن راه توافق با آمریکا صورت گیرد و در نهایت به فروپاشی «محور مقاومت» منتهی شود.

● سال‌ها مقامات جمهوری اسلامی از «محور مقاومت» سخن می‌گفتند؛ مجموعه‌ای از متحدان، از بیروت تا صنعاء، که قرار بود در برابر دشمنان مشترک در کنار یکدیگر بایستند. اما هنگامی که ایران طی ۱۵ ماه گذشته دو بار هدف حمله قرار گرفت، هر یک از این متحدان درباره‌ی پیوستن یا نپیوستن به نبرد، راهی متفاوت در پیش گرفتند.

● راهبرد حمایت از شبه‌نظامیان عرب به دهه‌ی ۱۹۸۰ باز می‌گردد؛ زمانی که جمهوری اسلامی نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را برای آموزش نیروهای حزب‌الله به لبنان اعزام کرد. حکومت ایران این گروه‌ها را جایگزینی برای ارتش متعارف و ضعیف خود می‌دانست.

● حزب‌الله لبنان که زمانی قدرتمندترین و هراس‌انگیزترین نیروی نیابتی جمهوری اسلامی به شمار می‌رفت، پس از کشته شدن حسن نصرالله و شمار زیادی از فرماندهانش، تضعیف زرادخانه و افزایش فشار دولت لبنان، بیش از گذشته زیر کنترل مستقیم سپاه پاسداران قرار گرفته است.

● در سوی دیگر، حوثی‌های یمن بیش از دیگر متحدان جمهوری اسلامی استقلال عمل خود را حفظ کرده‌اند؛ آنها ضمن افزایش توانایی تولید تسلیحات، مناسبات مستقلی با بازیگرانی مانند روسیه و چین و حتی گروه «الشباب» ایجاد کرده‌اند و تصمیم‌های خود را لزوماً بر اساس خواست تهران اتخاذ نمی‌کنند.

● شبه‌نظامیان شیعه‌ی عراق نیز پس از دو دهه از زمانی که با پول و تسلیحات جمهوری اسلامی برای مقابله با نیروهای آمریکایی تقویت شدند، اکنون منافع و موقعیت داخلی خود را در اولویت قرار داده‌اند و وابستگی مالی و سیاسی آنها به ساختار حکومتی عراق افزایش یافته است.

«علی الطاهر»؛ سقوط دژ زیرزمینی جمهوری اسلامی در لبنان



ویدئو

پیام گفته‌اند که بیش از یک دوجین عضو سپاه پاسداران از جمله دو افسر ارشد همراه نیروهای حزب‌الله در منطقه حضور داشته‌اند. چه چیزی در این منطقه وجود داشت که جمهوری اسلامی حاضر بود برای جلوگیری از سقوط آن خطر درگیری مستقیم دیگری با اسرائیل را به جان بخرد؟!

هرچند ممکن است از این پس، حمایت تهران از حماس بیش از آنکه جنبه‌ی عملی و مادی داشته باشد، در حد حمایت‌های سیاسی و لفظی باقی بماند.

حتی اگر جمهوری اسلامی بخواهد تمامی متحدان خود را بازسازی و تقویت کند، منابع لازم برای چنین کاری محدود است. جنگ صدها میلیارد دلار خسارت بر جای گذاشته، آمریکا بنادر ایران را در محاصره قرار داده و فشار تحریم‌ها بر اقتصاد کشور را افزایش داده است. سقوط رژیم بشار اسد نیز مسیر زمینی ارتباط با لبنان را قطع کرده است.

در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ناچار خواهد بود میان متحدان و نیروهای نیابتی خود دست به انتخاب بزند و حمایت از آنها را بر اساس اولویت‌هایش تنظیم کند.

از برخی جهات، سرنوشت «محور مقاومت» ممکن است به سرنوشت دولت‌های وابسته به اتحاد شوروی در دهه‌ی ۱۹۸۰ شباهت پیدا کند؛ دورانی که مسکو دیگر توان مالی لازم برای ادامه‌ی حمایت‌های سخاوتمندانه از متحدان خود را نداشت.

البته این قیاس از هر نظر کامل نیست. متحدان مسکو در آن دوران می‌توانستند به ابرقدرت رقیب روی آورند، حال آنکه متحدان تهران امروز با صحنه‌ای به مراتب پیچیده‌تر روبرو هستند. برخی از آنها چندین حامی بالقوه برای جایگزینی در اختیار دارند و برخی دیگر اساساً گزینه‌ی دیگری ندارند.

با این همه، به نظر می‌رسد بلندپروازانه‌ترین مجموعه‌ی سیاسی-نظامی خاورمیانه در آستانه‌ی یک تجدید ساختار اساسی قرار گرفته است.

منبع: نشریه‌ی «اکونومیست»
ترجمه و تنظیم: کیهان لندن

فرید خلیفی - خبرنگاری رویترز سوم سپتامبر ۲۰۲۶ به نقل از سه مقام مطلع گزارش داد، جمهوری اسلامی در اواسط ماه اوت پیامی از طریق عمان به آمریکا فرستاده و هشدار داده بود که به حمله تمام‌عیار اسرائیل برای تصرف «علی الطاهر» پاسخ گسترده خواهد داد. همچنین دو مقام مطلع از این

در جنگی فرسایشی گرفتار کند و به آنها تلفات وارد سازد. اما دو دهه بعد، اولویت‌های این گروه‌ها تغییر کرده است. جمهوری اسلامی همچنان متحد آنهاست، ولی در حال حاضر عراق حامی اصلی‌شان است؛ دولتی که بیش از ۲۰۰ هزار نیروی شبه‌نظامی را در فهرست حقوق‌بگیران خود دارد.

برخی از این شبه‌نظامیان اوایل امسال حملاتی علیه پایگاه‌های آمریکا انجام دادند، اما نگرانند که رویارویی آشکار با دولت عراق یا متحدان آن، موقعیت و امتیازاتی را که طی سال‌ها به‌دست آورده‌اند، به خطر اندازد.

گفته می‌شود سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مشاورانی را به عراق اعزام کرده است تا هسته‌های کوچکی را برای حمله به کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس سازماندهی کنند؛ اقدامی که نشان می‌دهد شبه‌نظامیان بزرگ‌تر عراق تمایلی به انجام چنین حملاتی نداشته‌اند.

از سوی دیگر، حماس همواره عضوی ناهمگون در «محور مقاومت» بود؛ گروهی سنی‌مذهب در مجموعه‌ای که عمدتاً از نیروهای شیعه تشکیل شده است. حمایت جمهوری اسلامی از رژیم بشار اسد در سوریه نیز در مقطعی روابط حماس و تهران را به تیرگی کشاند.

خلیل الحیه، رهبر تازه منصوب‌شده‌ی حماس، از متحدان وفادار جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. اما شماری دیگر از مقامات این گروه ترجیح می‌دهند حماس مسیر خود را به سوی قدرت‌های سنی‌مذهب، بویژه ترکیه و کشورهای عربی حوزه‌ی خلیج فارس، تغییر دهد.

حماس در ماه مارس از جمهوری اسلامی خواست حملات خود به کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس را متوقف کند. با این همه، تهران حماس را رها نخواهد کرد، زیرا حمایت از فلسطینی‌ها یکی از ارکان هویتی جمهوری اسلامی است.

سوریه صیقل داده بود.

حسن نصرالله، رهبر بانفوذ حزب‌الله که در سال ۲۰۲۴ به دست اسرائیل کشته شد، خود را نه یک نیروی نیابتی، بلکه هم‌سنگ و هم‌پیمان جمهوری اسلامی می‌دانست. او عمیقاً به ایدئولوژی انقلابی جمهوری اسلامی باور داشت و در آن پرورش یافته بود. اما در عین حال می‌کوشید تا حدی استقلال عمل خود را حفظ کند.

اما آن دوران به سر آمده است. نعیم قاسم، جانشین حسن نصرالله، بیش از آنکه رهبری پرنفوذ باشد، مدیری میانی و فاقد محبوبیت است. حملات اسرائیل بسیاری از فرماندهان کارآزموده‌ی حزب‌الله را از میان برده و دولت لبنان نیز اصرار دارد که این گروه آنچه را از زرادخانه‌ی تضعیف‌شده‌اش باقی مانده، تحویل دهد.

با کشته شدن شمار زیادی از فرماندهان حزب‌الله، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیروهای خود را به لبنان اعزام کرد تا مستقیماً زمام امور این گروه را در دست گیرد؛ اقدامی که اختیار چندانی برای حزب‌الله باقی نگذاشت و این گروه را در ماه مارس به آغاز جنگی دیگر با اسرائیل کشاند. هم‌زمان، محبوبیت حزب‌الله در میان مردم لبنان نیز به شدت کاهش یافته است. جمهوری اسلامی خواهد کوشید حزب‌الله را به هر شکل ممکن حفظ کند؛ نه به‌خاطر آنچه این گروه هنوز قادر به انجام آن است، بلکه بیش از آن به‌خاطر پیامد و معنایی که از دست رفتن آن برای قدرت و نفوذ منطقه‌ای تهران خواهد داشت.

در سوی دیگر این طیف، حوثی‌ها قرار دارند؛ گروهی که در میان متحدان جمهوری اسلامی بیش از همه استقلال رأی و عمل دارد. حوثی‌ها فعالیت خود را در دهه‌ی ۱۹۹۰ بعنوان یک جنبش شورشی محلی در شمال یمن آغاز کردند و چند دهه طول کشید تا جمهوری اسلامی کمک‌های مالی و نظامی قابل توجهی در اختیار آنها قرار دهد. هنگامی که این کمک‌ها سرانجام از راه رسید، توانایی‌های نظامی حوثی‌ها را به میزان چشمگیری افزایش داد.

جنگجویان حوثی که زمانی با تحقیر از آنها بعنوان «تفنگداران پابره‌نه» یاد می‌شد، اکنون به موشک‌های ضدکشتی مجهزند و با آنها کشتی‌ها را در دریای سرخ هدف قرار می‌دهند و همچنین از سامانه‌های پدافند هوایی برای سرنگون کردن پهپادهای آمریکایی «ریپر» برخوردارند.

با این همه، حوثی‌ها همچنان با جدیت از استقلال عمل خود پاسداری می‌کنند. میزان مشارکت آنها در جنگ‌هایی که پس از هفتم اکتبر آغاز شد، در مقاطع مختلف افزایش یا کاهش یافته و تصمیم‌گیری در این زمینه بیش از آنکه تابع خواست تهران باشد، بر اساس منافع خود حوثی‌ها صورت گرفته است.

این گروه اکنون بیش از پیش توانایی تولید تسلیحات مورد نیاز خود را به دست آورده و هم‌زمان در پی ایجاد مناسبات و ائتلاف‌های مستقل خویش است؛ از جمله با «الشباب»، گروه وابسته به القاعده که بخش‌های وسیعی از سومالی را در کنترل دارد. هیئت‌هایی از حوثی‌ها نیز به روسیه سفر کرده و با چین گفتگوهایی داشته‌اند.

جمهوری اسلامی و حوثی‌ها همچنان منافع مشترکی خواهند داشت. هر دو با آمریکا، اسرائیل و عربستان سعودی دشمنی دارند. اما اشتراک منافع و دشمنان مشترک، به معنای فرمانبرداری حوثی‌ها از تهران نیست.

در میان این دو سر طیف، گروه‌هایی قرار دارند که اکنون راه خود را می‌روند. بسیاری از شبه‌نظامیان شیعه در عراق محصول پیامدهای حمله‌ی نظامی به رهبری آمریکا در سال ۲۰۰۳ هستند. پس از آن، جمهوری اسلامی سیل پول و تسلیحات را روانه‌ی عراق کرد تا نیروهای آمریکایی را

ارزیابی اطلاعاتی اسرائیل: جمهوری اسلامی در حال آماده‌شدن برای حمله به اسرائیل است



حوثی‌های یمن متحد جمهوری اسلامی در صنع

سوریه و صحرای سینا به صحنه بوده و بر ضرورت «اتصال و آماده‌سازی جبهه‌های خارجی» و تعیین ساز و کارهای ارتباطی از پیش تأکید داشته است.

با این حال، جمهوری اسلامی و حزب‌الله از همه‌ی جزئیات آن طرح مطلع نبودند. سنوار امیدوار بود موفقیت اولیه‌ی حمله، حزب‌الله و حکومت ایران را به کارزار گسترده‌تری بکشاند اما حزب‌الله تنها به شلیک‌های محدود در شمال اکتفا کرد و حمله‌ی تمام‌عیار همزمان انجام نداد. جمهوری اسلامی هم وقت خود را صرف آن کرد که انگشت اتهام را که از همان اول به سوی آن نشانه رفته بود، از خود دور کند.

اکنون گزارش‌های رسانه‌های عربی نیز حاکی از آن است که جمهوری اسلامی در تلاش است این شکاف در هماهنگی را برطرف نماید. طرح مورد بررسی، عملیات همزمان چند جبهه را از همان ابتدا بخشی از استراتژی قرار می‌دهد تا اسرائیل با فشار از شمال، جنوب و سایر نقاط روبرو گردد. تغییر رهبری حماس در این روند نقش مهمی داشته است. خلیل الحیه که در ژوئیه گذشته به عنوان رهبر کل حماس انتصاب شد، از چهره‌های محوری حفظ پیوندهای استراتژیک با رژیم ایران است. الحیه که به جناح غزه‌محور نزدیک به سنوار نزدیک است، موضع گروهی را تقویت می‌کند که خواهان تداوم روابط نزدیک با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

روزنامه اورشلیم پست در ماه گذشته گزارشی منتشر کرده بود حاکی از اینکه ارتش دفاعی اسرائیل هماهنگی دوباره میان حماس و حزب‌الله را با کمک جمهوری

و مشاوران سپاهی نیز در محل با آنها همکاری داشته‌اند. اما ارتفاعات «علی‌الطاهر» اکنون به دست اسرائیل سقوط کرده است. اهمیت این منطقه برای جمهوری اسلامی و حزب‌الله لبنان از نظر نظامی و عملیاتی به اندازه‌ای بود که فرماندهان سپاه قدس از آن به عنوان «ناموس محور مقاومت» نام می‌بردند!

نهادهای امنیتی اسرائیل به این ارزیابی رسیده‌اند که جمهوری اسلامی خود را برای یک حمله مشابه عملیات تروریستی هفتم اکتبر ۲۰۲۳ علیه این کشور آماده می‌کند. بر اساس ارزیابی‌های اطلاعاتی اسرائیل، جمهوری اسلامی در حال برنامه‌ریزی برای یک حمله‌ی گسترده و همزمان از چند جبهه علیه اسرائیل است.

روزنامه‌ی اورشلیم پست در یک گزارش نوشته است که این طرح که شباهت‌هایی با حمله‌ی هفتم اکتبر دارد، از ابتدا به گونه‌ای طراحی شده که نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، حزب‌الله در لبنان، حماس در غزه، حوثی‌های یمن و شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی در عراق به صورت هماهنگ وارد عمل شوند تا ضعف هماهنگی در حمله‌ی پیشین تکرار نشود.

حمله‌ی تروریستی هفتم اکتبر در سال ۲۰۲۳ که گروه حماس آن را بدون اطلاع کامل جمهوری اسلامی و حزب‌الله لبنان از جزئیات و زمان دقیق آن مرتکب شد، به یک جنگ چندجبهه‌ای کامل تبدیل نشد. اسناد داخلی که در نوار غزه به دست آمده، نشان می‌دهد یحیی سنوار رهبر وقت این گروه به دنبال گسترش درگیری و کشاندن جبهه‌های لبنان،

روزنامه‌ی اورشلیم پست در یک گزارش نوشته است که این طرح که شباهت‌هایی با حمله‌ی هفتم اکتبر دارد، از ابتدا به گونه‌ای طراحی شده که نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، حزب‌الله در لبنان، حماس در غزه، حوثی‌های یمن و شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی در عراق به صورت هماهنگ وارد عمل شوند تا ضعف هماهنگی در حمله‌ی پیشین تکرار نشود.

یحیی سنوار رهبر وقت گروه حماس امیدوار بود موفقیت اولیه‌ی حمله، حزب‌الله و حکومت ایران را به کارزار گسترده‌تری بکشاند اما از آنجا که جمهوری اسلامی و حزب‌الله از زمان و محل دقیق حمله تروریستی هفتم اکتبر مطلع نبودند، حزب‌الله تنها به شلیک‌های محدود در شمال اکتفا کرد و حمله‌ی تمام‌عیار همزمان انجام نداد. جمهوری اسلامی هم وقت خود را صرف آن کرد که انگشت اتهام را که از همان اول به سوی آن نشانه رفته بود، از خود دور کند.

بر اساس تازه‌ترین ارزیابی منتشر شده از سوی ارتش اسرائیل، گروه‌های تروریستی حماس و حزب‌الله در هفته‌های اخیر با مساعدت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فعالیت‌های خود را برنامه‌ریزی و هماهنگ کرده‌اند.

گزارش‌ها همچنین از مذاکرات مقامات ارشد نیروی قدس سپاه پاسداران با فرماندهان حزب‌الله، حوثی‌ها و شبه‌نظامیان عراقی درباره‌ی گسترش درگیری خبر می‌دهند. دو افسر ارشد سپاه پاسداران ادعا کرده‌اند که در دوره‌ی آرامش نسبی قبلی، مقامات ارشد نیروی قدس کنفرانس‌های تلفنی با فرماندهان این سه جبهه برگزار کرده

رافائل گروسی در نشست فصلی آژانس: بیش از یک سال است از برنامه هسته‌ای ایران اطلاعی نداریم



رافائل گروسی

و مواد هسته‌ای مرتبط با آنها را از منظر اهداف پادمانی راست آزمایی کنیم و به این ترتیب من نیز قادر نیستم درباره اینکه آیا ایران مفاد مرتبط با قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد یا قطعنامه‌های شورای حکام در نوامبر سال گذشته و ژوئن امسال را به اجرا گذاشته، گزارشی ارائه کنم.» خبرگزاری رویترز پیشتر گزارش داده بود، کشورهای آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان هفته گذشته پیش‌نویس قطعنامه‌ای را تهیه کرده‌اند که در صورت تصویب در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پرونده جمهوری اسلامی به دلیل عدم همکاری با آژانس به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع خواهد شد.

ارجاع احتمالی پرونده اتمی جمهوری اسلامی به شورای امنیت سازمان ملل، مسئولیت رسیدگی به این موضوع را به مرجعی بالاتر منتقل می‌کند که می‌تواند اقدامات الزام‌آور حقوقی بیشتری از جمله اعمال تحریم‌ها یا مسدود کردن دارایی‌های آن اتخاذ کند. برخی کارشناسان هشدار داده‌اند که این قطعنامه حتی می‌تواند زمینه‌ساز اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی باشد.

گروسی در بخش دیگری از سخنان خود، با اشاره به حملات مشترک سال گذشته آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی گفت که بیش از یک سال است آژانس از وضعیت ذخایر اعلام‌شده قبلی اورانیوم با غلظت پایین و اورانیوم با غلظت بالا تا ۶۰ درصد در تأسیسات هسته‌ای اعلام‌شده ایران در جریان حملات اسرائیل، «اطلاع مستمر» ندارد.

او همچنین گفت: «نبود اطلاعات آژانس درباره این تأسیسات و مواد هسته‌ای مرتبط با آنها، و ناتوانی ما در انجام فعالیت‌های راست آزمایی در این تأسیسات، موضوعی است که نگرانی جدی از نظر گسترش تسلیحات هسته‌ای ایجاد می‌کند. این وضعیت باید با نهایت فوریت تغییر کند.» مدیرکل آژانس از جمهوری اسلامی خواست: «به صورت سازنده با آژانس همکاری کند تا اجرای کامل و مؤثر پادمان‌های آژانس در ایران امکان‌پذیر شود. همچنین می‌بایست به مسئولیت‌های خود بر اساس توافق‌نامه پادمان‌های انپی‌تی عمل کند.»

● مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، روز دوشنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۵ در سخنرانی خود در نشست فصلی شورای حکام گفت که نبود اطلاعات آژانس درباره برنامه هسته‌ای ایران، یک «نگرانی جدی در زمینه گسترش تسلیحات هسته‌ای» ایجاد کرده و «باید برطرف شود.»

● رافائل گروسی اعلام کرد که این نهاد درباره برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی «کاملاً بی‌اطلاع» است و این وضعیت دست‌کم از ماه ژوئن ۲۰۲۵ (خرداد ۱۴۰۵) تا کنون ادامه داشته است.

● گروسی در بخش دیگری از سخنان خود، با اشاره به حملات مشترک سال گذشته آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی گفت که بیش از یک سال است آژانس از وضعیت ذخایر اعلام‌شده قبلی اورانیوم با غلظت پایین و اورانیوم با غلظت بالا تا ۶۰ درصد در تأسیسات هسته‌ای اعلام‌شده ایران و در جریان حملات اسرائیل، «اطلاع مستمر» ندارد.

رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، روز دوشنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۵ در سخنرانی خود در نشست فصلی شورای حکام گفت که نبود اطلاعات آژانس درباره برنامه هسته‌ای ایران، یک «نگرانی جدی در زمینه گسترش تسلیحات هسته‌ای» ایجاد کرده و «باید برطرف شود.»

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد که این نهاد، درباره برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی «کاملاً بی‌اطلاع» است و این وضعیت دست‌کم از ماه ژوئن ۲۰۲۵ (خرداد ۱۴۰۵) تا کنون ادامه داشته است.

گروسی توضیح داد: «همانطور که در گزارش آمده است، آژانس نه اطلاعاتی از ایران درباره وضعیت مواد هسته‌ای یا تأسیسات هسته‌ای اعلام‌شده این کشور دریافت کرده و نه به هیچ‌کدام از این تأسیسات دسترسی داشته تا فعالیت‌های راست آزمایی را در محل انجام دهد. بنابراین آژانس نتوانسته مسئولیت‌های خود را در زمینه پادمان‌ها بر اساس توافق‌نامه پادمان‌های انپی‌تی در تأسیسات هسته‌ای اعلام‌شده ایران انجام دهد.»

او افزود: «در نتیجه، ما نتوانستیم وضعیت این تأسیسات

اسلامی در جهت بازسازی «محور مقاومت» و هماهنگی جبهه‌های مختلف شناسایی کرده است. بر اساس تازه‌ترین ارزیابی منتشرشده از سوی ارتش اسرائیل، گروه‌های تروریستی حماس و حزب‌الله در هفته‌های اخیر با مساعدت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فعالیت‌های خود را برنامه‌ریزی و هماهنگ کرده‌اند.

گزارش‌ها همچنین از مذاکرات مقامات ارشد نیروی قدس سپاه پاسداران با فرماندهان حزب‌الله، حوثی‌ها و شبه‌نظامیان عراقی درباره‌ی گسترش درگیری خبر می‌دهند. دو افسر ارشد سپاه پاسداران ادعا کرده‌اند که در دوره‌ی آرامش نسبی قبلی، مقامات ارشد نیروی قدس کنفرانس‌های تلفنی با فرماندهان این سه جبهه برگزار کرده و مشاوران سپاهی نیز در محل با آنها همکاری داشته‌اند. همزمان، گزارش‌هایی از تلاش رژیم ایران برای تسریع تولید موشک، پهباد و بازسازی قابلیت‌هایی که در حملات آمریکا و اسرائیل آسیب دیده بودند منتشر شده است.

این تلاش‌ها در شرایطی انجام می‌شود که موازنه‌ی قدرت در داخل «محور مقاومت» تغییر کرده است. آسیب واردشده به حزب‌الله و سقوط رژیم اسد در سوریه، اهمیت شبه‌نظامیان عراق و حوثی‌های یمن را افزایش داده است. تمرین‌های مشترک ثبت شده، پیوندهای عملیاتی و شخصی محکم‌تر شده و هماهنگی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و نظامی میان اجزای گروه‌های این محور تروریستی بیشتر شده است.

ارزیابی‌های اسرائیل نشان می‌دهد رژیم تهران می‌خواهد از تکرار سناریوی هفتم اکتبر که در آن سایر جبهه‌ها به‌موقع وارد عمل نشدند جلوگیری کند و حمله‌ای چندجبهه‌ای را به عنوان یک عملیات از پیش طراحی‌شده اجرا نماید.

تحلیلگران اسرائیلی این فعالیت‌ها را نشانه‌ای از عزم جمهوری اسلامی برای حفظ بازدارندگی و فشار مستمر بر اسرائیل می‌دانند، حتی پس از ضرباتی که به شبکه‌های نیابتی‌اش وارد شده است. بازسازی قابلیت‌های موشکی و پهبادی از سوی حکومت ایران، همراه با تقویت پیوندهای فرماندهی میان گروه‌های مختلف، تصویری از تلاش برای احیای ظرفیت تهاجمی هماهنگ را به تصویر می‌کشد.

با اینهمه ارتش اسرائیل اعلام کرد، با کنترل عملیاتی ارتفاعات «علی‌الطاهر» در جنوب لبنان و پاکسازی دو مجموعه‌ی زیرزمینی حزب‌الله لبنان، ضربه‌ی سنگینی را به محور مقاومت وارد کرده است.

لشکر ۳۶ ارتش اسرائیل پس از چندماه عملیات، تأسیسات ساخته‌شده توسط جمهوری اسلامی هم در سطح زمین و هم بخش زیرزمینی را منهدم و این رشته‌ارتفاع را از وجود نیروهای حزب‌الله «پاکسازی» کرده و اکنون در حال مرحله‌ی تثبیت امنیت این منطقه است.

ارتش اسرائیل گفته است که داخل تونل‌ها دارای اتاق‌های فرماندهی، انبار تسلیحات، ژنراتور، محل خواب، سرویس‌های بهداشتی و آشپزخانه پیدا شده است. این مجموعه به نیروهای حزب‌الله امکان می‌داد برای مدت طولانی در زیرزمین بمانند و از همانجا عملیات رزمی و طرح حمله علیه اسرائیل را اجرا کنند.

ارتفاعات «علی‌الطاهر» نقطه‌ای استراتژیک مشرف بر نبطیه و جنوب‌شرق لبنان است که به عنوان یکی از پایگاه‌های زیرزمینی اصلی حزب‌الله برای حمله به شمال اسرائیل استفاده می‌شد و اکنون به دست اسرائیل سقوط کرده است. اهمیت این منطقه برای جمهوری اسلامی و حزب‌الله لبنان از نظر نظامی و عملیاتی به اندازه‌ای بود که فرماندهان سپاه قدس از آن به عنوان «ناموس محور مقاومت» نام می‌بردند!

افزایش فشارهای بین‌المللی علیه رژیم ایران؛ هشدار جمهوری اسلامی درباره ارجاع پرونده هسته‌ای به شورای امنیت



یکی از هواداران حکومت بدون پوشش پرچم جمهوری اسلامی را می‌گرداند

جمله استرالیا، کانادا و نیوزلند نیز به این کارزار پیوسته‌اند. همزمان فشارهای سیاسی علیه رژیم از جمله اقدام آمریکا و سه قدرت اروپایی برای ارجاع پرونده اتمی جمهوری اسلامی به شورای امنیت شدت گرفته است.

به «صفر» رسیدن صادرات نفت ایران و انسداد مسیرهای انرژی، تهدید برای موجودیت جمهوری اسلامی است. همزمان حملات پراکنده به زیرساخت‌های حیاتی و شریان‌های نفتی درآمدزای جمهوری اسلامی این تهدیدات را افزایش داده است؛ حمله به نفتکش‌های ایرانی یکی از اقدامات سنگین است که موازی با طرح وزارت خزانه‌داری آمریکا پیش می‌رود.

محسن پاک‌نژاد وزیر نفت جمهوری اسلامی در مصاحبه‌ای که روز یکشنبه ۱۵ شهریورماه ۱۴۰۵ از تلویزیون دولتی ایران پخش شد، گفت که جزیره خارک اصلی‌ترین ترمینال نفتی ایران طی ماه‌های گذشته حدود ۵۵۰ بار هدف حمله قرار گرفته است.

جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که تلاش‌های خود را برای مقابله با پیامدهای ناشی از تحریم‌های آمریکا که اقتصاد افزایش خواهد داد، همزمان یک مقام ارشد در ایران هشدار داد و ادعا کرد که هرگونه حمله بیشتر با «پاسخی دردناک» روبرو خواهد شد.

در آمریکا مقامات ارشد از جمله وزیرای خزانه‌داری و انرژی می‌گویند، بعید نیست این فشارها به فروپاشی نظام جمهوری اسلامی بیانجامد. همچنین بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل بار دیگر سرنگونی رژیم ایران را هدف اصلی اسرائیل اعلام کرد و گفت این حکومت به پایان خود نزدیک شده است. او هشدار داد، هر حمله جمهوری اسلامی به اسرائیل با پاسخی بسیار شدید روبرو خواهد شد و تأکید کرد که ادامه این مأموریت می‌تواند چهره خاورمیانه و مسیر تاریخ را تغییر دهد.

روز دوشنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۵ در واکنش به گزارش‌ها درباره تلاش آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان برای تصویب قطعنامه‌ای علیه جمهوری اسلامی در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مدعی شد که گزارش‌های مدیرکل این آژانس به ابزاری برای «سوء استفاده و اعمال فشار سیاسی آمریکا و کشورهای اروپایی علیه جمهوری اسلامی ایران» تبدیل شده است.

بقایی در نشست خبری با خبرنگاران تأکید کرد که تلاش کشورهای غربی برای طرح مجدد این پرونده در شورای امنیت ناظر بر بطلان ادعاهای پیشین آنها درباره فعال بودن مکانیسم اسنپ‌بک (بازگشت خودکار تحریم‌ها) است و درواقع موضع تهران، پکن و مسکو در «غیرقانونی و غیرقابل اعمال» دانستن این مکانیسم را به اثبات می‌رساند. چهار کشور آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان در تلاش هستند تا در جلسه بعدی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، با تصویب قطعنامه‌ای، پرونده جمهوری اسلامی را برای نخستین بار در ۲۰ سال گذشته به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دهد.

در واکنش به این اقدام، وزارت خارجه جمهوری اسلامی این اقدام را «فشار سیاسی» خواند و نسبت به تبعات آن هشدار داد. جمهوری اسلامی همچنین هشدار داد که هرگونه مشارکت نظامی کره جنوبی در خلیج فارس و تنگه هرمز، «پیامدهای جدی» دارد.

پس از گذشت سه ماه از محاصره دریایی بندار ایران، با آغاز «عملیات اقتصادی» آمریکا علیه جمهوری اسلامی موسوم به «D-Day اقتصادی»، حکومت برآورد کرده است که خیزش‌های اجتماعی و اعتراضات سراسری دیر یا زود از سر گرفته خواهد شد.

اینها همه در شرایطی است که اروپایی‌ها از کارزار آمریکا علیه جمهوری اسلامی حمایت می‌کنند و چند کشور دیگر از

● سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۵ در واکنش به گزارش‌ها درباره تلاش آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان برای تصویب قطعنامه‌ای علیه جمهوری اسلامی در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مدعی شد که گزارش‌های مدیرکل این آژانس به ابزاری برای «سوء استفاده و اعمال فشار سیاسی آمریکا و کشورهای اروپایی علیه جمهوری اسلامی ایران» تبدیل شده است.

● اسماعیل بقایی در نشست خبری با خبرنگاران تأکید کرد که تلاش کشورهای غربی برای طرح مجدد این پرونده در شورای امنیت ناظر بر بطلان ادعاهای پیشین آنها درباره فعال بودن مکانیسم اسنپ‌بک (بازگشت خودکار تحریم‌ها) است و درواقع موضع تهران، پکن و مسکو در «غیرقانونی و غیرقابل اعمال» دانستن این مکانیسم را به اثبات می‌رساند.

● محسن پاک‌نژاد وزیر نفت جمهوری اسلامی در مصاحبه‌ای که روز یکشنبه ۱۵ شهریورماه ۱۴۰۵ از تلویزیون دولتی پخش شد، گفت که جزیره خارک اصلی‌ترین ترمینال نفتی ایران طی ماه‌های گذشته حدود ۵۵۰ بار هدف حمله قرار گرفته است.

● در آمریکا مقامات ارشد از جمله وزرای خزانه‌داری و انرژی می‌گویند، بعید نیست این فشارها به فروپاشی نظام جمهوری اسلامی بیانجامد. همچنین بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل بار دیگر سرنگونی رژیم ایران را هدف اصلی اسرائیل اعلام کرد و گفت که این حکومت به پایان خود نزدیک شده است. او هشدار داد، هر حمله جمهوری اسلامی به اسرائیل با پاسخی بسیار شدید روبرو خواهد شد و تأکید کرد ادامه این مأموریت می‌تواند چهره خاورمیانه و مسیر تاریخ را تغییر دهد.

اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی

تحریم ۳۵ شرکت، ایرلاین، نهاد و فرد در ارتباط با صنعت هوانوردی حکومت ایران



هواپیمایی آسمان

ایران مدت‌هاست از فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده جمهوری اسلامی حمایت می‌کند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از خطوط هوایی ظاهراً خصوصی، مانند «ماهان ایر» برای تهیه و انتقال تسلیحات و جابجایی نیرو استفاده می‌کند.

بر همین اساس ۲۷ شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی در فهرست تحریم قرار گرفتند: شیراز ایر، آسیا جت آنالین، آتا ایرلاین، اطلس ایرلاین، آوا ایرلاین، چاپهار ایرلاین، شرکت هواپیمایی اروان، کیش ایرلاین، ایران ایرتور، پرشیا ایرلاین، نسیم ایرلاین، کارون ایرلاین، آسمان، جی اسکای ایرلاین، لاد ایویز، مهر ایرلاین، شرکت پارس اقیانوس کیش، قشم ایرلاین، ریامون ایرویز، ساها ایرلاین، سپهران ایرلاین، سروش ایرلاین، تابان ایرلاین، سروش ایرلاین، تابان ایرلاین، توس ایرلاین، واریش لاین و زاگرس ایرلاین.

همچنین ابراهیم علی محمد محمد مهران، تبعه مصر و مقیم امارات متحده عربی، مدیرعامل، مدیر اجرایی، بنیانگذار و مالک ECT Aviation Support UAE در فهرست تحریم‌ها قرار گرفت.

در این بیانیه همچنین آمده شرکت ECT Aviation Sup-port LTD مستقر در بریتانیا، بطور کامل متعلق به ECT Aviation Support UAE است و این شرکت نیز متعلق به مهران است. مهران همچنین مدیر ECT Aviation Sup-port UK است و از زمان تأسیس این شرکت این سمت را بر عهده داشته است.

شرکت‌هایی در ترکیه، قزاقستان و مالزی نیز به دلیل ارائه خدمات، ارسال قطعات و همکاری در تسهیل تأمین مالی بخش هوانوردی جمهوری اسلامی تحریم شده‌اند.

بعضی شرکت‌ها که در فهرست تحریم‌های جدید آمریکا قرار گرفته‌اند از جمله هواپیمایی «آسمان» قبلاً تحریم شده بودند اما برخی از آنها شرکت‌های جدید پوششی هستند که بجای شرکت‌های قبلی ثبت و فعال شدند.

حکومت ایران که جمهوری اسلامی از آن برای جابجایی تسلیحات، نیرو و محموله‌های غیرقانونی استفاده می‌کند، تحریم کرد.

بر اساس بیانیه وزارت خزانه‌داری ایالات متحده، چندین شرکت پوششی، واسطه‌های خارجی و مسیرهای فریبکارانه انتقال کالا نیز هدف تحریم‌ها قرار گرفته‌اند؛ شبکه‌هایی که رژیم ایران از آنها برای دستیابی به هواپیماهای ساخت آمریکا و فناوری‌های حساس استفاده می‌کند.

اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا گفت: «در چارچوب عملیات طرد اقتصادی، وعده داده بودیم کسانی را که منابع مالی حیاتی در اختیار رژیم ایران قرار می‌دهند، با پیامدهای شدیدی روبرو کنیم. امروز به این وعده عمل کردیم و شرکت‌هایی را که همچنان از ماهان ایر حمایت می‌کنند، تحریم کردیم. این هشدار برای هر کسی است که با خطوط هوایی باقیمانده ایران همکاری می‌کند؛ خطوط هوایی‌ای که امروز همگی آنها را تحریم کردیم؛ شما در معرض خطر قطع شدن از نظام مالی جهانی قرار دارید.»

اوفک سه مجوز مرتبط با هوانوردی ایران را به حالت تعلیق درآورد تا فشار بیشتری بر جمهوری اسلامی وارد کند. این مجوزها شامل مواردی بود که اجازه عبور هواپیماها از حریم هوایی ایران و همچنین پرواز هواپیماهای تجاری ساخت آمریکا یا تحت کنترل آمریکا توسط خطوط هوایی غیرآمریکایی به داخل ایران را می‌داد.

وزارت خزانه‌داری آمریکا همچنین تهدید کرده، هر شرکت یا فرد خارجی که به خطوط هوایی تحریم‌شده جمهوری اسلامی ایران کمک کند، از جمله از طریق انتقال هواپیما، ارائه خدمات حمل بار یا پشتیبانی به عنوان نماینده عمومی فروش، به دلیل حمایت از «بزرگترین دولت حامی تروریسم در جهان» با پیامدهای جدی روبرو خواهد شد. در بخشی از این بیانیه تأکید شده، خطوط هوایی تجاری

● دفتر کنترل دارایی‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) شهریور ۱۴۰۵ در چارچوب عملیات «طرد اقتصادی»، ۳۶ فرد و نهاد وابسته به جمهوری اسلامی را به دلیل حمایت از بخش هوانوردی حکومت ایران که جمهوری اسلامی از آن برای جابجایی تسلیحات، نیرو و محموله‌های غیرقانونی استفاده می‌کند، تحریم کرد.

● اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا گفت: «در چارچوب عملیات طرد اقتصادی، وعده داده بودیم کسانی را که منابع مالی حیاتی در اختیار رژیم ایران قرار می‌دهند، با پیامدهای شدیدی روبرو کنیم.»

● شیراز ایر، آسیا جت آنالین، آتا ایرلاین، اطلس ایرلاین، آوا ایرلاین، چاپهار ایرلاین، شرکت هواپیمایی اروان، کیش ایرلاین، ایران ایرتور، پرشیا ایرلاین، نسیم ایرلاین، کارون ایرلاین، آسمان، جی اسکای ایرلاین، لاد ایویز، مهر ایرلاین، شرکت پارس اقیانوس کیش، قشم ایرلاین، ریامون ایرویز، ساها ایرلاین، سپهران ایرلاین، سروش ایرلاین، تابان ایرلاین، سروش ایرلاین، تابان ایرلاین، توس ایرلاین، واریش لاین و زاگرس ایرلاین تحریم شدند.

● ابراهیم علی محمد محمد مهران، تبعه مصر و مقیم امارات متحده عربی، مدیرعامل، مدیر اجرایی، بنیانگذار و مالک ECT Aviation Support UAE نیز در فهرست تحریم‌ها قرار گرفت. شرکت او مستقر در بریتانیاست. شرکت‌هایی در ترکیه، قزاقستان و مالزی نیز به دلیل ارائه خدمات، ارسال قطعات و همکاری در تسهیل تأمین مالی بخش هوانوردی جمهوری اسلامی تحریم شدند.

دفتر کنترل دارایی‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) روز سه‌شنبه هشتم سپتامبر ۲۰۲۶ (۱۷ شهریور ۱۴۰۵) در چارچوب عملیات «طرد اقتصادی»، ۳۶ فرد و نهاد وابسته به جمهوری اسلامی را به دلیل حمایت از بخش هوانوردی

از تنگه هرمز تا باب‌المندب؛ کپی‌برداری حوثی‌ها از راهزنی دریایی رژیم ایران



باب‌المندب در جنوب دریای سرخ / ۲ آوریل ۲۰۲۶

حوثی‌ها در مناطق غرب تعز و جبهه‌های ساحل غربی است. نیروهای دولتی یمن نیز برخی مواضع و ارتفاعات را در میان یکی از شدیدترین نبردهای سال‌های اخیر پس گرفته‌اند. منابع یمنی از تلاش حوثی‌ها برای پیشروی به سمت ارتفاعاتی خبر داده‌اند که بر مَخا و باب‌المندب مشرف هستند.

اما چرا باب‌المندب در این مقطع زمانی؟! پاسخ را باید در درسی جستجو کرد که رژیم جمهوری اسلامی دهه‌ها پیش آن را آموخت: هنگامی که تسلیم کردن رقیب یا درهم شکستن توان آن دشوار است، می‌توان از جغرافیا استفاده کرد تا هزینه رویارویی افزایش یابد و طرف مقابل فرسوده شود.

در اینجا تناقض خطرناک‌تر آشکار می‌شود: هرچه حلقه بحران پیرامون تنگه هرمز تنگ‌تر شود، باب‌المندب به یک مسیر جایگزین و نوعی شیر اطمینان برای کشتیرانی بین‌المللی تبدیل می‌شود. اگر هر دو تنگه همزمان در معرض تهدید قرار گیرند، بحران دیگر صرفاً ایرانی، یمنی یا عربی و یا فقط مربوط به خلیج فارس نخواهد بود، بلکه به بحرانی تبدیل می‌شود که شریان‌های اقتصاد جهانی را مسدود می‌کند.

دقیقاً همین مسئله است که الگوی رژیم ایران را برای حوثی‌ها جذاب می‌کند. آنها برای رسیدن به دستاوردهای استراتژیک، لزوماً نیازی به بستن کامل باب‌المندب ندارند. کافی است موشک‌ها و پهپادهای آنها بتوانند کشتی‌ها را تهدید کنند تا هزینه بیمه افزایش یابد، شرکت‌های کشتیرانی مسیرهای خود را تغییر دهند و مالکان کشتی‌ها به این نتیجه برسند که دور زدن مسیرهای طولانی دریایی، با وجود هزینه بیشتر، از عبور از دریای سرخ کم‌خطرتر است. در آن زمان، خودِ ترس نیز به بخشی از سلاح تبدیل می‌شود.

مقایسه با تنگه هرمز ابعاد مهمی دارد. در الگوی

باسمه رو (العریبه) - در جغرافیای استراتژیکی، ارزش یک مکان با مساحت آن سنجیده نمی‌شود، بلکه موقعیت حیاتی و اهمیت جغرافیایی آن تعیین‌کننده است. ممکن است یک تنگه دریایی که عرض آن چند ده کیلومتر بیشتر نیست، در محاسبات کشورها تأثیری به مراتب بیشتر از مناطق وسیع خشکی داشته باشد؛ زیرا اختلال در یک محدوده جغرافیایی کوچک می‌تواند دامنه تأثیر خود را به بازارها و کشورهای در هزاران کیلومتر دورتر گسترش دهد. تنگه باب‌المندب در صدر چنین مکان‌هایی قرار دارد: از نظر جغرافیایی باریک، اما پیامدهای هر بحران احتمالی در آن بسیار گسترده است. اهمیت باب‌المندب را می‌توان با پاسخ به یک پرسش ساده روشن کرد: اگر عبور از این تنگه با خطر همراه شود، چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۶، روزانه حدود ۸.۱ میلیون بشکه نفت و فرآورده‌های نفتی از این تنگه عبور کرده است؛ در حالی که این میزان در سه‌ماهه پایانی سال ۲۰۲۵ حدود ۵.۴ میلیون بشکه در روز بود. اهمیت باب‌المندب نیز پس از اختلال در انتقال جهانی نفت از طریق تنگه هرمز، به عنوان یک مسیر جایگزین افزایش یافته است.

از همین رو، ارزیابی از تشدید اخیر حملات حوثی‌ها در سواحل غربی یمن صرفاً به عنوان دور تازه‌ای از جنگ داخلی یمن، بخش خطرناک‌تر ماجرا را نادیده می‌گیرد. تحولات از غرب تعز تا جنوب الحدید و تلاش برای پیشروی به سمت مناطقی که به مَخا و باب‌المندب متصل هستند، صرفاً به تغییر کنترل میدانی یا خطوط تماس مربوط نمی‌شود؛ بلکه نزدیک شدن به جغرافیایی است که می‌تواند یک گروه تروریستی بومی تابع جمهوری اسلامی را به تهدیدی امنیتی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل کند. تحولات میدانی اخیر نشان‌دهنده حملات گسترده

● ارزیابی از تشدید اخیر حملات حوثی‌ها در سواحل غربی یمن صرفاً به عنوان دور تازه‌ای از جنگ داخلی یمن، بخش خطرناک‌تر ماجرا را نادیده می‌گیرد. تحولات از غرب تعز تا جنوب الحدید و تلاش برای پیشروی به سمت مناطقی که به مَخا و باب‌المندب متصل هستند، صرفاً به تغییر کنترل میدانی یا خطوط تماس مربوط نمی‌شود؛ بلکه نزدیک شدن به جغرافیایی است که می‌تواند یک گروه تروریستی بومی تابع جمهوری اسلامی را به تهدیدی امنیتی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل کند.

● اما چرا باب‌المندب در این مقطع زمانی؟! پاسخ را باید در درسی جستجو کرد که رژیم جمهوری اسلامی دهه‌ها پیش آن را آموخت: هنگامی که تسلیم کردن رقیب یا درهم شکستن توان آن دشوار است، می‌توان از جغرافیا استفاده کرد تا هزینه رویارویی افزایش یابد و طرف مقابل فرسوده شود. ● زنده نگه داشتن خطر اختلال در کشتیرانی، به رژیم ایران فضای مانور و یک اهرم فشار دائمی می‌دهد. و این دقیقاً همان بُعدی است که حوثی‌ها تلاش می‌کنند ساز و کار آن را در باب‌المندب کپی کنند.

● هنگامی که باب‌المندب دچار اختلال می‌شود، تنها امنیت منطقه آسیب نمی‌بیند؛ پیامدهای آن به اقتصاد کشورهای نیز می‌رسد که ممکن است بسیاری از شهروندانشان حتی محل این تنگه را روی نقشه ندانند، اما اثر آن را در قبض سوخت، قیمت کالاها و وضعیت بازارها احساس می‌کنند.

● خطر باب‌المندب فقط در این نیست که چه کسی دو سوی آن را کنترل می‌کند، بلکه در این است که چه کسی می‌تواند جهان را پیش از عبور از آن به تردید وادارد. از تنگه هرمز تا تنگه باب‌المندب، جغرافیا متفاوت است، اما تهدید یکسان است: تبدیل باریکی تنگه به ابزاری برای گسترش نفوذ.

دست‌آورد نظام اسلامی؛ نوشیدن فاضلاب بجای آب!



ویدیو

فاضلاب با آب شهری» را رد کرد، منابع محلی و روزنامه «اعتماد» علت را نفوذ و ادغام فاضلاب با آب آشامیدنی عنوان کردند! اما چیزی که موضوع را از یک «حادثه محلی» به یک ماجرای ساختاری تبدیل می‌کند، وضعیت وحشتناک فاضلاب در استان‌های شمالی کشور است.

با این حال، بزرگترین اشتباه استراتژیک این است که منتظر بسته شدن کامل تنگه ماند تا تازه به ابعاد تهدید پی برد. هنگامی که یک گروه تروریستی مسلح بتواند بر تصمیم یک شرکت بیمه در لندن، مالک یک نفتکش در آسیا یا یک شرکت کشتیرانی در اروپا تأثیر بگذارد، به سطحی از نفوذ دست یافته که فراتر از جغرافیای سرزمین تحت کنترلش و وزن سیاسی و مشروعیت آن است.

خطر باب‌المندب فقط در این نیست که چه کسی دو سوی آن را کنترل می‌کند، بلکه در این است که چه کسی می‌تواند جهان را پیش از عبور از آن به تردید وادارد. از تنگه هرمز تا تنگه باب‌المندب، جغرافیا متفاوت است، اما تهدید یکسان است: تبدیل باریکی تنگه به ابزاری برای گسترش نفوذ.

نبرد بر سر باب‌المندب در اصل نبرد بر سر چند کیلومتر از سواحل یمن نیست، بلکه مسئله‌ای فراتر از مرزهای یمن است: آیا تنگه‌های دریایی همچنان مسیرهایی باز باقی خواهند ماند که بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل و آزادی کشتیرانی اداره می‌شوند، یا به ابزارهای فشار و راهزنی در دست دولت‌های یاغی و گروه‌های تروریستی تبدیل خواهند شد؟

اگر جهان به این عادت کند که به کسانی که مسیرهای بین‌المللی را تهدید می‌کنند، با نفوذ و «دیپلماسی باروت» پاداش دهد، مشکل تنها باب‌المندب نخواهد بود؛ بلکه سابقه‌ای ایجاد خواهد شد که هر فرد یا گروه مسلحی را که از قدرت نظامی برخوردار است، وسوسه می‌کند تا جغرافیا را به گروگان تبدیل کند.

*منبع: وبسایت شبکه العربیه

*نویسنده: د. باسمه رو

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

فرید خلیفی - رضوانشهر گیلان، تابستان ۴۰۳؛ حدود ۴۰۰ نفر با علائم مسمومیت به مراکز درمانی مراجعه کردند. روابط عمومی دادگستری گیلان آلودگی آب آشامیدنی را تأیید کرد؛ دادستان نیز علیه مدیران آبفا و شبکه بهداشت به اتهام اهمال اعلام جرم کرد. با آنکه دادستان «ترکیب شدن

هشدارهای دریایی آمریکا نیز همچنان تأکید می‌کنند که کشتی‌های مرتبط با آمریکا، بریتانیا یا اسرائیل هنگام عبور از جنوب دریای سرخ، تنگه باب‌المندب و خلیج عدن با خطر بالایی از اقدامات خصمانه مواجه هستند.

برخی تحلیلگران غربی تشدید اقدامات حوثی‌ها را اهرم فشاری علیه عربستان سعودی می‌دانند. این برداشت کاملاً نادرست نیست، اما سطحی است و واقعیت گسترده‌تری را نادیده می‌گیرد: هنگامی که یک گروه تروریستی مسلح از یک مسیر بین‌المللی برای فشار بر یک رقیب سیاسی یا نظامی استفاده می‌کند، هزینه آن فقط بر همان رقیب تحمیل نمی‌شود، بلکه پیامدهای آن به کل منطقه سرایت می‌کند.

بنابراین، تقلیل باب‌المندب به یک ابزار فشار صرف علیه عربستان سعودی، برداشتی ناقص است. این تنگه یک منفعت مشترک عربی و منطقه‌ای و یکی از شریان‌های تجارت جهانی است. هنگامی که باب‌المندب دچار اختلال می‌شود، تنها امنیت منطقه آسیب نمی‌بیند؛ پیامدهای آن به اقتصاد کشورهایی نیز می‌رسد که ممکن است بسیاری از شهروندانشان حتی محل این تنگه را روی نقشه ندانند، اما اثر آن را در قبض سوخت، قیمت کالاها و وضعیت بازارها احساس می‌کنند.

حوثی‌ها ممکن است توانایی تهدید و مختل کردن کشتیرانی در باب‌المندب را برای دوره‌های محدودی داشته باشند، اما تبدیل این تهدید به یک محاصره کامل و پایدار تنگه همچنان بسیار دشوار است. همچنین هرگونه پیشروی به سمت مواضع ساحلی مورد نظر آنها، جبهه‌ای پرهزینه‌تر و پیچیده‌تر را پیش روی آنها قرار خواهد داد؛ آتیم در شرایطی که با مقاومت شدید نظامی در زمین مواجه هستند و گسترش دامنه درگیری، هزینه‌های عملیاتی و لجستیک فزاینده‌ای بر آنها تحمیل می‌کند.

→ جمهوری اسلامی ایران، بستن هرمز هدف نهایی نبود؛ بلکه تهدید به مختل کردن کشتیرانی در این تنگه، ابزاری برای بازدارندگی و چانه‌زنی بود. در این معادله، هرچه فشار بر تهران افزایش یابد، هزینه آن به بازارهای جهانی نفت، کشتیرانی، زنجیره‌های تأمین و تجارت بین‌المللی منتقل می‌شود، بدون آنکه لزوماً نیاز باشد تنگه بطور کامل بسته شود؛ اقدامی که می‌تواند رویارویی را به سطحی برساند که کنترل پیامدهای آن دشوار شود.

اهمیت تهدید دقیقاً در همینجاست: زنده نگه داشتن خطر اختلال در کشتیرانی، به رژیم ایران فضای مانور و یک اهرم فشار دائمی می‌دهد. و این دقیقاً همان بُعدی است که حوثی‌ها تلاش می‌کنند ساز و کار آن را در باب‌المندب کپی کنند.

در ۲۰ ژوئیه گذشته، حوثی‌ها آنچه را «محاصره دریایی» علیه عربستان سعودی توصیف کردند، اعلام نمودند. آنها همچنین تهدید کردند که تشدید رویارویی می‌تواند باب‌المندب و هرمز را در یک معادله عملیاتی واحد قرار دهد. پس از این اعلام، دولت یمن هشدار صریحی صادر کرد و گفت که حوثی‌ها در تلاش‌اند الگوی جمهوری اسلامی در تنگه هرمز را در دریای سرخ کپی کنند. این هشدار نشان‌دهنده تغییری اساسی در ماهیت قدرتی بود که حوثی‌ها در پی به دست آوردن آن هستند.

کپی‌برداری حوثی‌ها از الگوی رژیم ایران تنها به موشک‌ها و پهپادها محدود نمی‌شود و مسئله صرفاً تقلید تاکتیک‌ها نیست؛ بلکه به پذیرش یک روش گسترده‌تر در استفاده از قدرت مربوط می‌شود: اگر از رقیب خود ضعیف‌تری، تلاش نکن با او از نظر قدرت برابری کنی؛ بلکه هزینه مقابله با خودت را به حدی برسان که طرف مقابل توان تحمل آن را نداشته باشد.

الگوی اختلال جمهوری اسلامی بر گسترش دامنه درگیری همزمان با افزایش فشار استوار است: اگر فضای رویارویی نظامی محدود شود، جغرافیای آن گسترش می‌یابد؛ و اگر نتوان هزینه مستقیمی بر رقیب تحمیل کرد، این هزینه به منابع انرژی، تجارت یا کشتیرانی منتقل می‌شود. به این ترتیب، یک آبراه دریایی که باید یک سود مشترک بین‌المللی باشد، به گروگانی در یک معادله نظامی و سیاسی تبدیل می‌شود.

البته در اینجا باید میان کنترل تنگه باب‌المندب و توانایی تهدید و مختل کردن کشتیرانی در آن با تنگه هرمز تفاوت قائل شد. حوثی‌ها برای تأثیرگذاری بر کشتیرانی لزوماً نیازی به در اختیار گرفتن باب‌المندب ندارند. اما اگر مواضع خود را در نزدیکی ساحل تقویت کنند و توانایی‌های موشکی و پهپادی خود را حفظ کنند، می‌توانند سطح خطر برای کشتیرانی بین‌المللی را افزایش داده و کشتی‌های عبوری را تهدید کنند.

در همین ارتباط، قدرت دریایی فقط با تعداد کشتی‌هایی که حوثی‌ها قادر به هدف قرار دادن آنها هستند سنجیده نمی‌شود، بلکه با تعداد کشتی‌هایی سنجیده می‌شود که از ترس هدف قرار گرفتن، مسیر خود را تغییر می‌دهند.

از زمان آغاز حملات حوثی‌ها به کشتیرانی در دریای سرخ در اواخر سال ۲۰۲۳، تعداد کشتی‌های هدف قرار گرفته شده در مقایسه با حجم تجارت عبوری از این منطقه محدود بوده است؛ اما پیامدهای این حملات از محدوده جغرافیایی مستقیم آنها فراتر رفت. شرکت‌های کشتیرانی مجبور به تغییر مسیرهای خود شدند، هزینه حمل و نقل و بیمه افزایش یافت و خطر امنیتی به یک تصمیم اقتصادی در اتاق‌های مدیریت شرکت‌های حمل و نقل بین‌المللی تبدیل شد.

درگیری شدید میان حوثی‌ها و نیروهای عربستان؛ تشدید تنش‌های منطقه‌ای

● شبه‌نظامیان حوثی مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران در یمن روز سه‌شنبه ۸ سپتامبر (۱۷ شهریور) موجی از حملات را علیه عربستان سعودی آغاز کردند که در جریان آن ده‌ها نفر کشته و زخمی شدند. همزمان تأسیسات انرژی عربستان نیز هدف حمله قرار گرفت. عربستان نیز با همکاری نیروهای ارتش قانونی یمن مواضع حوثی‌ها را هدف قرار داد.

شبه‌نظامیان حوثی مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران در یمن روز سه‌شنبه ۸ سپتامبر (۱۷ شهریور) موجی از حملات را علیه عربستان سعودی آغاز کردند که در جریان آن ده‌ها نفر کشته و زخمی شدند. همزمان تأسیسات انرژی عربستان نیز هدف حمله قرار گرفت. عربستان نیز با همکاری نیروهای ارتش قانونی یمن مواضع حوثی‌ها را هدف قرار داد.

به گزارش سی‌ان‌ان، نیروهای ائتلاف به رهبری عربستان سعودی اعلام کردند که در واکنش به موج حملات حوثی‌ها، پاسخی قاطع خواهند داد. این حملات ده‌ها غیرنظامی را زخمی کرده و موجب آتش‌سوزی در تأسیسات انرژی این کشور شده است.

گزارش‌ها حاکی است، حملات حوثی‌ها چندین هدف را در جنوب‌غربی عربستان سعودی مورد اصابت قرار داده است؛ اقدامی که نشان‌دهنده تشدید چشمگیر درگیری‌هاست. این درگیری‌ها در ماه ژوئیه و همزمان با حملات موشکی به تأسیسات نفتی و کشتی‌های عربستان بار دیگر شدت گرفت و دامنه جنگ خاورمیانه را گسترش داد.

وزارت انرژی عربستان سعودی اعلام کرد که این حملات باعث وقوع آتش‌سوزی در چندین نقطه در منطقه جنوبی کشور شده و برای مدتی فعالیت برخی تأسیسات را متوقف کرده است. پس از این حملات، قیمت نفت در بازارهای جهانی حدود یک درصد افزایش یافت. نفت برنت، شاخص جهانی بازار نفت، نزدیک به ۹۹ دلار در هر بشکه معامله شد. سرلشکر ترکی المالکی، سخنگوی نیروهای ائتلاف به رهبری عربستان، اعلام کرد که دست‌کم ۷۳ نفر، از جمله زنان و کودکان، زخمی شده‌اند. او این حملات را «خطرناک» و «بی‌معنا» توصیف کرد.

به گفته المالکی، نیروهای حوثی «مراکز غیرنظامی و اقتصادی» را در شهرهای ابها، خمیس مشیط، جیزان و نجران هدف قرار داده‌اند.

در بیانیه‌ای که ارتش حوثی‌ها روز سه‌شنبه منتشر کرد، این حملات در واکنش به بیش از ۱۰۰ حمله هوایی عربستان به یمن طی سه روز گذشته انجام شده است؛ حملاتی که حوثی‌ها مدعی‌اند در جریان آنها افراد زیادی کشته شده‌اند. حوثی‌ها اعلام کردند که در این عملیات «ده‌ها فروند



اختلافات حل‌نشده در یمن

درگیری هفت‌ساله میان عربستان سعودی و حوثی‌ها در سال ۲۰۲۲ با برقراری آتش‌بس پایان یافت، اما حوثی‌ها از آن زمان خواستار پایان تلاش‌های عربستان برای منزوی کردن مناطق وسیعی از شمال یمن هستند که تحت کنترل این گروه قرار دارد. حوثی‌ها همچنین خواستار پایان محاصره اقتصادی و محدودیت‌های رفت و آمد در مناطق تحت کنترل خود هستند.

احتمال گسترش جنگ

حملات اخیر حوثی‌ها نشان می‌دهد که این گروه شورشی آماده گسترش دامنه درگیری‌هاست؛ آنهم در شرایطی که عربستان سعودی نیروهای قابل‌توجهی را در نزدیکی مرز با مناطق تحت کنترل حوثی‌ها مستقر کرده است.

عامر، عضو دفتر سیاسی حوثی‌ها، روز سه‌شنبه در تلگرام ادعا کرد که «پاسخ گسترده و عمیق در حال انجام» بسیار فراتر از آن چیزی است که در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود و «دامنه بسیار گسترده‌تری» دارد.

در بیانیه نظامی حوثی‌ها نیز آمده است که نیروهای این گروه تا زمانی که حملات متوقف و محاصره لغو نشود، «معادله محاصره در برابر محاصره» را حفظ خواهند کرد.

علی واعظ از گروه بین‌المللی بحران می‌گوید، حوثی‌ها تلاش دارند «قلمرو بیشتری را در نزدیکی باب‌المندب، این گلوگاه حیاتی که دریای سرخ را به اقیانوس هند متصل می‌کند، به دست آورند».

به گفته او، این وضعیت برای جمهوری اسلامی ایران نیز سودمند خواهد بود؛ زیرا در اینصورت می‌تواند علاوه بر تنگه هرمز به عنوان یک گلوگاه حیاتی، بر باب‌المندب، تنگه باریکی در جنوبی‌ترین بخش دریای سرخ، نیز فشار وارد کند. واعظ به سی‌ان‌ان گفت، خطر بزرگتر این است که «درگیری‌ای که به نظر می‌رسد بار دیگر در یمن شعله‌ور شده، ممکن است از کنترل خارج شود و حتی پس از پایان درگیری‌های میان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا نیز ادامه پیدا کند».

در چنین شرایطی، حملات اخیر حوثی‌ها می‌تواند نشان‌دهنده ورود جنگ به مرحله‌ای تازه باشد؛ مرحله‌ای که در آن مناقشه جمهوری اسلامی و آمریکا، جنگ یمن و امنیت مسیرهای انرژی و کشتیرانی در دریای سرخ و خلیج فارس بیش از گذشته به یکدیگر گره خورده‌اند.

موشک بالستیک و پهپاد» شلیک کرده‌اند.

المالکی، سخنگوی نیروهای ائتلاف به رهبری عربستان، گفت فرماندهی نیروهای مشترک ائتلاف که طی سال‌های جنگ داخلی یمن با حوثی‌ها می‌جنگد، در برابر «رویکرد خصمانه» این گروه «قاطعانه مقابله خواهد کرد».

وزارت خارجه عربستان سعودی نیز در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد: «پادشاهی عربستان سعودی بر حق مشروع خود برای اتخاذ تمامی اقدامات لازم جهت دفاع از حاکمیت خود تأکید می‌کند».

حملات حوثی‌ها با واکنش سریع متحدان منطقه‌ای عربستان روبرو شد. مصر این حملات را «تشدید خطرناک تنش‌ها» توصیف کرد و اردن گفت این حملات «نقض آشکار حاکمیت عربستان سعودی» است.

وزارت خارجه قطر نیز اعلام کرد، این حملات نشان‌دهنده «بی‌اعتنایی غیرقابل قبول به جان غیرنظامیان و امنیت کشورهای منطقه» است. کویت نیز به جمع کشورهای منطقه‌ای پیوست که این حملات را محکوم کردند.

پایان آتش‌بس شکننده

با وجود تلاش عربستان برای دور ماندن از جنگ آمریکا با جمهوری اسلامی ایران، این کشور طی جنگ ۴۰ روزه بارها هدف حملات موشکی حوثی‌ها قرار گرفت؛ حملاتی که به آتش‌بس شکننده چهار ساله میان این گروه شورشی و عربستان پایان داد. حوثی‌ها همچنین اعلام کردند که در دریای سرخ، محاصره کشتیرانی عربستان را آغاز کرده‌اند؛ دریای سرخ یکی از مسیرهای مهم صادرات نفت خام عربستان محسوب می‌شود به ویژه در شرایطی که رژیم ایران تلاش کرده است تنگه هرمز را مسدود کند.

حوثی‌ها همچنین پالایشگاه‌هایی را در سواحل دریای سرخ هدف قرار داده‌اند که توسط شرکت نفتی بزرگ عربستان، آرامکو، اداره می‌شوند.

علاوه بر حملات پهپادی و موشکی حوثی‌ها علیه عربستان، در هفته‌های اخیر درگیری‌های زمینی میان حوثی‌ها و نیروهای مورد حمایت عربستان در یمن نیز شدت گرفته است. نیروهای دولت یمن روز دوشنبه اعلام کردند که در چندین جبهه پیشروی کرده‌اند.

حوثی‌ها پیشتر از موشک‌های بالستیک و پهپادها برای حمله به بندر المخا، که تحت کنترل نیروهای دولت یمن قرار دارد، استفاده کرده‌اند.

چند ساعت بعد از دیدار اخیر عراقچی و البوسعیدی در تهران، حسین محبی سخنگوی سپاه پاسداران، به «سپاه نیوز» گفت: «درباره سهم هر کشور از آب‌های تنگه و همچنین سهم ایران و عمان از درآمدهای آن، توافق‌هایی حاصل شده است.»

با این حال، به گفته منابع آگاه از این مذاکرات، عمان اکنون در حال عقب‌نشینی از پیشنهاد حکومت ایران است و این تصمیم را در راستای تلاش‌های گسترده‌تر برای برقراری صلح اتخاذ کرده است.

چندی پیش اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا از اقداماتی برای قطع معاملات با «بانک مصر امارات» و تحریم مدیر شعبه دبی «بانک ملی ایران» خبر داد؛ اقداماتی که به گفته آمریکا به دلیل انجام فعالیت تجاری با جمهوری اسلامی صورت گرفته است. این اقدامات پس از تحریم ۱۵۴ نهاد دیگر مستقر در امارات طی یک سال گذشته انجام شد. ناظران پیش‌بینی کرده‌اند، اقدامات بیشتری علیه مؤسسات مستقر در امارات در چارچوب طرح «عملیات طرد اقتصادی» انجام خواهد شد؛ طرحی که هدف آن وادار کردن جمهوری اسلامی ایران به مذاکره برای دستیابی به توافق صلح از طریق وارد کردن فشار اقتصادی است.

یک منبع جمهوریخواه به «نیویورک پست» گفت: «امارات باید در این زمینه اقدامات بیشتری انجام دهد. آنها همزمان در حال بازی با هر دو طرف هستند؛ از ترامپ می‌خواهند جنگ را ادامه دهد و در عین حال میلیاردها دلار به ایرانی‌ها پرداخت می‌کنند.»



دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا و بدر البوسعیدی وزیر خارجه عمان / شرم الشيخ / مصر / ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵

در این میان، حکومت ایران تلاش کرده تا عمان را که در ساحل جنوبی تنگه هرمز قرار دارد، برای پذیرش چارچوبی پس از پایان جنگ تحت فشار قرار دهد؛ چارچوبی که اختیارات بیشتری در این گذرگاه حیاتی نفت و گاز بین‌المللی به تهران می‌داد.

نیویورک پست: عمان پیشنهاد جمهوری اسلامی برای دریافت عوارض از کشتی‌ها در تنگه هرمز را رد کرد

● روزنامه «نیویورک پست» پنجشنبه ۱۲ شهریور ۱۴۰۵ گزارش داد که عمان پیشنهاد جمهوری اسلامی برای دریافت مشترک هزینه خدمات از کشتی‌های تجاری عبوری از تنگه هرمز را رد کرده است.

● این گزارش با ادعای هفته پیش سپاه پاسداران درباره دستیابی رژیم ایران و عمان به توافقی بر سر سهم دو کشور از درآمدهای این آبراه مغایرت دارد.

مقامات وزارت خارجه جمهوری اسلامی ادعا کرده بودند با عمان بر سر وضعیت عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز به تفاهم رسیده‌اند اما «منابع آگاه» گزارش می‌دهند که عمان پیشنهادهای جمهوری اسلامی را نپذیرفته است.

روزنامه «نیویورک پست» پنجشنبه ۱۲ شهریور ۱۴۰۵ گزارش داد، عمان پیشنهاد جمهوری اسلامی برای دریافت مشترک هزینه خدمات از کشتی‌های تجاری عبوری از تنگه هرمز را رد کرده است.

این گزارش با ادعای هفته پیش سپاه پاسداران درباره دستیابی رژیم ایران و عمان به توافقی بر سر سهم دو کشور از درآمدهای این آبراه مغایرت دارد.

یک مقام ارشد منطقه‌ای به این روزنامه گفت، عمان با دریافت هزینه از کشتی‌ها، حتی به صورت داوطلبانه، در ازای خدمات محیط زیستی و امنیتی موافقت نکرده است؛ موضوعی که با اظهارات سپاه پاسداران مغایرت دارد.

یک مقام آمریکایی به «نیویورک پست» گفت که شرایط توافق پیشنهادی برای تقسیم درآمد حتی از سوی تهران نیز نهایی نشده بود؛ موضوعی که نشان می‌دهد سپاه پاسداران پیش از نهایی‌شدن توافق، شتابزده آن را اعلام کرد.

عباس عراقچی وزیر خارجه حکومت ایران پیش از این در تهران با بدر البوسعیدی، وزیر خارجه عمان، دیدار کرده بود. ترامپ تا کنون دو بار عمان را تهدید کرده که اگر با دریافت نوعی عوارض از تنگه هرمز موافقت کند، این کشور را هدف حمله قرار خواهد داد.

این در حالیست که محاصره دریایی بنادر ایران توسط آمریکا نیز هرگونه توافق برای دریافت عوارض از کشتی‌ها را بدون موافقت واشنگتن عملاً بی‌اثر خواهد کرد.

عمان در این موضوع نقش میانجی را ایفا کرده است؛ از جمله با برگزاری مذاکرات هسته‌ای میان آمریکا و رژیم ایران تلاش کرد تا از جنگ کنونی جلوگیری کند. عمان پیش از این نیز در آزادی شهروندان آمریکایی که در یمن و به دست گروه حوثی‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی بازداشت شده بودند، نقش میانجی داشت.

عمان همچنین در مه ۲۰۲۵ میان آمریکا و حوثی‌ها، که شمال یمن را در کنترل دارند، برای برقراری آتش‌بس میانجیگری کرد. این توافق همچنان برقرار است.

جمهوری اسلامی با هر قتل حکومتی، فقط یک عضو خانواده را نکشت!

در حدود نیم‌قرنی که جمهوری اسلامی، ایران را به اشغال خود درآورده هزاران هزار تن از فرزندان ایران را در سنین مختلف به قتل رسانده‌است؛ مستقیم و غیرمستقیم. اما نکته‌ی مهم این است که با کشتن هر تن، تنها یک زندگی را از بین نبرد بلکه زندگی افراد خانواده، دوستان نزدیک و علاقمندان به آن فرد را هم برای همیشه از بین برد. اطرافیان جانب‌اختگان و اعدام‌شدگان دیگر به هیچ‌وجه به روزهای پیش از قتل عزیزانشان برنخواهندگشت.

در چند روز گذشته خبرهایی منتشر شده مبنی بر اینکه آیدا حیدری نامزد ابوالفضل سلیمانی الموتی از جاودیدانان اعتراضات ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴ به زندگی خود پایان داد. سه روز پس از او دانیال کریمی، پدر دادخواه امیرمحمد کریمی هم به زندگی خود پایان داد.



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

محاکمه شرکت چینی «هواوی» در آمریکا به اتهام همکاری با جمهوری اسلامی و سرقت اطلاعاتی



عکس: رویترز

● هشت سال پس از آنکه دادستان‌های ایالات متحده به صورت محرمانه شرکت چینی هواوی را به فریب بانک HSBC و سایر مؤسسات مالی بر سر تعاملات تجاری با حکومت ایران متهم کردند، این پرونده سرانجام وارد مرحله محاکمه علنی شد.

● هواوی در این پرونده علاوه بر کلاهبرداری بانکی، با اتهامات سنگین دیگری نیز روبروست. تبانی برای سرقت اسرار تجاری از پنج شرکت فناوری آمریکایی، پنهانکاری درباره فعالیت‌های تجاری در کره شمالی و ارسال تجهیزات نظارتی به ایران، از جمله اتهاماتی هستند که علیه این غول فناوری مطرح شده است.

● به گزارش رویترز، صدور حکم محکومیت احتمالی در پرونده مربوط به جمهوری اسلامی ایران، موضع واشنگتن را در توجیه قرار دادن هواوی در فهرست سیاه تجاری سال ۲۰۱۹ تقویت خواهد کرد؛ اقدامی که آمریکا در آن زمان با تکیه بر تهدیدات علیه امنیت ملی این کشور انجام داد.

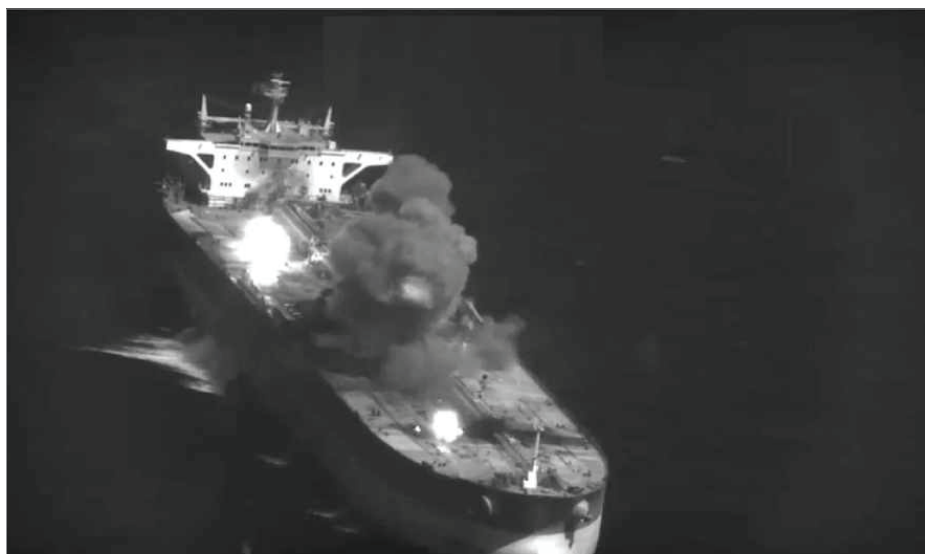
● بخش مهمی از پرونده بر پایه گزارش‌های تحقیقی منتشر شده در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ پیرامون روابط پنهانی هواوی و شرکت Skycom شکل گرفته که در ایران فعالیت می‌کرد. طبق این گزارش‌ها، اسکای‌کام در سال ۲۰۱۰ پیشنهاد فروش تجهیزات رایانه‌ای تحریم شده HP به ارزش دست‌کم ۱/۳ میلیون یورو (معادل تقریبی ←

ناو جنگی نیروی دریایی آمریکا را با موشک‌های بالستیک هدف قرار داد.

مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا هشدار داد، در صورتی که جمهوری اسلامی به شناورهای آمریکایی حمله کند، ارتش ایالات متحده اقدام به غرق کردن نفتکش‌های آن خواهد کرد. سنتکام پیش از هدف قرار دادن کشتی‌ها به خدمه هشدار می‌دهد و به آنها مهلت می‌دهد تا کشتی را ترک کنند.

در همین ارتباط فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) از انهدام پنج نفتکش جمهوری اسلامی در دریای عمان و نزدیکی جزیره خارک خبر داد. دست‌کم دو نفتکش غرق شدند. بر اساس بیانیه سنتکام، پیش از اجرای عملیات به خدمه این نفتکش‌ها هشدار تخلیه داده شد. ملوانان ایرانی ویدیوهایی را منتشر کرده‌اند که تأیید می‌کند قبل از شلیک به آنها هشدار داده شده است. حتی به ملوانان گفته شده که کدام قسمت کشتی امن خواهد بود. آمریکا تأکید کرده است که این نفتکش‌ها برای تأمین مالی

هشدار مارکو روبیو به جمهوری اسلامی: اگر به شناورهای آمریکایی شلیک کنید، نفتکش‌های شما را منهدم می‌کنیم



انهدام یک تانکر بزرگ نفت جمهوری اسلامی

نیروهای مسلح و گروه‌های نیابتی استفاده می‌شده‌اند. در مقابل، جمهوری اسلامی نیز به تعدادی نفتکش که ادعا کرده متعلق به آمریکاست حمله کرده است. یکی از این نفتکش‌ها حوالی بصره هدف پیهاد قرار گرفت. دو مقام بندری عراق به رویترز گفتند این نفتکش در آب‌های عراق هدف قرار گرفت و هیچیک از ۲۲ خدمه آن آسیب ندیدند. وزارت نفت عراق نیز اعلام کرد این کشتی برای ذخیره نفت کوره استفاده می‌شد. یکی از نفتکش‌ها که در دریا غرق شد «KYLO» است. تصاویر ماهواره‌ای سنیتل، یک لکه نفتی به عرض حدود ۲۱/۵ کیلومتر و طول حدود ۱۳ کیلومتر در کنار چند لکه دیگر را نزدیکی ساحل گری (بین بندر سیریک و جاسک) را در دریای عمان نشان می‌دهد.

کارشناسان می‌گویند ادامه این وضعیت در خلیج فارس و دریای عمان با توجه به محاصره اقتصادی بندر، وضعیت اقتصاد بحرانی‌زده ایران را بدتر می‌کند.

جمهوری اسلامی قرار بود با بستن تنگه هرمز اهرمی برای مقابله با تهدیدات آمریکا داشته باشد اما اکنون عملاً هزینه‌هایی را به خود نظام تحمیل کرده که ادامه آن حتی در کوتاه‌مدت نیز عاقلانه به نظر نمی‌رسد. از دست رفتن پنج تا شش نفتکش در کمتر از یک هفته، در کنار تحریم‌های سنگین و محاصره دریایی، آسیب بزرگی به زیرساخت‌های کشور زده است که ترمیم آن بسیار مشکل خواهد بود.

● ستاد فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) اعلام کرد که پنج نفتکش حامل نفت خام ایران را منهدم کرده است. برخی منابع مدعی شده بودند که بعضی از این نفتکش‌ها خالی بودند. بنا بر بیانیه سنتکام، این اقدام پس از آن صورت گرفت که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دو بار یک ناو جنگی نیروی دریایی آمریکا را با موشک‌های بالستیک هدف قرار داد.

● مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا هشدار داد، در صورتی که جمهوری اسلامی به شناورهای آمریکایی حمله کند، ارتش ایالات متحده اقدام به غرق کردن نفتکش‌های آن خواهد کرد. سنتکام پیش از هدف قرار دادن کشتی‌ها به خدمه هشدار می‌دهد و به آنها مهلت می‌دهد تا کشتی را ترک کنند.

● در همین ارتباط فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) از انهدام پنج نفتکش جمهوری اسلامی در دریای عمان و نزدیکی جزیره خارک خبر داد. دست‌کم دو نفتکش غرق شدند.

ستاد فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) اعلام کرد که پنج نفتکش حامل نفت خام ایران را منهدم کرده است. برخی منابع مدعی شده بودند که بعضی از این نفتکش‌ها خالی بودند. بنا بر بیانیه سنتکام، این اقدام پس از آن صورت گرفت که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دو بار یک

بریتانیا تحریم‌های سخت‌تری علیه جمهوری اسلامی وضع کرد



بیلورد خامنه‌ای و خمینی در تهران

فناوری‌ها و خدمات بیشتری گسترش می‌یابد. هواپیماهای ایرانی نیز جز در موارد برخورد از معافیت، اجازه فرود در بریتانیا نخواهند داشت.

استیون داتی از معاونان وزارت خارجه بریتانیا، در بیانیه‌ای اعلام کرد که این قانون «اقدامات بریتانیا را برای محدود کردن جاه‌طلبی‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران دوچندان می‌کند» و به این اطمینان کمک خواهد کرد که هرگز نتواند به سلاح هسته‌ای دست یابد.

گزارش شده است که آمریکا و سه قدرت اروپایی در نشست این هفته شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین، پیشنهاد ارجاع پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی به شورای امنیت سازمان ملل متحد را مطرح خواهند کرد.

بر اساس پیش‌نویس دو صفحه‌ای قطعنامه آمریکا که رویترز آن را مشاهده کرده، واشنگتن از جمهوری اسلامی می‌خواهد «فورا موارد عدم پایبندی خود را برطرف کند» و اجازه انجام بازرسی‌های لازم را برای اطمینان از «عدم سوء استفاده از مواد هسته‌ای»، بدهد.

بازرسان آژانس طی ۱۵ ماه گذشته نتوانسته‌اند موجودی اورانیوم جمهوری اسلامی را بررسی و محل ذخایر اورانیوم با غنای نزدیک به سطح مورد نیاز برای ساخت سلاح هسته‌ای را تایید کنند.

جان هیلی وزیر خزانه‌داری بریتانیا پیشتر گفته بود که دولت این کشور «به همکاری با آمریکا و دیگر شرکای خود برای افزایش فشار اقتصادی بر جمهوری اسلامی ایران» ادامه خواهد داد و مصمم است که اجازه ندهد «حکومت ایران از اقتصاد جهانی با نظام مالی بریتانیا برای پیشبرد برنامه هسته‌ای و دیگر فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده خود سوء استفاده کند».

● دولت بریتانیا سه‌شنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۵ مقررات تازه‌ای برای افزایش تحریم‌های جمهوری اسلامی منتشر کرد که طبق آن دسترسی رژیم ایران به نظام مالی بریتانیا محدودتر خواهد شد، ممنوعیت‌های تجاری گسترش می‌یابد و اختیارات دولت آن کشور برای اعمال محدودیت‌های تحریمی علیه کشتی‌های مرتبط با جمهوری اسلامی افزایش پیدا می‌کند.

● بر اساس این تحریم‌ها، ممنوعیت‌های تجاری به کالاهای فناوری‌ها و خدمات بیشتری گسترش می‌یابد. هواپیماهای ایرانی نیز جز در موارد برخورد از معافیت، اجازه فرود در بریتانیا نخواهند داشت.

● استیون داتی از معاونان وزارت خارجه بریتانیا در بیانیه‌ای اعلام کرد که این قانون «اقدامات بریتانیا را برای محدود کردن جاه‌طلبی‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران دوچندان می‌کند» و به این اطمینان کمک خواهد کرد که هرگز نتواند به سلاح هسته‌ای دست یابد.

دولت بریتانیا سه‌شنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۵ مقررات تازه‌ای برای افزایش تحریم‌های جمهوری اسلامی منتشر کرد که طبق آن دسترسی رژیم ایران به نظام مالی بریتانیا محدودتر خواهد شد، ممنوعیت‌های تجاری گسترش می‌یابد و اختیارات دولت آن کشور برای اعمال محدودیت‌های تحریمی علیه کشتی‌های مرتبط با جمهوری اسلامی افزایش پیدا می‌کند.

به گزارش خبرگزاری رویترز، این مقررات بخشی از تلاش گسترده‌تر لندن برای مهار برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و مقابله با «فعالیت‌های خصمانه» حکومت ایران است.

بر اساس این تحریم‌ها، ممنوعیت‌های تجاری به کالاهای

۱/۵ میلیون دلار) را به بزرگترین اپراتور تلفن همراه ایران ارائه داده بود.

هشت سال پس از آنکه دادستان‌های ایالات متحده به صورت محرمانه شرکت چینی هواوی را به فریب بانک HSBC و سایر مؤسسات مالی بر سر تعاملات تجاری با ایران متهم کردند، این پرونده سرانجام وارد مرحله محاکمه علنی شد. هم‌اکنون روند انتخاب اعضای هیئت منصفه در دادگاه فدرال بروکلین واقع در نیویورک آغاز شده است.

به گزارش رویترز، هواوی در این پرونده علاوه‌بر کلاهبرداری بانکی، با اتهامات سنگین دیگری نیز روبروست. تبانی برای سرقت اسرار تجاری از پنج شرکت فناوری آمریکایی، پنهانکاری درباره فعالیت‌های تجاری در کره شمالی و ارسال تجهیزات نظارتی به ایران، از جمله اتهاماتی محسوب می‌شوند که علیه این غول فناوری مطرح شده است.

این محاکمه به یکی از نخستین و دقیق‌ترین رویارویی‌های دولت آمریکا با یک شرکت بزرگ فناوری چینی پایان خواهد داد. همچنین این نبرد قضایی با تشدید رقابت تکنولوژیک میان واشنگتن و پکن و تلاش‌های کاخ سفید برای جلوگیری از دسترسی ارتش چین به فناوری‌های پیشرفته آمریکایی در حوزه‌های حساسی مانند هوش مصنوعی همزمان شده است. ریشه این تنش‌ها به سال ۲۰۱۸ و بازداشت «مینگ وانژو» مدیر ارشد مالی هواوی در ونکوور کانادا بازمی‌گردد؛ رویدادی که به یک بحران دیپلماتیک سه‌جانبه میان آمریکا، چین و کانادا تبدیل شد.

صدور حکم محکومیت احتمالی در پرونده مربوط به جمهوری اسلامی ایران، موضع واشنگتن را در توجیه قرار دادن هواوی در فهرست سیاه تجاری سال ۲۰۱۹ تقویت خواهد کرد؛ اقدامی که آمریکا در آن زمان با تکیه بر تهدیدات علیه امنیت ملی انجام داد. دادگاه این پرونده زیر نظر قاضی فدرال، «ان دانلی» برگزار می‌شود و انتظار می‌رود حدود سه ماه طول بکشد؛ بازه‌ای که با دیدار دونالد ترامپ و شی جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین در ۲۴ سپتامبر همزمان خواهد شد.

فهرست طولانی اتهامات این شرکت مواردی نظیر نقض قوانین تحریم‌های آمریکا علیه ایران، پولشویی، باج‌گیری سازمانیافته، کلاهبرداری مخابراتی و ممانعت از اجرای عدالت را در بر می‌گیرد؛ اتهاماتی که هواوی تمام آنها را رد کرده و بر بی‌گناهی خود اصرار دارد.

ارتباط هواوی با شرکت «اسکای کام» و نقض تحریم‌های ایران بخش مهمی از پرونده بر پایه گزارش‌های تحقیقی منتشرشده در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ پیرامون روابط پنهانی هواوی و شرکت Skycom شکل گرفته است که در ایران فعالیت می‌کرد. طبق این گزارش‌ها، اسکای کام در سال ۲۰۱۰ پیشنهاد فروش تجهیزات رایانه‌ای تحریم‌شده HP به ارزش دست کم ۱/۳ میلیون یورو (معادل تقریبی ۱/۵ میلیون دلار) را به بزرگترین اپراتور تلفن همراه ایران ارائه داده بود. علاوه بر این، اسناد نشان می‌دهند «مینگ وانژو» در بازه زمانی میان فوریه ۲۰۰۸ تا آوریل ۲۰۰۹ عضو هیئت مدیره شرکت اسکای کام بوده است.

در صورت اثبات جرائم، دادستان‌ها ضبط دارایی‌ها و سودهای حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی را درخواست خواهند کرد و این غول چینی ممکن است با جریمه‌های مالی سنگینی روبرو شود. به گفته «تاد هاف»، استاد حقوق تجارت در دانشگاه ایندیانا، میزان این جریمه بر اساس میزان منافع مالی شرکت و ضریب شدت جرم تعیین خواهد شد که می‌تواند ارقامی میان صدها میلیون تا چندین میلیارد دلار را شامل شود.

آخرین وضعیت دادگاه متهم به آتش زدن دیوار جاویدنامان در لندن



دیوار جاویدنامان در محله گلدز گرین لندن

-بله تا حد زیادی این محرز است. ولی سنگینی جرم و حبس چه مدت خواهد بود هنوز معلوم نیست.

● آیا می‌توان تفسیر کرد که متهم و وکیل وی بر اساس همین شواهد مجبور شده‌اند اعلام بی‌گناهی را پس بگیرند؟
-این یک سناریو می‌تواند باشد یعنی اینکه سنگینی پرونده را دیده‌اند و وکیل توصیه کرده که بی‌گناهی را پس بگیرد. سناریوی دیگر آنست که نمی‌خواهند یک جلسه کامل یکروزه را، که هم وکیل مدافع و هم دادستان متهم را بازخواست می‌کنند، به این مورد اختصاص دهند. یکی از عواقب این وضعیت بر ملا شدن جزئیات زندگی این شخص و منعکس شدن آن در فضای عمومی است. ولی من شواهد مشخصی ندارم که کدام سناریو می‌تواند درست باشد.

● به نظر شما آیا این اقدام می‌تواند تنها یک اقدام فردی و از سر عصبانیت لحظه‌ای و غیرسازمان‌یافته باشد؟ آیا داده‌ها و اطلاعاتی وجود دارد که این اقدام ممکن است سازمان‌یافته باشد؟
-در این مرحله من چیزی بر له و یا علیه این نظر نمی‌توانم. بیاورم زیرا مدارک قابل اتکایی وجود ندارد تا من نظر بدهم. در آخر، روی دو نکته می‌خواهم تأکید کنم. اول اینکه قاضی دادگاه وقتی اعلام شد که متهم می‌تواند وثیقه بگذارد و تا روز دادگاه آزاد باشد، که آن تاریخ هم ۱۹ اکتبر است، او به متهم تفهیم کرد که این وثیقه لزوماً حاکی از سبک بودن جرم او و وزن حکمی نیست که دریافت خواهد کرد. به عبارت دیگر، متهم نباید فکر کند که چون آزاد است پس هیچ حکمی متوجه او نیست و یا حکم سبکی دریافت خواهد کرد.

نکته دوم که کاملاً تصادفی است آنست که یک پسر ۱۷ ساله مسلمان غیرایرانی هم که اسمش در فضای عمومی اعلام نشده و به اتهام حمله به کنیسه‌ی محله کنتن لندن دستگیر شده بود نیز در مرحله تفهیم اتهام، اقامه‌اش از بی‌گناه را به گناهکار تغییر داده است.

اضافه کنم در دادگاه علی فلاحی دادستان گفت که آنها دو فیلم از دوربین مداربسته در شب آتش‌افروزی دارند. منظور او تلویحاً آن بود که به احتمال قوی آنها درخواست حداکثر مجازات و محکومیت را خواهند کرد.

آزاد کرده و هیچ اتهامی متوجه او نیست. پلیس اما اعلام کرد مرد دستگیرشده را متهم به آتش‌افروزی می‌کند. در جلسه ۱۶ ژوئیه برای تفهیم اتهام در دادگاه سلطنتی منطقه «هرو» متهم اتهامش را رد و اعلام بی‌گناهی کرد.

● در مورد زن آزادشده چه اطلاعاتی دارید؟ آیا با حجاب بوده؟ او هم تابعیت ایرانی دارد؟ اسم مرد متهم چیست؟
-نه، دانم که زن با حجاب بود یا ایرانی بود یا نه. اما در مورد مرد باید بگویم که اسم وی «علیرضا فلاحی» است ولی در دادگاه او را «علی فلاحی» می‌نامند.

● چه شده که در جلسه دادگاه ۲۱ اوت، علی فلاحی ادعای بی‌گناهی خود را پس گرفت؟

-در جلسه دادگاه ۲۱ اوت، وکیل علی فلاحی در همان ابتدای جلسه اعلام کرد که ما برای تفهیم اتهام آماده هستیم. متن اتهام هم برای علی فلاحی خوانده شد که می‌دانید همراه است با پرسش معروف: خود را گناهکار می‌دانید یا بی‌گناه؟ که علی فلاحی بلند شد و گفت: گناهکار!

● آیا داده‌ها و اطلاعات مشخصی وجود دارد که علی فلاحی طرفدار رژیم جمهوری اسلامی است؟ آیا از ظاهر وی می‌توان چیزی در این رابطه دریافت؟

-اولاً ما تا حال نوع صحبت کردنش را کامل نشنیده‌ایم زیرا در اغلب موارد وکیلش صحبت می‌کند. با نگاه به چهره‌اش، لباس‌هایش و زبان بدنش نمی‌شود قضاوت کرد که حزب‌اللهی است یا نه. یک آدم معمولی است؛ قد بلند و هیکل درشتی دارد و ریش‌اش را هم از ته تیغ کرده است. اضافه کنم که بعد از اینکه متهم اعلام کرد گناهکار است، قاضی یک لیست زمان‌بندی شده برای این محاکمه ارائه داد. او از وکیل متهم و دادستان خواست اقداماتی انجام دهند از جمله اینکه وکیل متهم پذیرفتن این اتهام را رسماً به دادستان تا ۴ سپتامبر اعلام کند. دادستان هم دو هفته تا ۱۸ سپتامبر وقت دارد که آن را قبول و یا رد کند. همچنین دادستان تا ۲۵ سپتامبر باید به دادگاه اعلام کند که به چه اتهامی می‌خواهد علیه وی اعلام جرم کند.

● آیا مستنداتی در دست هست که جرم علی فلاحی را ثابت کند؟

● در ماه آوریل امسال تلاشی برای آتش زدن دیوار جاویدنامان در محله «گلدز گرین» لندن صورت گرفت. در همین ارتباط یک مرد و یک زن دستگیر شدند اما زن پس از مدت کوتاهی آزاد شد.

● در نخستین جلسه دادگاه مربوط به مدیریت پرونده، مرد دستگیرشده اتهامش را رد و اعلام بی‌گناهی کرد. اما در آخرین جلسه برای تفهیم اتهام که در تاریخ ۲۱ اوت امسال برگزار شد، ادعای بی‌گناهی را پس گرفته و خود را گناهکار اعلام کرد. ● احد قنبری: بعد از اینکه متهم اعلام کرد گناهکار است، قاضی یک لیست زمان‌بندی شده برای این محاکمه ارائه داد. او از وکیل متهم و دادستان خواست اقداماتی انجام دهند از جمله اینکه وکیل متهم پذیرفتن این اتهام را رسماً به دادستان تا ۴ سپتامبر اعلام کند. دادستان هم دو هفته تا ۱۸ سپتامبر وقت دارد که آن را قبول و یا رد کند. همچنین دادستان تا ۲۵ سپتامبر باید به دادگاه اعلام کند که به چه اتهامی می‌خواهد علیه وی اعلام جرم کند.

● «یک پسر ۱۷ ساله مسلمان غیرایرانی هم که اسمش در فضای عمومی اعلام نشده، به اتهام حمله به کنیسه‌ی محله کنتن لندن دستگیر شده بود که او نیز در مرحله تفهیم اتهام، اقامه‌اش از بی‌گناه را به گناهکار تغییر داده است.»

آدم صابونچیان - در ماه آوریل امسال تلاشی برای آتش زدن دیوار جاویدنامان در محله «گلدز گرین» لندن صورت گرفت. در همین ارتباط، یک مرد و یک زن دستگیر شدند اما زن پس از مدت کوتاهی آزاد شد. در نخستین جلسه دادگاه مربوط به رسیدگی پرونده، مرد دستگیرشده اتهامش را رد و اعلام بی‌گناهی کرد. اما در آخرین جلسه برای تفهیم اتهام که در تاریخ ۲۱ اوت امسال برگزار شد، ادعای بی‌گناهی را پس گرفته و خود را گناهکار اعلام کرد که این امر تعجب بسیاری برانگیخت. «کیهان لندن» با احد قنبری، کنشگر سیاسی و فعال حقوق بشر و از حافظان دیوار جاویدنامان، گفتگو کرده است.

● آقای قنبری، لطفاً خوانندگان «کیهان لندن» را در جریان این پرونده قرار دهید.

-در ۲۷ آوریل امسال علانی از آتش‌سوزی در کنار دیوار جاویدنامان دیده شد که بلافاصله به پلیس گزارش داده شد و باعث حضور سنگین آنها در اطراف دیوار گشت. آتش‌نشانی هم به این مکان فرا خوانده شد. فیلم‌های دوربین مداربسته ساختمان روبرو دیوار مورد بررسی قرار گرفت و دیده شد که حدود ساعت یک نیمه شب قبل از آتش‌سوزی، حرکات‌های مشکوکی در اطراف دیوار صورت گرفته است.

پلیس حدود ۶-۷ ساعت در اطراف دیوار حضور داشت و خیابان را بسته بود تا یک بررسی دقیق انجام دهد. پلیس از کنشگران حاضر در اطراف دیوار جاویدنامان هم تحقیقاتی کرد تا ببیند آیا آنها متوجه حرکات‌های مشکوک در اطراف دیوار شده‌اند یا نه. در این میان، ظاهراً یکی از دوستان از سر خیرخواهی اثرات آتش‌سوزی را با گمان اینکه کار مفیدی انجام می‌دهد، سعی کرده بود همیز کند.

اضافه کنم که این پرونده از همان ابتدا به مرکز فعالیت ضد تروریستی پلیس متروپلیتن لندن ارجاع داده شد. در اواسط ماه ژوئن هم پلیس اعلام کرد که دو نفر، یک مرد و یک زن را دستگیر کرده است. طبق اطلاعاتی که به من رسیده، یکی از آنها یعنی مرد دوتابعیتی ایرانی- بریتانیایی است. چند روز بعد پلیس اعلام کرد که زن دستگیرشده را

آمریکا یک نفتکش جمهوری اسلامی را در حوالی خارک هدف قرار داد



نفتکش هدف قرار گرفته نزدیک خارک

خارک، واکنشی شدید نشان خواهند داد. کمتر از یک هفته قبل نیز دو نفتکش دیگر جمهوری اسلامی هدف نیروهای سنتکام قرار گرفته بودند. هرچند آمریکا بر بخش عمده‌ای از عبور و مرور در مسیر جنوبی تنگه هرمز مسلط شده است اما در مواردی همچنان گزارش‌هایی از اصابت کشتی‌های خارجی به مین گزارش می‌شود. مین‌هایی که جمهوری اسلامی برای مختل کردن مسیر جنوبی این تنگه کار گذاشته است.

نکرده است. دونالد ترامپ هفته پیش ویدیویی در شبکه‌های اجتماعی منتشر که توسط هوش مصنوعی ساخته شده بود و همراه با آن نوشت که جزیره خارک در حال «خاکستر شدن» است. برخی منابع غیررسمی گزارش داده‌اند که یک روز پیش از این نیز کشتی «استارک» در نزدیکی کوه مبارک و کشتی «دونی» در نزدیکی جزیره خارک هدف قرار گرفتند. مقامات جمهوری اسلامی هشدار داده بودند که در صورت حمله به

● ارتش آمریکا شنبه ۱۴ شهریور ۱۴۰۵ (۵ سپتامبر ۲۰۲۶) یک نفتکش جمهوری اسلامی را در نزدیکی جزیره خارک هدف قرار داد. گفته می‌شود که چهار موشک (یا اژدر) به سمت این نفتکش شلیک شده است. ● این نفتکش با چهار موشک در فاصله حدود ۱۰ کیلومتری جزیره خارک هدف قرار گرفته. خارک مهم‌ترین ترمینال صادرات نفت ایران از خلیج فارس است. ● گفته می‌شود در این حمله کسی آسیب ندیده و خدمه نفتکش در حال ترک آن هستند. ● مقامات رسمی جمهوری اسلامی تا زمان انتشار این گزارش اطلاعیه‌ای در اینباره منتشر نکرده‌اند و ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) نیز هنوز اظهار نظری نکرده است.

ارتش آمریکا شنبه ۱۴ شهریور ۱۴۰۵ (۵ سپتامبر ۲۰۲۶) یک نفتکش جمهوری اسلامی را در نزدیکی جزیره خارک هدف قرار داد. گفته می‌شود که چهار موشک (یا اژدر) به سمت این نفتکش شلیک شده است. این نفتکش با چهار موشک در فاصله حدود ۱۰ کیلومتری جزیره خارک هدف قرار گرفته. خارک مهم‌ترین ترمینال صادرات نفت ایران از خلیج فارس است. گفته می‌شود در این حمله کسی آسیب ندیده و خدمه نفتکش در حال ترک آن هستند. مقامات رسمی جمهوری اسلامی تا زمان انتشار این گزارش اطلاعیه‌ای در اینباره منتشر نکرده‌اند و ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) نیز هنوز اظهار نظری

تحریم سه نهاد مستقر در ترکیه به اتهام همکاری در تأمین مالی «سپاه قدس»



وزارت خزانه‌داری آمریکا

طرد اقتصادی جدی هستیم. هرچند امیدواریم دیگر نیازی به تحریم بانک‌های بیشتری نباشد، اما این در نهایت به سرعت به خودآمدن جامعه بین‌المللی و توقف حمایتش از رژیم قاتل ایران بستگی دارد. او در بیانیه‌ای افزود: «ما می‌دانیم شما کیستید؛ می‌دانیم کجا هستید و همراه با متحدان و شرکایمان اقدام خواهیم کرد تا زمانی که سر مار را در ایران به خاک بسپاریم».

این نهادها متهم شده‌اند که تراکنش‌هایی را به ارزش ده‌ها میلیون دلار برای نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تسهیل کرده‌اند و دسترسی کلیدی کارگزاری بانکی در اختیار رژیم ایران قرار می‌دهند که به آن امکان می‌دهد وجوه خود را در سطح بین‌المللی جابجا کند. اسکاوت بسنت وزیر خزانه‌داری گفت: «هنوز فهم این مسئله برای نهادهای مالی دشوار است که ما درباره عملیات

● بر اساس اعلام دفتر کنترل دارایی‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا، شرکت «گلدن گلوبال پورتنفوی یونیتی می‌آونیم»، «گلدن گلوبال وارلیک کیرالاما آونیم» و «گلدن گلوبال یاتیریم بانکاسی آونیم» در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند. ● این نهادها متهم شده‌اند که تراکنش‌هایی را به ارزش ده‌ها میلیون دلار برای نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تسهیل کرده‌اند و دسترسی کلیدی کارگزاری بانکی در اختیار رژیم ایران قرار می‌دهند که به آن امکان می‌دهد وجوه خود را در سطح بین‌المللی جابجا کند. ● اسکاوت بسنت وزیر خزانه‌داری، گفت: «هنوز فهم این مسئله برای نهادهای مالی دشوار است که ما درباره عملیات طرد اقتصادی جدی هستیم. هرچند امیدواریم دیگر نیازی به تحریم بانک‌های بیشتری نباشد، اما این در نهایت به سرعت به خودآمدن جامعه بین‌المللی و توقف حمایتش از رژیم قاتل ایران بستگی دارد».

وزارت خزانه‌داری آمریکا روز جمعه ۱۳ شهریور ۱۴۰۵ تحریم‌های جدیدی علیه با جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد و طی آن، سه نهاد مالی و بیمه‌ای مستقر در ترکیه تحریم شدند.

بر اساس اعلام دفتر کنترل دارایی‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا، شرکت «گلدن گلوبال پورتنفوی یونیتی می‌آونیم»، «گلدن گلوبال وارلیک کیرالاما آونیم» و «گلدن گلوبال یاتیریم بانکاسی آونیم» در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند.

دلار در مرز ۲۳۰ هزار تومان؛ فرافکنی رئیس کل بانک مرکزی درباره سقوط ارزش پول ملی



● افزایش قیمت‌ها در بازار ارز ایران ادامه دارد و قیمت هر دلار آمریکا روز شنبه ۱۴ شهریورماه به مرز ۲۳۰ هزار تومان نزدیک شد اما رئیس کل بانک مرکزی کمبود منابع ارزی را رد و ادعا کرده انتظارات تورمی علت افزایش بی‌وقفه قیمت ارز است.

● در آنسو اما مسعود پزشکیان در چند اظهار نظر طی هفته‌های گذشته از بحران در تجارت خارجی جمهوری اسلامی به علت افزایش فشارهای اقتصادی جمهوری اسلامی، کاهش درآمدهای ارزی و کسری بودجه دولت خبر داد.

● همچنین کمبود ارز برای واردات مواد اولیه از جمله دارو علت افزایش قیمت کالاها در بازارهای داخلی ایران عنوان شده است.

● آلبرت بغزیان اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی: افزایش نرخ ارز بلافاصله قیمت کالاها را بالا می‌برد، اما با کاهش نرخ ارز، قیمت کالاها هرگز پایین نمی‌آید. چون مردم اطمینان دارند که پایین آمدن قیمت‌ها مقطعی است. تا زمانی که تنش در منطقه وجود دارد، نمی‌توان انتظار ثبات پایداری را در بازار ارز داشت.

افزایش قیمت‌ها در بازار ارز ایران ادامه دارد و قیمت هر دلار آمریکا روز شنبه ۱۴ شهریورماه به مرز ۲۳۰ هزار تومان نزدیک شد. قیمت دیگر ارزها و طلا نیز در ایران روندی افزایشی را طی می‌کند اما رئیس کل بانک مرکزی کمبود منابع ارزی را رد و ادعا کرده انتظارات تورمی علت افزایش بی‌وقفه قیمت ارز است.

قیمت هر دلار آمریکا روز شنبه ۱۴ شهریورماه با ثبت رکورد قیمتی جدید به ۲۲۸ هزار و ۲۶۰ تومان افزایش یافت. قیمت یورو ۳۶۵ هزار و ۳۳۰ تومان، پوند ۳۱۰ هزار و ۱۰۰ تومان، درهم اماران ۶۲ هزار و ۱۰۰ تومان و لیر ترکیه نیز ۴۷۳۰ تومان اعلام شد.

در بازار طلا نیز قیمت هر سکه طلا ۲۳۷ میلیون تومان و هر گرم طلا ۱۸ عیار هم ۲۴ میلیون و ۳۸۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شد.

افزایش قیمت‌ها در بازار ارز و طلا از ابتدای شهریورماه جاری با سرعت بیشتری نسبت به گذشته ادامه داشته است. دلار امروز در حالی به مرز ۲۳۰ هزار تومان نزدیک شد که روز گذشته عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی کمبود ذخایر ارزی در کشور را رد کرده و مواردی چون انتظارات تورمی را علت افزایش بی‌وقفه قیمت ارز قلمداد کرد.

رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی گفت: «میزان تأمین ارز برای واردات از ابتدای سال تا کنون نسبت به مدت مشابه در سال گذشته تنها ۱۵ درصد کاهش یافته است.»

عبدالناصر همتی افزود وقتی تقاضای تجاری با «کمبود جدی ارز» مواجه نباشد، بخش قابل توجهی از فشارهایی را که در بازار ارز مشاهده می‌شود باید در «افزایش تقاضای احتیاطی، سفته‌بازانه و تقاضای خروج سرمایه» جستجو کرد. رئیس کل بانک مرکزی هفته گذشته در اظهار نظر دیگری با بیان اینکه «ارز داریم، به اندازه کافی هم داریم، بازار ارز هم آرام خواهد شد» مدعی شد: «ذخایر مسدودنشده، منابع پایدار و درآمدهای نفتی و غیرنفتی متعددی در

بوده است.»

این اقتصاددان افزود: «در سمت تقاضای واقعی بازار تغییر شدیدی رخ نداده بود که بخواهد قیمت را اینگونه بالا ببرد، بلکه این عرضه قطره‌چکانی و نحوه مدیریت بازارساز بود که قیمت را گران‌تر کرد.»

او همچنین توضیح داده، وقتی تورم از مواد غذایی آغاز شده و به ساده‌ترین کالاها می‌رسد، هیچ فروشنده‌ای حاضر نیست جنس خود را ارزان‌تر بفروشد. همین تورم کالایی، نرخ ارز را بالا می‌برد و رشد نرخ ارز نیز دوباره به تورم کالاها دامن می‌زند؛ دور باطلی که حیات خود را از افزایش قیمت دلار می‌گیرد.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی سه هفته پیش مدعی عرضه ۵۰۰ میلیون دلار ارز در بازار با هدف کاهش و کنترل قیمت‌ها شد اما این ارزیابی نتوانست از افزایش قیمت ارز جلوگیری کند. در این رابطه آلبرت بغزیان معتقد است: «ارزپاشی تنها زمانی یک اقدام مثبت و کارآمد محسوب می‌شود که بتواند اثر پایدار و طولانی‌مدت بر بازار بگذارد، نه اینکه صرفاً به‌صورت مداوم منابع را تلف کنیم. وقتی تزریق ارز در شرایط تنش‌های شدید سیاسی انجام شود، ارزپاشی درست مانند ریختن آب در بیابان است و اثر ملموسی برجای نمی‌گذارد. اقدام هفته گذشته بانک مرکزی برای عرضه ارز با اختلاف جزئی نسبت به نرخ بازار نیز جذابیت یا شوک مثبتی برای مهار قیمت‌ها ایجاد نکرد.»

این اقتصاددان سیاست‌های نرخ‌گذاری دستوری دولت را اقدامی خسارت‌بار در بازار ارز ایران دانسته و گفته: «افزایش نرخ ارز بلافاصله قیمت کالاها را بالا می‌برد، اما با کاهش نرخ ارز، قیمت کالاها هرگز پایین نمی‌آید. چون مردم اطمینان دارند که پایین آمدن قیمت‌ها مقطعی است. تا زمانی که تنش در منطقه وجود دارد، نمی‌توان انتظار ثبات پایداری را در بازار ارز داشت.»

دسترس بانک مرکزی قرار دارد.»

در آنسو اما مسعود پزشکیان در چند اظهار نظر طی هفته‌های گذشته از بحران در تجارت خارجی جمهوری اسلامی به علت افزایش فشارهای اقتصادی جمهوری اسلامی، کاهش درآمدهای ارزی و کسری بودجه دولت خبر داده بود.

همچنین کمبود ارز برای واردات مواد اولیه از جمله دارو علت افزایش قیمت کالاها در بازارهای داخلی ایران عنوان شده است.

محمدجعفر قائم‌پناه معاون اجرایی مسعود پزشکیان نیز هفته گذشته گفته بود دولت به دلیل ناترازی بودجه ناچار به چاپ پول است و جنگ نیز عامل دیگری برای تشدید تورم است.

برخی تحلیلگران معتقدند، اظهار نظرهای متناقض مقامات دولت از جمله دلایل اصلی التهاب در بازارهای ارز و طلا است. بر اساس این تحلیل، مواضع متناقض و اظهارات اخیر برخی مسئولان اجرایی مبنی بر افت شدید درآمدها و نزدیک شدن صادرات نفت به سطوح کم‌سابقه، شوک روانی متقابلی را به انتظارات تورمی جامعه وارد کرده است. همچنین تشدید فشارهای تحریمی، در کنار رشد تجمعی نقدینگی و ناترازی مزمن سیستم بانکی، تقاضای سرمایه‌ای برای تبدیل ریال به دارایی‌های امن مانند دلار، سکه و طلا را به اوج رسانده است.

آلبرت بغزیان اقتصاددان و استاد دانشگاه روز شنبه ۱۴ شهریورماه در گفتگو با وبسایت «اقتصاد۲۴» درباره سرعت افزایش نرخ ارز در دو هفته اخیر گفته: «بدون آنکه بخواهیم دوباره بحث‌های تکراری ناترازی بانک‌ها و رشد نقدینگی را مطرح کنیم، متغیر جدیدی که باعث شد قیمت دلار از کانال ۲۰۰ هزار تومان در هفته گذشته به سطوح فعلی برسد، سیگنال‌های منفی و تهدید به تشدید تحریم‌ها

پس‌لرزه‌های نرخ دلار و بنزین در بازار اتومبیل؛ افزایش قیمت ۸۰۰ میلیون تومانی در یک روز!



تصویر آرشیوی

خودرو» سبب تحریک قیمت‌ها در بازار اتومبیل شده است؛ طرحی که هدف آن «تسهیل نوسازی ناوگان فرسوده و الزام خودروسازان به ارائه گواهی اسقاط بر اساس حجم تولید» اعلام شده است.

بر اساس این طرح، ارزش گواهی اسقاط از ۳۵ میلیون تومان به ۶۰ میلیون تومان افزایش یافته که نشان می‌دهد این طرح پیش از آنکه نوسازی ناوگان را به ارمان بیاورد، به افزایش مستقیم قیمت تمام‌شده برای مصرف‌کننده منجر می‌شود. در همین رابطه خبرگزاری «تسنیم» نوشته، صنعت اتومبیل ایران درگیر یک چرخه معیوب شده است: «قدرت خرید متقاضیان هر روز کمتر می‌شود و در مقابل، سیاست‌گذاری‌ها بجای آنکه با تسهیلات و حمایت‌های مالی، مسیر را برای خرید خودروی ایمن هموار کنند، با اضافه کردن هزینه‌های قانونی، قیمت‌ها را به سطوح بالاتری هل می‌دهند. افزایش ۲۵ میلیون‌تومانی در یک بخش کوچک از هزینه‌های جانبی تولید، اگرچه ممکن است در نگاه نهادهای مسئول یک تغییر جزئی باشد اما برای خریداری که با وام و قرض به‌دنبال خرید یک خودروی اقتصادی است، معنایی جز سنگین‌تر شدن کمر قیمت‌ها ندارد.»

این گزارش تأکید کرده: «اگر هدف از قانونگذاری، ایجاد یک ساز و کار پایدار برای نوسازی است، باید پرسید که چرا هزینه‌های اجرای این قانون باید مستقیماً از جیب خریدار خودروی نو برداشت شود؟ در حالی که بازار با رکود دست و پنجه نرم می‌کند، افزایش تحمیلی قیمت‌ها تنها فاصله طبقاتی در دسترسی به خودرو را بیشتر کرده و نوسازی ناوگان را به رویایی دور از دسترس‌تر از همیشه تبدیل می‌کند. تا زمانی که سیاست‌گذار هزینه نوسازی را با گران‌فروشی قانونی اشتباه بگیرد، نه خودروهای فرسوده به درستی اسقاط می‌شوند و نه مردم رنگ آرامش در بازار خودرو را خواهند دید.»

اتومبیل‌سازان داخلی با زیان انباشته روبرو هستند و در عمل صنعت اتومبیل ایران به صنعتی ورشکسته و بی‌بازده تبدیل شده است. محمدرضا نجفی‌منش رئیس «انجمن صنایع همگن نیرو محرکه و قطعه‌سازان خودرو» به تازگی اعلام کرد که مجموع زیان انباشته دو شرکت بزرگ اتومبیل‌سازی «ایران‌خودرو» و «سایپا» به حدود ۳۴۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. او با اشاره به بررسی صورت‌های مالی این دو شرکت، فشار ناشی از بدهی، زیان انباشته و کمبود نقدینگی را به عنوان مهمترین مشکلات اصلی صنعت اتومبیل‌سازی کشور عنوان کرد. اکنون دولت پزشکیان در تلاش است با افزایش واردات اتومبیل از یکسو درآمدهای گمرکی دولت را افزایش دهد تا بتواند بخشی از کسری بودجه خود را جبران کند و از سوی دیگر با افزایش عرضه اتومبیل، از افزایش بیش از پیش قیمت‌ها جلوگیری کند. این در حالیست که قیمت اتومبیل‌های وارداتی هم در نهایت متأثر از افزایش قیمت ارز در کشور است!

بر اساس جدیدترین ابلاغیه دولت، از روز ۱۶ شهریور ثبت سفارش اتومبیل‌های کارکرده در سامانه جامع تجارت آغاز شده و به این ترتیب اکنون دست‌کم پنج مسیر برای واردات اتومبیل به بازار کشور فعال است: واردات عادی اتومبیل‌های صفر، واردات اتومبیل توسط ایرانیان مقیم خارج از کشور، واردات از مسیر مناطق آزاد، واردات ویژه جانبازان و واردات اتومبیل‌های کارکرده و دست‌دوم. در آنسو رکود نیز در بازار اتومبیل ایران سبب کاهش شدید معاملات اتومبیل‌هایی شده که قیمت آنها به صورت روزانه در حال افزایش است. کاهش قدرت خرید مردم در کنار قیمت‌های میلیاردی در عمل خرید اتومبیل را هم مانند مسکن برای بسیاری از شهروندان به رویا تبدیل کرده است. کارشناسان بازار اتومبیل توضیح می‌دهند که دولت نیز با اجرای اصلاحیه ماده ۱۰ «قانون ساماندهی صنعت

● افزایش نرخ ارز از موجی تازه از افزایش قیمت‌ها در بازار اتومبیل رقم است بطوری که روز سه‌شنبه ۱۸ شهریورماه انواع اتومبیل‌های موجود در بازار اتومبیل ایران با افزایش قیمت تا ۸۰۰ میلیون تومان طی یک روز روبرو شدند. ● فعالان بازار اتومبیل گزارش داده‌اند که اخبار مربوط به کاهش سهمیه سوخت و افزایش نرخ سوم بنزین از پنج به ۱۰ هزار تومان نیز بر بازار اتومبیل‌های دوگانه‌سوز تأثیر گذاشته و تقاضا برای ایندسته از اتومبیل‌ها را تحت تأثیر قرار داده است.

● افزایش قیمت‌ها در بازار اتومبیل در حالیست که در آنسو اتومبیل‌سازان داخلی با زیان انباشته روبرو هستند و در عمل صنعت اتومبیل ایران به صنعتی ورشکسته و بی‌بازده تبدیل شده است.

افزایش نرخ ارز موج تازه‌ای از افزایش قیمت‌ها در بازار اتومبیل رقم زده است بطوری که روز سه‌شنبه ۱۸ شهریورماه انواع اتومبیل‌های موجود در بازار اتومبیل ایران با افزایش قیمت تا ۸۰۰ میلیون تومان طی یک روز روبرو شدند. همچنین افزایش قیمت بنزین بر تقاضا برای اتومبیل‌های دوگانه‌سوز مؤثر بوده و قیمت آنها را افزایش داده است. دولت اگرچه قصد دارد با افزایش واردات اتومبیل بازار را مدیریت کند اما کارشناسان درباره موفقیت این اقدام دولت تردید دارند.

قیمت اتومبیل از ابتدای شهریورماه و در پی ثبت رکوردهای جدید قیمت در بازار ارز، با افزایش روبرو شد. در دو هفته نخست شهریورماه بازار اتومبیل بطور میانگین افزایش ۱۳ درصدی در قیمت‌ها داشت.

تولیدات اتومبیل‌سازان داخلی که در عمل مونتاژکار هستند، با توجه به واردات گسترده قطعات و تکنولوژی به شدت وابسته به نرخ ارز است. افزایش قیمت دلار در هفته‌های گذشته شوک قیمتی در بازار اتومبیل ایران ایجاد کرده در حالی که همچنان بخشی از اتومبیل‌های گران‌ترشده، اتومبیل‌های بی‌کیفیت و به‌روزنشده تولید داخل هستند که قیمت آنها تناسبی با کیفیت پایین آنها ندارد.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده، قیمت اتومبیل روز سه‌شنبه ۱۸ شهریورماه ۱۴۰۵ و در پی روند افزایشی نرخ طلا و دلار صعودی شد. روز گذشته قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار به مرز ۲۳ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان و قیمت هر دلار به ۲۲۶ هزار تومان رسید که این موضوع انتظارات تورمی را در بازار اتومبیل تقویت کرد. در معاملات روز گذشته، قیمت ماشین‌های داخلی بین ۵ تا ۱۶۰ میلیون تومان افزایش یافت و قیمت اتومبیل‌های مونتاژی از ۵ تا ۸۰۰ میلیون تومان متغیر بود.

فعالان بازار اتومبیل گزارش داده‌اند که اخبار مربوط به کاهش سهمیه سوخت و افزایش نرخ سوم بنزین از پنج به ۱۰ هزار تومان نیز بر بازار اتومبیل‌های دوگانه‌سوز تأثیر گذاشته و تقاضا برای ایندسته از اتومبیل‌ها را تحت تأثیر قرار داده است.

در بازار اتومبیل‌های داخلی، «تارا اتوماتیک» با افزایش ۱۶۰ میلیون تومانی به ۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان رسید. همچنین «سورن پلاس» دوگانه‌سوز با رشد ۳۰ میلیون تومانی در سطح ۲ میلیارد و ۳۸۰ میلیون تومان معامله شد. افزایش قیمت‌ها در بازار اتومبیل در حالیست که در آنسو

تنگه هرمز؛ زمان دیگر به سود جمهوری اسلامی نیست



یک نفتکش آماده بارگیری نفت خام در یک ترمینال نفتی فراساحلی عراق در خلیج فارس / عکس: وال استریت ژورنال

درآمد خانوارها نگرانی حکومت ایران از ناآرامی‌های داخلی را افزایش داده است.

مقامات آمریکایی، اسرائیلی و منطقه‌ای امیدوارند این فشارها بتوانند با ایجاد اعتراضات داخلی، شکاف در میان بقایای جمهوری اسلامی را عمیق‌تر و کنترل حکومت را ضعیف‌تر نماید.

جمهوری اسلامی همچنان خواستار رفع تحریم‌ها، دسترسی به دارایی‌های مسدودشده و به رسمیت شناختن نقش امنیتی خود در تنگه هرمز است و هیچ نشانه‌ای از کنار گذاشتن این خواسته‌ها دیده نمی‌شود. منابع منطقه‌ای می‌گویند فرمول جدیدی برای حل بن‌بست میان میانجی‌ها و جمهوری اسلامی در حال بررسی است که گمان نمی‌رود شرایط بهتری از «تفاهم‌نامه اسلام‌آباد» ارائه دهد؛ تفاهم‌نامه‌ای که آمریکا بر اساس آن تحریم‌های نفتی و محاصره دریایی را لغو کرد اما جمهوری اسلامی با شلیک دوباره به کشتی‌ها باعث شد دونالد ترامپ اصلا از آن خارج شود.

ضعیف شدن اهرم تنگه هرمز برای جمهوری اسلامی در حالی به سرعت پیش می‌رود که کریس رایت وزیر انرژی آمریکا اعلام کرد، جریان انتقال نفت از خلیج فارس در حال حاضر به بیش از دو سوم سطح پیش از درگیری‌ها با جمهوری اسلامی رسیده است. وزیر انرژی آمریکا همچنین افزود: «برای تضمین ادامه انتقال نفت انتظار دارد یا حکومت ایران تغییر کند یا سیاست‌های این حکومت!»

با این حال، هر روز که فشارهای ایالات متحده حلقه محاصره را تنگ‌تر می‌کند، تهدیدهای رسانه‌ای بقایای جمهوری اسلامی بیشتر می‌شود. هدف قرار داده شدن سه نفتکش سایه از سوی ایالات متحده نشان می‌دهد که در جنگ نفتکش مقابل نفتکش، کنترل تنگه هرمز از دست جمهوری اسلامی خارج شده است.

طبق داده‌های این شرکت با گذشت زمان مسیرهای جایگزین شکل گرفته‌اند. در چهار هفته‌ی گذشته بطور متوسط حدود ۵ میلیون بشکه در روز از تنگه هرمز خارج شده و حدود ۲.۵ میلیون بشکه دیگر از بنادر خارج از این آبراه مانند فیجیره در امارات (معادل ۴۰ درصد سطح صادرات پیش از جنگ) صادر شده است. در مقابل، صادرات نفت از بنادر ایران از مسیر دریایی از ماه ژوئیه تقریباً متوقف گشته و وضعیت اقتصاد داخلی رژیم تهران بدتر شده است. یک مقام ارشد خلیج فارس به وال‌استریت ژورنال گفته است: «زمان به نفع هیچ‌کدام نیست اما، چون جمهوری اسلامی زیر فشار اقتصادی عظیمی قرار دارد، ساعت برایش بسیار سریع می‌گذرد.» درواقع، محاسبات رژیم ایران که با بستن تنگه هرمز و به گروگان گرفتن ۲۰ درصد عرضه نفت جهان می‌تواند بحران اقتصادی جهانی ایجاد کند تا ترامپ را تسلیم خواسته‌های خود کند، یک خطای استراتژیک بود. در حال حاضر، بازارهای انرژی تطبیق یافته‌اند و عرضه جایگزین سوخت ادامه دارد. جمهوری اسلامی انتظار داشت اختلال در تنگه هرمز، اقتصاد جهان را چنان متزلزل کند که واشنگتن را به تسلیم خواسته‌هایش در میز مذاکره وادار نماید اما به این هدف نرسید.

فشار اقتصادی آمریکا که وزیر خزانه‌داری اسکات بسنت آن را «ضربه یک-دو» از طریق محاصره بعلاوه «سخت‌ترین تحریم‌های تاریخ» توصیف کرده، درآمدهای دولتی ایران را کاهش داده، دسترسی به ارز خارجی را محدود کرده و اقتصاد را تحت فشار قرار داده است.

بسنت گفته است که این استراتژی «در ایران کار خواهد کرد و ما این رژیم را به فروپاشی می‌رسانیم». گزارش‌های مختلف تأیید می‌کنند که رژیم تهران با یکی از سخت‌ترین فشارهای اقتصادی تاریخ جمهوری اسلامی روبروست؛ کمبود واردات کلیدی مانند سوخت، تورم فزاینده و فشار بر

● طبق گزارش وال‌استریت ژورنال، محاصره دریایی جمهوری اسلامی توسط آمریکا از ژوئیه ۲۰۲۶ مانع صادرات نفت ایران شده است. در همین حال، با وجود حملات پهپادی و موشکی سپاه پاسداران به کشورهای حاشیه خلیج فارس، آمریکا توانسته به آنها کمک کند تا حجم قابل توجهی از نفت خام خود را از تنگه هرمز عبور دهند و به این ترتیب قیمت جهانی نفت را از سطوح بحرانی دور نگه دارند.

● درواقع، محاسبات رژیم ایران که با بستن تنگه هرمز و به گروگان گرفتن ۲۰ درصد عرضه نفت جهان می‌تواند بحران اقتصادی جهانی ایجاد کند تا ترامپ را تسلیم خواسته‌های خود کند، یک خطای استراتژیک بود.

● با اینهمه هر روز که فشارهای ایالات متحده حلقه محاصره را تنگ‌تر می‌کند، تهدیدهای رسانه‌ای بقایای جمهوری اسلامی بیشتر می‌شود. هدف قرار داده شدن سه نفتکش سایه از سوی ایالات متحده نشان می‌دهد که در جنگ نفتکش مقابل نفتکش، کنترل تنگه هرمز از دست جمهوری اسلامی خارج شده است.

کشمکش‌ها در تنگه هرمز در حالی به زیان جمهوری اسلامی تغییر می‌کند که این اهرم نیز شش ماه پس از آغاز جنگ ۴۰ روزه در عمل از دست رفته است.

شش‌ماه پس از آغاز درگیری ایالات متحده و جمهوری اسلامی که به نگرانی بازارهای جهانی انجامید و خلیج فارس را تا آستانه‌ی جنگی گسترده‌تر پیش برد، کشمکش‌ها در تنگه‌ی هرمز کاملاً به زیان حکومت ایران در حال تغییر است.

محاصره دریایی آمریکا و تحریم‌های اقتصادی شدیدتر، صادرات نفت ایران را تقریباً قطع کرده و فشار اقتصادی کم‌سابقه‌ای بر جمهوری اسلامی وارد آورده است. آنهم در حالی که تلاش رژیم تهران برای ناامن‌سازی تنگه هرمز نتوانسته شوک اقتصادی جهانی مورد انتظارش را ایجاد نماید.

تنگه‌ی هرمز که حدود یک‌پنجم نفت و گاز طبیعی مایع جهان از آن عبور می‌کند، به میدان اصلی این تقابل تبدیل شده است. جمهوری اسلامی در ابتدا انتظار داشت زمان به سود آن عمل کند و با هدف ایجاد ناامنی به وسیله‌ی بستن تنگه هرمز، به حمله و اختلال در این آبراه بین‌المللی پرداخت. این اقدام اما از جمله با محاصره بنادر ایران توسط آمریکا و به راه انداختن مسیر جنوبی در قلمرو عمان، به گونه‌ای پیش رفت که این اهرم اکنون برخلاف محاسبات جمهوری اسلامی، علیه خودش فعال شده است.

طبق گزارش وال‌استریت ژورنال، محاصره دریایی جمهوری اسلامی توسط آمریکا از ژوئیه ۲۰۲۶ مانع صادرات نفت ایران شده است. در همین حال، با وجود حملات پهپادی و موشکی سپاه پاسداران به کشورهای حاشیه خلیج فارس، آمریکا توانسته به آنها کمک کند تا حجم قابل توجهی از نفت خام خود را از تنگه هرمز عبور دهند و به این ترتیب قیمت جهانی نفت را از سطوح بحرانی دور نگه دارند.

سمیر مدنی، یکی از بنیانگذاران «تانکرترکرز»، شرکت ردیابی تانکرها، می‌گوید: «با وجود ناامن کردن تنگه هرمز توسط جمهوری اسلامی، آنها نمی‌توانند همه راه‌ها را ببندند و محاصره دریایی از سوی آمریکا نشت بسیار کمی دارد».

افزایش فعالیت‌های ساختمانی در کوه «کلنگ گزلا» و تهدید واشنگتن



تصویر ماهواره‌ای از کوه کلنگ گزلا

دفاعی و فرماندهی استراتژیک آمریکا است در ۱۶ تا ۱۸ فوریه سال ۲۰۲۶ آغاز شد؛ اقدامی که با نیاز به شبیه‌سازی ضربه به اهداف بسیار عمیق در ایران مرتبط دانسته شده است. طرح حمله به کوه کلنگ شامل استفاده از برخی بزرگترین مپ‌های زرادخانه تسلیحاتی آمریکا می‌شود.

رژیم ایران اما همواره وجود فعالیت‌های هسته‌ای را در کوه کلنگ رد کرده و هر حمله به این تأسیسات را مترادف با گسترش جنگ منطقه‌ای دانسته است. در عین حال، بقایای جمهوری اسلامی این مجموعه را از مستحکم‌ترین تأسیسات جهان توصیف کرده‌اند.

بعضی از تحلیلگران می‌گویند، حتی اگر ورودی‌ها و خطوط برق یا تپه‌ها هدف قرار گیرند، تخریب کامل سالن‌های داخلی زیر کوه گرانتیت دشوار است. ادامه‌ی فعالیت‌های ساختمانی در این محل همزمان با شرایط جنگی نشان می‌دهد رژیم تهران همچنان می‌کوشد برنامه‌ی هسته‌ای خود را پیش برده و تأسیسات آن را مستحکم کند تا در برابر حملات هوایی مقاوم‌تر باشند.

وضعیت جدید کوه کلنگ گزلا تصویری از نوعی ابهامات نظامی و اطلاعاتی ارائه می‌دهد؛ سایتی که هنوز از فعالیت‌های درونی آن اطلاعات دقیقی در دسترس نیست اما اطلاعات موجود نشان می‌دهد استحکامات آن به سرعت در حال ساخت هستند. تهدیدی که رئیس‌جمهور آمریکا با صراحت از حمله به آن سخن می‌گوید با سلاح‌های متعارفی که ممکن است برای نابودی عمق این تأسیسات کافی نباشد.

با این حال، نتیجه‌ی حمله‌ی احتمالی، چه موفق و چه ناقص، می‌تواند مسیر جنگ و آینده‌ی برنامه‌ی هسته‌ای یا حتی بقای خود جمهوری اسلامی را تغییر دهد. وضعیت کنونی، کوه کلنگ را به یکی از حساس‌ترین نقاط رویارویی آمریکا و رژیم اسلامی در ایران تبدیل کرده است.

هر زمان دیگری در تاریخ این سایت بوده است. عملیات مشاهده‌شده شامل بالا بردن و مستحکم ساختن ورودی تونل‌ها، آسفالت شبکه‌ی جاده‌ای داخلی، تقویت اطراف مناطق دسترسی، تسطیح و جابجایی خاک حاصل از حفاری تونل‌ها است.

ورودی‌های شرقی تا حدی با خاک پر شده‌اند تا دسترسی زمینی محدود شود ولی ورودی‌های غربی در تصاویر دو ماه پیش (ژوئیه) هنوز باز بوده‌اند و پیرامون تأسیسات بعد از حملات اسرائیل در ژوئن سال پیش دیوارهای امنیتی کشیده شده است.

دونالد ترامپ هفته‌ی گذشته در جمع خبرنگاران اعلام کرد: «ممکن است خیلی زود به کوه کلنگ ضربه بزنیم». وی افزود: «می‌دانیم چه کسانی در آنجا در حال حرکت هستند». این تهدید تکرار مواضع او از ماه ژوئیه است که گفته بود آمریکا این منطقه را «به زودی و بسیار سنگین» هدف قرار خواهد داد.

مجموعه‌ی کوه کلنگ در جنگ ۱۲ روزه‌ی سال گذشته و دور جدید درگیری‌های اخیر مورد هدف مستقیم قرار نگرفته است؛ برخلاف نطنز، فردو و اصفهان که با مپ‌های سنگر شکن نابود شدند و یا به شدت آسیب دیده‌اند.

بنا بر اظهارات منابع مطلع، سی‌ان‌ان تأیید کرده که برنامه‌های عملیاتی برای حمله به این مجتمع وجود دارد اما الگوی حمله با توجه به مهمات لازم برای نابودکردن این تأسیسات مشخص نیست. همزمان، نشانه‌هایی از آمادگی فنی آمریکا دیده می‌شود. این منابع همچنین گفته‌اند پیش از عملیات «خشم حماسی» علیه جمهوری اسلامی، یک قرارداد اضطراری ۱.۲ میلیون دلاری برای تعمیر تأسیسات آزمایش زیرزمینی در «وایت سندز» نیومکزیکو امضاء شد.

حفاری در این محل که متعلق به آژانس کاهش تهدید

● بر اساس گزارشی که خبرگزاری سی‌ان‌ان از مرکز مطالعات استراتژیک بین‌المللی دریافت کرده، این تأسیسات دست‌کم صد متر زیر یک کوه گرانتیت حفر شده و جمهوری اسلامی از پائیز ۲۰۲۰ و پس از انفجار کارگاه مونتاز سانتریفیوژهای پیشرفته در نطنز، ساخت تونل‌های زیرزمینی را در آنجا آغاز کرد و آن را به عنوان محل آینده‌ی مونتاز سانتریفیوژ به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی معرفی کرد.

● تحلیلگران غربی این مجموعه را پناهگاهی احتمالی برای برنامه‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی می‌دانند و مرکز مطالعات استراتژیک نیز همین ارزیابی را دارد. اطلاعات ارائه‌شده از سوی اسرائیل نیز نشان می‌دهد سانتریفیوژها و بخشی از ذخایر اورانیوم غنی‌شده به این محل منتقل شده است.

● بنا بر اظهارات منابع مطلع، سی‌ان‌ان تأیید کرده که برنامه‌های عملیاتی برای حمله به این مجتمع وجود دارد اما الگوی حمله با توجه به مهمات لازم برای نابودکردن این تأسیسات مشخص نیست. همزمان، نشانه‌هایی از آمادگی فنی آمریکا دیده می‌شود.

همزمان با تداوم جنگ و «افزایش آشکار فعالیت‌های ساختمانی» در تأسیسات کوه «کلنگ گزلا»، رئیس‌جمهور آمریکا تهدید به حمله نظامی علیه این مجموعه کرد.

تحلیل‌های تازه‌ی تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد فعالیت‌های ساختمانی در تأسیسات مشکوک هسته‌ای جمهوری اسلامی در کوه کلنگ گزلا، معروف به «کوه کلنگ» بطور چشمگیری افزایش یافته است. همزمان با تداوم جنگ با رژیم ایران، در روزهای اخیر رئیس‌جمهور آمریکا تهدید کرد که به این مجموعه حمله نظامی خواهد کرد. مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS) با استناد به بررسی شش سال تصاویر ماهواره‌ای اعلام کرده که آخرین وضعیت این تأسیسات حاکی از «افزایش آشکار فعالیت‌های ساختمانی» در سال جاری است.

بر اساس گزارشی که خبرگزاری سی‌ان‌ان از مرکز مطالعات استراتژیک بین‌المللی دریافت کرده، این تأسیسات که در فاصله‌ی حدود دو کیلومتری جنوب مجتمع غنی‌سازی نطنز در استان اصفهان و ۲۲۰ کیلومتری جنوب تهران قرار دارد، دست‌کم صد متر زیر یک کوه گرانتیت حفر شده است. جمهوری اسلامی از پائیز ۲۰۲۰ و پس از انفجار کارگاه مونتاز سانتریفیوژهای پیشرفته در نطنز، ساخت تونل‌های زیرزمینی را در آنجا آغاز کرد و آن را به عنوان محل آینده‌ی مونتاز سانتریفیوژ به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی معرفی کرد.

تحلیلگران غربی این مجموعه را پناهگاهی احتمالی برای برنامه‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی می‌دانند و مرکز مطالعات استراتژیک نیز همین ارزیابی را دارد. اطلاعات ارائه‌شده از سوی اسرائیل نیز نشان می‌دهد سانتریفیوژها و بخشی از ذخایر اورانیوم غنی‌شده به این محل منتقل شده است. با این حال، گزارش سی‌ان‌ان می‌افزاید که تحلیل‌های ماهواره‌ای را که بر اساس احتمالات مطرح می‌شوند نمی‌توان تأیید و یا تکذیب کرد.

طبق این گزارش، الگوی کار در سال ۲۰۲۶ از حفاری فعال به سمت ساخت و ساز داخلی و تقویت مستمر بخش‌های بیرونی تغییر کرده است. فعالیت جاده‌ای نیز بیش از

گزارش نیویورک پست؛ خواهران دوقلوی اصفهانی در زندان مرگ جمهوری اسلامی



خواهران رحیمی / از چپ: ترانه محکوم به اعدام و رومینا محکوم به ۲۵ سال زندان

شکایت‌هایی درباره‌ی شکنجه و تهدید به تجاوز جنسی ثبت شده اما در دادگاه‌های اسلامی اصفهان مورد اعتناء واقع نشده است.

مسعود نورمحمدی این احکام را ابزاری برای ایجاد ترس اجتماعی توصیف کرده و می‌گوید: «آنها می‌خواهند در مردم ترس ایجاد کنند و بگویند مهم نیست چقدر بی‌گناه باشید، ما می‌توانیم تو را بگیریم که دیگر برای اعتراض به خیابان نیابید.» او ترانه را دختری مهربان، علاقمند به سوارکاری و حیوانات و رومینا را نماینده نسل جسور و بی‌باک Z خوانده است.

وکلاي این دو خواهر محکوم‌شده به اعدام و زندان، اخیرا پس از صدور حکم اجازیه مطالعه‌ی پرونده را پیدا کرده‌اند و در حال فرجام‌خواهی هستند. خانواده‌ی آنها نگران است که مهلت قانونی ۱۸ روزه رعایت نشود؛ زیرا در پرونده‌های اعدام بعد از خیزش دی‌ماه و تصویب لایحه‌ی مربوط به آن توسط نمایندگان جمهوری اسلامی در مجلس شورای اسلامی، گاهی حکم صادر و اجرا شده بدون آنکه فرصت تجدید نظر واقعی اعمال گردد.

پرونده‌ی خواهران رحیمی یکی از ده‌ها مواردیست که رسانه‌های خارجی به آن پرداخته‌اند و نشان می‌دهد استفاده از سرکوب با اتهاماتی مانند محاربه یا بغی و اعدام جوانان معترض، تنها ابزار بقایای جمهوری اسلامی برای استمرار خود است.

اعتراضات میلیونی ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه ۴۰۴ در سراسر ایران، با قطع اینترنت و سرکوب گسترده با سلاح‌های سبک و نیمه‌سنگین جنگی همراه شد. گزارش‌ها در حالی از کشته‌شدن ده‌ها هزار نفر در این اعتراضات روایت کرده‌اند که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در یکی از آخرین اظهارات خود درباره کشتار خیابانی شهروندان در آن دو روز، آن را بالغ بر یکصد هزار نفر برشمرد.

خانواده گفته هیچ مدرکی علیه این دو خواهر وجود ندارد. خانواده‌ی این دو خواهر ۲۰ ساله جزئیات هولناک شکنجه‌های چهارماهه را روایت کرده‌اند. مادر ۴۳ ساله‌ی آنها مرضیه نورمحمدی گفته است بعد از اولین ملاقات دخترانش را نشناخته است. چهره‌ها ورم‌کرده، بدن پر از کبودی، آرنج، بند انگشت و پاها شکسته و موها تقریباً کنده شده بود؛ چون بازجوها آنها را برای انتقال از سلولی به سلول دیگر با مو روی زمین کشیده بودند. این دو خواهر مدت زیادی در انفرادی نگه داشته شدند.

خانواده‌ی این دو زندانی شرایط نگهداری آنها را در حال حاضر وحشتناک توصیف کرده است؛ محرومیت از آب کافی و درمان پزشکی به عنوان حقوق ابتدایی یک زندانی از شکنجه‌های روزانه و عامدانه توسط جمهوری اسلامی در زندان‌ها علیه زندانیان سیاسی به کار گرفته می‌شود. ترانه پیش از بازداشت، عمل جراحی پا انجام داده و پیچ و پلاک در پایش داشته است. پسردهانی آنها، مسعود نورمحمدی که در آمریکا زندگی می‌کند، گفته است وضعیت پای ترانه در زندان به شدت بدتر شده و دیگر قادر به راه رفتن نیست. پزشک زندان دستور انتقال فوری او را به بیمارستان داده اما مسئولان زندان مانع شده و به وی گفته بودند «چه پایت سالم چه علیل، اعدام خواهی شد».

یکی از نقاط مهم این پرونده، تهدید به تجاوز است. به گفته‌ی مسعود نورمحمدی، بازجوها به ترانه گفته‌اند اگر کاغذ را امضاء نکند و حرف‌های مورد نظر آنها را نزنند، به خواهرش جلوی چشم او تجاوز می‌کنند. در کنار این تهدید، بازجوها هنگام شکنجه‌ی رومینا، ترانه را در معرض فریادهای او نیز قرار داده‌اند.

خانواده می‌گوید، هر کسی در چنین شرایطی در هم می‌شکند و انگهی این دو دختر تنها نوزده سال سن دارند.

● بر اساس گزارشی که نیویورک پست منتشر کرده، ترانه و رومینا رحیمی که هنگام اعتراضات هنوز دانش‌آموز دبیرستان و نوزده‌ساله بودند، حدود یک هفته پس از اوج درگیری‌ها در هجدهم و نوزدهم دی‌ماه در اصفهان بازداشت شدند. نیروهای نقابدار ابتدا به محل اقامت ترانه یورش بردند، دست و پایش را بستند و او را بردند. رومینا نیز کمی بعد در خانه با وضعیتی مشابه دستگیر شد.

● مادر ۴۳ ساله‌ی آنها مرضیه نورمحمدی گفته است بعد از اولین ملاقات دخترانش را نشناخته است. چهره‌ها ورم‌کرده، بدن پر از کبودی، آرنج، بند انگشت و پاها شکسته و موها تقریباً کنده شده بود؛ چون بازجوها آنها را برای انتقال از سلولی به سلول دیگر با مو روی زمین کشیده بودند. این دو خواهر مدت زیادی در انفرادی نگه داشته شدند.

● یکی از نقاط مهم این پرونده، تهدید به تجاوز است. به گفته‌ی مسعود نورمحمدی، پسردهانی این دو خواهر که در آمریکا زندگی می‌کند، بازجوها به ترانه گفته‌اند اگر کاغذ را امضاء نکند و حرف‌های مورد نظر آنها را نزنند، به خواهرش جلوی چشم او تجاوز می‌کنند. در کنار این تهدید، بازجوها هنگام شکنجه‌ی رومینا، ترانه را در معرض فریادهای او نیز قرار داده‌اند.

ترانه و رومینا رحیمی پس از ماه‌ها بازداشت و شکنجه به اتهام شرکت در اعتراضات سراسری دی‌ماه ۴۰۴ با احکام سنگین روبرو شده‌اند: اعدام و ۲۵ سال زندان!

ترانه و رومینا رحیمی، خواهران دوقلوی دستگیرشده در اصفهان که امسال در زندان ۲۰ ساله شدند، پس از ماه‌ها بازداشت و شکنجه به اتهام شرکت در اعتراضات سراسری دی‌ماه ۴۰۴ با احکام سنگین روبرو شده‌اند. ترانه به اعدام و رومینا به ۲۵ سال زندان محکوم شده. خانواده‌ی آنها می‌گوید که از ترانه تحت تهدید تجاوز جنسی در مقابل خواهرش اعتراف اجباری گرفته شده است.

بر اساس گزارشی که نیویورک پست منتشر کرده، این دو خواهر که هنگام اعتراضات هنوز دانش‌آموز دبیرستان و نوزده‌ساله بودند، حدود یک هفته پس از اوج درگیری‌ها در هجدهم و نوزدهم دی‌ماه در اصفهان بازداشت شدند. نیروهای نقابدار ابتدا به محل اقامت ترانه یورش بردند، دست و پایش را بستند و او را بردند. رومینا نیز کمی بعد در خانه با وضعیتی مشابه دستگیر شد. خانواده‌ی این دو زندانی می‌گوید برای فشار و شکنجه‌ی بیشتر از نزدیکی عاطفی دوقلوها استفاده شده است.

در این گزارش آمده، پرونده‌ی رومینا و ترانه رحیمی بخشی از محاکمه‌ی ۱۶ شهروند در اصفهان است که به تظاهرات در همین شهر مربوط می‌شود؛ تظاهراتی که در آن دو نفر از جمله یک فرمانده‌ی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کشته شدند. اتهامات دوقلوهای اصفهانی شامل محاربه (جنگ با خدا)، معاونت در محاربه، تخریب اموال عمومی در حد محاربه، اجتماع، تبانی و تبلیغ علیه جمهوری اسلامی است.

دادستان‌های جمهوری اسلامی، ساخت کوکتل مولوتف در نزدیکی میدان «شهدا» و حمله به نیروهای امنیتی را مطرح کرده‌اند اما اتهام قتل مطرح نشده است. وکیل پرونده به

ساندی تایمز: دو پنت‌هاوس لوکس مجتبی خامنه‌ای در لندن به فروش گذاشته شد



عکس: ساندی تایمز

و نه خامنه‌ای توسط کارکنان ساختمان کنزینگتون دیده نشده‌اند. گفته می‌شود ارتباط میان خانواده‌های این دو فرد به سال‌ها پیش بازمی‌گردد.

روزنامه «ساندی تایمز» قبلاً فاش کرده بود که علی انصاری بی‌سر و صدا مجموعه‌ای از املاک را به ارزش بیش از ۱۴۰ میلیون پوند در مناطق اعیان‌نشین لندن گرد آورده است. این املاک شامل ۱۲ ملک به ارزش مجموعاً ۷۳ میلیون پوند در خیابان The Bishops Avenue و اطراف آن در «همپستد» واقع در شمال لندن می‌شوند که توسط شرکت پوششی «بیچ ونچرز» در «جزیره من» خریداری شده‌اند؛ شرکتی که علی انصاری به عنوان تنها ذینفع آن معرفی شده است. او همچنین مالک عمارتی به ارزش ۳۳/۷ میلیون پوند در همان خیابان است که در اداره ثبت املاک به نام شخصی خودش ثبت شده است. به نظر نمی‌رسد این املاک برای فروش گذاشته شده باشند.

علی انصاری در منطقه‌ای حفاظت‌شده و دارای ورودی کنترل‌شده در دبی زندگی می‌کند که از آن به عنوان نسخه اماراتی «بورلی هیلز» یاد می‌شود.

او دارای پاسپورت جمهوری اسلامی ایران، قبرس و سنت‌کیتس و نویس در منطقه کارائیب است.

تلاش او برای خرید املاک در بریتانیا پس از راه‌اندازی بانک خانوادگی‌اش، «بانک آینده»، در ایران در سال ۲۰۱۲ آغاز شد. این بانک پس از ارائه برخی از بالاترین نرخ‌های سود در بازار و جذب سپرده‌های هنگفت، سرانجام با بدهی‌ها و زیان‌های فزاینده مواجه شد.

آمریکا علی انصاری و سه صرافی را تحریم کرده است تا شبکه مالی مجتبی خامنه‌ای را فلج کند. بر اساس گزارش وزارت خزانه‌داری آمریکا، انصاری از موقعیت خود «برای اعطای بیش از حد وام و اختلاس میلیاردها دلار از مردم ایران» سوء استفاده کرده است.

آنها انجام شده است. یکی از آپارتمان‌ها، بطور مشترک توسط آژانس «نایت فرانک» و «ساتییز» که شرکت حراجی و دارای بخش معاملات املاک است، برای فروش عرضه شده است.

در بروشور «نایت فرانک» این ملک «یک پنت‌هاوس دوبلکس فوق‌العاده با اقامتگاه کارکنان و چشم‌اندازهای عالی از باغ‌های کنزینگتون، در یکی از معتبرترین نشانی‌های لندن» توصیف شده است.

این ملک همچنین در نزدیکی سفارت اسرائیل قرار دارد که توسط مأموران مسلح پلیس اسکاتلند یارد محافظت می‌شود. بر اساس سوابق اداره ثبت املاک بریتانیا، علی انصاری این آپارتمان پنج‌خوابه را در سال ۲۰۱۶ به قیمت ۱۹ میلیون پوند خرید. اما اکنون این ملک با قیمتی کمتر از ۱۲ میلیون پوند برای فروش عرضه شده است.

تنها نشانه‌ای که به مالکیت جنجالی این ملک اشاره دارد، یادداشتی در بروشور «نایت فرانک» است که نوشته: «از آنجا که این ملک تحت مدیریت قانونی قرار دارد، ما تمام اطلاعات اساسی مربوط به ملک را در اختیار نداریم؛ بنابراین باید اطمینان حاصل کنید که تمام پرس و جوهای لازم را انجام داده‌اید.»

پنت‌هاوس دوم که برای فروش عرضه شده، طبقات هفتم و هشتم همان ساختمان را دربرمی‌گیرد. انصاری آن را در سال ۲۰۱۴ به قیمت ۱۶.۷۵ میلیون پوند خرید.

اسناد اداره ثبت املاک نشان می‌دهند که «تنتو»، یک شرکت بین‌المللی مشاوره مالی، اکنون به عنوان امین و مدیر برای اداره و فروش این ملک منصوب شده است.

با این حال، به نظر نمی‌رسد این آپارتمان در فهرست عمومی فروش قرار گرفته باشد و بنابراین قیمت درخواستی آن مشخص نیست.

از زمانی که این دو آپارتمان خریداری شده‌اند، نه انصاری

● روزنامه بریتانیایی «ساندی تایمز» در گزارشی که ۱۳ شهریور ۱۴۰۵ منتشر شد، نوشت که دو آپارتمان لوکس چندین میلیون پوندی منتسب به مجتبی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی که در نزدیکی «کاخ کنزینگتون» بریتانیا واقع شده، برای فروش گذاشته شدند.

● به نوشته این روزنامه، مکان این املاک که در نزدیکی اقامتگاه رسمی شاهزاده و شاهدخت ولز در لندن قرار دارند، نشان‌دهنده میزان نفوذ پنهانی حکومت ایران در محافل نخبگان بریتانیا است.

روزنامه بریتانیایی «ساندی تایمز» در گزارشی که ۱۳ شهریور ۱۴۰۵ منتشر شد، نوشت که دو آپارتمان لوکس چندین میلیون پوندی منتسب به مجتبی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی که در نزدیکی «کاخ کنزینگتون» بریتانیا واقع شده، برای فروش گذاشته شدند.

به نوشته این روزنامه، مکان این املاک که در نزدیکی اقامتگاه رسمی شاهزاده و شاهدخت ولز در لندن قرار دارند، نشان‌دهنده میزان نفوذ پنهانی حکومت ایران در محافل نخبگان بریتانیا است.

پیش از این گزارش‌های زیادی درباره رابطه علی انصاری مدیر بانک منحل شده «آینده» با مجتبی خامنه‌ای و دارایی‌های او منتشر شده بود. او در قرارداد به عنوان مالک ثبت‌شده آپارتمان‌های کنزینگتون است. انصاری از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته. این وزارتخانه او را «تأمین‌کننده مالی کلیدی» برای رهبر جمهوری اسلامی توصیف کرده است.

وزارت خزانه‌داری آمریکا مدعی شده که انصاری «شبکه‌ای گسترده از دارایی‌ها در سراسر جهان را مدیریت می‌کند که به نفع رهبر [رژیم] ایران، مجتبی خامنه‌ای، و دیگر مهره‌های حکومت است». آمریکا او را متهم کرده که «میلیاردها دلار از مردم ایران اختلاس کرده»، هرچند انصاری این اتهامات را رد کرده است.

به گزارش «ساندی تایمز»، این آپارتمان‌ها در ساختمانی مدرن در غرب لندن قرار دارند و هر کدام دارای محل اقامت جداگانه برای کارکنان و ترانس خصوصی روی پشت‌بام هستند.

این دو ملک در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۶ و در مجموع به ارزش نزدیک به ۳۶ میلیون پوند توسط انصاری خریداری شدند. او همچنین مالک مجموعه‌ای از عمارت‌ها در خیابانی در «همپستد» است که به «ردیف میلیاردرها» معروف است.

علی انصاری که در دبی زندگی می‌کند، به اتهام حمایت مالی از سپاه پاسداران تحریم و از سفر به بریتانیا منع شده است و تمامی دارایی‌هایش در این کشور مسدود شده‌اند. با این حال، گفته می‌شود دولت بریتانیا اخیراً اجازه داده است این دو آپارتمان در کنزینگتون برای فروش عرضه شوند، زیرا انصاری اقساط وام‌های خود را پرداخت نکرده و وام‌دهندگان خصوصی از این موضوع استفاده کرده‌اند. انتظار می‌رود هرگونه «سود» باقیمانده از فروش آپارتمان‌ها تا زمانی که انصاری تحت تحریم است، توسط دولت مسدود شود.

«ساندی تایمز» می‌نویسد، از قرار معلوم علاقه قابل توجهی به این املاک وجود دارد و تا کنون چندین بازدید از

بازگشت به ارزش‌های تمدنی، کابوس ایدئولوژی‌های شکست خورده



عامل ویرانی بوده‌اند.

یک پاسخ از هم‌اکنون وجود دارد؛ بازگشت به حاکمیت قانون و روند توسعه، همراه با نهادینه‌کردن سیستم‌محوری در چارچوب ارزش‌های غربی؛ گفتمانی که شاهزاده رضا پهلوی سال‌هاست تنها ساکنان آن برای نجات ایران است. در انقلاب شیروخورشید دی‌ماه، میلیون‌ها ایرانی برای همین ارزش‌های تمدنی، نام شاهزاده رضا پهلوی را در خیابان‌ها فریاد کشیدند؛ شعاری را سر دادند که به ترجیح‌بند خواست مردم در خیابان‌ها تبدیل شده است: «این آخرین نبرده، پهلوی برمی‌گردد».

در تازه‌ترین آمار، رئیس‌جمهور ترامپ رسماً به رقم بیش از صد هزار کشته اشاره کرده است. در خارج از کشور، در روز جهانی اقدام، بیش از یک میلیون نفر از ایرانیان خارج از کشور، که شمارشان تقریباً هشت میلیون نفر است، به فراخوان شاهزاده پاسخ دادند و در مونیخ، تورنتو، لس‌آنجلس و جاهای دیگر گرد آمدند.

این جمعیت‌ها با هر معیاری فوق‌العاده بودند و تا امروز، در شهرهای متعدد کشورهای غربی، این گردهمایی‌ها در حمایت از انقلاب شیروخورشید و شاهزاده رضا پهلوی ادامه داشته است. این تجمع‌ها سهم بزرگی از کل جمعیت ایرانیان خارج از کشور را نمایندگی می‌کنند. سیاستمداران کشورهای میزبان هرگز چنین جمعیتی را به خیابان نیاورده‌اند. تظاهرات مونیخ بزرگ‌ترین گردهمایی سیاسی اروپا از زمان جنگ جهانی دوم و سقوط دیوار برلین بود.

این‌ها روایت نیستند؛ واقعیت‌های زنده‌ای هستند که نشان می‌دهند ایده‌ی گذار دموکراتیک از طریق صندوق رأی، هم در داخل ایران و هم در میان ایرانیان خارج از کشور مشروعیت دارد.

شاهزاده پهلوی از تعیین شکل نهایی دولت ←

فرد صابری - پیش از انقلاب ۱۹۷۹، ایران در دوره‌ی پهلوی شاهد روندی شتابان از تجدد و مدرنیزاسیون بود؛ روندی که از یک سو بر احیای میراث، هویت و تمدن ایرانی و از سوی دیگر بر الگوهای فرهنگ مدرن اروپایی و غربی تکیه داشت. این رویکرد با گسترش آموزش نوین و دانشگاه‌ها، توسعه‌ی اقتصادی و شهری، افزایش حقوق و حضور اجتماعی زنان، سکولاریزاسیون نهادهای دولتی و گسترش سبک زندگی مدرن و دموکراتیک همراه بود و ایران را در مسیر تبدیل‌شدن به دولتی مدرن و جامعه‌ای باز و متصل‌تر به جهان معاصر قرار داد.

هیچ ملت دیگری در خاورمیانه و شاید در جهان، در طول عمرش هم اسلام سیاسی و هم کمونیسم را بصورت تلفیقی تجربه نکرده و ندیده است که هر دو هم‌زمان یک کشور را ببلعند. آنچه از دور تقریباً مضحک به نظر می‌رسد این است که بخش بزرگی از جهان هنوز نسخه‌ی به‌روزرشده‌ی «ممدانی-السید» همان ایدئولوژی را می‌فروشد، در حالی که ایرانیان آن را پشت سر گذاشته‌اند.

آنها دیده‌اند که این دو نیروی ویرانگر، کشوری را که زمانی جزو ده اقتصاد بزرگ عصر خود بود، تهی کردند و ارزش واحد پول آن را به جایی رساندند که در هفته‌های اخیر تقریباً هر روز نیم درصد از ارزش خود را از دست داده است. بنابراین، سقوط رژیم نه فقط ممکن یا محتمل، بلکه قطعی است.

اکنون باید پرسید که پس از آن چه می‌شود، ایران به چه سمتی می‌رود و چه کسی سکان را به دست می‌گیرد؟ روشن‌ترین پاسخ این است: تجربه‌های شکست‌خورده، شامل ایدئولوژی‌های اسلامی و مارکسیسم، چه در ایران و چه در مناطق دیگر، جایی در حکمرانی مدرن امروز ندارند. در ایران پساجامه‌وری اسلامی نیز نمی‌توان دوباره به سراغ نسخه‌هایی رفت که با وعده‌های مجانی و قانون‌گریزی،

تجربه‌های شکست‌خورده، شامل ایدئولوژی‌های اسلامی و مارکسیسم، چه در ایران و چه در مناطق دیگر، جایی در حکمرانی مدرن امروز ندارند. در ایران پساجامه‌وری اسلامی نیز نمی‌توان دوباره به سراغ نسخه‌هایی رفت که با وعده‌های مجانی و قانون‌گریزی، عامل ویرانی بوده‌اند.

یک پاسخ از هم‌اکنون وجود دارد؛ بازگشت به حاکمیت قانون و روند توسعه، همراه با نهادینه‌کردن سیستم‌محوری در چارچوب ارزش‌های غربی؛ گفتمانی که شاهزاده رضا پهلوی سال‌هاست تنها ساکنان آن برای نجات ایران است.

این‌ها روایت نیستند؛ واقعیت‌های زنده‌ای هستند که نشان می‌دهند ایده‌ی گذار دموکراتیک از طریق صندوق رأی، هم در داخل ایران و هم در میان ایرانیان خارج از کشور مشروعیت دارد.

شاهزاده رضا پهلوی از تعیین شکل نهایی دولت خودداری کرده است. هیچ خارجی‌ای هم نباید این کار را بکند. پس از خون‌هایی که ایرانیان تاکنون داده‌اند، حق انتخاب نوع نظام سکولار-دموکراتیک فقط و فقط متعلق به خود آنهاست.

ایرانیان امروز به دنبال سلطان دیگری نیستند؛ نه روحانی و نه کمونیست. آنها سیاستمداری می‌خواهند که نماینده‌شان باشد و قدرت انتخاب را به آنها بدهد. این همان وعده‌ای است که رضا پهلوی چهل‌هفت سال است برای مشروطه‌خواهان و جمهوری‌خواهان تکرار کرده است.

وقتی آمریکا برای دموکراسی خود می‌جنگید، فرانسه پشت آن ایستاد. رئیس‌جمهور ترامپ اکنون فرصت تاریخی مشابهی دارد: حمایت از انقلاب مردمی که برخلاف تمام کشورهای خاورمیانه، خواسته‌ی آنها نه ایدئولوژی‌های مذهبی و مارکسیسم، بلکه بازگشت به تجربه‌ی ارزش‌های تمدنی‌ای است که شاهزاده رضا پهلوی آن را رهبری می‌کند.

منطق ماشه!



© کیهان لندن/کارتون از س. روزه

دشمنان مشترک ایران و اوکراین؛ گفتگو با آلینا برستنیوا، فعال مدنی اوکراینی ساکن لندن



خود بازگو کند. «کیهان لندن» در گفتگو با آلینا پرستنیوا موضوعات مشترک بین جامعه ایرانی و اوکراینی از جمله حمله عمدی جمهوری اسلامی به هواپیمای اوکراینی، پهباد شاهد و کمک نظامی حکومت به روسیه در جنگ علیه اوکراین، و حمایت رئیس جمهور زلنسکی از شاهزاده رضا پهلوی به عنوان آلترناتیو دوران گذار، و توجه او جنایات رژیم و کشتار خیابانی در دی ماه گذشته، را بررسی کرده است.

آلینا پرستنیوا فعال مدنی اوکراینی ساکن لندن به علت حضور در اکثر تجمعات اعتراضی انقلاب ملی شیروورشید، برای ایرانیان مقیم بریتانیا و گروه‌های پادشاهی‌خواه، چهره آشنایی است. تسلط او به زبان فارسی سبب ارتباطات گسترده او ایرانیان مبارز ساکن لندن شده است. او همواره تلاش کرده تا تفاوت تفکر و بینش آزادی‌خواهانه مردم ایران در برابر ماهیت جنگ‌طلبانه و خصمانه جمهوری اسلامی را در میان هموطنان اوکراینی

خودداری کرده است. هیچ خارجی‌ای هم نباید این کار را بکند. پس از خون‌هایی که ایرانیان تاکنون داده‌اند، حق انتخاب نوع نظام سکولار-دموکراتیک فقط و فقط متعلق به خود آنهاست.

دیدگاه دوم الگوی متفاوت اما آشنایی پیشنهاد می‌کند: «مدل مرد قوی». این اشتباهی بزرگ و نابخشودنی خواهد بود. وقتی مردمی از قبل گزینه جایگزین معتبری دارند و فعالانه از شخصیتی حمایت می‌کنند که وعده‌ی گذار از مسیر انتخابات را می‌دهد، کنار گذاشتن «جورج واشنگتن» مردم ایران و رفتن به سراغ جولانی یا هر اسلام‌گرای شیعه‌ی دیگری، واقع‌گرایی نیست؛ شکست‌نخبگان سیاسی است.

خود جولانی در کمتر از دو سال نشان داده است که چنین فردی حتی برای سوریه، کشوری که هرگز تجربه‌ی تاریخی ایران در پیگیری دموکراسی را نداشته، چقدر غیرقابل‌اعتماد و موقتی است. البته رژیم اسلامی همیشه از طریق مزدوران اجیرشده کوشیده است تبلیغات تعصب‌گرایانه و بنیادگرایانه‌ی خود را در خیابان‌های ایران، با سوزاندن پرچم آمریکا و اسرائیل یا اخیراً در تجمعات شبانه، به نمایش بگذارد.

هدف جمهوری اسلامی این است که به دنیا بگوید: «ایران عمداً از متعصبان و بنیادگرایان مذهبی تشکیل شده و فقط مدل مرد قوی برای کنترل آنها جواب می‌دهد» و سپس یکی از الیگارش‌های خودشان را بعنوان جایگزین ارائه می‌کند. این طرح نهایی رژیم برای ربودن تغییر رژیم است، تقریباً مثل عراق: سرنگونی‌ای که آمریکا انجام داد، اما حکومت آینده نصیب اسلام‌گرایان شد. آشنا به نظر می‌رسد، نه؟ دقیقاً همین اتفاق در افغانستان هم افتاد. آنچه باید درک کنیم این است که این جمعیت واقعی نیست و با سقوط خود رژیم از بین خواهد رفت. دقیقاً همین‌جا نکته‌ی اصلی نهفته است.

قانون مشروطه‌ی ایران کاری دقیق و همچنان مرتبط انجام داد: نماینده‌ی زمینی خدا را ذیل قانون آورد و او را به شاه مشروطه‌ای تبدیل کرد که نماینده‌ی مردم است. این‌گونه، یک کشور طاعون‌زده از قاجارها با سلاطین فاسد، به سلسله‌ی پهلوی با نخستین مجلس خود رسید و ایران برای ۵۷ سال از ویرانه‌ها برخاست.

ایرانیان امروز به دنبال سلطان دیگری نیستند؛ نه روحانی و نه کمونیست. آنها سیاستمداری می‌خواهند که نماینده‌شان باشد و قدرت انتخاب را به آنها بدهد. این همان وعده‌ای است که رضا پهلوی چهل‌وهفت سال است برای مشروطه‌خواهان و جمهوری‌خواهان تکرار کرده است.

گذار از یک دیکتاتوری مطلقه‌ی اسلامی-کمونیستی به دموکراسی فرانسوی یا سوئدی یک‌شبه رخ نمی‌دهد. ایران نخست به انضباط در دوره‌ی گذار نیاز دارد و تنها پس از آن به تحقق اراده‌ی مردم دست خواهد یافت. اگر این توالی نادیده گرفته شود، ایرانیان دوباره قیام خواهند کرد و منطقه هزینه‌ی یک تغییر رژیم دیگر را چندان دیر پس از سقوط جمهوری اسلامی خواهد پرداخت.

وقتی آمریکا برای دموکراسی خود می‌جنگید، فرانسه پشت آن ایستاد. رئیس‌جمهور ترامپ اکنون فرصت تاریخی مشابهی دارد: حمایت از انقلاب مردمی که برخلاف تمام کشورهای خاورمیانه، خواسته‌ی آنها نه ایدئولوژی‌های مذهبی و مارکسیسم، بلکه بازگشت به تجربه‌ی ارزش‌های تمدنی‌ای است که شاهزاده رضا پهلوی آن را رهبری می‌کند.

یک جامعه‌شناس ساکن ایران:

جامعه به شدت آبستن اعتراضات و تکرار دی‌ماه دیگريست



اما این فشار داخل جامعه وجود دارد و اتفاقا با توجه به اینکه جلوی عوامل ایجاد ناراضیاتی گرفته نمی‌شود، هرچه این فشار اعتراضی در جامعه دیرتر خالی شود، بزرگتر و انبوه‌تر می‌گردد.»

عضو هیئت علمی موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی ادعا کرده: «بخشی از حاکمیت واقعا می‌خواهد بطور زیرساختی، قواعد و رویه‌ها را اصلاح کند تا به یک بازسازی موفق برسد، اما بخشی دیگر، حتی با اینکه چند سالی کشور مانند شعب ابی‌طالب شود هم مشکلی ندارند و مدام مردم را دعوت به مقاومت می‌کنند.» وی ادامه داده: «خب، در شرایطی که مردم در تأمین دارو و معیشت خود دچار مشکلات فراوان هستند و هر روز فقیرتر می‌شوند، چطور می‌توانند مقاومت کنند؟»

او در ادامه افزوده: «نتایج یک پیمایش اخیر، نشان می‌دهد میل به مهاجرت در میان ایرانیان، حدود ۸ درصد کاهش یافته است. این بدین معنا نیست که مردم دوست دارند در ایران بمانند، بلکه حاکی از رسیدن مردم به اوج ناامیدی است. در حقیقت جامعه آنقدر مأیوس شده که دیگر امیدی به هیچ تغییری در زندگی‌اش ندارد و فقط می‌خواهد چند صباح باقیمانده از عمر خود را بگذراند.» این ادعا در حالیست که برخی تحلیلگران معتقدند اگر پس از دو جنگ اخیر و سرکوب خونین دی‌ماه، از ایران به راه نیفتاده اتفاقا به این دلیل است که مردم با توجه به شرایط کنونی و تضعیف شدید و همه‌جانبه‌ی رژیم، امید به تغییرات بنیادین با سقوط جمهوری اسلامی دارند و همین آنها را در کشور نگه داشته است.

جبار رحمانی همچنین گفته: «به نظر می‌رسد دولت همچنان در مرحله‌ای است که باید جامعه را از این وضعیت بحرانی معیشت خارج کند و جلوی بر هم ریختن جامعه را بگیرد. ما هنوز وارد بازسازی اجتماعی نشده‌ایم و همچنان همان تفکر کلیشه‌ای در بین مسئولین وجود دارد که «جنگ تمام شود، به بازسازی فکر می‌کنیم»، در حالی که بازسازی پساجنگ، از همان دوران جنگ آغاز می‌شود، اما دولت هنوز درگیر ضروریات اولیه است.»

بروز اعتراضات سراسری بزرگی مانند دی‌ماه ۱۴۰۴ را دارد. این جامعه‌شناس توضیح داده که جمهوری اسلامی با آغاز جنگ به دنبال پیاده ساختن مدل «بسیج عمومی» است که در آن «دولت مردم را در صحنه نگه می‌دارد و یک مقاومت مردمی شکل می‌دهد و زیرساخت‌هایی را هم برای تقویت این مقاومت ایجاد می‌کند.»

او گفته: «در چنین مدلی، فرض بر این می‌شود که ما همچنان در حالت جنگیدن هستیم و نمی‌توانیم کوتاه بیاییم و مردم باید فشار را تحمل کنند و در نتیجه زندگی رفاه معمول خانواده‌ها به تعویق می‌افتد و کیفیت زندگی کاهش می‌یابد.»

جبار رحمانی افزوده، این مدل الگویی از مدل‌های شوروی سابق است و «در چنین شرایطی آزادی اجتماعی نیز کاهش می‌یابد و عملا حالت آماده‌باش جنگی، به کل جامعه تسری پیدا می‌کند. در این مدل همواره تصور پیروزی داریم و بر تداوم مقاومت تاکید می‌کنیم. این مدل اگرچه می‌تواند باعث ایجاد انسجام مقطعی شود، اما در نهایت، جامعه را به لحاظ اجتماعی و فرهنگی تهی می‌کند.»

او با اشاره به مشکلات اقتصادی گفته: «در مجموع، اقتصاد کشور خوابیده و انتظار ابرتورم وجود دارد و چشم‌انداز کلان اقتصاد مبهم است و با افزایش هر روزه قیمت‌ها مواجهیم و بیش از سه‌چهارم جامعه هم اقناع نمی‌شود که چرا باید این وضعیت را تحمل کند و صرفا در یک فشار روانی قرار دارد.»

جبار رحمانی همچنین گفته: «هرچه جلوتر می‌رویم، تاب‌آوری، امیدواری و همبستگی جامعه و چشم‌انداز آن نسبت به آینده، فرسوده می‌شود.» وی تاکید کرده، حتی جمعیت حامیان حکومت در تجمعات شبانه نیز با کاهش روبرو شده است. به عقیده این جامعه‌شناس فضای رادیکال در میان جامعه نیز در حال شکل‌گیری است و در حالی که تأکید دارد «جامعه به شدت آبستن اعتراضات و تکرار دی‌ماهی دیگر است»، گفته که «هر دو سر طیف افراطی می‌توانند به سمت رادیکالیسم افراطی بروند؛ یعنی این احتمال وجود دارد که حتی مردم در مقابل مردم قرار گیرند.»

او همچنین افزوده: «لحظه انفجار قابل پیش‌بینی نیست،

● جبار رحمانی جامعه‌شناس و عضو هیئت علمی موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی با بیان اینکه «در حوزه اجتماعی، هر روز روح و روان مردم خراش می‌خورد»، هشدار داده: «جامعه به شدت آبستن اعتراضات و تکرار دی‌ماه دیگری است.»

● جبار رحمانی همچنین گفته: «هرچه جلوتر می‌رویم، تاب‌آوری، امیدواری و همبستگی جامعه و چشم‌انداز آن نسبت به آینده، فرسوده می‌شود» و تأکید کرده حتی جمعیت حامیان حکومت در تجمعات شبانه نیز با کاهش روبرو شده است.

● او گفته: «لحظه انفجار قابل پیش‌بینی نیست، اما این فشار داخل جامعه وجود دارد و اتفاقا با توجه به اینکه جلوی عوامل ایجاد ناراضیاتی گرفته نمی‌شود، هرچه این فشار اعتراضی در جامعه دیرتر خالی شود، بزرگتر و انبوه‌تر می‌گردد.»

● او در ادامه افزوده: «نتایج یک پیمایش اخیر، نشان می‌دهد میل به مهاجرت در میان ایرانیان، حدود ۸ درصد کاهش یافته است. این بدین معنا نیست که مردم دوست دارند در ایران بمانند، بلکه حاکی از رسیدن مردم به اوج ناامیدی است.» این ادعا در حالیست که برخی تحلیلگران معتقدند اگر پس از دو جنگ اخیر و سرکوب خونین دی‌ماه، موج مهاجرت از ایران به راه نیفتاده اتفاقا به این دلیل است که مردم با توجه به شرایط کنونی و تضعیف شدید و همه‌جانبه‌ی رژیم، امید به تغییرات بنیادین با سقوط جمهوری اسلامی دارند و همین آنها را در کشور نگه داشته است.

یک جامعه‌شناس ساکن ایران با بیان اینکه «در حوزه اجتماعی، هر روز روح و روان مردم خراش می‌خورد»، هشدار داده: «جامعه به شدت آبستن اعتراضات و تکرار دی‌ماه دیگری است.»

جبار رحمانی جامعه‌شناس و عضو هیئت علمی موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی معتقد است، جامعه ایران به علت مشکلات انباشته اقتصادی و فشارهای اجتماعی ظرفیت

بحران کمبود و گرانی دارو عمیق تر می شود؛ بدهی ۷۷ هزار میلیارد تومانی به داروخانه ها



دستگاه های مختلف است. در این میان بسیاری از بیماران ناچار هستند درمان خود را به علت گرانی و کمبود دارو رها کنند. موضوعی که شامل مبتلایان به بیماری های خاص و صعب العلاج تا بیماری هایی مانند آنفولانزا و کرونا می شود. در همین رابطه علی راستگو فعال صنفی بازنشستگان ساکن استان فارس گفته: «مشکلات درمانی و دارویی بازنشستگان به مرحله بحرانی رسیده است؛ حدود ۴۰۰ قلم دارو از پوشش تأمین اجتماعی خارج شده و نسخه های پزشکی بدون حمایت بیمه ای صادر می شود.»

این فعال صنفی افزوده: «بازنشستگان با مشکلات جدی در تأمین هزینه نسخه، بستری، عمل جراحی و خدمات درمانی مواجه هستند؛ بسیاری از بیماران توان پرداخت هزینه های درمان را ندارند و از مراجعه به بیمارستان و پزشک صرف نظر می کنند.»

علی اکبر عیوضی فعال کارگری ساکن تهران نیز روز چهارشنبه ۱۸ شهریورماه در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» با اشاره به سیاست اخیر دولت درباره حذف ارز ترجیحی دارو، گفته: «تهیه دارو و قیمت آن، از اصلی ترین مشکلات بیمه شدگان تأمین اجتماعی است. شوک ارزی دارو اثرات نامطلوب خود را در زندگی خانواده های کارگری گذاشته است. از طرفی طبق قانون، سازمان تأمین اجتماعی وظیفه دارد که اقلام دارویی را در مراکز ملکی به صورت رایگان در اختیار بیمه شده قرار دهد که در عمل چنین نمی کند. به همین دلیل حذف ارز ترجیحی دارو عملاً به گران شدن چندبرابری هزینه دارویی خانوارهای کارگران و به ویژه بازنشستگان که بیشترین مصرف دارو را دارند، انجامیده است.»

این فعال کارگری افزوده: «امروز درمان هیچ حساب و کتاب و قیمت مصوبی ندارد. در این شرایط جنگ و تحریم، دولت باید هزینه دارو را برخلاف بازار سایر کالاها، در کنترل انحصاری خود قرار می داد. ما با این موضوع که درباره برخی اقلام خاص ارز ترجیحی واردات حذف شود، مشکلی نداشتیم؛ اما موضوع دارو باید استثنا باشد؛ دارو، کالای غیرقابل جایگزین و ضروری ست به خصوص برای خانواده های کارگری و کم درآمد.»

کند و در شرایطی که برخی بیماران نیازمند مصرف مستمر دارو هستند، بسیار نگران کننده است.»

به گفته ای این نماینده مجلس، «بیمه سلامت» از سال ۱۴۰۴ نتوانسته مطالبات بخش های دولتی و خصوصی را بطور کامل پرداخت کند: «بیمارستان ها، داروخانه ها، آزمایشگاه ها، مراکز فیزیوتراپی و سایر مراکز ارائه دهنده خدمات درمانی با انباشت مطالبات از بیمه ها مواجه اند.»

محمد جمالیان همچنین گفته: «سازمان تأمین اجتماعی نیز تا حدود بهمن ۱۴۰۴ مطالبات را پرداخت کرده، اما اکنون حدود هفت ماه در پرداخت مطالبات عقب است و در بخش خدمات نیز با تأخیرهای هشت تا ۹ ماهه مواجه هستیم؛ این در حالی است که طی این مدت، قیمت ارز، دارو، تجهیزات پزشکی و سایر کالاهای مورد نیاز نظام سلامت به شکل قابل توجهی افزایش یافته است.»

در آنسو، حذف ارز ترجیحی دارو در کنار محاصره دریایی و کمبود منابع ارزی دولت سبب عمیق شدن بحران کمبود و گرانی دارو شده است. محمدرضا ظفرقندی وزیر بهداشت نیز گرانی دارو را تأیید کرده و آن را «طبیعی» دانسته: «بحث گرانی دارو طبیعی است، چرا که اکنون با تورم در حمل و نقل و مواد اولیه دارویی مواجه هستیم که منجر به گرانی دارو شده است.»

وی درباره هزینه ی تولید دارو گفته است: «مثلاً دارو نیاز به پوشش آلومینیوم دارد یا پروپیلن (پی پی) که از محصولات پتروشیمی است، در بسته بندی دارو مصرف دارد. وقتی آلومینیوم یا محصولات پتروشیمی افزایش شدید قیمت پیدا می کند، طبیعتاً دارو نیز به واسطه این افزایش، دچار افزایش می شود.»

وزارت بهداشت افزایش هزینه مواد اولیه، حمل و نقل، بسته بندی و نرخ ارز را از عوامل افزایش قیمت دارو می داند. بخشی از مواد اولیه داروسازی نیز همچنان وابسته به واردات است. وزیر بهداشت خردادماه امسال گفته بود اختلال در مسیرهای ورود مواد اولیه از هند و چین می تواند تولید را تحت تأثیر قرار دهد و وزارتخانه برای جلوگیری از اختلال در تأمین مواد اولیه در حال ریزنی با

● به گفته هادی احمدی سخنگوی انجمن داروسازان ایران، بدهی سازمان های بیمه و سازمان هدفمندی یارانه ها به داروخانه های کشور تا پایان مرداد ۱۴۰۵ به حدود ۷۷ هزار میلیارد تومان رسیده و هر ماه نیز نزدیک به ۱۲ هزار میلیارد تومان به این رقم افزوده می شود.

● هادی احمدی هشدار داده: «تأخیر در پرداخت مطالبات، تمام زنجیره تأمین دارو را تحت تأثیر قرار می دهد. داروخانه نمی تواند بدهی شرکت پخش را بپردازد، شرکت پخش در پرداخت مطالبات تولیدکننده ناتوان می شود و تولیدکننده نیز برای خرید ارز و تأمین مواد اولیه با کمبود نقدینگی روبرو خواهد شد.»

● حذف ارز ترجیحی دارو در کنار محاصره دریایی و کمبود منابع ارزی دولت سبب عمیق شدن بحران کمبود و گرانی دارو شده است.

بحران دارو در ایران به اوج خود رسیده و به گفته ی سخنگوی انجمن داروسازان ایران، بدهی سازمان های بیمه و سازمان هدفمندی یارانه ها به داروخانه های کشور تا پایان مرداد ۱۴۰۵ به حدود ۷۷ هزار میلیارد تومان رسیده و هر ماه نیز نزدیک به ۱۲ هزار میلیارد تومان به این رقم افزوده می شود. هادی احمدی سخنگوی انجمن داروسازان ایران روز چهارشنبه ۱۸ شهریورماه ۱۴۰۵ در گفتگو با روزنامه «پیام ما» از تشدید بحران تأمین دارو خبر داده و گفته که پرداخت نشدن بدهی سازمان هدفمندی یارانه ها و سازمان های بیمه سبب کمبود شدید نقدینگی در داروخانه ها شده و توان داروخانه ها برای خرید دارو از شرکت های پخش را کاهش داده است.

وی بخشی از کمبود دارو در داروخانه ها را نیز مرتبط با کاهش توان مالی داروخانه ها برای تأمین دارو خوانده و گفته است: «بخشی از کمبودهای دارویی به معنای نبود دارو در شرکت های تولیدی یا پخش نیست؛ بلکه داروخانه ها پول کافی برای خرید محصولات موجود را ندارند. در نتیجه، بیماران برای تهیه اقلام مختلف یک نسخه ناچارند به چند داروخانه مراجعه کنند.»

هادی احمدی هشدار داده: «تأخیر در پرداخت مطالبات، تمام زنجیره تأمین دارو را تحت تأثیر قرار می دهد. داروخانه نمی تواند بدهی شرکت پخش را بپردازد، شرکت پخش در پرداخت مطالبات تولیدکننده ناتوان می شود و تولیدکننده نیز برای خرید ارز و تأمین مواد اولیه با کمبود نقدینگی روبرو خواهد شد.»

اختلال در زنجیره تأمین دارو به علت عدم پرداخت مطالبات داروخانه ها از سوی محمد جمالیان، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. او گفته: «امروز به جایی رسیده ایم که برخی داروخانه ها توان تهیه دارو را ندارند و مردم هنگام مراجعه برای دریافت نسخه خود با کمبود مواجه می شوند؛ به عنوان مثال، فردی ممکن است پنج قلم دارو در نسخه داشته باشد، اما داروخانه تنها دو قلم را موجود داشته باشد و بیمار مجبور شود برای پیدا کردن سایر اقلام دارویی به چندین داروخانه مراجعه کند.»

وی افزود: «این موضوع علاوه بر ایجاد سرگردانی برای مردم، می تواند روند درمان بیماران را نیز با اختلال مواجه

تورم ۱۰۰ درصدی در راه است؛ طرح‌های بی‌خاصیت حمایتی و جامعه‌ای در زیر خط فقر!



● وحید شقاقی شهری، اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی، گفته که اگر محاصره دریایی ادامه پیدا کند، تحریم‌های اقتصادی تشدید شود و تنگنای منابع مالی نیز افزایش یابد، رشد نقدینگی در پایان سال ۱۴۰۵ می‌تواند به ۶۰ تا ۶۵ درصد و تورم به ۱۰۰ درصد برسد.

● به گفته وحید شقاقی شهری، سیاست‌های سنتی بازتوزیع، از پرداخت‌های نقدی بدون پشتوانه گرفته تا کنترل‌های دستوری قیمت، در چنین شرایطی نه تنها کارایی گذشته را ندارند، بلکه ممکن است نتیجه معکوس داشته باشند.

یک اقتصاددان با توجه به سرعت افزایش نقدینگی در کشور گفته، در صورت تداوم محاصره دریایی و تحریم‌ها، تورم اقتصاد ایران تا پایان سال جاری به ۱۰۰ درصد خواهد رسید. در این میان تحلیلگران از افزایش حداقل هزینه خانوار به بیش از ۸۰ میلیون تومان در شهر تهران خبر داده و تأکید دارند که برنامه‌های دولت در عمل نتوانسته از معیشت خانوارهای کم‌درآمد حمایت کند.

وحید شقاقی شهری، اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی، در گفتگو با وبسایت «خبرآنلاین» گفته، اگر محاصره دریایی ادامه پیدا کند، تحریم‌های اقتصادی تشدید شود و تنگنای منابع مالی نیز افزایش یابد، رشد نقدینگی در پایان سال ۱۴۰۵ می‌تواند به ۶۰ تا ۶۵ درصد برسد و حجم نقدینگی را به حدود ۲۴ تا ۲۵ هزار همت برساند؛ شرایطی که می‌تواند تورم نقطه‌ای اسفندماه را به محدوده ۹۰ تا ۱۰۰ درصد برساند. به گفته این اقتصاددان، فشار ناشی از خسارات جنگ، تکالیف بودجه‌ای، تسهیلات تکلیفی و اضافه‌برداشت‌های مزمن بانک‌ها باعث شد «فتر نقدینگی» در سال ۱۴۰۴ دوباره رها شود و نرخ رشد نقدینگی در زمستان این سال به رقم تاریخی ۵۳/۲۷ درصد برسد. او افزود: «در صورت تداوم محاصره دریایی، تشدید تحریم‌های اقتصادی و افزایش فشار بر منابع مالی، نرخ رشد نقدینگی در پایان ۱۴۰۵ می‌تواند به محدوده ۶۰ تا ۶۵ درصد برسد.»

این اقتصاددان با کنار هم گذاشتن روند نقدینگی و شرایط اقتصادی کشور گفته، اگر رشد نقدینگی در پایان سال به ۶۰ تا ۶۵ درصد برسد و همزمان محاصره دریایی و فشارهای تحریم ادامه یابد، تورم نقطه‌ای در اسفندماه ۱۴۰۵ می‌تواند در محدوده ۹۰ تا ۱۰۰ درصد قرار گیرد.

وحید شقاقی شهری هشدار داده: «تا زمانی که سایه جنگ بطور کامل برطرف نشود یا وضعیت «نه جنگ و نه صلح» ادامه داشته باشد، دستیابی به ثبات اقتصادی، مهار تورم و تحقق رشد پایدار سرمایه‌گذاری بسیار دشوار و پیچیده خواهد بود و حتی ممکن است در مقطعی غیرممکن شود.»

وحید شقاقی شهری افزوده، شیوه طراحی و اجرای طرح‌های حمایتی از مردم توسط دولت کارایی ندارد و دولت باید این شیوه را تغییر دهد: «اقتصاد ایران اکنون با هم‌افزایی چند شوک مواجه است؛ از تحریم‌های بین‌المللی گرفته تا تورم‌های حاد نزدیک به مرزهای سه‌رقمی و تنگنای شدید منابع مالی در بودجه عمومی. به همین دلیل، بازتعریف سازوکارهای حمایت از معیشت مردم دیگر یک انتخاب نیست، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.»

و نبود نظارت، تورم باید هر روز و هر هفته پایش شود. با این جهش قیمتی و دلاری که قیمت آن در یک بازه زمانی چندماهه، افزایش‌های نجومی و دوبرابری را تجربه کرده است، سفره مردم هر روز در حال کوچک‌تر شدن است؛ بطوری که حتی اگر حقوق کارگر به صد میلیون تومان هم برسد، تا پایان سال باز هم جوابگوی نیازهای او نخواهد بود. تداوم این وضعیت قطعاً برای کارگران و بازنشستگان فاجعه‌بار خواهد بود و باید فکری اساسی به حال آن کرد. او همچنین با انتقاد از انفعال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و عدم تحقق وعده‌های داده شده در خصوص بازنگری دستمزدها، اظهار داشت: «شش ماه از سال گذشته و به روزهای پایانی شهریورماه رسیده‌ایم؛ آقای وزیر کار پیش از این قول داده بودند که جلسات شورای عالی کار برای بررسی وضعیت معیشت و تورم، حداقل به صورت فصلی برگزار شود. اما با توجه به شرایط اسفناک فعلی، ما معتقدیم که تورم و تأثیر آن روی مزد و حقوق، باید به صورت هفتگی بررسی شود. واقعیت این است که حقوق پایه شانزده میلیون تومانی، حتی پاسخگوی هزینه‌های یک هفته از ماه هم نیست و کارگران برای تأمین معاش خود در همان هفت روز نخست ماه با بن‌بست مواجه می‌شوند.» محسن باقری، عضو گروه کارگری در شورای عالی کار، نیز با انتقاد از عدم افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم گفته: «دولت هم‌اکنون از روش‌های مختلفی مانند کالابری و یارانه‌های معیشتی برای حمایت از خانوارها استفاده می‌کند. بنابراین اگر قرار است حمایتی در این زمینه انجام شود، باید در کنار افزایش دستمزد باشد، نه اینکه بجای آن قرار گیرد.» این فعال کارگری با اشاره به شرایط اقتصادی و کاهش قدرت خرید خانوارها گفته: «مسئله اصلی امروز جامعه کارگری، کاهش شدید قدرت خرید است. در شرایطی که تورم و رکود همزمان بر اقتصاد فشار وارد می‌کنند، اگر قدرت خرید مردم بیش از این کاهش پیدا کند، مشکلات اقتصادی و تولیدی نیز تشدید خواهد شد.»

به گفته شقاقی شهری، سیاست‌های سنتی بازتوزیع، از پرداخت‌های نقدی بدون پشتوانه گرفته تا کنترل‌های دستوری قیمت، در چنین شرایطی نه تنها کارایی گذشته را ندارند، بلکه ممکن است نتیجه معکوس داشته باشند. او توضیح داده که اگر حمایت‌های مالی بدون تأمین منابع پایدار انجام شود، دولت ناچار به «پولی‌سازی» کسری بودجه خواهد شد و همین مسئله دوباره به افزایش قیمت‌ها و تشدید تورم منجر می‌شود. همانطور که این اقتصاددان اشاره کرده، آنچه دولت پزشکیان به عنوان طرح‌های حمایتی از شهروندان اجرا کرده و در رأس همه آنها ارائه کالابری قرار دارد، کاملاً بی‌اثر و ناکارآمد بوده‌اند. این موضوع از سوی فعالان صنفی نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

عیدعلی کریمی، دبیر اجرایی خانه کارگر استان قزوین، با اشاره به رقم یک میلیون تومانی کالابری گفته: «کالابری‌ها و مبالغ یک میلیون تومانی که در نظر می‌گیرند، با توجه به سقوط شدید ارزش ریال، به هیچ وجه راهگشا نیست؛ پولی که پارسال هزار تومان ارزش داشت، امروز دویست تومان هم نمی‌ارزد. با یک میلیون تومان امروز حتی نمی‌توان دو روغن مایع یک لیتری یا نیم کیلو گوشت تهیه کرد و شاید به زحمت بتوان دو کیلو حبوبات خرید؛ اینکه دیگر سبد کالا نیست! این موارد باید کاملاً به‌روزرسانی شده و تحت نظارت دقیق قرار گیرد.»

این فعال کارگری افزوده: «همه اجناس در این یکسال اخیر، بالای ۱۵۰ درصد تورم داشته‌اند. قیمت تنقلات ساده مثل یک پفک به سیصد تا چهارصد هزار تومان و یک بسته چپس به بالای صد و پنجاه تا دویست هزار تومان رسیده است. مهم‌تر از همه، قیمت نان است که دو و نیم برابر شده است؛ امروز یک نان بربری ۲۵ هزار تومان و یک نان سنگک ۳۰ هزار تومان است. ما چیز اضافه‌ای نمی‌خواهیم؛ حداقل شرایطی فراهم کنند که کارگر بتواند شکم زن و بچه‌اش را با نان خالی سیر کند.»

عیدعلی کریمی معتقد است: «به دلیل رهاشدگی اقتصاد

شیوع گسترده کرونا و آنفولانزا در ایران؛ واکسن نیست و شهروندان به علت هزینه بالا، درمان را رها می‌کنند



● مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت از شیوع ویروس‌های تنفسی در ایران خبر داده و اعلام کرده که در هفته منتهی به ششم شهریورماه جاری نسبت موارد دارای علائم آنفولانزا و کرونا، هم در میان مراجعان سرپایی و هم بستری افزایش یافته است.

● هادی احمدی سخنگوی انجمن داروسازان ایران: فعلاً خبری از واکسن آنفولانزا در داروخانه‌ها نیست، از قرار معلوم هنوز توزیع نشده است، اما آنطور که به نظر می‌رسد این توزیع قرار نیست به همین زودی‌ها انجام شود، برای همین هم احتمال از دست رفتن زمان طلایی برای تزریق واکسن آنفولانزا وجود دارد.

● افزایش هزینه درمان نیز عامل دیگری در افزایش موارد ابتلا به این دو بیماری است. ایرج خسرونی، رئیس جامعه پزشکان متخصص داخلی ایران، در اینباره گفته: «بسیاری از افرادی که کرونا دارند، در منزل و با تصور سرماخوردگی یا یک آنفولانزای خفیف درمان می‌شوند و اصلاً به پزشک یا بیمارستان مراجعه نمی‌کنند.»

گزارش‌ها حاکی از افزایش آمار ابتلا به کرونا و آنفولانزا در ایران است. کارشناسان با توجه به در دسترس نبودن واکسن و رها شدن درمان توسط بیماران به علت هزینه‌های بالای دارو، نسبت به شیوع گسترده این دو بیماری هشدار می‌دهند.

مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت از شیوع ویروس‌های تنفسی در ایران خبر داده و اعلام کرده که در هفته منتهی به ششم شهریورماه جاری نسبت موارد دارای علائم آنفولانزا و کرونا، هم در میان مراجعان سرپایی و هم بستری افزایش یافته است.

بر اساس آمار ارائه شده از سوی وزارت بهداشت، ۹/۶ درصد از مراجعان سرپایی دارای علائم شبه آنفولانزا و ۷/۲ درصد از مراجعان بستری دارای علائم تنفسی شدید بوده‌اند. این ارقام در هفته‌های قبل به ترتیب ۶/۱ و ۶/۷ درصد بوده است.

همچنین اعلام شده از میان ۱۷۹ نمونه تنفسی گرفته شده از بیماران، ۵/۵ درصد نمونه‌ها از نظر آنفولانزا و ۸/۳ درصد از نظر کرونا مثبت بوده‌اند، در حالی که این ارقام در هفته‌های اخیر به ترتیب ۳/۷ و ۴/۹ درصد ثبت شده بود. بر اساس این گزارش، میزان مثبت شدن نمونه‌های هر دو ویروس از آستانه «هشدار پایین» عبور کرده است.

مسعود مردانی، متخصص بیماری‌های عفونی، روند افزایشی موارد ابتلا به کرونا در کشور را تأیید کرده و گفته: «متأسفانه از حدود دو هفته گذشته موارد جدید ابتلا به بیماری کرونا در کشور رو به افزایش بوده است، بطوری که در حال حاضر تعداد زیادی از بیماران در بخش‌های مختلف بیمارستانی با ابتلا به بیماری کرونا بستری هستند.»

کارشناسان هشدار می‌دهند در شرایطی که بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها طی دو سه هفته آینده می‌تواند زمینه افزایش انتقال ویروس‌های تنفسی را فراهم کند، در آنسو اختلالات ایجادشده در زنجیره تأمین دارو و واکسن در پی جنگ و محاصره دریایی نگرانی درباره شیوع گسترده و سریع این ویروس‌ها را افزایش داده است. محاصره دریایی بنادر جنوبی و کاهش منابع ارزی دولت

همین موضوع می‌تواند تشخیص بیماری را برای برخی افراد دشوار کند. در مواردی که من تا کنون مشاهده کرده‌ام، بیشتر موارد مربوط به کووید بوده است.»

افزایش هزینه دارو نیز سبب توقف روند درمان بیماری‌ها از آنفولانزا و کرونا تا حتی سرطان شده است. خانوارهایی که درآمدهای آنها برای هزینه خوراک و مسکن هم کفایت نمی‌کند، منابعی برای پرداخت هزینه سنگین دارو و درمان ندارند. قیمت دارو در پی حذف ارز ترجیحی از دو سال پیش با روند افزایشی روبرو شد اما از نیمه سال گذشته تا کنون افزایش قیمت داروها با سرعت بیشتری ادامه یافته است. از ابتدای شهریورماه جاری قیمت انواع دارو در ایران با موج دیگری از افزایش روبرو شده است.

گزارش‌های میدانی حاکی از آنست که یک بسته کپسول آموکسی سیلین از شهریورماه گذشته تا شهریورماه امسال از ۳۲۰ هزار تومان به یک میلیون و ۲۳۰ هزار تومان افزایش یافته. در همین بازه زمانی قیمت یک بسته قرص استامینوفن کدئین از ۱۳۷ هزار تومان به ۶۵۰ هزار تومان، قیمت یک بسته قرص ایپوبروفن از ۲۰۰ هزار تومان به ۴۲۰ هزار تومان، قیمت یک بسته کپسول فلوکستین از ۱۷۵ هزار تومان به ۳۵۰ هزار تومان، و قیمت یک بسته کلاریترومایسین از ۴۵۰ هزار تومان به یک میلیون و ۵۸۰ هزار تومان افزایش یافته است.

علی احمدی، رئیس روابط عمومی انجمن داروسازان، هفته گذشته با تأیید افزایش قیمت جدید بخش دارو و تجهیزات پزشکی، از کمبود حدود ۸۰۰ قلم دارو در کشور خبر داد. به گفته او، از حدود ۸۰۰ قلم داروی حیاتی، نزدیک به ۹۰ قلم با کسری شدید مواجه‌اند و در میان سایر داروهای تولید داخل نیز حدود ۴۰۰ قلم کمبود وجود دارد. اینهمه در حالیست که هادی احمدی، سخنگوی انجمن داروسازان ایران، نیز هشدار داده که استفاده از مسیرهای جایگزین برای تأمین مواد اولیه و واردات ممکن است قیمت دارو را در ماه‌های آینده تا سه برابر افزایش دهد.

سبب شده واردات واکسن آنفولانزا تقریباً متوقف شود. همچنین تولیدکنندگان واکسن‌های داخلی هم به علت عدم واردات مواد اولیه امکان تولید واکسن ندارند.

در همین رابطه هادی احمدی، سخنگوی انجمن داروسازان ایران، هفته گذشته با اشاره به افزایش بیماری‌های تنفسی گفته بود که واکسن آنفولانزا امسال به دلیل مشکلات واردات و انتقال ارز به‌موقع توزیع نمی‌شود و احتمال از دست رفتن زمان طلایی تزریق وجود دارد.

هادی احمدی تأکید کرده: «فعلاً خبری از واکسن آنفولانزا در داروخانه‌ها نیست، از قرار معلوم هنوز توزیع نشده است، اما آنطور که به نظر می‌رسد این توزیع قرار نیست به همین زودی‌ها انجام شود، برای همین هم احتمال از دست رفتن زمان طلایی برای تزریق واکسن آنفولانزا وجود دارد.»

همچنین افزایش هزینه درمان نیز عامل دیگری در افزایش موارد ابتلا به این دو بیماری است. ایرج خسرونی، رئیس جامعه پزشکان متخصص داخلی ایران، در اینباره گفته: «بسیاری از افرادی که کرونا دارند، در منزل و با تصور سرماخوردگی یا یک آنفولانزای خفیف درمان می‌شوند و اصلاً به پزشک یا بیمارستان مراجعه نمی‌کنند.»

رئیس جامعه پزشکان متخصص داخلی ایران هزینه بالا و ناتوانی مالی خانوارها را علت این موضوع دانسته و گفته: «هزینه ویزیت، دارو و آزمایش برای بخشی از مردم بالاست و به همین دلیل ممکن است حتی هنگام بیماری نیز مراجعه به پزشک را به تعویق بیندازند و خوددرمانی کنند. مشکل اینجاست که در برخی از این افراد بیماری می‌تواند پیشرفت کند و در نهایت نیاز به بستری در بیمارستان پیدا کند.»

مینو محرز، متخصص بیماری‌های عفونی و مدرس دانشگاه علوم پزشکی، نیز با اشاره به هزینه بالای آزمایش گفته: «آنفولانزا و کرونا می‌توانند همزمان وجود داشته باشند. از نظر علائم و درمان تفاوت‌هایی وجود دارد و با انجام آزمایش می‌توان بیماری را مشخص کرد و درمان مناسب را در نظر گرفت. متأسفانه آزمایش‌ها گران هستند و

افزایش دو برابری نرخ سوم بنزین توسط دولت پزشکیان؛ موج جدید گرانی کالا و خدمات در راه است!



ادعای افزایش مصرف شهروندان و همچنین قاچاق سوخت، ابزاری در دست دولت پزشکیان بوده که طی دو سال گذشته برنامه افزایش قیمت بنزین را پیش برد. این در حالیست که به گفته کارشناسان علت اصلی کمبود بنزین در ایران، عدم سرمایه‌گذاری حکومت در بخش صنعت نفت و پالایشگاه بوده است. این روند، با وجود ذخایر سرشار نفت در ایران، کشور را نیازمند واردات بنزین کرده است.

از سوی دیگر طی ماه‌های گذشته فشارهای حداکثری آمریکا به جمهوری اسلامی، واردات بنزین مختل شده است. این موضوع در کنار خزانه خالی دولت و نیاز به تأمین درآمد در شرایط جنگ سبب اجرای طرح افزایش قیمت بنزین شده است؛ شرایطی که فاطمه مهاجرانی از آن به عنوان «پایداری جریان عرضه و تقاضا و تاب‌آوری ملی» یاد کرده است!

پیشتر حمید حسینی، سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی، از کمبود روزانه ۲۰ میلیون لیتر بنزین خبر داده بود: «حداکثر ظرفیت تولید پالایشگاه‌های کشور حدود ۱۱۰ میلیون لیتر در روز است، در حالی که مصرف روزانه بنزین به حدود ۱۳۰ میلیون لیتر می‌رسد.»

این اظهار نظر به خوبی نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی چگونه سال‌ها به افزایش توان تولید بنزین بی‌اعتنا بوده و با عدم سرمایه‌گذاری در این بخش، سبب افزایش فاصله میان تولید و مصرف به ۲۰ میلیون لیتر در روز رسیده است.

در روزهای گذشته گزارش‌هایی از کمبود شدید بنزین در شهرهای مختلف و تعطیلی شماری از پمپ‌بنزین‌ها ←

بنزین خبر داد. به گفته فاطمه مهاجرانی، نرخ سوم بنزین از فردا (سه‌شنبه) با افزایش ۱۰۰ درصدی قیمت، ۱۰ هزار تومان در هر لیتر عرضه می‌شود.

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت جمهوری اسلامی، شامگاه روز یکشنبه ۱۵ شهریورماه از افزایش رسمی نرخ سوم بنزین خبر داد و اعلام کرد، بهای نرخ سوم بنزین از بامداد سه‌شنبه ۱۷ شهریور با افزایش ۱۰۰ درصدی، به لیتری ۱۰ هزار تومان می‌رسد. بنزین در ایران با سه نرخ در سه سهمیه مختلف ماهانه ارائه می‌شود. نرخ ۱۵۰۰ تومانی، نرخ ۳۰۰۰ تومانی و نرخ سوم که پیشتر ۵۰۰۰ تومان بود و حالا از سه‌شنبه با افزایش دو برابری به ۱۰ هزار تومان در هر لیتر خواهد رسید. با توجه به سهمیه اندک نرخ‌های اول و دوم، شهروندان ناچارند بخش قابل توجهی از سوخت مصرفی اتومبیل را با نرخ سوم خریداری کنند.

افزایش صد درصدی قیمت بنزین نرخ سوم سبب خواهد شد هزینه حمل و نقل در ایران افزایش قابل توجهی پیدا کند و نه تنها هزینه سوخت در سبد مصرفی خانوارها افزایش یابد بلکه موجی از گرانی کالاها و خدمات به علت افزایش نرخ حمل و نقل به راه خواهد افتاد.

در حالی که اکثر خانوارها در ایران زیر خط فقر قرار گرفته و برای تأمین هزینه‌های ضروری زندگی زیر فشار سنگین مالی قرار دارند، سخنگوی دولت همزمان با اعلام افزایش قیمت بنزین مدعی شده شرایط کنونی کشور و «سیاست‌گذاری‌های گذشته» عامل افزایش مصرف بنزین در ایران شده است، و دولت برای «پایداری جریان عرضه و تقاضا و تاب‌آوری ملی» قیمت بنزین را افزایش داده است.

● سخنگوی دولت جمهوری اسلامی، شامگاه روز یکشنبه ۱۵ شهریورماه از افزایش رسمی نرخ سوم بنزین خبر داد و اعلام کرد بهای نرخ سوم بنزین از بامداد سه‌شنبه ۱۷ شهریور با افزایش ۱۰۰ درصدی، به لیتری ۱۰ هزار تومان می‌رسد.

● بنزین در ایران با سه نرخ در سه سهمیه مختلف ماهانه ارائه می‌شود. نرخ ۱۵۰۰ تومانی، نرخ ۳۰۰۰ تومانی و نرخ سوم که پیشتر ۵۰۰۰ تومان بود و حالا از سه‌شنبه با افزایش دو برابری به ۱۰ هزار تومان در هر لیتر خواهد رسید.

● افزایش صد درصدی قیمت بنزین نرخ سوم سبب خواهد شد هزینه حمل و نقل در ایران افزایش قابل توجهی پیدا کند و نه تنها هزینه سوخت در سبد مصرفی خانوارها افزایش یابد بلکه موجی از گرانی کالاها و خدمات به علت افزایش نرخ حمل و نقل به راه خواهد افتاد.

● حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، پیشتر هشدار داده بود که افزایش قیمت بنزین «آثار شدید اجتماعی دارد و موجب به اصطلاح بروز ناآرامی‌های اجتماعی و اغتشاش می‌شود.»

● شاهزاده رضا پهلوی شامگاه یکشنبه ۱۵ شهریور انتشار پیامی در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «جمهوری اسلامی بار دیگر با افزایش قیمت بنزین، هزینه بی‌کفایتی، فساد و جنگ‌افروزی خود را بر دوش مردم ایران گذاشت.»

پس از مدت‌ها تأیید و تکذیب برنامه دولت برای افزایش قیمت بنزین، سخنگوی دولت از دو برابر شدن نرخ سوم

آبگرفتگی استان‌های گیلان و مازندران در پی بارش باران؛ از بی‌اعتنایی به توسعه زیرساخت‌های شهری تا ساخت‌وسازهای بدون نظارت!

اعلام کرده بارش‌های شدید اخیر شمال کشور ارتباطی با «ال‌نینو» ندارد بلکه ناشی از تشکیل «تورنادو» روی دریای مازندران است.

بازش بارن‌های سیل‌آسا در استان‌های گیلان و مازندران طی دو روز گذشته سبب آبگرفتگی معابر و خانه‌ها در مناطق مختلف این دو استان شده و خسارت اقتصادی زیادی برجای گذاشته است.

بارش شدید باران از نیمه‌شب سه‌شنبه ۱۷ شهریورماه در استان‌های گیلان و مازندران آغاز شد و پس از چند ساعت به بحرانی جدی برای شهروندان ساکن این دو استان تبدیل شد. بخش‌هایی از استان مازندران به ویژه مناطق مرکزی و

بخش‌هایی از استان مازندران به ویژه مناطق مرکزی و شرقی استان با آبگرفتگی معابر، اختلال در تردد، افزایش سطح آب رودخانه‌ها و مسیل‌ها و قطع برق روبرو شدند.

علاوه بر سیلاب گسترده، وزش باد و توفان هم خساراتی در دو استان گیلان و مازندران برجای گذاشته است. در برخی شهرها از جمله ساری و جویبار درختان شکستند. شهرهای بابلسر، شاهی، بابل، محمودآباد نیز با آبگرفتگی و اختلال در تردد روبرو شدند.

ده‌ها روستا در این دو استان با آبگرفتگی، قطع برق و مسدود شدن جاده‌ها به علت آبگرفتگی روبرو شدند. مقامات استانی همچنین از ممنوعیت صید و نزدیک شدن شهروندان به ساحل و شنا در دریا خبر دادند.



شرقی استان با آبگرفتگی معابر، اختلال در تردد، افزایش سطح آب رودخانه‌ها و مسیل‌ها و قطع برق روبرو شدند. علاوه بر سیلاب گسترده، وزش باد و توفان نیز خساراتی در این دو استان برجای گذاشته است. در برخی شهرها از جمله ساری و جویبار درختان شکستند. شهرهای بابلسر، شاهی، بابل، محمودآباد نیز با آبگرفتگی و اختلال در تردد روبرو شدند.

آبگرفتگی شهرهای مختلف در استان مازندران آنقدر گسترده بود که دولت ادارات و بانک‌ها در استان مازندران را در روز سه‌شنبه تعطیل اعلام کرد.

استان گیلان نیز با شرایط مشابهی از آبگرفتگی معابر و افزایش سطح آب رودخانه‌ها روبرو شد. مدیرکل مدیریت بحران استانداری گیلان روز سه‌شنبه از مردم این استان خواست که از تردد غیرضروری خودداری کنند تا به گفته او «نیروهای امدادی، آتش‌نشانی و شهرداری عملیات تخلیه آبگرفتگی معابر را با سرعت بیشتر و در زمان

به علت نبود بنزین منتشر شد. همزمان رسانه‌های داخلی نیز گزارش داده بودند شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی به صورت اعلام‌نشده، سقف روزانه توزیع سوخت هر جایگاه را محدود کرده و به محض پایان یافتن این سهمیه روزانه، نازل‌های جایگاه‌ها خاموش می‌شوند.

برخی تحلیلگران هشدار داده بودند تشدید کمبود بنزین را اقدامی عامدانه از سوی دولت برای آماده ساختن افکار عمومی در حذف یارانه بنزین و افزایش قیمت آن است. از سوی دیگر گفته شده بود دولت با کاهش برنامه‌ریزی شده توزیع بنزین به دنبال تحمیل کاهش مصرف به شهروندان است چون توان تولید بنزین معادل نیاز کشور را ندارد.

کارشناسان معتقدند افزایش قیمت بنزین راهکار حل بحران کمبود سوخت در کشور نیست. امیرمیثم نیکفر، کارشناس اقتصاد انرژی، با تأکید بر اینکه مشکل مصرف بنزین تنها راهکار قیمتی ندارد و باید مجموعه‌ای از راهکارها را برای مدیریت آن به کار برد، گفته است: «ایگان‌سازی حمل و نقل عمومی، نوسازی ناوگان و واردات خودروهای کم‌مصرف و نیز مهار تورم انتظاری سه راهکاری هستند که می‌توانند به دولت کمک کنند.»

از سوی دیگر موج گرانی ناشی از افزایش قیمت بنزین، فشار معیشتی خانوارها را افزایش خواهد داد و در شرایطی که دولت توان اجرای برنامه‌های حمایتی از اقشار کم‌درآمد را ندارد، افزایش بیش از پیش قیمت‌ها، فقر را با سرعت بیشتری در ایران گسترش خواهد داد.

بسیاری از مقامات جمهوری اسلامی با توجه به تجربه اعتراضات آبان ۹۸ که در پی افزایش نرخ بنزین توسط دولت حسن روحانی رخ داد، نگران هستند افزایش قیمت بنزین محرک بروز اعتراضات از سوی مردم باشد.

حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، نیز ۲۶ امرداد امسال هشدار داد: «افزایش قیمت بنزین تا ۸۷ هزار تومان اوج بی‌تدبیری است. این طرح‌های خام موجب تشویش اذهان عمومی می‌شود. افزایش قیمت بنزین در شرایط فعلی مانند جرقه در انبار باروت است.»

حسین صمصامی درباره آثار افزایش قیمت بنزین بر میزان مصرف، گفت: «آن کسانی که الان دارند از بنزین استفاده می‌کنند و نیاز دارند، مثل اسنپ و تاکسی و خیلی از این افرادی که واقعا مجبور شدند برون سراز یک همچین کارهایی، خب اینها تعطیل می‌شوند. اینها می‌ریزند وسط خیابان.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزود: «این طرح‌های بنزینی مطرح‌شده، آثار شدید اجتماعی دارد، موجب به اصطلاح بروز ناآرامی‌های اجتماعی شده و اغتشاش می‌شود.»

شاهزاده رضا پهلوی نیز شامگاه یکشنبه ۱۵ شهریور با انتشار پیامی در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «جمهوری اسلامی بار دیگر با افزایش قیمت بنزین، هزینه بی‌کفایتی، فساد و جنگ‌افروزی خود را بر دوش مردم ایران گذاشت.» در این پیام آمده: «به رژیم ضحاک و رهبر مفقودش می‌گویم: فقر و فشار اقتصادی که بر مردم ایران تحمیل کرده‌اید، نتیجه مستقیم سیاست‌های ویرانگر شماست. منابع کشور متعلق به مردم ایران است؛ نه برای پر کردن جیب مافیاه و نه برای تأمین مالی تروریسم و جنگ‌افروزی. اموال غارت‌شده ملت را بازگردانید و حمایت از تروریست‌ها را قطع کنید.»

او اضافه کرد: «گران کردن سوخت در شرایطی که مردم زیر فشار سنگین اقتصادی قرار دارند، اقدامی ظالمانه و خیانت به ملت ایران است.»

محمد اصغری، کارشناس هواشناسی، اعلام کرده همچنان گیلان، مازندران، گلستان، خراسان شمالی، شمال خراسان «رضوی» و ارتفاعات سمنان، تهران، البرز و قزوین در معرض آبگرفتگی و سیلاب قرار دارند.

تصاویر تک‌اندنده منتشر شده از آبگرفتگی فروشگاه‌ها و درمانگاه‌ها و خیابان‌ها نشان می‌دهد سال‌ها بی‌توجهی به توسعه زیرساخت‌های شهری و تخریب بی‌رویه محیط زیست چگونه سبب می‌شود یک باران شدید سبب آبگرفتگی با این حجم و سطح شود!

ویدئوهای زیادی از خانه‌ها و ویلاهای نوساز در این دو استان منتشر شده که آب از سقف و دیوارها و تجهیزات برق‌کشی به درون خانه‌ها می‌ریزد! این موضوع بار دیگر ساخت‌وساز بدون نظارت و صدور مجوزهای رانتی در ساختار فاسد شهرداری‌ها و ادارات دولتی را برجسته کرده است.

پروفسور حسین اردکانی، کارشناس ارشد هواشناسی،

→ کوتاه‌تری انجام دهند.

ده‌ها روستا در این دو استان نیز با آبگرفتگی، قطع برق و مسدود شدن جاده‌ها به علت آبگرفتگی روبرو شدند. مقامات استانی همچنین از ممنوعیت صید و نزدیک شدن شهروندان به ساحل و شنا در دریا خبر دادند.

حسینعلی محمدی شیرکلایی، مدیرکل مدیریت بحران استانداری مازندران، اعلام کرده سرعت وزش باد، به ویژه در مرکز مازندران، به بیش از ۱۰۸ کیلومتر بر ساعت رسید؛ شرایطی که به گفته او در دو دهه گذشته کم‌سابقه بوده است. وزش شدید باد موجب سقوط درختان، از جمله درختان کهنسال، در معابر شهری شد و تعدادی از این درختان روی شبکه برق، ماشین‌های پارک‌شده و برخی منازل مسکونی سقوط کردند و خسارت به بار آوردند.

مدیرکل مدیریت بحران استانداری مازندران همچنین از خسارت سیلاب و طغیان رودخانه زرین‌آباد خبر داد و گفت: بارش‌های قابل ملاحظه در نقاط مختلف استان موجب آبگرفتگی معابر و منازل مسکونی شده است. میزان بارندگی در برخی نقاط مازندران طی ۲۴ ساعت به بیش از ۲۲۰ میلی‌متر رسید.

رئیس پلیس راه راهور فراجا از انسداد کامل جاده چالوس و آزادراه تهران- شمال تا اطلاع ثانوی خبر داد و گفت این تصمیم به دلیل هشدارهای هواشناسی، احتمال تشدید بارش، ریزش سنگ و وقوع سیلاب برای حفظ ایمنی مسافران اتخاذ شده است.

سازمان هواشناسی تأکید کرده بارش‌ها و احتمال آبگرفتگی شماری از شهرها و روستاهای استان‌های مازندران، گیلان و گلستان امروز چهارشنبه ۱۸ شهریورماه نیز ادامه خواهد داشت. محمد اصغری، کارشناس هواشناسی، اعلام کرده همچنان گیلان، مازندران، گلستان، خراسان شمالی، شمال خراسان «رضوی» و ارتفاعات سمنان، تهران، البرز و قزوین در معرض آبگرفتگی و سیلاب قرار دارند.

او مرکز بارندگی‌ها را انزلی، کپاشهر، رودسر، تنکابن (شهرسوار)، چالوس، محمودآباد، آمل، بابل و شاهی اعلام کرده و نسبت به احتمال وقوع سیلاب در برخی مناطق استان تهران هشدار داد و گفت در فشم، دماوند، آبدلی و فیروزکوه، به ویژه در ساعات بعد از ظهر، باید مراقب روان‌آب و سیلاب بود.

احد وظیفه، رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی، درباره سیل‌آسا شدن بارندگی‌ها و آبگرفتگی خانه‌ها و معابر توضیح داده: «گرم‌تر شدن هوا باعث می‌شود جو بتواند رطوبت بیشتری در خود نگه دارد. در نتیجه، وقتی شرایط برای بارش فراهم شود، این رطوبت می‌تواند به بارش‌های رگباری و شدیدتر منجر شود. از سوی دیگر، توسعه شهرها، جاده‌سازی، ویلاسازی و آسفالت کردن سطوح، نفوذپذیری زمین را کاهش داده و رواناب را بیشتر کرده است.»

به گفته احد وظیفه، تخریب پوشش گیاهی، چرای بی‌رویه دام و فشرده شدن خاک نیز باعث می‌شود آب باران کمتر در زمین نفوذ کند. علاوه بر این، ساخت و ساز در مسیر رودخانه‌ها و باریک یا مسدود شدن مسیر طبیعی جریان آب می‌تواند آثار بارش‌های شدید را تشدید کند.

او افزود: «مونه این وضعیت را حالا می‌توان در شمال کشور دید؛ جایی که بارش شدید اخیر در مازندران به چندین شهرستان خسارت زده و طبق گزارش مدیریت بحران استان، خانه‌های روستایی، اراضی کشاورزی و باغ‌ها آسیب دیده‌اند. در برخی مناطق نیز برای مسقف کردن موقت خانه‌های آسیب‌دیده از روکش‌های پلاستیکی استفاده شده است.»

یکی دیگر از ابعاد بارش دو شبانه روز گذشته در استان‌های گیلان و مازندران آبگرفتگی خیابان‌ها و معابر عمومی و همچنین ساختمان‌ها بود؛ تصاویر تک‌اندیشه منتشرشده از آبگرفتگی فروشگاه‌ها و درمانگاه‌ها و خیابان‌ها نشان می‌دهد سال‌ها بی‌توجهی به توسعه زیرساخت‌های شهری و تخریب بی‌رویه محیط زیست چگونه سبب می‌شود یک باران شدید سبب آبگرفتگی با این حجم و سطح شود!

از سوی دیگر ویدئوهای زیادی از خانه‌ها و ویلاهای نوساز در این دو استان منتشر شده که آب از سقف و دیوارها و تجهیزات برق‌کشی به درون خانه‌ها می‌ریزد! این موضوع بار دیگر ساخت‌وساز بدون نظارت و صدور مجوزهای رانتی در ساختار فاسد شهرداری‌ها و ادارات دولتی را برجسته کرده است.

پروفسور حسین اردکانی، کارشناس ارشد هواشناسی، در گفتگو با خبرگزاری «ایرنا» اعلام کرده، بارش‌های شدید اخیر شمال کشور ارتباطی با «ال‌نینو» ندارد بلکه ناشی از تشکیل «تورنادو» روی دریای مازندران است. او افزود: «سیستم‌های جوّی نادری که مناطق شمالی را درنوردید، تا چند روز آینده در شرق و شمال شرق کشور فعال خواهد بود.»

به گفته پروفسور حسین اردکانی، «این سامانه از اروپای مرکزی به سمت دریای سیاه حرکت کرد و پس از عبور از شمال دریای خزر، اکنون به سمت نواحی شرقی و شمال شرقی کشور در حال حرکت است. بنابراین، انتظار داریم تا چند روز آینده شاهد تداوم ناپایداری‌ها در این مناطق باشیم.»

در حالی که برخی این بارندگی‌ها را سرآغاز بارش‌های پاییزه خوانده‌اند، پروفسور حسین اردکانی با اشاره به الگوی کلی بارش‌ها در ایران گفته: «این سیستم‌ها بسیار نادر و خسارت‌زا هستند و باید توجه داشت که بارندگی‌های اصلی و فراگیر کشور معمولاً از اواخر مهرماه و اوایل آبان‌ماه آغاز می‌شوند.»

از سوی دیگر، سازمان هواشناسی کشور نیز با صدور دو هشدار نارنجی و زرد، نسبت به تشدید و تداوم فعالیت سامانه‌های بارشی در ۲۰ استان هشدار داد؛ رگبار شدید، رعد و برق، سیلاب تا یکشنبه آینده ادامه دارد. این بارندگی‌ها در استان‌های خراسان جنوبی، آذربایجان شرقی، اردبیل، گیلان، مازندران، گلستان، خراسان شمالی، خراسان «رضوی»، سیستان و بلوچستان، زنجان، البرز، قزوین، سمنان، همدان، مرکزی، تهران، هرمزگان، کرمان، کردستان و سمنان پیش‌بینی شده است.

بر اساس هشدار سازمان هواشناسی، شدت بارش‌ها می‌تواند موجب جاری شدن سیلاب، طغیان رودخانه‌های فصلی و آبگرفتگی معابر شود و در ترددهای جاده‌ای نیز اختلال ایجاد کند. همچنین لغزندگی محورهای مواصلاتی، کاهش شعاع دید و وقوع صاعقه از دیگر مخاطرات این سامانه خواهد بود.

سازمان هواشناسی همچنین نسبت به وزش موقت باد شدید، احتمال شکستن درختان کهنسال و فرسوده، سقوط سنگ و اشیاء از ارتفاعات و خسارت به سازه‌های موقت و محصولات کشاورزی هشدار داده است.

این سازمان به شهروندان توصیه کرده است، از تردد و اتراق در حاشیه و بستر رودخانه‌ها و مسیرها خودداری کرده و از سفرهای غیرضروری، فعالیت‌های طبیعت‌گردی و جابجایی عشایر در مناطق تحت تأثیر سامانه بارشی پرهیز کنند. همچنین احتیاط در فعالیت‌های عمرانی، آمادگی دستگاه‌های اجرایی و امدادی، آماده‌باش راهداری‌ها، بازگشایی دهانه پل‌ها و کانال‌ها در محورهای مواصلاتی بین‌شهری و آمادگی شهرداری‌ها برای پاکسازی کانال‌ها مورد تأکید قرار گرفته است.

ماجرای بحران کمبود بنزین و گازوئیل در ایران

● در حالی که دولت پزشکیان به دنبال نسخه‌ای برای حذف یارانه سوخت با هدف افزایش درآمد است، کمبود بنزین و گازوئیل نیز در شهرهای مختلف گسترش یافته و در برخی مناطق شهروندان برای دریافت یک باک بنزین باید ساعت‌ها در صف طولانی پمپ بنزین‌ها معطل بمانند.

● برخی تحلیلگران تشدید کمبود بنزین را اقدامی عامدانه از سوی دولت برای آماده‌سازی افکار عمومی جهت حذف یارانه بنزین و افزایش قیمت آن می‌دانند.

● از سوی دیگر گفته شده دولت با کاهش برنامه‌ریزی شده توزیع بنزین به دنبال تحمیل کاهش مصرف به شهروندان است چون توان تولید بنزین معادل نیاز کشور را ندارد.

● در این میان افزودن متانول به بنزین در پالایشگاه‌ها و حتی افزودن آب به بنزین در برخی جایگاه‌های سوخت نیز بیانگر وضعیت بحرانی توزیع بنزین در کشور زیر سایه ناکارآمدی دولت، حتی در بخش نظارت، است. افزایش ناخالصی‌های بنزین سبب افزایش آمار خرابی اتومبیل‌ها در ایران شده است.

● در آنسوی ماجرای کمبود بنزین، دولت به دنبال حذف یارانه بنزین است تا درآمدهای خود را در شرایط جنگ و بحران اقتصادی افزایش دهد. حذف یارانه بنزین به هر شکلی اجرا شود نتیجه آن افزایش قیمت سوخت در سبد مصرفی مردم و تحمیل هزینه بیشتر به خانوارهاست.

کمبود سوخت در ایران وارد مرحله‌ای جدی شده و صف طولانی اتومبیل‌ها مقابل جایگاه‌های سوخت و انتشار خبر تعطیلی چندین جایگاه سبب شده مسئولان نیز نتوانند کمبود را تکذیب کنند. مقامات حکومتی همچنان انگشت اتهام را به سوی شهروندان به علت مصرف بالای سوخت دراز کرده‌اند.

در حالی که دولت پزشکیان به دنبال نسخه‌ای برای حذف یارانه سوخت با هدف افزایش درآمد است، کمبود بنزین و گازوئیل نیز در شهرهای مختلف گسترش یافته و در برخی مناطق شهروندان برای دریافت یک باک بنزین باید ساعت‌ها در صف طولانی پمپ بنزین‌ها معطل بمانند. در برخی استان‌ها مانند سیستان و بلوچستان و تهران کمبود سوخت برجسته‌تر است و در حالی که شهروندان از نبود بنزین و گازوئیل و حتی گاز سی‌ان‌جی گزارش می‌دهند، برخی خبرها نیز حاکی از تعطیلی شماری از پمپ‌بنزین‌ها به علت نبود سوخت است.

همزمان رسانه‌های داخلی نیز گزارش داده‌اند شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی به صورت اعلام‌نشده، سقف روزانه توزیع سوخت هر جایگاه را محدود کرده و به محض پایان یافتن این سهمیه روزانه، نازل‌های جایگاه‌ها خاموش ←

می‌شوند.

مقامات دولت علت کمبود بنزین را افزایش مصرف شهروندان اعلام کرده و حتی آماری از رکوردزنی مصرف بنزین را مطرح کرده‌اند. در این میان برخی تحلیلگران تشدید کمبود بنزین را اقدامی عامدانه از سوی دولت برای آماده‌سازی افکار عمومی در حذف یارانه بنزین و افزایش قیمت آن می‌دانند. از سوی دیگر گفته شده دولت با کاهش برنامه‌ریزی شده توزیع بنزین به دنبال تحمیل کاهش مصرف به شهروندان است چون توان تولید بنزین معادل نیاز کشور را ندارد.

وبسایت «خودرو بانک» گزارش داده «کمبود بنزین در ایران حاصل سال‌ها سرمایه‌گذاری نکردن در ظرفیت پالایشگاهی، تولید خودروهای پرمصرف و فاقد استانداردهای روز، فقدان شبکه حمل‌ونقل عمومی کارآمد و انجماد بلندمدت ساختار قیمت‌گذاری است.»

این گزارش افزوده: «خاموش کردن پمپ‌ها، مصرف واقعی را کاهش نمی‌دهد؛ صرفاً تقاضای موجود را فشرده، انباشته

در ایران طی هفته‌های اخیر حکایت دارد. موضوعی که به گفته تعمیرکاران علت آن استفاده از بنزین نامرغوب است. ششم شهریورماه نیز گزارشی منتشر شد که بر اساس آن در یک جایگاه سوخت در رفسنجان، هنگام سوخت‌گیری شماری از خودروها و موتورسیکلت‌ها به جای بنزین، آب وارد باکشان شد. در ویدیو منتشرشده، جایگاه‌دار گفت آب از سوی شرکت نفت وارد پمپ شده است. تا زمان انتشار این گزارش، شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی و استانداری کرمان این گفته را تأیید یا رد نکرده بودند.

افزوده شدن آب به بنزین حتی سال گذشته نیز از سوی مقامات دولت تأیید شده بود. مصطفی مولوی، بازرس ویژه مسعود پزشکیان، تیر ۱۴۰۴ اعلام کرد سه اتومبیل حامل مسعود پزشکیان و محافظانش پس از سوخت‌گیری در یک جایگاه بین‌راهی در استان قزوین، به دلیل آنچه عرضه بنزین مخلوط با آب خواند، در مسیر تبریز خاموش شدند. او گفته بود پیگیری‌ها نشان داد این جایگاه پیشتر نیز شکایت‌هایی در همین زمینه داشته است.

و نقل عمومی گرفته تا گردشگری است.» به عقیده این کارشناس اقتصاد انرژی، «کاهش اجباری پیمایش نه‌فقط هدف صرفه‌جویی را محقق نمی‌کند، بلکه به کاهش گردش اقتصادی و افت تولید ناخالص داخلی (GDP) منجر می‌شود. راهکار اصلی، کاهش میانگین مصرف موتور خودروهاست و تا زمانی که این اصلاحات رخ ندهد، افزایش قیمت سوخت تنها به تورم دامن می‌زند.»

حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، نیز ۲۶ مرداد امسال هشدار داد: «افزایش قیمت بنزین تا ۸۷ هزار تومان اوج بی‌تدبیری است. این طرح‌های خام موجب تشویش اذهان عمومی می‌شود. افزایش قیمت بنزین در شرایط فعلی مانند جرقه در انبار باروت است.»

حسین صمصامی درباره آثار افزایش قیمت بنزین بر میزان مصرف، گفت: «آن کسانی که الان دارند از بنزین استفاده می‌کنند و نیاز دارند، مثل اسنپ و تاکسی و خیلی از این افرادی که واقعا مجبور شدند بروند سراغ یک همچین کارهایی، خب اینها تعطیل می‌شوند. اینها می‌ریزند وسط



خیابان.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزود: «این طرح‌های بنزینی مطرح‌شده، آثار شدید اجتماعی دارد، موجب به‌اصطلاح بروز ناآرامی‌های اجتماعی شده و اغتشاش می‌شود.»

به گفته کارشناسان و مقامات دولت، کمبود بنزین در ایران ارقامی میان ۱۵ تا ۲۰ میلیون لیتر در روز است. موضوعی که نه به مصرف مردم، بلکه به عدم سرمایه‌گذاری و توسعه صنعت پالایشگاهی ایران ارتباط دارد. از سوی دیگر ایران برای تأمین این کسری ناچار به واردات بنزین است که در شرایط کنونی با محاصره دریایی بنادر جنوبی و راه‌اندازی ساز و کار تشدید فشارهای حداکثری اقتصادی علیه جمهوری اسلامی توسط ایالات متحده در عمل امکان واردات بنزین از دولت گرفته شده است.

به عقیده برخی تحلیلگران، کمبود سوخت و انرژی در کنار کمبود کالاهای اساسی به علت تشدید فشارهای حداکثری اقتصادی بر جمهوری اسلامی می‌تواند سبب تشدید بحران‌ها در ایران و آغاز دور جدیدی از اعتراضات ضدحکومتی مردم باشد.

در آنسوی ماجرای کمبود بنزین دولت به دنبال حذف یارانه بنزین است تا درآمدهای خود در شرایط جنگ و بحران اقتصادی را افزایش دهد. حذف یارانه بنزین به هر شکلی اجرا شود نتیجه آن افزایش قیمت سوخت در سبد مصرفی خانوار و تحمیل هزینه بیشتر به خانوارهاست. موضوعی که با هشدار کارشناسان درباره احتمال بروز اعتراضات روبرو شده و همین هشدارها دولت را در شرایطی سردرگم قرار داده و اجرای طرح حذف یارانه را با اختلال روبرو کرده است. امیرمیثم نیکفر کارشناس اقتصاد انرژی با تأکید بر اینکه مشکل مصرف بنزین تنها راهکار قیمتی ندارد و باید مجموعه‌ای از راهکارها را برای مدیریت آن به کار برد، گفته است «رایگان‌سازی حمل و نقل عمومی، نوسازی ناوگان و واردات خودروهای کم‌مصرف و نیز مهار تورم انتظاری سه راهکاری هستند که می‌توانند به دولت کمک کنند.»

وی با اشاره به تبعات رکودی شوک‌درمانی سوخت بر شرایط کنونی اقتصاد کشور توضیح داده: «حتی اگر قیمت بنزین به لیتری یک میلیون تومان هم برسد، راه‌حل نهایی نیست چراکه بخش عمده پیمایش خودروها مربوط به تردد به محل کار، سفرهای شغلی و زنجیره کسب و کارها از حمل

و بحران را از اتاق‌های سیاست‌گذاری به متن جامعه و کف خیابان منتقل می‌کند.»

در این میان افزودن متانول به بنزین در پالایشگاه‌ها و حتی افزودن آب به بنزین در برخی جایگاه‌های سوخت نیز بیانگر وضعیت بحرانی توزیع بنزین در کشور زیر سایه ناکارآمدی دولت، حتی در بخش نظارت، است.

وحید قانع‌فر مدیرعامل شرکت نفت «ستاره خلیج فارس» استفاده از متانول در ترکیب بنزین این پالایشگاه را تأیید کرد.

«انجمن خودروسازان ایران» پیش از این در نامه‌ای هشدار داده بود که استفاده از متانول در بنزین سیستم سوخت‌رسانی، باک، فیلتر و پمپ بنزین، لوله های فلزی، واشرها و قطعات پلاستیکی اتومبیل‌ها را دچار خوردگی شدید می‌کند.

رضا سپهوند، سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس، نیز استفاده از حدود نیم‌درصد متانول در بنزین را تأیید کرد و البته ادعا کرد این حجم از متانول مشکلی برای اتومبیل‌ها ایجاد نمی‌کند.

با اینهمه گزارش‌های شهروندان از افزایش خرابی اتومبیل‌ها

تشکیل «قرارگاه جنگ اقتصادی» در وزارت اقتصاد دولت پزشکیان



● مرتضی زمانیان، معاون وزارت اقتصاد، از تشکیل «قرارگاه جنگ اقتصادی» برای هماهنگی و حل سریع مسائل اقتصادی ناشی از شرایط جنگ خبر داد. زمانیان اضافه کرد که حوزه تمرکز این قرارگاه در وهله نخست، وظایف و اختیارات وزارت اقتصاد در حوزه‌های مختلف است.

● پیشنهاد تشکیل «قرارگاه جنگ اقتصادی» هفته آخر امرداد از سوی دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی در نامه‌ای به مسعود پزشکیان مطرح شد.

● جواد حسینی‌کیا، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی، هشدار داده نقدینگی کشور در آستانه رسیدن به رقم ۱۷ هزار هزار میلیارد تومان است و هرگونه افزایش آن، تورم را دو تا سه برابر تشدید می‌کند.

● به عقیده کارشناسان، کاهش تورم ماهانه در تیر و امرداد در حالی که تورم سالانه و نقطه به نقطه همچنان در حال افزایش است به علت کاهش تقاضا برای خرید کالا بوده است. به بیان دیگر کاهش تورم ماهانه در تیر و امرداد امسال به علت گسترش عمیق فقر در میان جامعه بوده و نه به علت عملکرد مثبت عبدالناصر همتی!

معاون وزیر اقتصاد از راه‌اندازی «قرارگاه جنگ اقتصادی» در وزارت اقتصاد با هدف ایجاد هماهنگی سریع برای حل مسائل اقتصادی در شرایط جنگی خبر داده است. در آنسو اما اقتصاددانان عملکرد نامطلوب دولت را عامل اصلی تشدید بحران‌های اقتصادی از جمله افزایش نرخ ارز و افزایش نرخ تورم و گسترش فقر ارزیابی می‌کنند.

مرتضی زمانیان، معاون وزارت اقتصاد، از تشکیل «قرارگاه جنگ اقتصادی» برای هماهنگی و حل سریع مسائل اقتصادی ناشی از شرایط جنگ خبر داد. زمانیان اضافه کرد که حوزه تمرکز این قرارگاه در وهله نخست، وظایف و اختیارات وزارت اقتصاد در حوزه‌های مختلف است.

مرتضی زمانیان گفته قرارگاه جنگ اقتصادی با هدف ایجاد هماهنگی و سرعت بخشی به حل مسائل اقتصادی ناشی از شرایط جنگ تشکیل شده است. او افزوده «هدف این است که در مواردی که برای حل یک مساله نیاز به همکاری و هماهنگی چند دستگاه وجود دارد، هماهنگی لازم انجام شود و موضوعات درگیر بروکراسی میان دستگاه‌ها باقی نماند.»

به گفته معاون وزیر اقتصاد «حوزه تمرکز این قرارگاه در وهله نخست، وظایف و اختیارات وزارت اقتصاد در حوزه‌های مختلف است و تلاش می‌شود مسائلی که در جریان جنگ برای بنگاه‌ها، تجارت، تأمین مالی و سایر بخش‌های اقتصادی ایجاد شده، در چارچوب ظرفیت‌های وزارتخانه با سرعت بیشتری پیگیری و حل‌وفصل شود.

او افزوده «وزارت اقتصاد از طریق ظرفیت‌های خود در سیاست‌گذاری اقتصادی کلان کشور، بازوهای دیگر در اختیار مثل کمیسیون اقتصادی دولت و ستاد اقتصادی دولت، برای ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌ها و پیگیری موضوعات در سطح بالای دولت استفاده خواهد کرد.»

علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی نیز روز یکشنبه ۱۵ شهریورماه ۱۴۰۵ طی سخنانی مدعی شد «پاسخ ایران به فشار اقتصادی آمریکا، مقاومت و اصلاحات اقتصادی است» و افزود «اقتصاد ایران مجموعه‌ای بزرگ است که در سال‌های گذشته و در سخت‌ترین شرایط

تحریمی، راه‌های جدیدی برای تولید، تجارت و تأمین مالی پیدا کرده است.»

پیشنهاد تشکیل «قرارگاه جنگ اقتصادی» هفته آخر امرداد از سوی دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی مطرح شد. محمدعلی امانی دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی هفته آخر امرداد امسال در نامه‌ای به مسعود پزشکیان خواستار تشکیل «قرارگاه عالی جنگ اقتصادی» یا «قرارگاه مرکزی عملیات ارزی و کالا» با فرماندهی واحد شد. او نوشته بود: «این ساز و کار باید هماهنگی میان دستگاه‌ها در حوزه ارز، کالا، معیشت، تولید و مقابله با اخلالگران را افزایش دهد و مدیریت بازار را از وضعیت واکنشی به مدیریت فعال و پیش‌نگر تبدیل کند.»

دولت مسعود پزشکیان در حالی از تشکیل این قرارگاه خبر داده که در ماه‌های گذشته عملکرد بانک مرکزی درباره مدیریت نرخ ارز با انتقادهای زیادی روبرو بوده است. از سوی دیگر دولت برای جبران کسری بودجه اقداماتی انجام داده که سبب افزایش رقم نقدینگی در اقتصاد و در نتیجه تحریک تورم شده است. در آنسو افزایش تورم در ماه‌های گذشته با سرعت زیادی همراه بوده و اقشار مختلف با بحران جدی معیشتی و فقر روبرو هستند.

جواد حسینی‌کیا، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی، اعلام کرده نقدینگی کشور در آستانه رسیدن به رقم ۱۷ هزار هزار میلیارد تومان است و هرگونه افزایش آن، تورم را دو تا سه برابر تشدید می‌کند. او تأکید کرده سیاست‌گذاری نادرست تاکنون باعث شده این نقدینگی مانند سیل، بازارهای سکه، ارز، مسکن و خودرو را ویران کند.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی افزوده «با وجود اینکه ۲۰ تا ۶۰ میلیارد دلار ارز در دست مردم (معادل درآمد یک سال نفتی) وجود دارد، دولت نتوانسته با بسته‌ای مناسب، اعتماد مردم را جلب کند تا این نقدینگی به سمت تولید و اشتغال هدایت شود؛ این بزرگترین چالش اقتصادی کشور است.»

عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی، که بسیاری از تحلیلگران او را ساکنان تیم اقتصادی دولت پزشکیان می‌دانند، با وجود وعده‌ها و فراقته‌ها نتوانسته در کنترل قیمت ارز و نرخ تورم موفق عمل کند. در تیر و امرداد امسال نرخ تورم ماهانه نسبت به ماه‌های پیشتر کمتر شد اما نرخ تورم سالانه و نقطه به نقطه همچنان روندی صعودی را نسبت به ماه‌های پیشتر طی کرد. عبدالناصر همتی این روند را موفقیتی در کارنامه مدیریت اقتصادی خود ارائه کرد اما اقتصاددانان از فاجعه پشت این تغییرات ارقام خبر می‌دهند.

به عقیده کارشناسان اقتصادی کاهش تورم ماهانه در حالی که تورم سالانه و نقطه به نقطه همچنان در حال افزایش است به علت کاهش تقاضا برای خرید کالا از سوی شهروندانی است که درآمدهای آنها حتی کفاف پوشش ضروری‌ترین هزینه‌ها را هم نمی‌دهد. به بیان دیگر کاهش تورم ماهانه در تیر و امرداد امسال به علت گسترش عمیق فقر در میان جامعه بوده و نه به علت عملکرد مثبت عبدالناصر همتی!

مرتضی افقه اقتصاددان با هشدار درباره اینکه الگوی فقر افغانستان در ایران نیز در حال شکل‌گیری است گفته «امروز کالا در بازار، فروشگاه‌ها و سوپرمارکت‌ها وجود دارد، اما قیمت کالاها به اندازه‌ای افزایش یافته که بسیاری از مردم توان خرید آنها را ندارند. کاهش تقاضا به معنای کاهش نیاز مردم نیست؛ بلکه در بسیاری از موارد ناشی از کاهش توان خرید است.»

مرتضی افقه گفته «برخی از ما می‌پرسند چرا افغانستان با وجود مشکلات متعدد، تورم تکرر می‌دارد. پاسخ این است که فقر در آن کشور بالاست و زمانی که فقر افزایش پیدا کند، تقاضای مؤثر نیز کاهش می‌یابد و فشار کمتری بر بازار و قیمت‌ها وارد می‌شود.»

این اقتصاددان هشدار داده «ما نیز در حال نزدیک شدن به چنین وضعیتی هستیم» و تأکید کرده «نباید کاهش تقاضای ناشی از کاهش قدرت خرید را به عنوان یک دستاورد سیاستی تلقی کرد.»

هشدار یک اقتصاددان: احتمال بروز تورم ۶۰۰ درصد در ایران!



بیش از ۲۴ میلیون تومان افزایش یافته است. وبسایت «اقتصاد ۲۴» گزارش داده بازارهای مالی ایران در روزهای اخیر زیر فشار هم‌زمان ریسک‌های سیاسی، تنش‌های منطقه‌ای و افزایش انتظارات تورمی قرار گرفته‌اند. دلار با عبور از مرز ۲۲۰ هزار تومان و طلا و سکه با ثبت رکوردهای تازه، بار دیگر نشان دادند که در فضای نااطمینانی، سرمایه‌ها به سمت دارایی‌های امن‌تر حرکت می‌کنند.

اقتصاد ایران در حالی با التهاب شدید روبروست و این التهاب بطور مستقیم بر معیشت خانوارها منتقل می‌شود که فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت روز جمعه ۱۳ شهریورماه ۱۴۰۵ در اظهارتی گفته: «دولت فشار اقتصادی بر مردم و کمبودها را انکار نمی‌کند».

این ادعا در شرایطی مطرح می‌شود که اقدامات دولت برای جبران کسری بودجه به محرک مهم تورم در کشور تبدیل شده است. در همین رابطه مرتضی افقه اقتصاددانان و تحلیلگر اقتصادی در یادداشتی نوشته: «ما از ابتدای انقلاب تا کنون همواره در شرایط «نه جنگ، نه صلح» با زیگزاگ‌های متفاوت قرار داشته‌ایم اما از سال ۱۳۹۷ به اینسو، واقعا وارد شرایط جنگ اقتصادی شدیم. برای کشوری که اقتصاد و متغیرهای اقتصادی آن تا این اندازه به روابط خارجی وابسته است، پس از اعمال تحریم‌های شدید، باید شرایط فوق‌العاده و سیاست‌ها و اقتضات خاص این وضعیت در نظر گرفته می‌شد. متأسفانه حکمرانان زیر بار پذیرش این شرایط نرفتند و بسیاری از سیاست‌ها به ویژه در حوزه اقتصاد، عمدتاً سیاست‌هایی بود که برای یک کشور پیشرفته با رونق مناسب اقتصادی و همچنین یک کشور باثبات و بدون دغدغه سیاسی طراحی شده بود».

این اقتصاددان با تأکید بر اینکه «ضروری است هرچه سریع‌تر تنش و جنگ حل و فصل شود»، گفته: «اولویت نظام تصمیم‌گیری باید رشد اقتصادی، رفاه و معیشت مردم باشد و پس از آن، اولویت‌های سیاسی قرار گیرد. در غیر اینصورت روند اضمحلال اقتصاد کشور همچنان ادامه خواهد داشت».

حرکت کنیم. در چنین وضعیتی ارزش پول ملی به شدت سقوط می‌کند و ریال آن‌قدر تضعیف می‌شود که ممکن است به وضعیتی شبیه برخی تجربه‌های تورمی در ونزوئلا و آرژانتین برسیم.» به گفته این استاد دانشگاه، «منابع ارزی کاهش پیدا کرده و دولت حتی برای تأمین ارز کالاهای اساسی و دارو با محدودیت مواجه شده است و پرهیز از جنگ یکی از مهم‌ترین راهکارهای پیشگیری از وقوع ابرتورم محسوب می‌شود. ابرتورم می‌تواند در راه باشد، مگر اینکه با تدبیر بتوانیم از طرف مقابل امتیازاتی بگیریم، حکمرانی اقتصادی را توسعه دهیم و از فشارهایی که به افزایش نقدینگی منتهی می‌شود، پرهیز کنیم».

این استاد دانشگاه همچنین هشدار داده: «اگر با آمریکا به تفاهم نرسیم، ممکن است اتحادیه اروپا نیز کاملاً با آمریکا همراه شود و در آن‌صورت مشکلات ما چند برابر خواهد شد. ابرتورم زمانی رخ می‌دهد که اقتصاد دچار تورم مزمن باشد و تورم مزمن در کشور ما به یکی از بالاترین نرخ‌های تورم در جهان رسیده است. این تورم مزمن و دهشتناک، زندگی را برای توده‌های مردم سخت کرده و زمینه را برای بی‌ثباتی اقتصادی فراهم کرده است.» او ادامه جنگ را محرک شکنندگی بودجه کشور ارزیابی کرده و گفته: «ما هم‌اکنون با بحران برق و بنزین مواجه هستیم. بنا بر گزارش‌های رسمی مقامات کشور، یک‌چهارم ظرفیت گازی کشور نیز از بین رفته است. اکنون که یک‌چهارم ظرفیت گازی ما در جنوب کشور آسیب دیده، احتمالاً زمستان ساده‌ای نخواهیم داشت. بنابراین افزایش تنش در حوزه سیاست خارجی و افزایش ناترازی در بودجه کشور بسیار خطرناک است».

آمارهای اقتصادی و قیمت‌ها در بازار ارز هم نشان از وضعیت بحرانی اقتصاد ایران دارد. بر اساس ادعای دولت نرخ تورم به مرز ۹۰ درصد رسیده است. از سوی دیگر قیمت دلار از مرز ۲۲۲ هزار تومان عبور کرده است. قیمت پوند بریتانیا نیز به بیش از ۳۰۰ هزار تومان و قیمت هر یورو ۲۵۸ هزار و ۶۵۰ تومان اعلام شده است. در بازار طلا نیز قیمت هر سکه طلا به ۲۳۴ میلیون تومان، و قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار به

● مهدی پازوکی اقتصاددان و استاد دانشگاه با تأکید بر اینکه «اقتصاد ایران میان تورم مزمن و خطر ابرتورم گرفتار شده» گفته: تندروری داخلی و فشار خارجی نسخه خطرناک اقتصاد ایران است و در صورت تداوم شرایط کنونی بروز ابرتورم و عبور نرخ تورم سالانه از ۶۰۰ درصد وجود دارد.

● وبسایت «اقتصاد ۲۴» گزارش داده، بازارهای مالی ایران در روزهای اخیر زیر فشار هم‌زمان ریسک‌های سیاسی، تنش‌های منطقه‌ای و افزایش انتظارات تورمی قرار گرفته‌اند. دلار با عبور از مرز ۲۲۰ هزار تومان و طلا و سکه با ثبت رکوردهای تازه، بار دیگر نشان دادند که در فضای نااطمینانی، سرمایه‌ها به سمت دارایی‌های امن‌تر حرکت می‌کنند.

مهدی پازوکی اقتصاددان و استاد دانشگاه با تأکید بر اینکه اقتصاد ایران میان تورم مزمن و خطر ابرتورم گرفتار شده، گفته تندروری داخلی و فشار خارجی نسخه خطرناک اقتصاد ایران است و در صورت تداوم شرایط کنونی بروز ابرتورم و عبور نرخ تورم سالانه از ۶۰۰ درصد وجود دارد.

مهدی پازوکی در گفتگو با وبسایت «فرارو» وضعیت اقتصاد ایران را بحرانی و بروز ابرتورم را محتمل دانست. او توضیح داد: «ادامه تنش‌های خارجی، کاهش درآمدهای نفتی و ناترازی بودجه» تورم اقتصاد ایران را به شدت افزایش داده و در چنین شرایطی ادامه جنگ، تحریم، کاهش صادرات نفت و رشد کسری بودجه، تورم را به سوی ابرتورم سوق خواهد داد.» مهدی پازوکی گفته: «در حال حاضر ما با مشکل فروش نفت و تأمین مالیات مواجه هستیم. همچنین فعالیت بنگاه‌های اقتصادی کاهش پیدا کرده و صادرات کمتری داریم. بنابراین تأمین بودجه با مشکلات جدی مواجه است و مشکل بودجه نیز به مشکل تورم منتهی می‌شود. مجموعه ناترازی‌ها و سیاست‌هایی که تنش با غرب را تشدید می‌کند، باعث می‌شود اگر هرچه سریع‌تر مشکلات را حل نکنیم، به سمت ابرتورم حرکت کنیم».

این اقتصاددان هشدار داده: «اگر مسئله ابرتورم مدیریت نشود، ممکن است به سمت تورم سالانه بالای ۶۰۰ درصد

کمبود گاز در پاییز و زمستان «جدی» است

این در حالیست که به گفته کارشناسان، تحمیل کمبود انرژی و سوخت بر بخش صنعت از یکسو سبب کمبود گرانی کالاها و افزایش تورم، و از سوی دیگر افزایش نرخ بیکاری می‌شود. کارشناسان معتقدند: «توقف یا کاهش تولید در صنایعی مثل سیمان، فولاد و صنایع غذایی، عرضه برخی کالاها را در بازار داخلی محدود می‌کند. کاهش عرضه، در کنار هزینه بالاتر تولید با سوخت جایگزین، می‌تواند فشار قیمتی به‌همراه داشته باشد؛ فشاری که در نهایت به مصرف‌کننده نهایی منتقل می‌شود. برای خانوارها، این یعنی احتمال افزایش هزینه برخی کالاهای اساسی و مصالح ساختمانی در ماه‌های سرد سال.»

اخراج نیروی کار به علت کاهش سطح فعالیت واحدهای تولیدی و صنعتی با هدف کاهش هزینه‌ها از دیگر پیامدهای انتقال فشار کمبود سوخت و انرژی بر بخش صنعت است. کارشناسان اتاق بازرگانی ایران می‌گویند توقف موقت خطوط تولید در واحدهای صنعتی می‌تواند به کاهش ساعات کاری یا اخراج کارکنان، با تعطیلی موقت برخی کارگاه‌ها منجر شود، به ویژه در صنایعی که وابستگی بالایی به گاز طبیعی دارند و امکان جابجایی سریع به

دلیل آن را مصرف بالای گاز عنوان کرده و مدعی شده است این مشترکان علاوه بر داخل ساختمان، در حیاط ویلا نیز دارای استخر روباز گرم هستند. او توضیح نداده چرا باید شهروندان در تابستان و با وجود هوای گرم از استخر با آب داغ استفاده کنند!

آرش نجفی، رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران، ۱۸۰ میلیون مترمکعبی گاز برای تأمین نیاز کشور در ماه‌های پیش رو را قطعی دانسته و گفته کمبود گاز در پاییز و زمستان امسال «جدی» است.

او توضیح داده: «دولت در این شرایط برای تأمین نظر عموم مردم و مصارف خانگی، ناگزیر است فشار این کسری را به بخش صنعت منتقل کند. اعمال فشار و قطع گاز صنایع نیز تبعات سنگینی چون توقف تولید و بروز مشکلات بسیار جدی، از جمله عدم تأمین ارز مورد نیاز کشور را به همراه خواهد داشت. با توجه به پیش‌بینی پرودت شدید هوا در سال جاری، کشور با چالشی بسیار جدی در تأمین گاز خود مواجه خواهد بود.»

آرش نجفی افزوده: «ندانم‌کاری‌های ۱۰ تا ۱۲ سال گذشته و سوء مدیریت در حوزه مصرف انرژی- علی‌الخصوص

● ایران دارنده دومین ذخایر گاز طبیعی در جهان در پی عدم سرمایه‌گذاری مؤثر و توسعه صنعت گاز طی سال‌های گذشته با کمبود گاز روبرو بود و بخش صنعت و کشاورزی بار کمبود گاز را به دوش می‌کشیدند.

● امسال اما با توجه به آسیب‌دیدگی بخشی از تأسیسات گاز ایران در جنگ اخیر و آغاز ساز و کار تشدید فشارهای اقتصادی بر جمهوری اسلامی از سوی ایالات متحده بحران گاز عمیق‌تر از سال‌های گذشته خواهد بود.

● آرش نجفی، رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران، ۱۸۰ میلیون مترمکعبی گاز برای تأمین نیاز کشور در ماه‌های پیش رو را قطعی دانسته و گفته کمبود گاز در پاییز و زمستان امسال «جدی» است.

با گذشت حدود دو هفته از اجرای طرح فشار حداکثری اقتصادی ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی و در حالی که بخش انرژی سال‌هاست با کمبود سرمایه‌گذاری مؤثر و توسعه روبرو بوده، کارشناسان نسبت به کمبود بیش از پیش گاز در پاییز و زمستان امسال هشدار می‌دهند.

ایران دارنده دومین ذخایر گاز طبیعی در جهان در پی



سوخت دیگر را ندارند! کمبود گاز در پاییز و زمستان آینده آنقدر جدی شده که روزنامه اطلاعات نیز در مطلبی خواستار دورکاری ادارات و مدارس به دلیل کمبود سوخت و انرژی شده و نوشته: «به تصریح مقامات ارشد کشور ناترازی سوخت در سه بخش بنزین، گازوئیل و گاز، هر روز بیشتر از دیروز خودنمایی کرده و کمبودها در آینده نزدیک با آغاز به کار مدارس، دانشگاه‌ها و فرارسیدن فصول سرد سال بیشتر هم خواهد شد.» در ادامه این مطلب آمده: «به نظر می‌رسد بهترین و کم‌ضررترین راه برای کاهش مصرف سوخت، دورکار کردن بخش بزرگی از ادارات و مجموعه‌های غیرضروری دولتی، بنیادها، نهادها و مجموعه‌های حکومتی بعلاوه مدارس و دانشگاه‌ها در پاییز و زمستان پیش رو است. چراکه دورکاری ادارات غیر ضروری باعث جلوگیری از مصرف میلیون‌ها لیتر سوخت ناشی از تردد کارمندان در تهران و شهرستان‌ها و کاهش مصرف آب و برق و گاز ادارات می‌شود.»

عدم اصلاح ساختارهای نیروگاه‌های حرارتی و عدم اصلاح الگوهای مصرف گاز در بخش خانگی- سبب شده است که امروز هم صنایع ما آسیب ببینند و هم راندمان پایین نیروگاه‌ها، بدون بازدهی مناسب، حجم عظیمی از گاز را مصرف کرده و خسارت ایجاد کند.»

رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران همچنین با انتقاد از عملکرد دولت برای مدیریت بحران کمبود انرژی گفته: «متأسفانه دولتمردان ما فاقد یک نقشه راه کلان برای مدیریت اقتصادی کشور در حوزه انرژی هستند. معاونتی هم که اخیراً به این منظور تأسیس شده است، آمادگی، توان و دانش مواجهه با چنین مسئله دشواری را ندارد. به نظر می‌رسد نه تجربه و نه سواد تخصصی لازم در آن مجموعه وجود ندارد و تمام برنامه‌ریزی آنها صرفاً بر تئوری افزایش قیمت، واقعی‌سازی قیمت‌ها و کاهش مصرف از این مسیر متمرکز شده است که این امر یکی از بزرگترین نقاط ضعف این معاونت به شمار می‌رود.»

عدم سرمایه‌گذاری مؤثر و توسعه صنعت گاز طی سال‌های گذشته با کمبود گاز روبرو بود و بخش صنعت و کشاورزی بار کمبود گاز را به دوش می‌کشیدند. امسال اما با توجه به آسیب‌دیدگی بخشی از تأسیسات گاز ایران در جنگ اخیر و آغاز ساز و کار تشدید فشارهای اقتصادی بر جمهوری اسلامی از سوی ایالات متحده بحران گاز عمیق‌تر از سال‌های گذشته خواهد بود. بر اساس ادعای مقامات حکومتی، حدود یک سوم از ظرفیت تولید گاز ایران که معادل ۲۳۰ میلیون مترمکعب است در جریان جنگ آمریکا با جمهوری اسلامی کاهش یافته است.

نخستین آثار کمبود گاز در روزهای گذشته نیز نمایان شده است. بر اساس گزارش‌ها، در نیمه تابستان که مصرف گاز در کشور به حداقل می‌رسد برخی مشترکان از دریافت قبوض با ارقام چندصد میلیون تومانی و یک میلیارد تومانی خبر داده‌اند. سعید توکلی، مدیر عامل شرکت ملی گاز ایران، صدور قبوض میلیاردی برای برخی شهروندان در تهران را تأیید و

هشدار درباره افزایش ترک تحصیل کودکان در سال تحصیلی جدید

فرزندانشان تعیین کننده باشد.»
به گفته این کارشناس، «هزینه تحصیل فقط شهریه نیست؛ سرویس، لباس فرم، لوازم التحریر و هزینه‌های جانبی نیز بر تصمیم خانواده‌ها اثر می‌گذارد. در تهران، نرخ سرویس مدارس بر پایه مسافت، نوع خودرو و شرایط مسیر تعیین می‌شود و گزارش‌های منتشر شده از ارقام سالانه بسیار متفاوتی حکایت دارد.»

محمدرضا نیک‌نژاد می‌گوید: «نه تنها در ایران، بلکه در جهان، مدرسه با این بحران روبرو است. آموزش رسمی در جهان و البته در ایران دچار بحران است. این بحران به این معناست که مدرسه حرف تازه یا حرف دندان‌گیری برای بچه‌ها ندارد؛ غیر از اینکه عموماً نوعی نظم پادگانی در آن وجود دارد.»

او افزود: «از سوی جامعه و همچنین مدرسه، مدیران، معاونان و معلمان، فشارهایی بر دانش‌آموز وارد می‌شود. در برابر تحمل این فشارها، آنقدر چیزی برای بچه‌ها وجود ندارد که بخواهند در آن چارچوب بمانند و آن را تحمل کنند.»

محمدرضا نیک‌نژاد افزود: «سال گذشته تعطیل شد، اما هزینه سرویس برای بعضی خانواده‌ها و بعضی مسیرها تا ۱۰ میلیون تومان بود. تعیین قیمت به مسیر بستگی دارد و امسال احتمالاً بسیار بالاتر از این قیمت باشد. شرکت واسطه و نگاه مدیر هم بر آن اثرگذار است.»

او گفته «سرویس گاهی برای بعضی مدارس، یک منبع درآمد هم هست؛ یعنی درصدی از پول‌هایی که گرفته می‌شود به مدرسه تعلق می‌گیرد. مثلاً در بعضی مدارس، لباس فرم که تهیه می‌کنند، قراردادی است و اگر مبلغی از خانواده‌ها گرفته شود، بخشی از آن برای بخش دیگر مدرسه هزینه می‌شود.»

بر اساس تأکید محمدرضا نیک‌نژاد، آموزش رسمی باید بتواند با زندگی امروز و آینده دانش‌آموز ارتباط برقرار کند: «آموزش باید به گونه‌ای باشد که برای امروز و فردای دانش‌آموز مفید باشد. امروز آموزش و پرورش ایران و شاید بخش‌هایی از نظام آموزشی در دیگر کشورهای جهان نیز حرفی برای امروز و فردای دانش‌آموز ندارد. به همین دلیل، بسیاری از دانش‌آموزان تمایل چندانی به حضور در مدرسه ندارند. اینکه بخواهند به اجبار در کلاسی بنشینند که چیزی برایشان ندارد، چرا باید انجام شود؟»

او در بخش دیگری از این گفتگو به عبارت «بازمانده از تحصیل» و «ترک تحصیل» اشاره کرده است؛ دو مفهومی که به گفته نیک‌نژاد، در عمل مرز کاملاً مشخصی میان آن‌ها وجود ندارد.

نیک‌نژاد درباره تفاوت این دو مفهوم گفته: «ترک تحصیل به نوعی اقدامی خودخواسته است؛ البته مرز مشخص و خط‌کشی دقیقی میان این دو وجود ندارد. بعضی افراد به دلیل قرار گرفتن در شرایط نامناسب، به شکل خودخواسته از تحصیل خارج می‌شوند. در برخی موارد نیز این تصمیم با خانواده هماهنگ شده یا فرد به دلیل شرایط موجود ناگزیر به ترک تحصیل می‌شود. در هر حال، شرایطی که در جامعه وجود دارد، بر این تصمیم‌ها تأثیر می‌گذارد.»

او درباره مفهوم «بازماندگی از تحصیل» نیز گفته: «در مورد بازماندگی از تحصیل، آموزش و پرورش به دلیل شرایط موجود، توان پوشش دادن همه بخش‌ها را ندارد و در نتیجه تعدادی از دانش‌آموزان از تحصیل بازمی‌مانند.»

و کفش و لباس فرم و نوشت‌افزار و... تهیه کنند. این در حالیکه برخلاف آنچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده، تحصیل در مدارس دولتی نیز رایگان نیست و ارقام مختلفی تحت شهریه و کمک به مدرسه و... از اولیا دریافت می‌شود.

به این ترتیب بسیاری از خانواده‌هایی که با درآمد‌های ناچیز به زیر خط فقر سقوط کرده‌اند نه تنها توان مالی پوشش هزینه‌های تحصیل فرزندان خود را ندارند بلکه بخشی از آنها نیازمند اشتغال فرزندان برای کمک به مخارج خانواده هستند. اینهمه سبب شده که دامنه ترک تحصیل دانش‌آموزان از مناطق محروم به شهرهای بزرگ و پایتخت نیز برسد.

به تازگی ویدئویی از یکی از بازرسان آموزش و پرورش در پایتخت منتشر شده که درباره ترک تحصیل دانش‌آموزان در تهران هشدار داده و می‌گوید: «از یک مدرسه ۴۰۰ نفره، حدود ۷۰ دانش‌آموز از ادامه تحصیل بازمانده‌اند.»

اگرچه آمار دقیق و شفافی از آمار کودکان ترک تحصیل کرده در ایران در دست نیست اما وزارت آموزش و پرورش مجموع بازماندگان از تحصیل در سال ۱۴۰۴ را ۹۱۹ هزار



و ۸۵۵ نفر اعلام کرده است. کارشناسان آموزش این رقم را کمتر از آمار واقعی ارزیابی کرده و هشدار می‌دهند، امسال با توجه به وضعیت وخیم اقتصادی و تورم فزاینده، شمار ترک تحصیل دانش‌آموزان افزایش قابل توجهی خواهد یافت.

محمدرضا نیک‌نژاد، کارشناس آموزش، در گفتگو با وبسایت «فرارو» گفته: «روند کلی در ایران، متأسفانه، این شده است که بچه‌ها به دلایل متفاوت از تحصیل بازمی‌مانند. اقتصاد یکی از نکته‌های مهم است. خانواده‌ها تحت فشارند و هزینه‌های زندگی افزایش پیدا کرده است.»

او ادامه می‌دهد: «یکی از دغدغه‌های خانواده‌ها، مسئله آموزش و تحصیل است. آموزش و تحصیل یک امر فرهنگی است و معمولاً در بحران‌های اقتصادی و شکل‌های دیگر بحران، بخش‌های فرهنگی آسیب می‌بینند؛ که در اینجا آموزش است. به هر حال، به نظر من اقتصاد، به‌ویژه برای خانواده‌های زیر خط فقر، می‌تواند در ترک تحصیل

یکی از بازرسان آموزش و پرورش در ویدئویی که به تازگی منتشر شده، درباره ترک تحصیل دانش‌آموزان در تهران هشدار داده و گفته: «از یک مدرسه ۴۰۰ نفره، حدود ۷۰ دانش‌آموز از ادامه تحصیل بازمانده‌اند.»

مهدی کلانتری، فعال صنفی نوشت‌افزار، گفته است که قیمت کاغذ نسبت به سال گذشته بیش از ۳۰۰ درصد افزایش یافته؛ افزایشی که مستقیماً هزینه تولید دفتر و دیگر محصولات کاغذی را بالا برده است.

افزایش دو تا سه برابری نوشت‌افزار، لباس فرم مدرسه، کیف، کفش و سرویس حمل و نقل و شهریه از جمله بحران‌های مالی خانواده‌هایی است که فرزند دانش‌آموز دارند.

محمدرضا نیک‌نژاد، کارشناس آموزش، با اشاره به اینکه یکی از دلایل اصلی ترک تحصیل دانش‌آموزان بحران اقتصادی خانواده‌هاست گفته هزینه تحصیل فقط شهریه نیست؛ سرویس، لباس فرم، لوازم‌التحریر و هزینه‌های جانبی نیز بر تصمیم خانواده‌ها اثر می‌گذارد.

یکی از بازرسان آموزش و پرورش در ویدئویی که به تازگی منتشر شده درباره ترک تحصیل دانش‌آموزان در تهران هشدار داده و گفته: «از یک مدرسه ۴۰۰ نفره، حدود ۷۰ دانش‌آموز از ادامه تحصیل بازمانده‌اند.» این اظهارات بار دیگر موضوع ترک تحصیل دانش‌آموزان را در شرایطی که هزینه تحصیل با افزایش دو تا سه برابری روبروست و اکثر جمعیت کشور زیر خط فقر قرار دارند برجسته کرده است. اعداد و ارقام از افزایش سرسام‌آور هزینه تحصیل در ایران حکایت دارند. افزایش دو تا سه برابری نوشت‌افزار، لباس فرم مدرسه، کیف، کفش و سرویس حمل و نقل و شهریه از جمله بحران‌های مالی خانواده‌هایی است که فرزند دانش‌آموز دارند.

مهدی کلانتری، فعال صنفی نوشت‌افزار، در گفتگو با وبسایت «دیده‌بان ایران» گفته است، قیمت کاغذ نسبت به سال گذشته بیش از ۳۰۰ درصد افزایش یافته؛ افزایشی که مستقیماً هزینه تولید دفتر و دیگر محصولات کاغذی را بالا برده است.

به گفته او، قیمت سایر اقلام نوشت‌افزار نیز دست‌کم ۵۰ درصد افزایش یافته و میزان گرانی برخی کالاها از ۲۰۰ درصد فراتر رفته است.

مهدی کلانتری گفته میزان افزایش قیمت به نوع کالا، مواد اولیه، برند و وابستگی آن به واردات بستگی دارد. محصولات داخلی عموماً افزایش قیمت کمتری داشته‌اند، اما اقلام وابسته به واردات و مواد اولیه خارجی بیشتر گران شده‌اند.

بر اساس توضیحات این فعال صنفی، «در بازار فعلی، کالاهای مشابه حتی با قیمت‌های متفاوت عرضه می‌شوند. بخشی از محصولات موجود، از ذخایر سال گذشته و با قیمت‌های قدیمی است، در حالی که کالاهای تازه با هزینه‌های جدید تولید و واردات به بازار رسیده‌اند.»

بر اساس گزارش‌ها، سقوط قدرت خرید خانوارها از سال گذشته تا کنون به حدی عمیق بوده که موج مهاجرت گسترده کودکان از مهدکودک‌ها و مدارس خصوصی و غیرانتفاعی به مهدها و مدارس دولتی را به دنبال داشته است.

با اینهمه حتی کودکان در مدارس دولتی نیز باید کیف

حداد عادل: به دلیل شرایط جنگ، فعلاً نمی‌توانیم آنطور که باید وارد مسئله حجاب شویم!



● غلامرضا حداد عادل: مسئله حجاب را ببینید که حالا ما به دلیل شرایط جنگ فعلاً وارد این جبهه نمی‌توانیم. آنگونه که باید شویم. ولی در مدرسه‌ها آثار آن مشهود خواهد بود؛ یعنی کار خیلی سخت‌تر از سال ۶۰ شده که ما شروع به کار کرده بودیم.

● اگرچه انتقادات به دولت پزشک‌ها برای اجرا نشدن «قانون حجاب و عفاف» افزایش یافته اما بخش‌هایی از این قانون از جمله اخذ جریمه نقدی از زنانی که پوشش اختیاری دارند مدت‌ها با ادعای «اجرای آزمایشی» اعمال شده بود.

● در هفته‌های گذشته ده‌ها کافی‌شاپ، رستوران، سالن ورزشی، آرایشگاه و... در شهرهای مختلف به علت آنچه «عدم رعایت شئون اسلامی» خوانده شد پلمب شدند.

● به نظر می‌رسد حکومت در تلاش است با نادیده گرفتن بخشی از آزادی‌های محدود پوشش که جامعه ایران به بهای جان هزاران شهروند پس از اعتراضات سال ۱۴۰۱ کسب کرده، پایگاه اجتماعی نابودشده نظام را ترمیم کند و در این مسیر معتقد است با سرکوب به بهانه «حجاب» خواهد توانست جامعه را به عقب رانده و تسلط خود بر خیابان را تشدید و تثبیت نماید تا از بروز اعتراضات سراسری احتمالی جلوگیری شود!

در حالی که موضوع حجاب اجباری در روزهای گذشته بار دیگر از سوی حکومت مطرح شده، غلامرضا حداد عادل، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، اعلام کرده به دلیل شرایط جنگ، فعلاً نمی‌توانیم آنطور که باید وارد مسئله حجاب شویم!

غلامرضا حداد عادل، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، در یک سخنرانی حجاب اختیاری در جامعه را که طی چهار سال گذشته با مبارزه مدنی زنان و مردان در ایران گسترش یافته، «سبک زندگی منحن غربی» خوانده که توسط «دشمن» ترویج شده است.

وی در بخشی از این سخنرانی گفته: «مسئله حجاب را ببینید که حالا ما به دلیل شرایط جنگ فعلاً وارد این جبهه نمی‌توانیم آنگونه که باید شویم. ولی در مدرسه‌ها آثار آن مشهود خواهد بود؛ یعنی کار خیلی سخت‌تر از سال ۶۰ شده که ما شروع به کار کرده بودیم.»

اشاره غلامرضا حداد عادل به دهه شصت مربوط به قوانین جرم‌انگازانه علیه زنان برای رعایت حجاب اجباری و سرکوب زنان ایران با این ابزار بود تا از زنان ایران «الگوی زن مسلمان» بسازند!

مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۸ مرداد ۱۳۶۲ قانون مجازات اسلامی را تصویب کرد که در آن با جرم‌انگاری علیه شهروندانی که از پوشش اختیاری استفاده می‌کنند برای عدم رعایت حجاب اجباری در معابر عمومی مجازات تعیین شد.

حجاب اجباری اگرچه از همان دهه شصت تا کنون با مقاومت زنان ایران روبرو شد اما از چهار سال پیش و پس از برگزاری اعتراضاتی که با کشته شدن مهسا امینی توسط نیروهای گشت ارشاد آغاز شد، زنان ایران در اعتراضات

حجاب» را که در سال ۱۴۰۳ در مجلس تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسیده بود، به دلیل «ابلاغ مکتوب شورای عالی امنیت ملی» ابلاغ نکرده است.

مجید انصاری، معاون حقوقی پزشک‌ها، نیز روز چهارشنبه ۱۸ شهریورماه ۴۰۵ درباره اجرا نشدن این قانون در دولت مسعود پزشک‌ها گفت که بعد از بررسی‌ها مشخص شد که این قانون «اشکالات جدی» دارد. وی افزود: «بسیاری از مواد آن اساساً قابلیت اجرا ندارد و پیش‌بینی می‌شد اجرای آن مشکلاتی برای کشور، امنیت شغلی افراد، پیوستگی اجتماعی و همبستگی اجتماعی ایجاد کند.»

اگرچه مردم ایران طی سال‌های گذشته گام به گام حجاب اجباری را پس زدند و پوشش اختیاری را در جامعه رواج دادند، اما همچنان «حجاب» ابزاری مهم در دست حکومت برای سرکوب جامعه و فشار علیه زنان به کار می‌رود. مهدی رزاقی‌نژاد دادستان مرکز استان گلستان روز گذشته اعلام کرد: «دستگاه‌های اجرایی مسئول در حوزه عفاف و حجاب مکلف‌اند وظایف قانونی خود را انجام دهند و ترک فعل دستگاه‌های متولی [مسئول] در این حوزه قابل پذیرش نیست.»

همچنین در هفته‌های گذشته ده‌ها کافی‌شاپ، رستوران، سالن ورزشی، آرایشگاه و... در شهرهای مختلف ایران به علت آنچه «عدم رعایت شئون اسلامی» خوانده شد پلمب شدند.

به نظر می‌رسد حکومت در تلاش است با نادیده گرفتن بخشی از آزادی‌های محدود پوشش که جامعه ایران به بهای جان هزاران شهروند پس از اعتراضات سال ۱۴۰۱ کسب کرده، پایگاه اجتماعی نابودشده نظام را ترمیم کند و در این مسیر معتقد است با سرکوب به بهانه «حجاب» خواهد توانست جامعه را به عقب رانده و تسلط خود بر خیابان را تشدید و تثبیت نماید تا از بروز اعتراضات سراسری احتمالی جلوگیری شود!

مدنی و بی‌سابقه روسری‌های خود را سوزاندند و در معابر عمومی با پوشش اختیاری حضور یافتند؛ جنبشی که به «زن زندگی آزادی» معروف شد. این کارزار مدنی طی چهار سال گذشته با حمایت مردان نیز همراه بوده و بارها ویدئوهایی منتشر شد که نشان می‌داد مردان از زنان با پوشش اختیاری که با حمله مأموران سرکوب و انتقاد افراد متعصب مذهبی روبرو شده‌اند حمایت می‌کنند.

اکنون در بسیاری از شهرهای ایران زنان با پوشش اختیاری و بدون روسری در معابر عمومی حاضر می‌شوند. در هفته‌های گذشته حکومت موضوع حجاب را بار دیگر به عنوان ابزاری برای سرکوب جامعه برجسته کرده است. بسیاری از نیروهای رژیم و نمایندگان مجلس شورای اسلامی از دولت برای اجرا نشدن قانون معروف به «حجاب و عفاف» انتقاد کرده‌اند.

سعید کرمی، معاون فرهنگی و سیاسی نهاد نمایندگی رهبر جمهوری اسلامی در دانشگاه‌ها، نیز دو روز پیش از تدوین دستورالعملی درباره حجاب در دانشگاه‌ها خبر داده و گفته این دستورالعمل قرار است از سوی وزارت علوم و وزارت بهداشت ابلاغ شود.

به گفته‌ی او، این دستورالعمل در جلسات مشترک با مسئولان آموزش عالی در وزارتخانه‌های علوم و بهداشت تدوین شده است. سعید کرمی در همین حال قوانین موجود درباره حجاب را «بسیار خوب» خوانده و هشدار داده «قطعاً شاهد اتفاقات تلخی که بعضاً در سطح خیابان‌ها می‌بینیم، در دانشگاه نخواهیم بود.»

اگرچه انتقاد به دولت پزشک‌ها برای اجرا نشدن «قانون حجاب و عفاف» افزایش یافته اما بخش‌هایی از این قانون از جمله اخذ جریمه نقدی از زنانی که پوشش اختیاری دارند مدت‌ها با ادعای «اجرای آزمایشی» اعمال شده بود.

از سوی دیگر محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، شهریور سال گذشته اعلام کرد که قانون «عفاف و

بازار کساد نوشتافزار زیر سایه گرانی و سقوط قدرت خرید خانوارها



کیهان

نوشتافزار را تأیید کرده و گفته که پرداخت این قیمت‌ها از توان بسیاری خانوارها خارج است و در نتیجه بازار لوازم التحریر امسال کساد است و در رکود بسر می‌برد.

محسن گلستانی افزوده: «مشکل اصلی بازار لوازم‌التحریر در شرایط فعلی، بیش از آنکه مربوط به عرضه باشد، به کاهش تقاضا بازمی‌گردد. کاهش قدرت خرید خانوارها موجب شده خانواده‌ها در آستانه سال تحصیلی با احتیاط بیشتری خرید کنند و به سمت کالاهای اقتصادی‌تر [ارزان‌تر و با کیفیت پایین] بروند.»

این فعال صنفی به روزنامه «اعتماد» گفته: «در سال‌های گذشته خانواده‌ها معمولاً در اواخر مرداد و اوایل شهریورماه برای خرید بخش عمده لوازم مورد نیاز فرزندان خود اقدام می‌کردند، اما امسال این اتفاق نیفتاده است.»

به گفته رئیس اتحادیه لوازم‌التحریر، در بازار حتی اصطلاحی وجود دارد که می‌گویند هنوز بوی سر کلاس نمی‌آید؛ یعنی موج معمول خریدهای پیش از آغاز سال تحصیلی شکل نگرفته است. یکی دیگر از عوامل موثر بر کاهش تقاضا، تردید خانواده‌ها نسبت به نحوه برگزاری مدارس است. تجربه سال گذشته که بخشی از سال تحصیلی به شکل غیرحضور برگزار شد، باعث شده برخی خانواده‌ها نسبت به خرید حجم بالای لوازم‌التحریر احتیاط کنند.

محسن گلستانی همچنین پیش‌بینی کرده: «خرید لوازم التحریر برعکس سال‌های گذشته به صورت یکجا انجام نشود و خانوارها به علت کاهش قدرت خرید، ماهانه اقلام مورد نیاز کودکان خود را تأمین کنند.» او توضیح داده: «خانواده‌ها ممکن است در ابتدای سال تنها کالاهای ضروری را خریداری کنند و در ماه‌های بعد، متناسب با شرایط مدارس و میزان مصرف، دوباره برای خرید لوازم‌التحریر اقدام کنند.»

به عقیده این فعال صنفی، کاهش قدرت خرید باعث شده خانواده‌ها علاوه بر کاهش حجم خرید، در انتخاب کالا نیز محتاط‌تر شوند و به سمت محصولات ارزان‌تر و اقتصادی‌تر حرکت کنند. همین مسئله موجب شده فعالان بازار انتظار رونق قابل توجهی برای بازار نوشتافزار در سال جاری نداشته باشند.

قیمت دارد. بسته‌های ۱۲ رنگ از حدود ۱۴۰ هزار تومان شروع می‌شوند و در مدل‌های گران‌تر به ۴۰۰ هزار تومان می‌رسند. مدل‌های جعبه‌استوانه‌ای نیز در گروه گزینه‌های گران‌تر قرار دارند و قیمت آنها تا ۶۰۰ هزار تومان می‌رسد. دفترچه یادداشت ساده حدود ۶۰ هزار تومان قیمت دارد اما نمونه‌های فانتزی و طرح‌دار که معمولاً مورد انتخاب دانش‌آموزهای دبستانی هستند بین ۱۳۰ تا ۱۸۰ هزار تومان به فروش می‌رسند. دفتر ۶۰ برگ سیمی نیز حدود ۱۰۰ هزار تومان هزینه دارد و مدل‌های طرح‌دار و فانتزی آن تا حدود ۲۰۰ هزار تومان عرضه می‌شوند. دفترهای ۸۰ برگ در بازه ۱۳۰ تا ۳۰۰ هزار تومان قرار دارند. هر دانش‌آموز به چند دفتر مختلف در طول سال تحصیلی نیاز دارد که این موضوع هزینه خرید دفتر برای هر دانش‌آموز را به یک تا چند میلیون تومان افزایش می‌دهد.

قیمت جامدادی بر اساس شکل و طرح آن از حدود ۱۰۰ هزار تومان آغاز و جامدادی‌های تبتلی در میان گزینه‌های گران‌تر بازار و مورد علاقه دانش‌آموزان هستند که قیمت آنها از ۵۰۰ هزار تومان تا بیش از یک میلیون تومان است. قیمت بطری آب نیز در مدل‌های ارزان‌تر و البته بی‌کیفیت از ۱۰۰ هزار تومان آغاز و به بیش از یک میلیون تومان می‌رسد. قیمت ظرف غذا نیز از نیم تا یک میلیون تومان است.

بر اساس گزارش‌های میدانی هزینه خرید کیف و کفش و نوشتافزار یک دانش‌آموز برای یک سال تحصیلی، در صورتی که اقلام اقتصادی [ارزان و با کیفیت پایین] را خریداری کند، ۱۵ میلیون تومان خواهد شد. به بیان دیگر اگر یک خانواده دو فرزند دانش‌آموز داشته باشد باید حداقل ۳۰ میلیون تومان فقط برای کیف و کفش و نوشتافزار فرزندانش هزینه کند. این هزینه به جز هزینه‌های دیگر مانند شهریه و لباس فرم و ... است.

اینهمه در حالیست که درآمد یک کارگر در صورت دریافت همه مزایای شغلی مانند حق مسکن و حق اولاد حدود ۲۵ میلیون تومان در ماه است!

محسن گلستانی، رئیس اتحادیه لوازم‌التحریر، در گفتگو با روزنامه «اعتماد» افزایش ۵۰ تا ۱۰۰ درصدی اقلام

● مخارج نوشتافزار تنها بخشی از هزینه‌های آغاز سال تحصیلی است. شهریه مدرسه، هزینه سرویس رفت‌وآمد، لباس فرم، کفش، و اقلام دیگر سبب می‌شود هزینه ماهانه خانوارها در شهریورماه به شدت افزایش پیدا کند.

● فعالان صنف فروشندگان نوشتافزار از افزایش دو برابری قیمت اقلام مختلف نوشتافزار نسبت به سال گذشته خبر می‌دهند. از دفتر و پاک‌کن و مداد چند صد هزار تومانی تا مدادرنگی و جامدادی‌های میلیونی!

● هزینه خرید کیف و کفش و نوشتافزار یک دانش‌آموز برای یک سال تحصیلی، در صورتیکه اقلام ارزان‌تر و با کیفیت پایین را خریداری کند، ۱۵ میلیون تومان خواهد شد. به بیان دیگر اگر یک خانواده کارگری دو فرزند دانش‌آموز داشته باشد باید حداقل ۳۰ میلیون تومان فقط برای کیف و کفش و نوشتافزار آنها هزینه کند در حالیکه درآمد یک کارگر در صورت دریافت همه مزایای شغلی حدود ۲۵ میلیون تومان در ماه است.

افزایش قیمت نوشتافزار بیش از تورم عمومی اقتصاد از شهریور گذشته تا کنون بوده و امسال نیز خانوارها برای تهیه نوشتافزار برای فرزندان محصل‌شان زیر بار سنگین فشار اقتصادی قرار دارند.

نوشتافزار تنها بخشی از هزینه‌های آغاز سال تحصیلی است. شهریه مدرسه، هزینه سرویس رفت‌وآمد، لباس فرم، کفش، و اقلام دیگری که سبب می‌شود هزینه ماهانه خانوارها در شهریورماه به شدت افزایش پیدا کند. فعالان صنف فروشندگان نوشتافزار از افزایش دو برابری قیمت اقلام مختلف نوشتافزار نسبت به سال گذشته خبر می‌دهند. از دفتر و پاک‌کن و مداد چند صد هزار تومانی تا مدادرنگی و جامدادی‌های میلیونی از جمله اقلام موجود در بازار هستند.

بر اساس گزارش‌های میدانی، هر مداد ساده در بازار حدود ۴۰ تا ۴۴ هزار تومان عرضه می‌شود. مدل‌های بسته‌ای نیز با توجه به تعداد و کیفیت قیمت‌های متفاوتی دارند. برای نمونه یک بسته سه‌عددی حدود ۱۶۰ هزار تومان و بسته چهارعددی نزدیک به ۲۰۰ هزار تومان فروخته می‌شود.

مدادتراش یکی دیگر از وسایل ضروری لیست لوازم تحریر کلاس اولی‌ها است. ارزان‌ترین تراش‌های ساده را می‌توان با حدود ۵۰ هزار تومان پیدا کرد در حالی که مدل‌های مخزن‌دار معمولاً بین ۶۸ تا ۱۲۰ هزار تومان قیمت دارند.

انتخاب تراش رومیزی هزینه بیشتری دارد. قیمت این مدل‌ها از حدود ۹۶۰ هزار تومان آغاز می‌شود و در نمونه‌های گران‌تر به حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان می‌رسد. پاک‌کن نیز در لیست لوازم تحریر کلاس اولی‌ها قرار دارد. خانواده‌هایی که به دنبال گزینه‌های اقتصادی هستند می‌توانند پاک‌کن ساده را با حدود ۳۰ تا ۶۰ هزار تومان تهیه کنند. مدل‌های فانتزی اما هزینه بیشتری دارند. برای نمونه پاک‌کن ژله‌ای حدود ۱۷۹ هزار تومان فروخته می‌شود و مدل طرح‌دار چهارعددی حدود ۲۱۸ هزار تومان قیمت دارد. نمونه‌های فانتزی نیز تا حدود ۲۲۰ هزار تومان عرضه می‌شوند.

خط‌کش و چسب نواری و قیچی نیز از دیگر اقلام این لیست هستند. خط‌کش پلاستیکی ۲۰ سانتی‌متری حدود ۵۰ هزار تومان قیمت دارد اما مدل‌های ۳۰ سانتی‌متری طرح‌دار و فانتزی بین ۱۶۵ تا ۱۹۵ هزار تومان فروخته می‌شوند. یک بسته شش‌عدد مدادرنگی بین ۷۰ تا ۱۲۰ هزار تومان



وزیر خزانه‌داری آمریکا:
اتحادیه اروپا رسماً به «عملیات طرد اقتصادی»
علیه جمهوری اسلامی پیوست



تحریم سه نهاد مستقر در
ترکیه به اتهام همکاری در تأمین
مالی «سپاه قدس»



وزیر خزانه‌داری آمریکا:
احتمالاً فقط حدود ۳۰ میلیون بشکه نفت ایران
باقی مانده که چین هنوز نخریده است



پیام شاهزاده رضا پهلوی
به خانواده‌های جاویدنامان:
شما تنها نیستید!



عشدار شاهزاده رضا پهلوی به «وزیر صحتی و رهبر مفلوشت»:
گمان نکنید با گشتار ده‌ها هزار میهن‌پرست
توانسته‌اید اراده ملت را درهم بشکنید!



افزایش قیمت نان در
استان هرمزگان



تیغ عملیات «طرد اقتصادی» بر
شریان‌های تأمین ارز جمهوری اسلامی



عشدار یک اقتصاددان:
احتمال بروز تورم ۶۰۰ درصد در ایران!



ماجرای بحران کمبود بنزین
و گازوئیل در ایران



کمبود گاز در پاییز و زمستان
«جدی» است



سقوط قدرت خرید شهروندان:
افزایش ۴۰ درصدی فروش لوازم خانگی
دست دوم



ادامه افزایش قیمت دارو:
آموکسیسیلین بیش از یک میلیون تومان!



قیمت قبر در ایران میلیاردری شد!



آمریکا یک نفتکش جمهوری اسلامی
را در حوالی خاگ هدف قرار داد



دلار در مرز ۲۳۰ هزار تومان;
فراقتنی رئیس کل بانک مرکزی درباره
سقوط ارزش پول ملی



تشکیل «قرارگاه جنگ اقتصادی»
در وزارت اقتصاد دولت پزشکیان



افزایش دو برابری نرخ سوم بنزین
توسط دولت پزشکیان:
موج جدید گرانی کالا و خدمات در راه است!



بازار کساد نوشت‌افزار زیر سایه
گرانی و سقوط قدرت خرید خانوارها



گزارش نیویورک پست:
خواهران دولتی اصفهانی در زندان مرگ
جمهوری اسلامی



تدوین دستورالعمل جدید برای
حجاب در دانشگاه‌ها



شیوع گسترده کرونا و آنفولانزا در ایران:
واکسن نیست و شهروندان به علت هزینه بالا،
درمان را رها می‌کنند



تورم ۱۰۰ درصدی در راه است:
طرح‌های بی‌خاصیت حمایتی و جامعه‌ای
در زیر خط فقر!



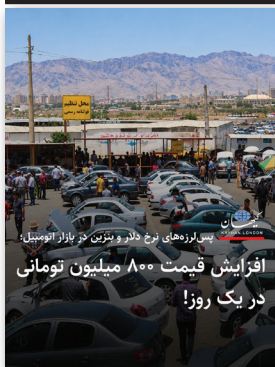
قیمت یک شانه تخم‌مرغ بیشتر
از دستمزد روزانه کارگران



قیمت دلار از ۲۳۰ هزار تومان
عبور کرد



انگرفنگی استان‌های گیلان و مازندران
در پی بارش باران:
از بی‌اعتنایی به توسعه زیرساخت‌های شهری
تا ساخت‌وسازهای بدون نظارت!



افزایش قیمت ۸۰۰ میلیون تومانی در یک روز!
بازارهای بزرگ دلار و یورو در بازار «توسیل»



تحریم ۳۵ شرکت، ایرلاین، نهاد و فرد در ارتباط با صنعت هوانوردی حکومت ایران



اکونومیست: پس از سه سال جنگ، «محور مقاومت» دیگر یک محور نیست



رقم دلاری حقوق کارگران در ایران به ۷۶ دلار در ماه کاهش یافت



نیویورک پست: عمان پیشنهاد جمهوری اسلامی برای دریافت عوارض از کشتی‌ها در تنگه هرمز را رد کرد



افزایش قیمت جهانی نفت به بیش از ۱۰۰ دلار در هر بشکه



بریتانیا تحریم‌های سخت‌تری علیه جمهوری اسلامی وضع کرد



تنگه هرمز: زمان دیگر به سود جمهوری اسلامی نیست



پس از بیست سال، آمریکا و اروپا به دنبال ارجاع پرونده اتمی جمهوری اسلامی به شورای امنیت



یک جامعه‌شناس ساکن ایران: جامعه به شدت آبدستن اعتراضات و تکرار دی‌ماه دیگر نیست



بهران کمبود و گرانی دارو عمیق‌تر می‌شود: بدهی ۷۷ هزار میلیارد تومانی به داروخانه‌ها



طرح استیضاح وزیر اقتصاد با ۴۷ امضا به جریان افتاد



بهران جدید جمهوری اسلامی: کاهش جمعیت «خودی»‌ها در تجمعات شبانه



ارزیابی اطلاعاتی اسرائیل: جمهوری اسلامی در حال آماده‌شدن برای حمله به اسرائیل است



آیا جنگ آمریکا و جمهوری اسلامی به جنگ منطقه‌ای تبدیل شده است؟ نگاه دیگران



هشدار درباره افزایش ترک تحصیل کودکان در سال تحصیلی جدید



نماینده مجلس شورای اسلامی: عملاً در آستانه جنگ جهانی سوم قرار داریم



سانتریفیوژهای IR-6؛ آتش زیر خاکستر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی



کارت زرد نمایندگان مجلس به وزیر ارتباطات



«شرکت در نماز جمعه»، مجازات جمهوری اسلامی علیه شهروندان معترض!



قیمت هر کیلو گوشت قرمز به بیش از دو میلیون تومان رسید



شورای حکام پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی را به شورای امنیت ارجاع داد



یک اقتصاددان: افزایش قیمت بنزین اثری بر کاهش مصرف ندارد



واژگونی اتوبوس حامل کارگران معدن زغال‌سنگ «همکار»



درگیری شدید میان حوثی‌ها و نیروهای عربستان؛ تشدید تنش‌های منطقه‌ای



عکس هفته | تسلیم در برابر اراده مردم

«حجاب» همواره یکی از مهمترین ابزارهای ایدئولوژیک جمهوری اسلامی بود اما مردم ایران از اعتراضات سراسری شهریورماه ۱۴۰۱، که با کشته شدن مهسا امینی توسط مأموران «گشت ارشاد» آغاز شد، در یک مبارزه مدنی فراگیر پوشش اختیاری را برقرار کردند و حکومت را در برابر خواست و اراده خود تسلیم کردند. به تازگی موضوع حجاب بار دیگر به عنوان ابزاری برای سرکوب جامعه مطرح شده است؛ اما غلامعلی حداد عادل، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، گفته «به دلیل شرایط جنگ، فعلا نمی‌توانیم آنطور که باید وارد مسئله حجاب شویم!»